

فرهنگ اصطلاحات حقوق بشرو حقوق بين المللى

تهیه و ترتیب

بنفشه " ملکزاد "

پوهندوی محمد محسن " فرید "

مترجم

محمد شریف " پسندی "

تمویل کننده: حکومت کانادا (از طریق نمایندگی بین المللی انکشاف کانادا)

ایدلو (2007) حق طبع محفوظ است.

تمام موضوعاتی که محتوای این کتاب را تشکیل میدهد برای استفاده شخصی یوده و غیر تجارتي می باشد. حق طبع آن محفوظ بوده و ایلو ویا کسانیکه مؤلف آن است از آن نظارت می کند.

معرفی کتاب

نام کتاب: فرهنگ اصطلاحات حقوق بشر و حقوق بین المللی

ناشر: سازمان بین المللی انکشاف حقوق

تمویل : حکومت کانادا

چاپ : دوم اصلاح شده .عقرب 1387 مطابق د سمبر 2008

تیراژ: (2000)

طبع : مطبعه حبیب الله حسیب

مندرجات

سیاسگزاری.....

معرفی.....

فهرست اصطلاحات تعریف شده.....

تعریف اصطلاحات.....

ضمیمه ها:

ضمیمه (I) اعلامیه جهانی حقوق بشر.....

ضمیمه (II) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.....

ضمیمه (III) میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ضمیمه (VI) کنوانسیون منع شکنجه وسایر رفتارها و مجازات

ظالمانه غیر انسانی یا تحقیر آمیز.....

ضمیمه (V) کنوانسیون بین المللی حقوق اطفال.....

ضمیمه (IV) کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان.....

فهرست منابع.....

بسم الله الرحمن الرحيم

اظهار سپاس

کتاب حاضر تلاشی است برای معرفی لغات و اصطلاحات مربوط به حقوق بشر و حقوق بین المللی. این کتاب میتواند به عنوان یک منبع برای افراد وسازمانهای که به تحوی با مسایل حقوق بشر در ارتباط هستند مفید واقع شود. اینگونه لغات واصطلاحات به طور روز افزون در منابع تخصصی حقوقی ونیز کتب ونشرات عمومی به چشم می خورد که گویای علاقمندی فوق العاده جامعه جهانی به مسایل حقوق بشر میباشد.

سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO) تصمیم گرفت تا به همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان این کتاب را از منابع معتبر ترجمه نموده ودر اختیار علاقمندان قرار دهد. دراین جا بایستی صمیمانه از زحمات و کمک های محترمه خانم بنفشه " ملکزاده " مشاور حقوقی سازمان بین المللی انکشاف حقوق ومحترم پوهندوی محمد محسن " فرید " مشاور حقوقی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که در ترتیب ، تکمیل وچاپ این کتاب مساعی به خرج داده اند، اظهار سپاس نماییم. وهمچنین از زحمات آنعده همکاران محترم که در ترجمه این کتاب

بذل مساعی نموده اند، قدردانی نماییم. بدون تلاش خستگی نا پذیر دست اندرکاران، امکان نداشت تا چنین کتابی را در اختیار داشته باشیم. امید داریم در راه خدمت به علم و فرهنگ در این کشور موفق باشند.

نظریات و پیشنهادات سالم و ارزشمند شما باعث غنا مندی هر چه بیشتر این اثر خواهد گردید، طوریکه در چاپ دوم از نظریات و پیشنهادهای دانشمندان محترم محمد ابولا رار رامیز پور و محترم پوهاند دوکتور ودیر صافی در قسمت تصحیح نهائی متن استفاده گردیده است، از ایشان ابراز سپاس و تشکر مینمایم. منتظر نظریات عالمانه تان هستیم.

سازمان بین المللی انکشاف حقوق
کابل _____ افغانستان

فهرست اصطلاحات:

- آدم ربایی - Abduction (of person)
آسیب غیر ضروری - Unnecessary Suffering
آپارتاید - Apartheid
آزادی های مدنی - Civil liberties
آزادیهای چهارگانه (در سخنرانی روزیولت) - Four Freedoms (Roosevelt speech)
آزادی - Freedom
آزادی های بنیادی - Fundamental Freedoms
آزادخواهی - Liberalism
آزادی - Liberty
آشوب - Riot
احترام (به حقوق بشر) - Respect (for human rights)
اطاعت اجباری - Servitude
امضاء کننده - Signatory
امضای قابل تجدید نظر - Signatory/Signature Ad Referendum
امضاء - Signature
اصل تساوی حاکمیت - Sovereign Equality
ارائه شکایت - Standing
اعدام غیر قانونی - Summary Execution
انتقال (نورمها) - Transformation (of norms)
اصول (شهر) ترکو ابو - Turku Abo Principles
اعلامیه و برنامه عملی ویانا - Vienna Declaration and program of Action
اصل متممیت (سیستمها/صلاحیتهای قضایی)
Complementarity (of Judicial Systems/Jurisdiction)
التزام مثبت - Affirmative Obligation
اصول بنیادی - Basic Principles
اشد مجازات - Capital punishment
اشیاء غیر نظامی - Civilian Objects
استعمار - Colonialism
اصالت جامعه - Communitarian
اعتراض وجدان (به تعهدات نظامی/ملکی) - Conscientious Objection (To Military/Civil Obligation)

اتفاق رای (رای سازمانی) – Consensus
 امپریالیزم فرهنگی - Cultural imperialism
 اقدام دیپلماتیک - Demarche
 اعلان الغاء/اتهام نقض (پیمان یا شکایت) - Denunciation(of Treaty or Complaint)
 اخراج/ردمرز (فرد از یک کشور) - Deportation
 امانت دار (بندمعاهده) - Depository (Clause of Treaty)
 انکشاف (روند/حق به) - Development (Process/Right to)
 اثر یا تاثیر طرف ثالث (تاثیر وظیفه معیاری) – Drittwirkung (Effect of Normative Obligation)
 اکراه – Duress
 اطمینان حاصل نمودن از (احترام به حقوق بشر) – Ensure (*Respect For Human Rights*)
 اخراج اجباری (بیگانه گان از کشور) - Expel/Expulsion (of Alien from state)
 استرداد (مظنون جنایی) - Extradition (of criminal suspect)
 انتخابات آزاد و عادلانه - Free and Fair Election
 اختیارت تام - Full Powers
 اصول عمومی حقوق (منبع معیاری) (source of Norms) (اثر افقی (تاثیرتعهد معیاری)
 General Principles of Law
 از توان افتاده(جنگجو) - Hors De Combat (Combatant)
 (اصل) انسانیت (قانون بر خوردهای مسلحانه) –
 Humanity (Principle) (LOAC
 امپریالیزم - Imperialism
 اصل غیر محدود به مرور زمان (تخطی جنایی) (Imprescriptability (Criminal Offense)
 الحاق (نورمهای بین المللی) - Incorporation (of International Norms)
 اصالت فرد - Individualism
 اتحاد ملتها – League of Nations
 اقلیت زبانی/گروه – Linguistic Minority/Group
 استحقاق (یک قضیه/شکایت) – Merits (of a Case/Complaint)
 اقلیت (گروهی از مردم) – Minority (Group of People)
 امنیت ملی (محدودیت) – National Security (Limitation)
 اتهام به نفس
 Nemu Tenetur Edere Contra Se (Principle against Self-Incrimination)
 اصل عدم تبعیض - Nondiscrimination (Principle)
 اصل عدم اخراج - Non Refoulement (Principle)
 اصل قانونیت مجازات - NULLUM CRIMEN, NULLA POENA SINE (Principle)
 اصول نورمبرگ – Nuremberg Principles (1945)
 اعتراض – Objection (To Reservation To Treaty)
 اذیت – persecution
 افراد تحت اختیار دشمن - Persons in the Power of Enemy
 اراده سیاسی (دولتها) - Political Will (of States)
 اصل بری الذمه (قانون جزایی) (Presumption of Innocence (Principle of Criminal Law)
 اصل (قانون) – Principle (of Law)
 اصل تفسیر و تطبیق قانون - Pro Homine (Principle of Application and Interpretation)
 اشخاص محفوظ - Protected Persons
 امن عامه - Public Safety (Limitation)
 اسیر جنگی - Prisoner of War

اهالی غیر نظامی - Civilians
 اعدام ماورای قضائی (اعدام بدون حکم محکمه) – Extrajudicial Execution
 اعلامیه – Declaration
 اصل دو جانبه (Principle) Bilateral
 انارشی – Anarchy
 بی نظیر – Sui Generis
 به نسبت شرایط – Ratione Conditionis (Principle)
 به دلیل موقعیت – Ratione Loci (Territorial Jurisdiction)
 به دلیل مادی – Ratione Materiae (Subject Matter Jurisdiction)
 به دلیل شخص – Ratione Personae (Personal Jurisdiction)
 به دلیل اعتبار – Ratione Standi (Standing)
 به دلیل زمان – Ratione Temporis (Temporal Jurisdiction)
 به رسمیت شناختن (دولت/حکومت) – Recognition (Of State/Government)
 بردگی – Slavery
 بردباری/ تحمل پذیری - Tolerance
 به اساس پیمان - Treaty Based
 با حسن نیت - Bona Fide
 به طور واضح و آشکار (قید لاتینی) — *Expressis verbis*
 برخورد مسلحانه بین المللی - Internationalized Armed Conflict
 به همدیگر وابسته بودن - Interrelatedness
 بشر دوستانه - Humanitarian
 به طور کامل - *IN TOTO*
 بطور آشکار دارای شکایت بی اساس – Manifestly ILL-Founded (Complaint)
 برخورد مسلحانه مختلط – Mixed Armed Conflict
 بی طرفی – Neutrality
 بررسی/حقیقت یابی در ساحه - On Site Investigation/Fact Finding
 باورداشتن به قانون/ اجماع حقوقدانان - Opinio Juris
 به خاطر وظیفه - Ex Officio
 برتری - Primacy(of judicial Jurisdiction)
 بررسی و تفتیش (تلاشی) - Search
 بیجا شدگان داخلی - Internally displaced persons
 بیسوادی - Illiteracy
 بیکاری - Unemployment
 بهره کشی یا سوء استفاده از اطفال - Child Exploitation
 پیوستن - Adhesion, Adherence
 پیروی از رویه قضایی - Stare Decisis
 پیمان - Treaty
 پذیرش (نص پیمان) – Adoption (of Treaty Text)
 پیگرد نمودن/ تحویل دادن (اصل) - Aut Dedere Aut Judicare (Principle)
 پناهنده عملی - DE Facto refugee
 پرداخت ارفاقی - Ex gratia payment
 پیمان عمومی – General Treaty
 پیمان، معاهده قانون گذاری – Law-making Treaty
 پیوند (با حقوق بشر) – Linkage (to human rights)

پیمان الگویی – Model Treaty
 پیمان چند جانبه – Multilateral Treaty
 پروتوکول اختیاری - Optional Protocol
 پناهندگی سیاسی- Political Asylum
 پروتوکول (پیمان) - Protocol (To Treaty)
 پناهجو - Asylum Seeker
 پناهنده در محل یا پناهنده مکان - Refugee Sur Place
 پناهنده - Refugee
 پناهنده غیر متعارف (درمقابل پناهنده پیمانی)- Non Conventional Refugee
 تعلیق(شرط حقوق بشر) - Derogation(of human rights clause)
 تصدیق - Authentication
 توقیف احتیاطی- Preventative Detention
 تبعیض نژادی – Racial Discrimination
 تصویب (معاهده،سند – Ratification (Treaty, Instrument of)
 توجیه (سیستمهای حقوق بشر) – Rationalization (of Human Rights Systems)
 تلافی/معامله بالمثل - Reprisal
 تلافی جویانه - Retaliation
 تعزیرات - Sanctions
 تضمین کردن (وظایف حقوق بشر)- Secure (Human Rights Obligations)
 تعیین معیار - Standard Setting
 ترمیم یا تفسیر صریح قانونی- Strict interpretation/Construction (of law)
 تمامیت ارضی - Territorial Integrity
 تخطی/نقض- Violation
 تجاوز / محاربه - Belligerence, Belligerency
 تصمیم(یک کمیسیون/ کمیته) - Decision (of a Commission/Committee)
 تحریک کردن (مردم یا گروه را به تنفر از دیگران) – Demonize/Demonization (people/group)
 تدوین قوانین - Codification
 تبعیض/فرق گذاری- Discrimination(Principle)
 تنوع- Diversity
 تصفیه نژادی- Ethnic cleansing
 توسل به تمام مراجع دادخواهی داخلی - Exhaustion of Domestic Remedies
 تخطی فاحش(حقوق بشری) – Gross Violation (of Human Rights)
 تعهدات (وظایف) – Erge Omnes (Obligations)
 تطبیق (نورمهای حقوق بشر)- Implementation (of Human Rights Norms)
 تقنیش/بررسی به منظور حقیقت یابی- in loco(Investigation/Fact-finding/Visit)
 تدابیر موقتی- Interim Measures
 تفسیر- Interpretation
 تجدید نظر قضایی- Judicial Review
 تابعیت به اساس خون – Jus Sanguinis (Principle of Citizenship)
 تابعیت به اساس خاک – Jus Soli (Principle of Citizenship)
 تحت محاکمه/قابل دادرسی - Justiciable
 تاثیر (یک قانون) در قلمرو خارجی- Extra territorial Effect (of a law)
 تطبیق فرامرزی (نورم)- Extraterritorial Application(of Norm)
 تاریخچه قانونگذاری – Legislative History
 تحدید – Limitation

تطبیق/مفاد ماده – Material Application/Scope
تفاهم نامه – Memorandum Of Understanding (MoU)
تخفیف (حکم جزائی) – Mitigation (of Criminal Sentence)
تغییرات لازم را انجام دادن – Mutatis Mutandis

تقابل رضایت /وظیفه – Mutuality of Consent/Obligation
تابعه/ملی- National
تابعیت- Nationality

تعهد نفیی (در مقابل تعهد اثباتی) - Negative Obligation

تداوم رعایت توافق - Pacta sunt servanda

تعهد مثبت- Positive Obligation

تجویز شده توسط قانون - Prescribed by law

تحقق متداوم - Progressive Realization

تناسب- Proportionality

تابعیت- Nationality

تبعیض نژادی- Racial Discrimination

توقیف- Detention

توقف پیگرد - DESISTEMENT

توقیف قبل از محاکمه- Pretrial Detention

توقیف اداری یا ماموری (توقیف احتیاطی)- Administrative Detention

جنگ داخلی - Civil War

جرایم عمده - Core Crime

جبران خسارت – Redress

جهان سوم - Third World

جبران - Compensation

جهانی بودن (حقوق بشر) - Universality (of Human Rights)

جنگ - War

جبران داخلی – Domestic Remedy

جبران موثر - Effective Remedy

جوس کوگنس - JUS COGENS (Norm)

جنسیت – Gender

جنگ گوریلابی – Guerrilla War

جرم نفرت- Hate Crime

جرائم بین المللی - International Crimes

چیزهای مطلوب/(واژه لاتینی) - DESIDERATA

حق بشری مطلق / Absolute (Human) Right

حراست / حفاظت - Safeguards

حقوق بشر سکتوری- Sectorial Human Rights

حقوق بشر اجتماعی - Social Human Rights

حقوق همبستگی - Solidarity Rights

حد اقل قواعد معیاری(ملل متحد)- Standard Minimum Rules (UN)

حالت محاصره - State of Siege

(حقوق بشر)امرار معاش (حقوق بشر) Subsistence (Human rights)

حکومت استبدادی- Tyranny/Tyrant

حقوق بشری زنان- Women Human Rights

Animus Belligerande - حالت مخاصمه -
 Attack - حمله
 Basic Human Rights - حقوق بنیادی بشر -
 Bearer - حامل ، دارنده -
 Children Right - حقوق اطفال -
 Civil Human Right - حقوق بشر مدنی -
 Classical Rights - حقوق کلاسیک -
 Civil Right - حق مدنی -
 Collective(human)Rights - حقوق بشر دسته جمعی(درمقابل حقوق بشر فردی)-
 Core (human) rights - حقوق بشر عمده -
 Cultural (human)Right - حقوق بشر فرهنگی-
 Declaratory (Human Rights) – (حقوق بشری) اعلانی –
 DE JURE (در مقابل عملی)-
 Derogable(Human)Rights - حقوق بشر قابل تعلیق -
 Domestic law(Vs.international law) – (در مقابل حقوق بین الملل) -
 Economic (human) Rights – (حقوق اقتصادی) بشری) -

 حوزه قضاوت فرامرزی- EXTRA TERRETORIAL JURISDICTION
 حل و فصل دوستانه - Friendly Settlement
 حقوق (بشر) گروهی – Group (Human) Rights
 حقوق سخت و صریح (در مقابل حقوق نرم و مبهم) - Hard Law(vs. Soft law)
 حامل ، دارنده(حقوق بشر) - Holder(of Human Rights)
 حقوق بشر - Human Right
 حقوق بشر فوری(در مقابل حقوق بشر تدریجی)- Immediate Human Rights(VS. Progressive Human Rights)
 حبس یا زندانی کردن- Imprisonment(of person)
 حقوق غیر قابل انتقال - Inalienable Rights
 حمله/اعمال فشار یکسره - Indiscriminate Attack/Force
 حقوق فردی (در مقابل حقوق گروهی)- Individual Rights(Vs.Group Rights)
 حقوق بین المللی- International Law
 حق تمامیت یا کمال- Integrity Right
 حق دفاع- JUS ADD BELLUM
 حق قابل تغییر - JUS DISPOSITIVUM
 حق در جنگ – Jus in bello
 حقوق فطری - Jus Naturale
 حقوق کارگر – Labor Rights
 حقوق قانونی – Legal Rights
 حق حضور در محکمه – Locus Standi
 حکومت نظامی – Martial Law
 حد اقل – Minimum
 حکومت دموکراتیک- Democratic governance
 حقوق اقلیت – Minority Rights
 حقوق معنوی – Moral Rights
 حرکت آزادی خواهی ملی - National Liberation Movement
 حکومت، دولت متشکل از یک ملت- Nation State
 حقوق منفی- Negative Rights

حقوق تعلیق ناپذیر - Nonderogable Rights
حقوق (بشر) مشارکتی - Participatory (Human) Rights
حقوق مردم - People Rights
حکومت ، دولت پولیسی - Police State
حقوق بشر سیاسی - Political Human Rights
حقوق مثبت - Positive Rights
حقوق شکلی - Procedural Right
حقوق برنامه ای - Programmatic Rights
حقوق بشر متداوم - Progressive (Human) Rights
حرکت فی نفسه - Proprio Motu
حالت اضطراری عمومی - Public Emergency
حقوق بین الملل عمومی - Public International Law
حبس بدون ارتباط - Incommunicado detention
حمایت اطفال - Children Protection
حق زندگی - The Right to Life
حسابدهی/پاسخگو - Accountability/Accountable
حقوق - Rights
حقوق اقلیت ها - Minority Rights
حقوق بشری زنان - Women Human Rights
حقوق عمومی بین المللی - General International Law
حقوق دستجمعی - Collective Rights
حاکمیت ارضی - Territorial Sovereignty
خدمات مشورتی - Advisory Services
خسارات مادی جنگ - Collateral damage
خسارات - Damages
خارج از حدود اختیارات قانونی - Ultra Vires
خشونت علیه زنان - Violence Against women
خدمت غیر داوطلبانه - Involuntary Servitude

خسارت معنوی - Moral Damage
خارج از دایره قانونی - Extralegal
خود مختاری - Autonomy
دسترسی - Accession/Accede
دلیل تصمیمگیری - Ratio Decidendi
دلیل برای قانون - Ratio Legis
درک و پذیرش (شکایت) - Seize (of Complaint)
دفاع مشروع - Self-Defense
دولت - State
دستور مافوق - Superior Order
درمقابل - Vis a Vis
دعوی افراد (در مقابل دعوی حکومت) - Individual Complaint(VS. State Complaint)
در حاشیه قرار گرفته (شخص/گروه) - Marginalized (Group/Person)
دعوی مردم / Actio Popularis
درخواستی/ تطبیق - Application
(بیمان) دو جانبه - Bilateral (Principle)

دفاع مشروع دسته جمعی - Collective self defense
 دهه (میل متحد) - Decade (UN)
 دیکتاتوری - Dictatorship
 در عمل پیاده شدن/لازم الاجرا شدن - Enter/Entry Into Force
 در واقع یا حقیقی - IPSO FACTO
 در نظر اول - Prima Facie
 دولت عضو - State Party
 دستگیر (کردن) - Arrest
 رفیق محکمه - Amicus Curiae
 رعایت / مطابقت - Compliance
 رویه بالمثل - Retorsion
 رفتار/مجازات بی رحمانه - Cruel Treatment/punishment
 روند حقیقت یابی/در مسافرت ها و ماموریت ها - Fact Finding Process/Mission/Trip
 رهنمودها - Guidelines
 روند هلسینکی - Helsinki Process
 رفتار انسانی (با افراد در برخوردهای مسلحانه)
 رفتار غیر انسانی - Inhumane Treatment
 رفتار یا مجازات غیر انسانی - Inhumane Treatment/Punishment
 رفتار ملی - National Treatment
 رفتار متفاوت - Differential treatment
 رژیم استبدادی - Authoritarian Regime
 زندانی فکری - Prisoner of Conscience
 زندانی یا اسیر جنگی - Prisoner of war
 سند نهایی هلسینکی - Helsinki Final Act (of 1975)
 سوء استفاده از حق دادخواهی و نظر - Abuse of Right of Petition/Submission
 سند - Document
 سرکوبی - Repression
 سند بخشی (حقوق بشر) - Sectional (Human Rights) Instrument
 سوء استفاده از حق - Abuse of Right
 سوء نیت - Actus Reus
 سبب ائتلاف - Casus Foederis
 سازمان اجتماعی - Community Based organization
 سازگار/سازگاری - Compatible/Compatibility
 سیستم حقوقی دوگانه - Dualist Legal System
 سازمان غیر حکومتی تعیین شده از سوی حکومت - Government Appointed Nongovernmental Organization (GANGO)
 سلاح های آتش زا - Incendiary Weapons (LOAC)
 سازمان های بین الحکومتی - Intergovernmental Organizations (IGO)
 سازمان غیردولتی بین المللی - International Nongovernmental Organization (INGO)
 سند - Instrument
 سیستم قیمومت - Mandate System
 سیستم پیمانهای اقلیت ها - Minorities Treaties System
 سبک پذیرش صلاحیت قضایی - Opt-out

Sine Qua Non - شرط لازم
Anonymous Complaint - شکایت گم نام
Saving Clause - شرط نگهدارنده
Citizens - شهروند
Quasi-Judicial - شبه قضایی
Security Council (UN) - شورای امنیت (ملل متحد)
Si Omnes Clause - شرط اشتراک عمومی
Transparence/Transparent - شفافیت/شفاف
Complaint - شکایت
International Legal Personality - شخصیت حقوقی بین المللی
Interstate Complaint - شکایت یا دادخواهی بین الدولی
Insurgent/Insurgency - شورشی/شورش
Economic and Social Council of the United Nations - شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد
Martens Clause - شرط مارتین
Optional Clause - شرط اختیاری
Honor and Dignity - شأن و شرف انسان
Torture - شکنجه
Advisory Jurisdiction - صلاحیت مشورتی
Superfluous Injury - صدمه بیش از اندازه ضرورت
Automatic Jurisdiction - صلاحیت قضایی خودکار (اتوماتیک)
Domestic Jurisdiction - صلاحیت قضاوت داخلی
Public Health - صحت عامه
Competence - صلاحیت
Universal Jurisdiction - صلاحیت جهانی
Democratic necessity - ضرورت دموکراتیک

Code of Conduct - ضوابط رفتاری
Necessary in Democratic Society - ضرورت در جامعه دموکراتیک
Military Necessity - ضرورت نظامی
Due Process (of Law) - طی مراحل قانونی
1235 Procedure (UN) - طرز العمل 1235 ملل متحد
1503 Procedure (UN) - طرز العمل 1503 ملل متحد
Thematic Procedure/Report/Mechanism - طرز العمل/گزارش یا میکانیزم موضوعی
De Plano - طرز العمل حقوقی
Girl Child - طفل دختر
Category - طبقه
High Contracting Party (To a Treaty) - طرفین معظمین متعاقدين
Party - طرف
Rebellion - طغیان/شورش
Due Process - طی مراحل قانونی
Good Governance - طرز حکومت/ اداره سالم
Individual Capacity - ظرفیت فردی
Oppression - ظلم
Act-of-State Doctrine - عمل دکترین دولت
Affirmative Action - عمل ، اقدام مثبت
Reciprocal - عمل متقابل

عملیات امداد – Relief Operation
عرض حال - Communication
عقد(پیمان) - Conclusion
عدم مداخله - Noninterference
عدم رجعت قانون به ماقبل - Non retroactivity of Criminal\Penal Law
عدلی- Juridical
عملکرد دولت- State Practice
عاملین غیر دولتی- Non State Actors

عینیت (در بررسی وضع حقوق بشر)-Objectivity
عهدنامه – Pact

عریضه - Petition
عدم استعمال - Desuetude
عملی واقعی- DE Facto
عبارت نمونه،ماخذ معمول – Locus Classicus
عدم تبعیض در تطبیق قانون - Indiscrimination while practicing law

غیر نظامی - Civilian
غیر جانبداری - Impartiality
غیر التزامی - Nonbinding
غرامت - Indemnity
غیر لازم الاجرا فی نفسه – Non-self-executing

فصل هفتم/Chapter V!!!
فاشیسم- Fascism
فرهنگ - Culture
فرعی - Subsidiary

فرهنگ حقوق بشر- Culture of human rights
فرضی/غیر واقعی – In Abstracto
فرهنگ معافیت - Culture of impunity
(شان/حق) فطری - Inherent(Dignity/Right)

فریب – Perfidy
فرد غیر نظامی - Noncombatant
فی نفسه،به خودی خود - Per Se

قبول (پیمان) – Acceptance (Of Treaty)
قابل قبول - Admissibility, Admissible

قتلوا - Atrocity
قواعد پکنگ - Beijing Rules

قانون شکنی - Breach
قانون صلیب سرخ – Red Cross Law

قاعده - Rule
قاعده های طرز العمل - Rules of Procedures

قضیه محکوم بها - Res Judicata
قطعنامه- Resolution

قرارداد اجتماعی- Social Contract
قانون انعطاف پذیر- Soft Law

قاعده اختصاص- Specialty
قانون موضوعه اصولنامه Statute

قواعد توکیو - Tokyo Rules
 قربانی/متضرر - Victim
 قانون اساسی - Constitution
 قضاوت قضیه متنازع فیہ - Contentious jurisdiction
 قانون پیمانہ بین الملل - Conventional(international) la
 قانون عرفی بین المللی - Customary International law

 قانون سازی درباره اعمال گذشته - Ex post facto law
 قانون ہاگ - Hague Law
 قاعدہ ہاگ - Hague Regulation
 قانون گذاری اجرایی - Implementing Legislation
 قابل قبول نبودن - Inadmissible/Inadmissibility
 قوہ قضاییہ بی طرف و مستقل - Independent and Impartial Judiciary
 قابل تقسیم نبودن(حقوق بشر) - Indivisibility(of Human Rights)
 قلمرو صلاحیت ذاتی(کشور/محکمہ) - Inherent Jurisdiction(of country/Court)
 قانون بین المللی حقوق بشر - International Human Rights Law
 قضاوت - Judgment
 قضایی - Judicial
 قانون - Law
 قانون برخورد مسلحانہ - Law of Armed Conflict
 قانون ملتها - Law of Nations
 قانونیت - Legality
 قانون ملتها - Lex Tentium
 قانون تولید شدہ - Lex Lata
 قانون خاص - Lex Speciales
 قیمومت - Mandate
 قتل عام - Massacre
 قصد جرمی - Mens Rea
 قانون داخلی - Municipal Law
 قلمرو اشغالی - Occupied Territory
 قطعی ، معیار مطلق - Peremptory Norm
 قاعدہ معترض مُصیر - Persistent Objector Rule
 قانون شکنی، تخلف سیاسی - Political Offence
 قانون بین المللی مثبت - Positive International Law
 قوم - Tribe

 کمیسیون - Commission
 کمیسیون حقوق بشر - Commission on Human Rights
 کمیٹہ - Committee
 کمیسیون فرعی در رابطہ بہ جلوگیری از تبعیض و حفاظت اقلیتها
Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities
 کمیسیون حقیقت یابی - Truth Commission
 کنوانسیون ویانا در بارہ قانون پیمانہا (ملل متحد 1969) (1969) Vienna Convention on the Law of Treaties (UN 1969)
 کنارگیری (از پیمان) - Withdrawal
 کنوانسیون - Convention
 کشورهای در حال توسعه - Developing Countries
 کنوانسیون نسل کشی (ملل متحد 1948) - Genocide Convention (UN 1948)

کمک های انسان دوستانه- Humanitarian Assistance
 کمیته بین المللی صلیب سرخ- International Committee of the Red Cross
 کشور/دولت عضو – Member State
 کارهای مقدماتی - Preparatory Works
 کمیساری عالی برای حقوق بشر High Commissioner for Human Rights
 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر—European Convention(on human Rights)
 کشتن - Killing
 کشتار (قتل عام) - Massacre
 کشتار(قتل) نژادی - Racial Killing
 گزارش،میکانیزم وطرز العمل بر اساس کشور- Country-specific procedure/mechanism/reports
 گزارشگر – Rapporteur
 گزینش- Selectivity
 گزارشگر خاص - Special Rapporteur
 گروه کاری- Working Group
 گفتار نفرت آور - Hate Speech
 گزینشی نبودن (بررسی وضع حقوق بشر)- Non selectivity
 گرسنگی و سوء تغذیه - Hunger and Malnutrition
 گروه محرومین- Disadvantaged group
 گروه اقلیت - Minority Group
 لازم الاجرا ، الزام آور - Binding
 لازم الاجرا فی نفسه – Self-executing
 لایحه وظایف -Term of Reference
 لایحه حقوق بین المللی- International Bill of Rights
 منازعات مسلحانه داخلی- Internal Armed Conflict
 موقت - Ad Hoc
 میکانیزم/طرز العمل مربوط به کنوا نسیون- Convention(al)mechanism/procedure
 محقق - A Fortiori
 منشور افریقا روی حقوق بشر و مردم - African Charter on Human and Peoples’ Right
 معاوضه - Quid Pro Quo
 محدودیت - Restriction
 مقصر شمردن خود - Self Incrimination
 مصونیت حاکمیت - Sovereign Immunity
 مقام مشورتی خاص- Special Consultative Status
 معیار - Standard
 مسوولیت دولت برای رفتار با اتباع بیگانه - State Responsibility for the treatment of Aliens
 معنای دقیق و صریح -SRICTO SENSU
 مراقبت/نظارت جلسه قضایی - Trial Monitoring/Observation
 منشور ملل متحد - UN Charter
 موافقت - Agreement
 مخالف با یهودیان - Anti-Semitism
 ماده - Article
 محارب - Belligerent
 مرکز حقوق بشر/ Centre for human rights
 مقدمه - CHAPEAU
 منشور- Charter
 ماده قانون- Clause

ماده تحدید یا انحصار – Claw Back Clause
 مجازات دسته جمعی - Collective Punishment
 مسوولیت فرماندهی - Command Responsibility
 ماده سوم مشترک - Common Article 3
 مصالحه - Conciliation
 ملاحظه(در پیمانها، معاهده ها و قطعنامه ها) - Consideranda
 ملاحظه(در باره شکایت) - Consideration
 مطابقت – Compliance
 مقام مشورتی - Consultative status
 مجازات جسمی - Corporal punishment
 محکمه – t Cour
 میثاق (معاهده سند)- (Covenant(treaty instrument)
 مجازات مرگ- Death penalty
 مثلث دموکراسی، انکشاف و حقوق بشر - Democracy-Dvelopment –Human Rights Triad
 مسایل داخلی(در مقابل مسایل بین المللی)- Domestic Affairs
 مخاطره دو برابر – Double Jeopardy
 موثریت – Effectiveness
 مشاهده/نظارت انتخابات – Election Monitoring/Observance
 مساوات – Equality
 مساوات نیرو – Equality of Arms
 مصادره (املاک خارجی) — Expropriation(of foreign owned property)
 میکانیزم غیر پیمانی- Conventional Mechanism/Procedure Extra
 محاکمه عادلانه- Fair Trial
 مجمع - Forum/Fora(pl)
 مجمع عمومی – General Assembly
 مساعی جمیله – Good Offices
 میکانیزم جنبه انسانی(سازمان همکاری و امنیت اروپا)- Human Dimension Mechanism
 مدافعین حقوق بشر - Human Rights Defenders
 مهاجرین- Immigrants
 مصونیت (از محاکمه به جرم نقض حقوق بشر)
 Impunity (From prosecution for human Rights Violation)
 محاکمه در غیاب(متهم) - In Absentia Trial
 مسوولیت جنایی انفرادی - Individual Criminal Responsibility
 محدودیت های ذاتی (حقوق)- Inherent Limitation(of Rights)
 میان چیزهای دیگر - Inter Alia
 مداخله(در امور داخلی)- Interference(with Domestic/Internal Affairs)
 محکمه بین المللی عدالت - International Court Of justice
 مداخله - Intervention
 معنای وسیع – Latu Sensus
 مثبت گرایی قانونی – Legal Positivism
 مشروعیت – Legitimacy
 میزان درک قدر یا بهای چیزی – Margin of Appreciation
 مهاجرت جمعی – Mass Exodus/Migration
 میانجیگری – Mediation

Methods or Means (of Combat) – میتودها یا وسایل (نبرد) –
Morals – معنویات –
Nation - ملت –
Nationalism - ملت گرایی –
National(Self) Interest - منفعت ملی –
Negotiation - مذاکره –
Nuremberg Charter/Rule/Law – منشور/قاعده/قانون نورمبرگ –
Object- مقصود –
Obligation - مکلفیت –
Obligation of Conduct - مکلفیت در عمل –
Obligation of Result - مکلفیت در نتیجه –
Ombudsman – مامور رسیدگی به شکایات –
Oral Intervention - مداخله لفظی –

Pari Materia – مثل این موضوع –
Particularities - مشخصات –
People – مردم/مردمان –
Perpetrator – مرتکب(تخطی ها) –
Preamble - مقدمه –
Preliminary - مقدماتی –
Process-verbal - محاکمه زبانی –
Protection- (از حقوق بشر) – محافظت –
Military Court - محکمه نظامی –
Ethnicity - منسوبیت قومی قومیت –
Immigrant - مهاجر –
Obligation - مکلفیت –
Advisory Opinion - نظریه مشورتی –
Race/Racial – نژاد/نژادی –
Racism – نژاد پرستی –
Second Generation(Human) Rights - نسل دوم حقوق بشر –
Substantive Rights/Norms - نورمها/حقوق ذاتی –
Continuing(Human Right) Violation - نقض مداوم حقوق بشر –
Cultural Relativism - نسبیت فرهنگی –
Dangerous forces - نیروهای خطرناک –
Ethnic - نژادی ، قومی –
First Generation(Human Right) - نسل اول (حقوق بشر) –
Forced Disappearance - ناپدید شدن اجباری –
General Comments – نظریات عمومی –
Genocide – نسل کشی –
High Commissioner for Human Rights - نماینده گی عالی برای حقوق بشر(دفتر ملل متحد) –
High Commissioner for Refugees(UNHCR) - نماینده گی عالی ملل متحد در امور پناهنده گان –
Incompatibility - ناسازگاری(عریضه) –

Intolerance - ناپردباری –
Material Breach – نقض ماده –
Monitor – نظارت ، ناظر –

نهاد های ملی - National Institutions
 نفی دوتعقیب قانونی به خاطر یک جرم - Ne(or Non) Biss in idem
 نهاد غیر دولتی - Nongovernmental Entity
 نظم عمومی - Ordre Public
 نگهداری اختیاری، بازداشت خود سرانه درازمدت - Prolonged Arbitrary Detention
 نیروی محافظت کننده-Protecting Power
 نظم اجتماعی- Public Order
 نفرت از بیگانه گان و دولت های اجنبی،(بیگانه هراسی) - Xenophobia
 وسعت نظر - Broad mindedness
 ویژه گی ها - Specificities
 وضعیت فوق العاده ، حالت اضطرار- State of emergency
 وراثت (وظایف پیمان) – Succession (to treaty obligation)
 واقعی – In Concreto
 وقوع جنگ – Casus Belli
 وظیفه – Duty
 وابسته گی متقابل- Interdependence
 وحدت گرایی – Monism
 همه سوزی (قتل عام یهودی ها توسط نازی ها) - Holocaust(World War II)
 همکاری های فنی (وخدمات مشورتی) – Technical Cooperation (and advisory services)
 هیات نظارتی پیمان - Treaty(Monitoring/Supervising) Body
 هدف مشروع – Legitimate Aim
 هنجار، معیار، میزان – Norm
 هنجار، معیاری - Normative
 هدف و مقصد (پیمان)- Object and Purpose (of Treaty)
 یادداشت غیر رسمی – Memorial

تعریف اصطلاحات

آدم ربایی - Abduction (of person)

گرفتن و ربودن یک فرد بطور غافلگیرانه، اسارت مخفیانه و بطور اجباری که برخلاف میل فرد میباشد. مثلا که پولیسی که شخص مخالف یا رهبر یک اتحادیه را بخاطر خاموش ساختن سر و صدا میرباید.

ویا آدم ربایی عبارت از ربودن شخصی برای فروش، اجرا مقاصد دیگر اعم از سیاسی، منافی اخلاقی و غیره می باشد.

هرگاه آدم ربایی توسط مامورین حکومت انجام یابد، معمولا این آدم ربایی یک تخطی حقوق بشری میباشد و ممکن است شامل چندین تخطی های دیگر حقوق بشر گردد. مثل محروم ساختن از آزادی گشت و گذار، آزادی و امنیت شخص، آزادی

از شکنجه یا ظلم، ستمگری، یا رفتار خفت آور؛ یا حتی حق حیات. اغلبا آدم ربایی به "ناپدیدگی اجباری" اطلاق میشود وقتی که مقامات یک رژیم قربانی را در کوته قلفی یا در حالتی بدون وسایل ارتباط قرار میدهند و اسارت شخص را تکذیب میکنند.

آسیب غیرضروری - Unnecessary Suffering

طبق این اصل بشر دوستانه، جنگجویان در جریان جنگ از وارد کردن آسیب های غیرضروری به دشمنان شان، آسیب هایی که فراتر از حد ضرورت برای حاصل کردن اهداف نظامی است، باید پرهیز کنند. طبق قانون بین المللی جنگ، استفاده از اسلحه یا روش جنگی که به دشمن آسیب غیرضروری وارد کند، ممنوع و غیر قانونی است. در قانون بشردوستانه، این اصل، اصل انسانیت به حساب می آید و این اصطلاح از لحاظ معنا با اصطلاح زخم های غیر ضروری (Superfluous) ارتباط نزدیک دارد.

آپارتاید - Apartheid

یک روش تبعیض قومی، مذهبی و نژادی با تسلط اقلیت بر اکثریت می باشد. این روش معمولا توسط جداسازی منطقه ای و فزیکای اقوام و توزیع تبعیض آمیز منافع و خدمات عامه مشخص میگردد. آپارتاید اعمال بردگی مابانه را بالای یک بخش از نفوس به اساس مشخصات آنها تحمیل مینماید. این یک تخطی حقوق بشر و یک جرم مستدل بین المللی میباشد.

آزادی های مدنی - Civil liberties

ضمانت های حقوقی از طرف حکومت های جامعه های دموکراتیک، برای کاهش ندادن آزادی های فردی. آزادی برگذاری انجمن های صلح آمیز و حق برخوردار بودن از محاکمه جنایی نمونه های از آزادی های مدنی در جامعه دموکراتیک به حساب می آیند. یا تضمین حمایت از حقوق افراد در مقابل مداخله خود سرانه مقامات حکومتی می باشد. آزادی های مدنی به ضمانت هایی حقوقی ای گفته می شود که در جوامع دموکراتیک برای حفظ حقوق شهروندان به رسمیت شناخته شده است.

آزادیهای چهارگانه (در سخنرانی روزیولت) Four Freedoms(Roosevelt speech)

آزادی های چهارگانه به سخنرانی تاریخی آقای "فرانکلین دیلانو روزیولت" در جون سال 1941 اشاره دارد. آقای روزیولت در سخنرانی تاریخی اش اعلان کرد که صلح جهانی به چهار آزادی عمده بستگی دارد. این آزادی ها شامل آزادی بیان، آزادی عبادت، آزادی از ضرر (از طریق امنیت اقتصادی) و آزادی از ترس (از طریق کاهش دادن اسلحه) می باشد. این سخنرانی بعدا برای کوشش ها در راستای تاسیس سازمان ملل متحد، نقش سند کلیدی و سنگ تهادی را بازی کرد و زمینه را برای ارتقای حقوق بشر نیز فراهم کرد. آقای روزیولت سخنرانی اش را پیش از وارد شدن ایالات متحده در جنگ جهانی دوم ایراد کرد و جنگ جهانی دوم سخنان آقای روزی را تایید کرد.

آزادی - Freedom

توانایی و ظرفیت انجام دادن یک عمل بدون کدام فشار بیرونی؛ نبودن محدودیت ها؛ توانایی شخصی در انتخاب عمل مخصوصا در برابر دولت. از لحاظ معنا، آزادی معادل "Freedom"، قوی تر و جامع تر از آزادی معادل "Liberty" است و دایره معنای "Freedom" وسیعتر از دایره معنای "Liberty" است. معمولا این کلمه بیشتر در اصطلاح "آزادی های بنیادی" دیده می شود که مراد از این آزادی است که برای برقراری و حفاظت مقام انسانی در یک جامعه سازمان یافته، کاملا ضروری پنداشته می شود.

آزادی های بنیادی - Fundamental Freedoms

آزادی بنیادی که برای حفاظت و نگهداری وقار و عظمت فطری یک شخص کاملاً ضروری به حساب می آید. این اصطلاح تقریباً با " کلمه حقوق بشر " هم معنا است و اصطلاح " حقوق بشر و آزادی های اولیه " در اکثر اعلامیه ها و کنوانسیونها دیده می شود. این آزادی ها در حفظ بزرگی فطری انسان ها نقش اساسی را بازی می کند.

آزادخواهی - Liberalism

یک ایدئولوژی قرن بیستم که خواهان نهادهای سیاسی آزاد، آزادیهای فردی مثل بیان آزاد و تحمل مذهبی میباشد و حمایت از این مفکوره که حکومت باید یک نقش قوی در تنظیم رژیم سرمایه داری (کاپیتالیسم) بخاطر مفاد عامه و ساختن یک حالت رفاهی که در آن ضروریات فقرا را به بهترین وجه پاسخگو باشد، میباشد. ویا عبارت از حفظ آزادی های فردی همراه با مسئولیت هایی اجتماعی می باشد.

آزادی - Liberty

چگونگی یا حالت آزاد بودن؛ توان انجام دادن چیزهای مطابق میل؛ بهره مندی مثبت از حقوق یا امتیازات گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی؛ آزادی از تحت کنترل بودن استبدادی؛ و آزادی از پیروی حاکمیت قانون. آزادی (لیبرتی) به آزادیهای مشخص و عدم محدودیت اشاره میکند.

آشوب - Riot

در اصطلاح، بروز فتنه و نا آرامی در نظام سیاسی است ویا عبارت از گردهمایی تعداد کثیر از افراد با استفاده از قوه، و تخریب و ازبین بردن جدی تاسیسات عامه، بی نظمی عامه که معمولاً به ملکیت ها ضرر جدی میرسانند. ویا مختل کردن نظم، به وسیله عده ای به منظور اجرای عملی از طریق غیر قانونی. آشوب به جان هم افتادن گروه ها و دسته ها و به یغما بردن مال و اموال مردم میباشد.

احترام (به حقوق بشر) - Respect (for human rights)

به رسمیت شناختن حقوق بشر در سطح انفرادی و گروهی و هماهنگ کردن رفتار با معیارهای حقوق بشر. معمولاً احترام به حقوق بشر جز تعهد یک کشور به معاهده حقوق بشر به حساب می آید. در قانون بین المللی بشر دوستانه این اصطلاح در ماده های اول کنوانسیونهای چهارگانه ژنیوا به طور واضح بیان و تعریف شده است. این اصطلاح به این معنا است که کشورهایی که معاهده حقوق بشر را تصویب کرده اند نباید تعهد شان را نقض کنند و کشورهای تصویب کننده باید به طور مثبت و فعال از اصول حقوق بشر پیروی کنند و کشورهای دیگر حتی کشورهای غیر تصویب کننده را نیز وادار کنند تا اعمال و رفتارشان را با اصول حقوق بشر مطابق و هماهنگ سازند. تضمین احترام به حقوق بشر به معنای وادار کردن کشور های دیگر به اطاعت از اصول حقوق بشر است.

اطاعت اجباری - Servitude

مراد از این نوع اطاعت که به اطاعت غیر داوطلبانه نیز یاد می شود این است که کسی در موقعیت و حالتی قرار داشته باشد که تابع اراده و میل کسی دیگر باشد و در انتخاب عمل و روش زندگی اش از خود اختیار و آزادی نداشته باشد. مجبور کردن افراد به انجام دادن کارهایی که بر خلاف خواسته و میل شان باشد از قبیل شکنجه دادن و غیره و کارهای دیگری که افراد با میل و اراده خودشان آنرا انجام ندهند، استثمار کردن افراد از لحاظ اقتصادی، نداشتن آزادی و قدرت تصمیم گیری در روش

زنده گی. شکل های مخصوص از کارهای اجباری از قبیل خدمات نظامی و کارهای اجباری در زندان معمولاً استثنا می باشند و این اصطلاح شامل این موارد نمی شود.
توجه: خدمت یا اطاعت اجباری رعیتی، با برده داری کاملاً فرق دارد زیرا در برده داری، صاحت برده، برده را ملک خودش می پندارد.

امضاء کننده - Signatory

کشور یا شخصیت حقوقی که توسط نماینده دیپلماتیک و با اختیارش سند معاهده حقوقی را امضا می کند و نیتش برای تعهد قانونی به معاهده از طریق تصویب بعدی آن (امضاء)، را اظهار می کند. در بعضی شرط های صحیح معاهده، این نکته ذکر شده است که برای ملزم شدن به معاهده، تنها امضا کافی است و معاهده، بعد از امضاء لازم الاجرا می گردد که چنین امضاء، در تمام قضایا در معرض استثنا، بیانیه یا تفاهمی که از جانب کشور امضا کننده ارایه می شود، قرار دارد.

امضای قابل تجدید نظر

Signatory/Signature Ad Referendum

امضای قابل تجدید نظر به امضایی گفته می شود که توسط نماینده تام الاختیار یک دولت یا شخصیت حقوقی صورت گرفته باشد و در معرض بررسی دوباره توسط سازمان های حکومتی از طریق روند قانونی و مطابق قانون اساسی به منظور تصویب آن، قرار داشته باشد. خلاصه امضای قابل تجدید نظر امضایی است که کشور امضا کننده حق دارد برای تصویب آن دوباره آن را مورد ملاحظه و بررسی قرار دهد. بعد از تصویب امضا توسط کشور امضا کننده معاهده لازم الاجرا می گردد.

امضاء - Signature

امضاء عملی است که دولت یا شخصیت حقوقی دیگر توسط نماینده تام الاختیارش آن را انجام می دهد و با این امضاء، نیتش را برای تعهد به معاهده از طریق تصویب بعدی امضاء، اظهار می کند. بعضی معاهده ها طوری است که صرف امضاء، آن را بالای کشور امضا کننده لازم الاجرا می سازد یعنی برای لازم الاجرا شدن یک معاهده، تنها امضای آن کافی است بی آنکه هیچ نیازی به تصویب بعدی آن باشد. زمان امضاء، بعد از اتفاق آراء تمام شرکای معاهده در باره انتخاب متن درست و دقیق آن، آغاز می شود.

اصل تساوی حاکمیت - Sovereign Equality

طبق این اصل حقوقی بین المللی تمام کشورها صرف نظر از جمعیت، وسعت خاک، قدرت و غیره، از حقوق مساوی بهره مند می باشند یعنی طبق قانون بین المللی، تمام کشورها در قلمرو جامعه جهانی هیچ گونه برتری حقوقی و قضایی بر کشور دیگر ندارند و همه دارای حقوق مساوی و یکسان می باشند.

ارانه شکایت - Standing

حق فرد، افراد یا گروه برای ارایه کردن شکایت راجع به نقض حقوق بشر، برای وارد کردن اعتراض به قابل ملاحظه بودن شکایت، برای درخواست کردن تصمیم یا درخواست کردن نظر مشورتی، برای اقدام کردن به طور شریک دعوا و حاضر شدن در محکمه ای که صلاحیت حل و فصل قضیه های مربوط به نقض حقوق بشر را دارد.

به طور عموم منظور از این اصطلاح این است که فرد یا گروه حق دارد راجع به مساله خاص حقوق بشر در داخل نظام حقوق بشر اقامه دعوا کند. قانون مدون یا قواعد محکمه به طور معمول اقسام شرکاء را که از این حق برخوردارند، مشخص می کند.

اعدام غیر قانونی - Summary Execution

کشتن عمدی و غیر قانونی کسی به دستور یا با همدستی دولت، توسط مقامات حکومتی یا اشخاص دیگر، بدون محاکمه قضایی و قبلی وی از جانب محکمه با صلاحیت.

انتقال (نورمها) - Transformation (of norms)

روندی که حکومت برای تبدیل کردن قانون بین المللی به قانون داخلی آن را انتخاب می کند. مثلاً: روند تصویب قانون گذاری اجرایی توسط نمایندگان سنای امریکا در یک معاهده تصویب شده، اصل قانونی آن معاهده را به قانون داخلی تبدیل می کند.

اصول (شهر) ترکو ابو - Turku Abo Principles

این اصول، در سال 1990 طی کنفرانسی در فنلاند تحت عنوان حقوق بشر قابل اجرا در جنگ های غیر بین المللی، به شکل سند ارائه گردید. این اصول که معیارهای بشر دوستانه حد اقل و قابل اجرا در جنگ های غیر بین المللی را بیان می کند مجموعه از حقوق بشر کلاسیک دوران صلح و حقوق بشر در قانون بشر دوستانه است که موارد برخورد های مسلحانه غیر بین المللی را شامل می شود.

اعلامیه و برنامه عملی ویانا - Vienna Declaration and program of Action

اعلامیه نهایی کشورهای عضو سازمان ملل که در کنفرانس جهانی (1993) ملل متحد در باره حقوق بشر در شهر ویانا حضور داشتند. در کنفرانس مذکور این اعلامیه و برنامه عملی به عنوان بند مفصل توافق عمومی همه کشورهای عضو را به منظور توجیه کردن تمام میکانیزم ملل متحد به منظور موثریت و سودمند بودن بیشتر آن، تصویب و تدوین شد. این اعلامیه همچنان توافق نظر کشورها را راجع به مسایل خاص و کلیدی حقوق بشر از قبیل جهانی بودن حقوق بشر و غیره در بردارد.

اصل متممیت (سیستمها/صلاحیتهای قضایی)

Complementarity (of Judicial Systems/Jurisdiction)

اصل بیانگر رابطه بین دو سیستم حقوقی یا قضایی که یک سیستم طوری مکمل سیستم دیگر باشد که رسیدن به هدف نهایی (مثل اجرای معاهده حقوقی بین المللی برای عدالت جنایی) را مسلم و قطعی سازد. در اصطلاح "محکمه بین المللی جنایی"، این لفظ برای توصیف ارتباط بین اختیارات قانونی همین محکمه بین المللی و محکمه جنایی داخلی استعمال می شود. تطبیق این اصل در محکمه دایمی بین المللی به این معناست که این محکمه صلاحیت این را دارد که آن عده از قضایاء را که در محاکم داخلی اصلاً تعقیب قانونی نشده اند یا به طور جدی تعقیب قانونی نشده اند، مورد پیگرد قرار دهد.

التزام مثبت - Affirmative Obligation

تعهد دولت برای اقدام مثبت به اساس نورم یک پیمان و دریغ نکردن از یک چنین اقدام. مثلا: حق تعلیم التزام مثبت را بالای یک دولت تحمیل میکند تا مکاتب را بسازد و معلمین را آماده نماید.

اصول بنیادی - Basic Principles

یک مجموعه از اصول تحریر شده که توسط یک سازمان مثل سازمان ملل متحد تسوید گردیده تا منحصیث راهنمای عمومی برای مقامات کشورها مورد استفاده قرار گیرد تا اجرات دولت را با التزامات حقوق بشر بین المللی هماهنگ نماید. مثلا: در 1985، ملل متحد اصول خویشرا در رابطه به استقلال قضایی صادر کرد که هدف آن کمک به کشورها برای تامین حقوق و آزادی افراد و حقوق محاکمه عادلانه اشخاصی که در محاکم کشورها صورت میگیرد، میباشد. این اصول با ملاحظه تمام سیستم های حقوقی و سیاسی جهان تسوید گردیده است. این اصول بطور قانونی اجباری نیست گرچه تطبیق آن در قوانین و اجرات داخلی سفارش گردیده است.

اشد مجازات - Capital punishment

مجازات مجرم به مرگ که به این نوع از مجازات، اشد مجازات یا اعدام نیز گفته می شود.

اشیاء غیر نظامی - Civilian Objects

این اصطلاح به تمام اشیای فزیکمی موجود در ساحه جنگی صدق می کند. اگر چه این اشیا از لحاظ ماهیت، موقعیت، هدف و استعمال هیچ گونه کمک نظامی و ایجاد توانایی به کدام گروهی نمیکند. گرفتن و یا تخریب کلی یا قسمی این اشیا هیچ گونه مفاد نظامی برای هیچ طرفی نخواهد داشت. اصطلاحی است که در قانون برخورد های مسلحانه استفاده میگردد تا بین یک هدف نظامی و ملکی فرق بوجود آورد. طبق قانون برخورد های مسلحانه، هدف قرار دادن اهداف غیر نظامی جایز نیست اما بر خلاف، هدف قرار دادن اهداف نظامی جایز است.

استعمار - Colonialism

کنترول یک کشور توسط یک کشور دیگر، معمولا توسط کشور دور با فرهنگ بیگانه، از طریق انتقال افراد از کشور استعمارگر به مستعمره برای کنترول کشور مستعمره از لحاظ سیاسی و اقتصادی. مثلا کشور اندونزیا که زمانی مستعمره هلند بود.

اصالت جامعه - Communitarian

نوعی از نظریه ایست که برای جامعه نسبت به افراد ترجیح و اولویت عملی و ایدئولوژیکی قایل است و اهمیت خود مختاری افراد و حقوق بشر را به اندازه اهمیت نیازمندیهای جامعه به رسمیت نمی شناسد.

اعتراض عقیدتی (به وظیفه نظامی/ملکی)

Conscientious Objection (To Military/Civil Obligation)

یعنی سرباز زدن از خدمت و کار نظامی یا ملکی به خاطر تضاد آن خدمات با اعتقادات مذهبی یا فلسفی شخص. در این موارد وجدان می گوید که این کار درست نیست. معمولا به خودداری از انجام چنین وظایف از این جهت اعتراض وجدان می گویند که چنین کارها، دستورهای وجدان را نقض می کند. معمولا این در مقابل مطالبات حکومت صورت میگیرد.

اتفاق رای - Consensus

این لفظ بیانگر روندی از تصمیم‌گیری اعضای است که در آن هیچ گروه یا عضو اعتراض اساسی ندارد و در مقابل این نوع از تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری‌های دیگری چون تصمیم‌گیری توسط نظر اکثریت، رای دو سوم و غیره وجود دارند. این لفظ از نظر معنا نزدیک به اجماع یا حد اقل رای بدون اعتراض می‌باشد.

امپریالیسم فرهنگی - Cultural imperialism

یعنی تحمیل دیدگاه یا فرهنگ خارجی بر مردم دیگر. معمولاً این نکته زیاد شنیده می‌شود که تحمیل دیدگاه جهانی از حقوق بشر بالای کشور های خاص به طور خاص کشورهای غربی، نوعی از امپریالیسم فرهنگی است.

اقدام دیپلماتیک - Demarche

لفظ فرانسوی است که در قانون روابط بین الملل به معنای طرز العمل برای شناسایی و حل یک موضوع دعوا یا مشکل با کشور دیگر، استعمال می‌شود. حرکت یا مانور دیپلماتیک، اظهار دیدگاه‌ها از راه دیپلماسی به مقامات کشورهای دیگر.

اعلان الغاء/اتهام نقض (پیمان یا شکایت) - Denunciation(of Treaty or Complaint)

این لفظ دومعنا دارد یکی درباره پیمانها و دیگری در باره شکایات تخطی های حقوق بشر:

1. در باره پیمان(اعلان الغاء): عبارت است از اقدام دولت با اعلان سند بین المللی برای دست کشیدن از پیمان بین المللی که این دولت قبلاً آنرا به تصویب رسانده است. با این اقدام، دولت اعلان می‌کند که از این پیمان را به رسمیت نمی‌شناسد و هیچ تعهدی به پیمان نخواهد داشت. روند اجرا و طرز العمل الغای پیمان در "بند الغاء" پیمانها وجود دارد. (رجوع شود به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده 65)
2. شکایات: عبارت است از اتهام نقض کتبی یا بعضی اوقات شفاهی که بر علیه یک دولت صورت می‌گیرد و آن را به نقض حقوق بشر متهم می‌کند. اتهام نقض ممکن است از جانب یک فرد، یک گروه یا دولت باشد اما اغلباً توسط گروه یا دولت صورت می‌گیرد. این اتهام نقض یک دولت برای عدم مطابقت داشتن آن با تعهدات حقوق بشری میباشد.

اخراج/رد مرز (فرد از یک کشور) - Deportation

عبارت است از اقدام دولت برای اخراج تبعه بیگانه خارجی از کشور و فرستادن وی به کشوری که قبلاً این شخص از آنجا آمده است. دولت این اقدام را از این جهت انجام می‌دهد که حضور این شخص را در کشور، غیرقانونی و برای امنیت ملی و آسایش مردم زیان آور می‌بیند.

امانت دار (بند معاهده) - Depository (Clause of Treaty)

عبارت است از کشور یا سازمانی که برای دریافت، نگهداری و حفاظت متن اصلی یک قرار داد و اسناد مربوط به آن پیمان مثل تصاویر و پروتوکول هایی که از جانب کشورهای تصویب کننده ارائه شده، گماشته می شود. کشور یا سازمان امانت دار، در "فقره بایگانی" پیمان مشخص می شود. برای معلومات بیشتر، به ماده 48 (میثاق بین المللی درباره حقوق سیاسی ومدنی) رجوع شود.

انکشاف (روند/حق به) - Development (Process/Right to)

تعریف انکشاف چه به حیث روند و چه به حیث حق ذاتی، یک مفهوم مشکل است که در هر دو صورت بطور عمومی به حیث یک روند و به حیث یک حق ذاتی بشری تعریف گردد. به حیث یک روند، این توسط بعضی ها به معنی یک روند جامع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعریف گردیده است که هدف آن انکشاف پیوسته تمام افراد در یک اجتماع به اساس اشتراک فعالانه، آزاد و معنا دار در انکشاف و در توزیع عادلانه منافع که از یک چنین انکشاف ناشی میگردد، میباشد. به حیث حقوق بشر، "حق انکشاف" یک حق عینی بشری گروه هایی از افراد برای داشتن آزادی، همکاری، میتودها و وسایل خودی برای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به حیث یک جامعه مدنی و نیل به اهداف حقوق بشر میباشد. امکان پذیری انکشاف کامل شخصیت انسانی هر فرد در اجتماع، این یک "نسل سوم حقوق (بشر)" میباشد و معمولاً راجع میگردد به مفکوره های جمعی/گروهی. اندازه و محتوی آن بسیار بحث برانگیز بوده و حتی بسیاری از مردم آنرا منحیث حقوق بشری قبول ندارند.

اثر یا تاثیر طرف ثالث (تاثيروظيفه معیاری) – Drittwirkung (Effect of Normative Obligation)

یک لغت آلمانی که مربوط میشود به تاثیر طرف ثالث یا تاثیر افقی التزامات حقوق بشر. یک تئوری از چگونگی التزامات حقوق بشر در دو معنی مختلف که مربوط به تاثیر التزامات میباشد بیان میگردد. اول، التزام نه تنها بالای یک دولت (التزام عمودی) و حقوقی که بین دولتها و افراد وجود دارد میباشد بلکه همچنان بین افراد نیز وجود دارد. بنابر این، افراد میتوانند از تخطی هایی که توسط دیگر افراد صورت میگیرد شاکی باشند (تاثیر افقی). دوم، دولت نه تنها مسئول اینست که خود مرتکب کدام تخطی نگردد بلکه همچنان ملزم میباشد که گامهایی را بردارد (مثل وضع نمودن قوانین یا تصویب قواعد تا از اعمال خصوصی حمایت کند) تا اطمینان حاصل گردد که افراد اعمالی را مرتکب نمیکردند که به حقوق بشری دیگران لطمه وارد شود. اصطلاح کامل آن چنین میباشد: Drittwirkung der Grundrechte

اگره – Duress

در عموم به این معناست که فکر انسان تحت یک اجبار خارجی قرار میگیرد و شخص دیگری توسط تهدید به اعمال زور و یا دیگر عواقب وخیم یا دیگر اطرافیان مثل همسر، اطفال یا خویشاوندان، شخص را مجبور میسازد تا کاری را کند که در حالت عادی شخص حاضر به انجام آن نباشد، مثل یک جرم تخطی حقوق بشری. ادعای مکرر واقع شدن بعضی اوقات در دفاع از محکوم شدن به نسبت جرایم جنگی استفاده میگردد. زمانی که متهم ادعا میکند که او دست به آن کار بخاطری زد زیرا که خودش در صورت انجام ندان آن حکم مورد تهدید قرار میگرفت. اگره همچنان به معنی اجبار بیان شده است. مثلاً: تهدید یک سرباز در حال وظیفه نظامی به مرگ در صورتیکه که او دستور غیر قانونی فرمانده را مبنی بر کشتن افراد ملکی قبول نکند. اگر چه این به معنای اوامر مافوق نمیشود که این خود یک دفاعی است مبنی بر اینکه اوامر افسر مافوق نظامی را باید انجام داد. مکرر واقع شدن به ندرت یک دفاع کامل در مسئولیت های جزایی میباشد هر چند که ممکن است یک فکتور تخفیف مجازات واقع گردد. در مجموع اعمال تهدید که منجر به اگره میگردد باید قریب الوقوع، واقعی و اجتناب ناپذیر بوده باشد و اعمال وارده به سبب اجبار نباید زیان بیشتری را نسبت به عواقبی که به سبب نپذیرفتن اجبار حاصل میاید در قبال داشته باشد و نیز اینکه نباید منتج به مرگ شده باشد.

اطمینان حاصل نمودن از (احترام به حقوق بشر) – Ensure (Respect For Human Rights)

لغتی که در بعضی از پیمانهای حقوق بشر دیده میشود که چگونگی تعهد کشورهای طرف را در رابطه به درک و احترام نورم های حقوق بشر در پیمان شرح میدهد. این به معنی اخذ اطمینان، یقین یا محفوظ بودن و تضمین دادن از طریق یک وثیقه یا اعلامیه میباشد. این لغت اکثراً بعد از مقدمه یک پیمان دیده میشود. در زمینه کنوانسیون و پروتوکول 1949 ژینو، عبارت "اطمینان یافتن از حرمت به" در ماده اول آن سند وجود دارد که به این معنی است که هر کشور طرف به آن نگاه کند که دیگر کشور های طرف و در حقیقت امر تمامی دیگر طرفین، افراد و گروه ها به این نورم های بشری احترام میگذارند.

اخراج اجباری (بیگانه از کشور)

Expel/Expulsion (of Alien from state)

عبارت است از اخراج اجباری و فراری دادن بیگانه ها از کشور به کشوری که قبلاً این ها (بیگانه ها) از آنجا آمده اند، یا به نزدیک ترین کشور و یا به کشوری که شخص بیگانه با آن پیوند مذهبی، قومی، نژادی داشته باشد. اخراج اجباری شبیه تبعید تبعه خارجی از کشور است، که بعد از طی مراحل قانونی صورت می گیرد.

استرداد (مظنون جنایی) - Extradition (of criminal suspect)

عبارت است از تسلیم شدن متهم یا محکوم به جرم، توسط یک کشور و فرض این است که شخص متهم جرم را در قلمرو ارضی کشور دیگر انجام داده باشد و کشور تقاضا کننده از کشور دیگر یا مقامات قانونی دیگر که توانایی پیگرد قانونی را داشته باشد تقاضا می کند تا متهم را به این کشور تسلیم کنند. استرداد فراری مجرم چه محکوم باشد یا مظنون معمولاً بر اساس شرایط پیمان دوجانبه بین دو کشور استوار است و پیمانها یا قانون دوجانبه بین کشور تقاضا کننده یا کشور و مقامات قانونی کشور دیگر، اساس قانون تبادل مجرم را تشکیل می دهد.

انتخابات آزاد و عادلانه- Free and Fair Election

این اصطلاح در جامعه جهانی و توسط جامعه جهانی برای توصیف انتخاباتی استعمال می شود که در یک کشور طوری و در شرایطی صورت می گیرد که افراد واجد شرایط برای رای دهی، بدون کدام مانع و فشار بتوانند در رای دهی سهم گرفته و به کاندید مورد نظر شان رای دهند و شرایط و اوضاع اساسی انتخابات طوری باشد که نتیجه انتخابات، بازتاب دهنده عدالت و شفافیت انتخابات از همه جهات و بازتاب دهنده رای واقعی رای دهندگان باشد. بعد از مراقبت و نظارت از انتخابات توسط ناظران جهانی، ناظران جهانی بیانیه ای را راجع به عادلانه بودن و آزاد بودن انتخابات صادر می کنند. اگر انتخابات از نظر ناظران بین المللی آزاد و عادلانه باشد در این صورت اعتبار این انتخابات و مشروعیت حکومت منتخب در سطح جهانی از جانب ناظران اعلان می شود.

اختیارات تام- Full Powers

عبارت است از ظرفیت و توانایی یک شخص که از جانب یک کشور رسماً برای نماینده گی از آن کشور در مذاکره، انتخاب و تصویب متن یک قرار داد گماشته می شود تا موافقت و رضایت دولت از آن پیمان و تعهد دولت در قبال آن پیمان را اعلان نماید یا کارهای دیگری را راجع به پیمان انجام دهد. طبق ماده 1(C) پیمان 1969 در وینا، معنای این اصطلاح چنین است: "مدرک و سندی ارایه شده از طرف مقامات با صلاحیت یک کشور به منظور گماشتن فرد یا افراد برای نماینده گی از آن کشور در امر مذاکره، انتخاب و تصدیق متن یک پیمان و اظهار رضایت و تعهد از جانب آن کشور در قبال آن پیمان یا

انجام دادن کارهای دیگری که به نوعی به پیمان مربوط شود. " به شخصی که این اختیارات را دارا است نماینده تام الاختیار (Plenipotentiary) نیز گفته می شود.

اصول عمومی حقوق (منبع معیاری) General Principles of Law (Source of Norms)

یک دکترین حقوقی که در میان قانون بین المللی و قانون ملی واقع گردیده و راجع میگردد به اصولی که در اکثر سیستم های حقوقی مشترک میباشد. این منبع بیشتر چنین پنداشته میشود که نورمهای طرز العمل یا مدارک را معرفی میکند. این نیز منحصی اصول قانون خصوصی و عامه پنداشته میشود که تجارب حقوقی ملتهای متمدن را که منحصی یک اصل معتبر برای دیگران قابل قبول است بازرسی مینماید.

اثر افقی (تاثیر تعهد معیاری) Horizontal Effect/Horizontalty (Effect of Normative Obligation)

این نظریه عبارت است از اثر به اصطلاح، طرف سوم اصول حقوق بشر. مراد از اثر افقی این است که اصول حقوق بشر مکلفیت ها و تعهدات را در بین افراد غیر دولتی به وجود می آورد و مسوولیت دولت این است که به افراد اجازه ندهد حقوق همدیگر را پامال کنند. در حالی که در اثر عمودی تعهدات و مکلفیت های اساسی بین افراد عادی و دولت است. نظریه اثر افقی درباره مکلفیت های حقوق بشر در سطح افقی بین افراد عادی بحث می کند. نتیجه این نظریه قرار ذیل می باشد:

1. دولت میتواند برای اعمال خصوصی معین در صورت ناکامی یا سرپیچی از خاتمه دادن تخلفات یا جلوگیری آن مسؤل دانسته شود.
2. افراد عادی که حق آن ها توسط افراد عادی دیگر پامال شده اند می توانند از افراد پامال کننده تقاضای جبران خساره کنند و حق مطالبه جبران خساره را دارند.

از توان افتاده (جنگجو) - Hors De Combat (Combatant)

این اصطلاح حقوقی به جنگجو یا عسکری استعمال می شود که در زیر قدرت خصم قرار دارد و قصدش را برای تسلیم شدن اظهار می کند. همچنان فرد نظامی ای که در حال بیهوشی قرار دارد یا از نظر جسمی توانایی جنگیدن بیشتر را ندارد. طبق حقوق بشر جهانی، آسیب رساندن به چنین عسکری جایز نیست.

(اصل) انسانیت (قانون برخورد های مسلحانه) Humanity (Principle) (LOAC)

طبق قانون بین المللی در برخورد های مسلحانه، جنگجویان حق ندارند برای تسلیم کردن تمام یا بعضی از دشمنان شان، هیچ نوعی از جنگ را که با کمترین مصرف وقت، تلفات، جراحات، زخم و منابع مادی همراه نباشد، انتخاب کنند.

اصل انسانیت عبارت است از طرز تفکر یا احساس حسن نیت فعال نسبت به همنوعان.

امپریالیزم - Imperialism

عبارت است از تسلط یا قدرت یک دولت بر دولت دیگر با وسایل گوناگون به قصد استثمار و کسب امتیازات اقتصادی سیاسی و ایجاد رابطه آمرانه و مادونانه بین کشور سلطه جو و کشور مطیع که معمولاً این سلطه و رابطه از راه زور اعمال می شوند. استعمار، نمونه قرن بیستم امپریالیزم می باشد.

اصل غیرمحدود به مرور زمان (تخطی جنایی) (Imprescriptability (Criminal Offense)

عبارت است از اصل قانون جنایی که طبق آن اصول قانون جنایی خاص موضوع هیچ گونه محدودیت قانونی واقع نمی شود. یعنی در صورت نقض این اصول مسوولیت این نقض با مرور زمان هرگز پایان نمی یابد و شخص پامال کننده همیشه مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد. نسل کشی، نمونه از این گونه جرایم است.

الحاق (نورمهای بین المللی) (Incorporation (of International Norms)

اصلی که براساس آن بعضی از قوانین و حقوق بین المللی بخشی از حقوق شهری یا داخلی به حساب می آید. روند تبدیل شدن قوانین بین الملل به قانون داخلی و ملی. در برخی از کشورها قوانین بین المللی خود به خود به قانون داخلی بدون روند الحاق تبدیل نمی شود.

اصالت فرد - Individualism

عبارت است از نظریه ای که بسیاری از حکومت های دموکراتیک براساس آن استوار است. طبق این نظریه هدف اصلی حکومت فراهم کردن شرایطی است که آسایش افراد را ارتقاء داده و به هر فرد جامعه اجازه دهد تا از استعداد های شان در جامعه به بهترین وجه استفاده کنند.

اتحاد ملتها / جامعه ملل - League of Nations

اولین سازمان بین المللی بین الحکومتی که در سال 1920، بعد از جنگ جهانی اول تاسیس شد. این سازمان از طریق پیمان Versailles Treaty تاسیس گردید و فقط دارای 58 کشور عضو بود که ایالات متحده شامل آن نگردید. گرچه اتحاد ملتها پیش از جنگ جهانی دوم منحل گردید، این بحیث یک تجربه سابقه استفاده شد و یک مدل خوبی برای ایجاد ملل متحد در سال 1945 گردید. بعضی از ارگانها و فعالیتهای این اتحادیه مثل سازمان بین المللی کار، قیمومت و سیستم اقلیتها منعی پیشایندی برای ایجاد نهادها و قوانین مدرن حقوق بشر بین المللی استفاده گردید.

اقلیت زبانی/گروه - Linguistic Minority/Group

"گروه زبانی" یک اصطلاحی است که برای یک گروه از مردمی که به یک زبان مشترک صحبت میکنند استفاده میگردد. اگر زبان همان گروه توسط اکثریت نفوس یک کشور صحبت نشود، در اینصورت این گروه بحیث اقلیت زبانی یاد میگردد.

استحقاق، (یک قضیه/شکایت) Merits (of a Case/Complaint)

در یک قضیه ای که در آن شکایت از تخطی های حقوق بشری توسط یک دولت وجود دارد و وقتی که توسط قضاء یا کدام شعبه قضایی در مورد شکایت تصمیم گرفته میشود، تحلیل و تطبیق قوانین بالای حقایق قضیه "استحقاق" نامیده میشود. یک شکایت اولاً قبل از اینکه هیات، استحقاقی بودن آنرا بررسی کند، باید بررسی شود و قابل قبول پنداشته شود. هدف تحلیل استحقاقی بودن اینست تا در جریان بررسی مدارک ارائه شده توسط شاکی تثبیت گردد که آیا شاکی با ارائه این مدارک یک تخطی حقوق بشری یا نقض یک پیمان را که کشور مدعی علیه یا نقض کننده باید آنرا جبران کند، ثابت ساخته است یا نه. تثبیت یک استحقاق، بعد از مشوره مجمع در یک یافته (تصمیم/قضاوت/نظریات و غیره) منتج به این میشود که آیا کدام تخطی وجود دارد یا نه.

اقلیت (گروهی از مردم) – Minority (Group of People)

اصطلاحی که برای تعریف یک گروه انسانها استفاده میشود که میان اشخاص دیگر بخاطر نژاد، زبان، دین، قوم یا ملیت شان در یک جامعه بزرگ طبقه بندی شده و بالای چیزی مهمی مسلط نمیشوند. یک تعریف رسمی یا عادی از "اقلیت" در قانون بین المللی حقوق بشر تا هنوز وجود ندارد. گر چه جامعه بین الملل، بطور عمده تحت حمایت ملل متحد، برای حمایت از اقلیت ها معیارهای حقوق بشر تعیین می کند. تعریف "اقلیت" در اصطلاح عام که امروزه استفاده میشود، تعریف کاپتوریتی میباشد: یک گروه اقلیت از حیث تعداد مادون به بقیه نفوس یک کشور میباشد، که در یک موقف غیر مسلط قرار دارند، اعضای آن ملیت همان کشور میباشد، دارای مشخصات نژادی، مذهبی یا زبانی هستند که از دیگر نفوس تفاوت دارد و بطور ضمنی دارای یک حس همبستگی برای حفظ فرهنگ، سنتها، مذهب و زبان خویش میباشد. عین اصطلاح اقلیت ملی، در اینجا هم هیچ تعریف واحدی قبول شده رسمی وجود ندارد. دو تعریفی که وجود دارد در حال حاضر استفاده میشود، یکی آن در سیستم ملل متحد و دیگر آن در انجمن اروپا.

تعریف اولی راجع میشود به اعضای یک گروه در یک کشور که شهروندان آن کشور میباشدند که متضاد آن غیر شهروند واقع میگردد. در تحت این تعریف، یک کشور تنها مسئول خواهد بود تا به حقوق اقلیت که اعضای آن شهروند آن کشور میباشدند احترام بگذارد.

ثانیاً، این اصطلاح به این مفهوم استفاده میگردد که طبقه بندی صورت بگیرد، مثل "اقلیت مذهبی" و نیز راجع میگردد به یک گروه از اشخاص که شهروندان کشوری که در آن زندگی میکنند نیستند. مثلاً: یک گروه شهروندان کشور الف که در کشور ب زندگی میکنند، اقلیت ملی در کشور ب بحساب خواهند آمد.

امنیت ملی (محدودیت) – National Security (Limitation)

حفاظت امنیتی دولت در مقابل تجاوز خارجی، جنگ داخلی، بحران های جدی اقتصادی، حادثات طبیعی، فتنه و آشوب، قتل عام، کوشش برای راه اندازی کودتا یا انقلاب و بی قانونی عامه که ثبات ملت را تهدید کند. از نظر قانونی حفاظت امنیت ملی به یک کشور اجازه میدهد تا برای تطبیق بعضی از حقوق بشری محدودیت ایجاد کند. مثلاً، دولت میتواند حق آزادی بیان را با آنکه یک حق مسلم حقوق بشری است برای حفظ امنیت ملی اش محدود کند. رجوع شود فقره 3 ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.

اتهام به نفس

Nemo Tenetur Edere Contra Se (Principle Against Self-Incrimination)

این واژه لاتینی به معنی این است که دولت (پولیس، خرنوالی و محکمه) حق ندارد کسی را مجبور کند بر خلاف خودش شهادت دهد یا چیزی به ضرر خودش بگوید، یا بر ضرر خودش مدارک فراهم کند. این، شبیه به حق سکوت در مقابل اتهامات جنایی است.

اصل عدم تبعیض - (Principle) Nondiscrimination

اصل عدم تبعیض یکی از اصول حقوق بشر است که طبق آن هیچ کسی به خاطر ویژگی های نژادی، مذهبی، جنسی، اجتماعی، زبانی و موقعیت های دیگر اش نباید در بهره برداری از حقوق بشری شان محروم گردند. این اصل به این معنا است که دولت نباید بر اساس ویژگی های ذکر شده برای بهره مند شدن افراد از حقوق بشر شرط و قید تعیین کرده و آن را محدود کند. دولت نمی تواند در بهره برداری افراد از حقوق بشر با آن ها رفتار تبعیض آمیز را در پیش گیرد زیرا هیچ دلیل معقول و پذیرفتنی برای این کار وجود ندارد.

بند عدم تبعیض در پیمان های حقوق بشر گنجانیده شده است و این بند به طور واضح اصل عدم تبعیض را بیان می کند. برای معلومات بیشتر ماده 21 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی را مطالعه کنید و برای وضاحت بیشتر مطلب تعریف کلمه متضاد (تبعیض) این لفظ را نگاه کنید.

اصل عدم اخراج - (Principle) Non Refoulement

[واژه فرانسوی] بیانگر اصل قانون عرفی بین المللی است که بیشتر در زمینه قانون مهاجرین دیده می شود. طبق این اصل هیچ کشور نمیتواند کسی را به مرزهای کشوری برگرداند که در آنجا آزادی یا زندگی این شخص به خاطر وابستگی سیاسی، مذهبی، ملی یا به خاطر عضویت در گروه اجتماعی خاص در معرض خطر باشد. این اصل در ماده 33 " کنوانسیون (1951) درباره مهاجرین " به عنوان اصل قانون عرفی گنجانیده شده است.

اصل قانونیت مجازات

NULLUM CRIMEN, NULLA POENA SINE (Principle)

اصطلاح لاتینی و بیانگر اصل حقوقی بین المللی است که بنا بر آن، عملی که در سابق انجام داده شده و در وقت انجام دادن جرم نبوده در حال و آینده پیگرد قانونی ندارد و شخصی که آن عمل مجاز را در گذشته انجام داده است از نظر قانونی بری می باشد. این اصل دارای این معنا نیز می باشد که قانون به طور دقیق باید طوری تدوین شود که در دسترس همه باشد و همه بدانند که فلان عمل در قانون منع شده است. در غیر این صورت دولت نمی تواند هیچ کسی را بدون وجود داشتن قانون واضح در سابق، به خاطر عمل گذشته اش مجازات کند.

رجوع شود به اصل "عدم رجعت قانون به ماقبل".

اصول نورمبرگ - (1945) Nuremberg Principles

اصول چهارگانه گرفته شده از منشور نورمبرگ در باره مسوولیت های جنایی فردی مجرمان جنگی نازی که به محاکمه شدن آن ها در پایان جنگ جهانی دوم منجر شد. این اصول کسانی را که مرتکب جرم بین المللی شده بودند مسوول و سزاوار مجازات ثابت کرد زیرا قانون ملی از عدم مسوولیت کسانی که مرتکب جرم بین المللی شوند دفاع نمی کند و حتی رئیس دولت و مقامات حکومتی نیز اگر مرتکب جرم شوند از پیگرد قانونی مصئون نمی مانند. طبق قانون بین المللی حتی همدمستی در انجام جرایم ذکر شده در منشور نورمبرگ نیز جرم به شمار می آید.

اعتراض (شرط گذاشتن به معاهده)

Objection (To Reservation To Treaty)

اظهار بیانیه کتبی از جانب کشور تصویب کننده در اعتراض به قید و شرطی که از جانب کشور تصویب کننده دیگر برای پیمان ارائه شده است. با اظهار این بیانیه کشور اعتراض کننده، قید را بی اعتبار و در تضاد با هدف و مقصد پیمان اعلان می کند.

اذیت – persecution

یعنی آزار و اذیت کردن کسی، وارد کردن آسیب یا غم به کسی، محرومیت جدی و عمدی کسی از چیزی توسط دولت یا نماینده گانش. نقض سیستماتیک حقوق بشر بنیادی. در زمینه جنایت علیه بشریت، قانون مدون محکمه جنایی، آزار و اذیت را چنین تعریف می کند "محروم کردن عمدی و سختگیرانه گروه های خاص را از حقوق بنیادی آن ها به خاطر شناخت گروهی و جمعی آنان و یا محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی بر خلاف حقوق بین الملل به دلیل هویت آن گروه یا جمعیت".

افراد تحت اختیار دشمن - Persons in the Power of Enemy

کسی که در جنگ داخلی یا غیر بین المللی در اسارت یا بازداشت عملی گروه جنگجو قرار دارد. این اصطلاح بیشتر به جای اصطلاح "اسیر جنگی" به عساکر شورشی و چریکی که اسیر شده اند، استعمال می شود. زیرا اصطلاح اسیر جنگی در جنگ داخلی به کار برده نمی شود.

اراده سیاسی (دولتها) - Political Will (of States)

اراده سیاسی یک دولت عبارت است از تصمیم و نیت حکومت برای انجام دادن یک عمل در سطح بین المللی با استفاده از وسایل سیاسی به منظور رسیدن انفرادی یا دسته جمعی به مقصدی که نفع آن مشترک و بین المللی باشد. البته این تصمیم و نیت حکومت به تعقیب معیارها، اصول و طرز العمل های خاص به وجود می آید. اراده سیاسی با بیان لفظی و بدیعانه حکومت به نفع حقوق بشر، فرق دارد زیرا در بیان لفظی و بدیعانه حکومت به نفع حقوق بشر، سیاست، عمل و حتی نیت واقعی کردن چنین موقعیت، وجود ندارد.

اصل بری الذمه (قانون جزایی)

Presumption of Innocence (Principle of Criminal Law)

عبارت است از اصل حقوق بشر در مسایل جنایی که طبق آن فرد مظنون و متهم به ارتکاب جرم تا وقتی جرمش در محکمه ثابت نشود بی گناه محسوب میگردد. این اصل در تمام قضیه های جنایی پیاده می شود حتی جایی که مظنون به جرم نقض واضح و آشکار قانون گرفتار شده باشد. طبق این اصل برای ثابت کردن جرم فرد مظنون، مسئولیت فراهم سازی مدارک و شواهد بر دوش حکومت سنگینی می کند یعنی حکومت مکلف است تا با آوردن شواهد و مدارک معتبر، جرم فرد مظنون را ثابت کند. این حق در ماده 14 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی نیز دیده می شود.

اصل (قانون) – Principle (of Law)

عبارت از قانون جامع و بنیادی، دکترین یا فرضیه، قاعده عمومی یا ضوابط اخلاقی و عملی می باشد که در اصول قانون گذاری مراعات می شود.

اصول عبارت اند از بیانیه های عمومی گرفته شده از قانون های حقوقی مخصوص برای فراهم کردن دلیل های معین برای آن قوانین. اصول "چرا" قواعد را برای ما توضیح می دهد. مثلاً در قانون بین المللی جنگ، اصل تشخیص بین نظامیان و غیر نظامیان، این نکته را تضمین می کند که تنها نظامیان هدف حمله قرار گیرند و غیر نظامیان از آسیب محفوظ بمانند.

اصل تفسیر و تطبیق قانون - Pro Homine (Principle of Application and Interpretation)

این اصل در قانون بین المللی حقوق بشر دیده می شود. طبق این اصل، تمام حقوق بشر باید به گونه ای تفسیر و تطبیق شود که به طور کامل و کافی انسان ها را حفاظت کند. جایی که در قضیه خاص دو اصل قانونی وجود داشته باشد، آن اصلی که به افراد آزادی و حفاظت بیشتر فراهم می کند بر اصلی که کمتر فراهم می کند، باید مقدم شود. هر تفسیر و تطبیق اصولی که بیشتر به نفع افراد باشد و از عظمت فطری انسان بیشتر حمایت کند، باید ترویج و شایع شود. مثلاً فرض کنید قانون برای محکوم به خاطر جرمش مجازاتی را معین می کند و بعد از مدتی، قانون، مجازات همان جرم را کاهش می دهد. در این صورت در حق محکوم باید قانون دوم تطبیق شود تا محکوم از تبدیلی قانون بهره مند شود و مجازاتش کاهش یابد.

اشخاص محفوظ- Protected Persons

در کنوانسیون های چهارگانه ژینو این اصطلاح به کسانی استعمال می شود که به عنوان قربانی برخوردهای مسلحانه و در جریان برخوردهای مسلحانه، حق حفاظت و رفتار انسانی به آن ها اعطا شده است.

امن عامه (محدودیت)- Public Safety (Limitation)

محافظت دولت از رفاه و بهزیستی مردم. تدابیری که برای حفاظت ساکنین یک کشور گرفته می شود. محافظت از امنیت ملی، یکی از اهداف مشروع محدود سازی حقوق بشر به شمار می آید و این قید در بسیاری از معاهده های حقوق بشر موجود می باشد. امنیت ملی بآنکه یکی از عناصر تدابیری را که برای حفظ نظم اجتماعی گرفته می شود، محسوب می شود با نظم اجتماعی فرق دارد. محفوظیت از اعمال طبیعی خاص و محفوظیت از اعمال مضر افراد یا گروه، همه در این اصطلاح شامل می باشد.

اسیر جنگی- Prisoner of War

اسیر جنگی کسی است که جزء یکی از دسته های زیر باشد و بدست دشمن بیفتد :

- 1 - افراد نیروی مسلح هر یک از طرفهای متخاصم و هم چنین افراد غیر نظامی یا دسته های داوطلبی که بخش از نیروهای مسلح باشند.
- 2 - افراد سایر گروههای غیر نظامی و دسته های داوطلب ، از جمله افراد متشکل نهضت های مقاومتی که متعلق به یکی از طرفهای متخاصم باشند و در داخل و خارج کشور خود به عملیات بپردازند. حتی اگر این خاک به اشغال در آمده باشد، مشروط به آنکه این گروههای غیر نظامی و دسته های داوطلب و افراد متشکل نهضت های مقاومت ، دارای شرایط ذیل باشند:

الف : تحت فرماندهی شخصی عمل کند که مسئولیت افراد خود را بپذیرد .
ب : علامت مخصوص و ثابتی داشته باشند .
ج : اسلحه خود را علناً حمل کنند.
د : عملیات نظامی خود را مطابق با قوانین و رسوم جنگ انجام دهند.

بدین منظور اعمال زیر همیشه و تحت هر شرایطی با افراد فوق الذکر ممنوع است :

الف : بر جسم و جانشان صدمه وارد کردن، علی الخصوص کشتن به هر شیوه یی که باشد، قطع عضو، رفتار بی رحمانه و شکنجه و عذاب دادن.
ب : گروهان گیری .
ج : هتک حرکت اشخاص ، خصوصاً رفتار و بر خورد تحقیر آمیز و خوار کننده داشتن .
د : صدور حکم حبس یا اعدام اشخاص ، بدون آنکه حکم آنرا از محکمه ذیصلاحی صادر کرده باشد . چنین محکمه یی باید از کلیه تضمین های قضائی که از نظر مردم متمدن ضرور است ، بر خودار باشد.

اهالی غیر نظامی - Civilians

کسانیکه مستقیماً در جنگ شرکت ندارند، هم چنین افراد نیروهای مسلحی که سلاح بر زمین می گذارند و کسانیکه بدلیل مریضی، جراحت، بازداشت و یا هر علت دیگری قادر به ادامه جنگ نیستند، اهالی غیر نظامی محسوب می گردند. در هر شرایط در مقابل همچو اشخاص رفتار انسانی، بدون هر گونه تبعیض ناشی از نژاد، رنگ، مذهب یا عقیده، جنس، اصل و نسب، ثروت و یا سایر ضوابط مشابه آن صورت گیرد.

اهالی که در جنگ اشتراک ندارند، در هر نوع عملیات نظامی مسئولیت دارند. اما در وضعیت جنگ، اهالی غیر نظامی که جزء نیروهای مسلح اند، مسئولیت هایی در عملیات نظامی متوجه شان می گردد.

ویا بنا بر ماده (50) میثاق بین المللی ژنیو مورخ (12 اگست 1949) گفته می توانیم که:

اهالی غیر نظامی همه اشخاص غیر نظامی را معین می کند. مفهوم غیر نظامی به کسانی گفته می شود که نیروهای مسلح، افراد چریک غیر نظامی یا دسته های داوطلبی بخشی از نیروهای مسلح، افراد متشکل نهضت های مقاومتی متعلق به نیروی نظامی نباشند.

اهالی غیر نظامی که در عملیات نظامی اشتراک می کنند، هر چند که مقام اشخاص نظامی را ندارند، در عملیات های جنگی مسئولیت خویش را از دست می دهند.

در ماده (51) پروتوکول ضمیمه قرارداد های ژنیو (12 اگست 1949) بر حمایت اشخاص غیر نظامی تاکید می کند: افراد ملکی در برابر خطر ایجاد شده نظامی باید از حمایت عمومی بر خودار گردند. افراد غیر نظامی نباید مورد حمله قرار گیرند. اعمال و تهدید های خشونت آمیز، که هدف اصلی آن ایجاد و توسعه وحشت در بین اهالی غیر نظامی است، ممنوع می باشد. هم چنین این ماده حملاتی را ممنوع قرار میدهد که عبارتست از:

الف: حملاتی که به اهداف مشخص نظامی توجیه نشده باشد.

ب: حملاتی که در روش و وسایل جنگی استفاده به عمل آمده باشد که نتواند به اهداف مشخص نظامی هدایت داده شوند، یا

ج: حملاتی که در آن روش و وسایل جنگی تاثیرات آن محدود نباشد.

اعدام ماورای قضائی (اعدام بدون حکم محکمه) Extrajudicial Execution

عبارت از قتل مخالفان سیاسی یا اشخاصی که به ارتکاب جنایت مظنون میباشند، با استفاده قوای مسلح، مجریان قانون و یا گروه های که از جانب دستگاه حکومت حمایت میشوند، است.

این اصطلاح مفاهیم کشتار سیاسی یا قتل های عمومی را فرا میگیرد.

اعلامیه - Declaration

1. سند سیاسی: یعنی سند کتبی اظهار اصول قانونی توسط سازمان بین المللی، البته این اصول به این معنا نیست که از لحاظ قانونی لازم الاجرا باشد اما ممکن است اعتبار و اقتدار سیاسی و اخلاقی قابل ملاحظه را دارا باشد و ممکن است لایحه وظایف یک ارگان را نیز تشکیل دهد. این اصول ممکن است، به مرور زمان، به حیث یک موضوع قانون عرفی بین المللی، هرگاه مدرک باور وجود داشته باشد که اجراء دولت مطابق به قانون (opinio juris) است و نه منحصراً یک موضوع نزاکت و ضرورت، الزامی میگردد. اعلامیه، سند قانونی به حساب نمی آید بلکه توسط قطعنامه بین المللی و بین الدولی تسوید و اتخاذ میگردد. اعلامیه جهانی حقوق بشر نمونه ای از این نوع اعلامیه است.

2. سند پیمان: یعنی سندی که هنگام تصدیق معاهده توسط یک کشور تقدیم می شود که در آن، کشور تصدیق کننده، حدود مسوولیت ها و تعهدات اش را بیان نموده و شرایط خاصی را نیز ذکر می کند مثلاً حدود جغرافیایی و مادی ممکن است این اعلامیه مربوط به پذیرش صلاحیت هیات اجرایی برای رسیدگی به شکایات علیه دولت باشد. این اعلامیه معمولاً همراه با شرایط (Reservation) و تفاهم (Understanding) در پرونده گذاشته می شود که هر دو باهم مخفف RDUS را در یک پیمان تشکیل می دهند.

(اصل) دو جانبه – Bilateral (Principle)

پیمان دو جانبه عبارت است از تفاهم قانونی بین المللی بین دو دولت. حقوق و تعهدات بین دو دولت توسط پیمان های دو جانبه به وجود می آید و توسط قانون بین الملل اداره می شوند. پیمان های بین بیشتر از دو دولت به نام پیمان های چند جانبه یاد می شوند.

انارشی - Anarchy

یک حالت هرج و مرج، بی نظمی و بی قانونی سیاسی در یک دولت که نسبت نبود یک حکومت، عدم موفقیت مقامات دولتی یا عدم موجودیت احترام به حاکمیت قانون بوجود میاید. عدم موجودیت هرگونه ممانعت در اجراءات دولت یا رفتار افراد. یک باوری که حکومت و قانون باید از میان برداشته شود و توسط همکاری متقابل انسانها جایگزین گردد.

Sui Generis بی نظیر

این اصطلاح لاتینی در تفسیر حقوقی به چیزی استعمال می شود که شبیه و نظیر نداشته باشد. اشیای یگانه به چیزهای گفته می شود که کاملاً ممتاز و متمایز باشد بر عکس چیزهایی که شبیه و نظیر دارد.

به نسبت شرایط – Ratione Conditionis (Principle)

اصل قانون بشری که صراحت دارد، سلاحها و میتودهای جنگ که زیانهای بیشتر و غیر ضروری را بوجود میاورد، ممنوع میباشد. این اصل مربوط میشود به استفاده سلاحهایی که زیان و خسارت غیر ضروری بوجود میاورد و نیز سلاحهایی را مشخص میسازد که فقط باید اهداف نظامی را هدف گیرد نه اینکه به اشیاء و مردم ملکی خسارت بوجود بیاورد. این اصل سلاحهای "کور" و استفاده بمباران منطقه ای و استفاده سلاحهای آتشزا مانند بمب آتشی را منع میکند.

به دلیل موقعیت – Ratione Loci (Territorial Jurisdiction)

اساس صلاحیت یک مجمع قضایی یا شبه قضایی مثل یک کمیسیون، محکمه/دیوان، یا کمیته که شکایات فردی یا بین المللی را رسیدگی میکند، اطلاق می شود. این یک اساس پذیرفتن یک شکایت میباشد. این باید در جائیکه در آن تخطی نورم یک پیمان حقوق بشری ادعا گردیده است صورت گیرد. سوال اینست که آیا تخطی در یک موقعیت جغرافیایی در حدود صلاحیت کشور مدعی علیه اتفاق افتاده، یا اینکه آن محل در غیر اینصورت، موضوع تطبیق پیمان بود مانند قلمرو خارجی یک دولت یا بوسیله تطبیق برون مرزی. اگر یک تخطی بناگفته بعضی، در جایی اتفاق میافتد که موضوع نورم پیمان نمیباشد، در اینصورت شکایتی که ادعای تخطی آنگونه اعمال را میکند، غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد. مثلاً، نظر به جائیکه تخطی ادعا شده در آنجا اتفاق افتاد. این بدین معناست که نورم در آنجا یا بالای کشور طرف، الزامی نبوده است. این اصطلاح معمولاً در تصامیم/قضاوتهای در مورد قابل قبول بودن شکایات حقوق بشری دیده میشود. وقتیکه این اصطلاح در قانون بشری استفاده میگردد، این مطلب مربوط به جایست که نورم پیمان بشری در آنجا قابل تطبیق میباشد. مثلاً تطبیق ارضی یک پیمان. این همچنان منحصراً یک اصطلاح عمومی به معنای "به دلیل جائیکه چیزی اتفاق میافتد یا تطبیق میگردد" استفاده میشود.

به دلیل مادی

Ratione Materiae (Subject Matter Jurisdiction)

اساس صلاحیت یک مجمع قضایی یا شبه قضایی مثل محکمه حقوق بشری، کمیسیون یا کمیته که شکایات انفرادی یا بین المللی را رسیدگی میکند. این اساس در جایی در نظر گرفته میشود که آیا حقایق که ادعا میشود اتفاق افتاده باشد میتواند به یک نورم ماهوی حقوق بشری که در یک پیمان وجود دارد، ربطی داشته باشد، و آیا اعمال در "حیطه مادی" یا مواد اساسی نورم پیمان میباشد. یک شکایت فقط وقتی قابل قبول پنداشته میشود اگر حقایق یک تخطی ماهوی نورم قابل تطبیق پیمان را برملا سازد. اگر شکایات حقایق را از یک تخطی در حیطه مادی یک پیمان نشان ندهد، در آنصورت شکایت غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد. مثلاً: ادعا صورت میگیرد که نظر به کنوانسیون حقوق بشری اروپا شخص حق ماهوی دارد تا به مصرف دولت به کره ماه سفر کند. در حیطه مادی کنوانسیون حقوق بشری اروپا این چنین حقوق بشری هیچ وجود ندارد. ادعای چنین حقی غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد.

این اصطلاح همچنان در دیگر زمینه ها به معنی "به دلیل یا در حیطه مادی/تطبیق بعضی چیز" استفاده میگردد. این اصطلاح معمولاً در تصامیم/قضایات در باره قابل قبول بودن شکایات حقوق بشری دیده میشود.

به دلیل شخص

Ratione Personae (Personal Jurisdiction)

اساس صلاحیت یک مجمع قضایی یا شبه قضایی مثلاً محکمه حقوق بشری، کمیسیون یا کمیته که شکایات فرد یا بین الدول را رسیدگی میکند. این اساس مربوط به شخص یا دولتی میگردد که یک شکایت را تسلیم کرده است و مشخصاً اینکه:

- (1) آیا طرف شاکی "شرایط" را دارد تا شکایت را ارائه کند،
- (2) در باره کشور مدعی علیه، آیا آن کشور در هنگام تخطی ملزم به موضع پیمان بود، یا
- (3) آیا کشور مدعی علیه در حقیقت تنها کشوری است که ادعای تخطی موضوع نورم یک پیمان بالای آن صورت گرفته است. این یک اساس برای قابل قبول بودن یک شکایت است. اگر شکایت کدام شرایط را تکمیل نکند یا کشور مدعی علیه کاملاً مدعی علیه نمیشود، در اینصورت شکایت غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد.

شخص به پیمان، قانون موضوعه یا قواعد اصولی یک مجمع نگاه میکند تا اساس صلاحیت را ببیند. این اصطلاح همچنان در تطبیق قانون کنوانسیونهای بشری استفاده میگردد تا به انواع معین اشخاص تحت الحمايه اشاره صورت گیرد. این اصطلاح معمولاً در تصامیم در باره قابل قبول بودن شکایات حقوق بشری دیده میشود. در عموم این اصطلاح به معنی "به دلیل/به نسبت/با توجه به اشخاص یا طرفین ذیدخل" استفاده میگردد.

به دلیل اعتبار – Ratione Standi (Standing)

اساس صلاحیت یک مجمع قضایی یا شبه قضایی مثلاً محکمه حقوق بشری، کمیسیون یا کمیته. این بدین منظور است که آیا شخص، گروه یا کشور، در تحت پیمان حقوق بشری حق ارائه یک شکایت را دارند یا نظر به قواعد یک مجمع حق ارائه یک قضیه را دارند تا شاکی باشند. این یک اساس برای قابل قبول بودن یک شکایت است. این اساس معمولاً در جایی عملی میگردد که آیا یک شخص "قربانی/متضرر" مستقیم یا غیر مستقیم یک تخطی است (مثلاً: متضرر شکنجه یا همسر یک شخص اعدام شده)، یا آیا غیر متضررین نیز میتوانند شکایت را درج کنند. این یک اصطلاحی است که معمولاً در رابطه به تحلیل مسائل "اعتبار" دیده میشود. اگر طرفی که یک شکایت حقوق بشری را درج کرده است طرف شایسته برای چنین کاری نباشد، طرف دارای فقدان به دلیل اعتبار محسوب می گردد. در اینصورت مجمع شکایت را غیر قابل قبول پنداشته و به شکایت گوش نخواهد داد. بعضی اوقات این اساس منحصراً "به دلیل غیر قابل قبول بودن شخص" بیان میگردد. هر سیستم پیمان حقوق بشری نورمهای مختلفی با توجه به اینکه کی مستحق درج یک شکایت از ادعای تخطی های حقوق بشری است، میباشد.

به دلیل زمان

Ratione Temporis (Temporal Jurisdiction)

اساس صلاحیت یک مجمع قضایی یا شبه قضایی مثلاً محکمه حقوق بشری، کمیسیون یا کمیته که شکایات فرد یا بین الدول را رسیدگی میکند. این در مواردی استفاده می شود که آیا تخطی ادعا شده حقوق بشری در زمانی اتفاق افتاد که یک نورم خاص پیمان حقوق بشری بالای کشور متخطی الزامی بوده یا خیر. این یک اساس برای قابل قبول بودن یک شکایت است.

این اساس معمولاً در مورد تخطی‌هایی استفاده می‌شود که استدلال می‌شود که قبل از اینکه یک کشور موضوع پیمان را تصویب نماید، اتفاق افتاده است. اعمال قبل از اینکه یک دولت طرف پیمان را تصویب کند اتفاق بیافتد، معمولاً تخطی از نورم یک پیمان شمرده نمی‌شود.

یادداشت: بعضی اوقات حقایق که قبل از الزامی شدن تعهد بوقوع می‌پیوندند، منحنیت تخطی دوامدار نورم در نظر گرفته می‌شود و از طرف مجمع قابل درک خواهد بود. مثلاً، تصویب قبلی، ملی‌سازی/ضبط اموال غیر منقول که تا هنوز هم به صاحب اصلی آن سپرده نشده باشد.

اگر تخطی در حقیقت وقتی اتفاق افتاد که دولت مدعی علیه ملزم یک پیمان نبوده، در اینصورت مجمع ممکن است شکایت را غیر قابل قبول بیندارد و شایسته شنیدن موضوع تخطی نباشد. این اصطلاح بصورت عمومی به معنای تطبیق موقتی یک پیمان می‌باشد مثلاً، وقتیکه در طی آن نورم پیمان الزامی است. این اصطلاح معمولاً در تصامیم مبنی بر قابل قبول بودن شکایات حقوق بشری دیده می‌شود.

به رسمیت شناختن (دولت/حکومت) Recognition (Of State/Government)

در قانون بین‌المللی این به معنی، عمل یک دولت در قبول کردن و تصدیق کردن یک دولت تازه بنیاد شده یا یک دولت جدید که بطور نا منظم در داخل یک دولت موجود پدیدار می‌شود، می‌باشد. این به معنی قبول کردن شخصیت قانون بین‌المللی و حقوق و وظایف آن می‌باشد مثلاً، دفاع خودی/حاکمیت/عملکردهای دیپلماتیک. این عمل معمولاً با تبادل دیپلماتها صورت می‌گیرد. مضایقه داشتن از به رسمیت شناختن، عدم رضایت دولت مضایقه کننده یا عدم رضایت حکومت اش را آشکار می‌سازد.

بردگی - Slavery

یعنی انسان در موقعیتی باشد که مالک خود نبوده بلکه متعلق به شخص دیگر باشد، یعنی به طور ملکیت شخصی در اختیار کس دیگر قرار گیرد. شخص برده از خود اختیار ندارد و مطابق میل آفایش رفتار می‌کند. برده داری جرم جنایی و یکی از نقایض عمده حقوق بشر به حساب می‌آید.

بردباری ، تحمل پذیری - Tolerance

عبارت است از طرز تفکر برای پذیرفتن دیگران با تمام اختلافات نژادی، مذهبی، سیاسی و عقیده ای آن‌ها. تحمل یعنی پذیرفتن دیگران آنچنانیکه آن‌ها هستند و خود داری از هر عملی که به دیگران این باور را به وجود بیاورد که تفاوت نژادی، مذهبی و غیره شان قابل قبول نیست. برای احترام به حقوق بشر، تحمل شرط لازم به شمار می‌آید.

به اساس پیمان - Treaty Based

این اصطلاح به ارگان، یا میکانیزمی که براساس معاهده بنا شده باشد استعمال می‌شود. ارگان یا میکانیزم مبنی بر معاهده به ارگانی گفته می‌شود که پشتوانه اختیارات قانونی اش را معاهده تشکیل بدهد. ارگان مبنی بر معاهده با ارگان غیرمبنی بر معاهده که به نام ارگان مبنی بر منشور یا قانونی اساسی نیز یاد می‌شود، فرق دارد زیرا اساس و پشتوانه قانونی دوم (غیر مبنی بر معاهده) را قانون اساسی یا منشور تشکیل می‌دهد. کمیته حقوق بشر ملل متحد و کمیسیون سابق حقوق بشر اروپا نمونه‌های ارگان‌های مبنی بر معاهده می‌باشد.

با حسن نیت - Bona Fide

این لفظ از نظر دستوری اسم است. وبه معنای طرز تفکر ذهنی است که از طرف فرد، گروه یا دولت اظهار می‌شود که این‌ها (افراد، گروه یا دولت) برای حاصل کردن نتیجه مطلوب، طبق آنچه از نظر اخلاقی راه درست به حساب می‌آید، عمل

می کنند. این لفظ، به معنای صداقت، صراحت و عدالت در ارتباطات است. این یک اصل ارتباط بین المللی است که بر اساس آن، دولت ها طبق توقعات جامعه جهانی و سایر کشورهای هم ارتباط، با روش صادقانه و شفاف، برای ترقی ثبات، صلح و ارتباطات بین المللی هماهنگ، عمل می کنند.

معنای وصفی این کلمه: چیزی که اصلی و خالی از فریب باشد و هدف آن همان چیزی باشد که گفته میشود.

به طور واضح و آشکار (قید لاتینی) — *Expressis verbis*

عبارت است از بیان قیدی لاتینی که در تفسیر معاهده ها یا پیمان ها استعمال می شود و معانی این لفظ عبارت اند از: " به طور واضح"، "آشکارا"، "بی پرده". این لفظ برای صراحت و وضاحت بیشتر عبارت به کار می رود و در مقایسه با آنچه ممکن است واضح نباشد یا آنچه نیازمند تفسیر قضایی است، استعمال می شود. برای مثال حق اعتراض وجدان، به طور واضح (*Expressis verbis*)، در "میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" بیان نشده است.

برخورد مسلحانه بین المللی Internationalized Armed Conflict

جنگی که در ابتدا داخلی و تنها در محدوده یک کشور بوده ولی بعداً نیروی خارجی به طور داوطلبانه یا به تقاضای گروه مسلح مخالف برای کمک آن گروه و به نیابت از حزب مورد حمایتش مداخله نظامی می کند و جنگ داخلی به جنگ بین المللی تبدیل می شود. "برخورد مسلحانه بین المللی شده" به جنگی که در پروتوکول 1 کنوانسیون ژنو 1977 بیان شده است نیز گفته می شود و آن عبارت است از جنگ غیر بین المللی که مردم برای به دست آوردن خود مختاری بر علیه اشغال بیگانه گان، تسلط استعماری آن ها و تبعیض بین سیاه پوست و سفید پوست، آن را راه اندازی میکنند.

به همدیگر وابسته بودن - *Interrelatedness*

ارتباط دوجانبه یا متقابل بین تمام حقوق بشر. طبق این اصل حقوق بشر، تمام حقوق بشر به طور دقیق به همدیگر ارتباط و پیوند ناگسستنی دارند. برای مثال حق غذا، حق بیان، حق گشت و گذار، حق رای دهی که همه از هم جدا ناشدنی است. بین تمام حقوق بشر یک نوع رابطه حقوقی و مفهومی وجود دارد که این رابطه در اجرا و تفسیر حقوق بشر باید دست کم گرفته نشود.

بشر دوستانه - *Humanitarian*

عبارت است از هر چیزی که برای نوع بشر به طور عموم یا برای گروهی از مردم در شرایط خاص مفید باشد و احترام به بزرگی فطری انسان را تضمین کند.

به طور کامل - *IN TOTO*

قید لاتینی است و به معنای به طور کامل، هر بخش، تمام اجزا استعمال می شود در مقابل به طور جزئی، به طور اندک. برای مثال عبارت "کشور ب، پیمان ژنو را به طور کامل (*IN TOTO*) تصویب کرد" به این معنا است که کشور ب، تمام اجزا و مواد پیمان ژنو را پذیرفت.

به طور آشکارا شکایت بی اساس

Manifestly ILL-Founded (Complaint)

یک اصطلاح که یک شکایت و غیره را تعریف میکند که قابل قبول نمیشد و بنظر نماید تا یک وضعیتی را که موضوع مورد بحث یک مجمع، کمیسیون یا محکمه قرار گیرد، ارائه کند. این یک اساس برای عدم قبولیت یک شکایت میباشد. اگر دیده شود که یک شکایت دارای شالوده بی اساس بطور آشکارا میباشد، در اینصورت موجه پنداشته نخواهد شد و مزیت

شکایت مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. دریافت شالوده بی اساس بطور آشکارا در مرحله قبولیت صورت میگیرد. اساس همچو یافته چنین خواهد بود، مثلاً: وقتی که مجمع تشخیص می دهد که واقعیت های ارایه شده برای ثابت کردن تخطی از کنوانسیون کافی نیست، زیرا طبق مدارک، وقایع ارایه شده توسط شاکی، نادرست میباشد. مثلاً شاکی یک قضیه مشهود از تخطی کدام ماده پیمان را ارائه نکرده است. این معیار عدم قبولیت اکثراً در سیستم کنوانسیون اروپا روی حقوق بشر استفاده میگردد. در مورد تطبیق معنای دقیق این اصطلاح اختلاف نظر زیادی موجود بوده است. بطور اساسی این یک یافته ای است که شاکی فاقد عین حالت میباشد. در سیستم داخلی امریکا این اصطلاح را "بطور آشکارا بی اساس" استفاده میکنند. (رجوع کنید به ماد 47 IACHR).

برخورد مسلحانه مختلط – Mixed Armed Conflict

یک برخورد مسلحانه بین یک حکومت و یک گروه اپوزیسیون که در داخل یک کشور انجام میابد و توسط یک دولت دیگر که در جنگ شامل میگردد تا به نفع یک طرف بجنگد، حمایت میشود. (مثلاً: ویتنام، افغانستان). این همچنان یک برخورد مسلحانه بین المللی شده یاد میگردد.

بی طرفی - Neutrality

موقعیت حقوقی بین المللی که یک کشور آشکارا و بی پرده و به طور رسمی از شرکت در برخورد مسلحانه بین المللی خودداری می کند. هنگامی که یک کشور در حال جنگ قرار داشته باشد قوانین مخصوص بر کشورهای بی طرف، تعهدات و حقوق آن ها اجرا می شود. در قانون بین الملل، "هیات قانون" به نام قانون بی طرفی وجود دارد که این قانون، اصول حقوقی بین المللی را درباره بی طرفی بیان میکند.

بررسی/حقیقت یابی در ساحه

On Site Investigation/Fact Finding

رفتن به جاهایی که مسایل و نقض حقوق بشر در آنجا رخ می دهد، برای بررسی دقیق قضیه و برای به دست آوردن مدارک و اطلاعات دست اول. بازرسان به منطقه یا کشور دیگر سفر می کنند و با مقامات حکومتی، شاهدان عینی، سازمان های غیردولتی و افراد عادی راجع به مساله مورد نظر مصاحبه می کند تا حقیقت آنچه را واقع شده یا آنچه در حال وقوع است درک کند. البته معنای ضمنی این مطلب این نیست که حتماً قضیه یا شکایت در مورد نقض حقوق بشر درج شده باشد بلکه ممکن است این بررسی ها به منظور تهیه گزارش کلی از یک کشور یا یک موضوع باشد ولی معمولاً هدف از این بررسی ها برای به دست آوردن اطلاعات موثق بعد از رخ دادن قضیه واقعی و دایر شدن دعوا، صورت می گیرد زیرا ممکن است اطلاعاتی که توسط حکومت فراهم شده موثق نباشد.

باورداشتن به قانون، اجماع حقوق دانان - Opinio Juris

یکی از دو عنصر دکترین قانون عرفی بین المللی (دیگر آن اجراءات سازگار دولت) می باشد. باور داشتن به قانون مربوط می شود به عنصر روانی همراه با عمل دولت در عرصه بین المللی که به این باور انجام یافته که یکی از الزامات قانون بین المللی میباشد و نه یک موضوع تواضع، نزاکت، ضرورت یا مصلحت بینی. این یکی از دو اجزای موضوعی و کیفی یکی از دومنابع قانون عرفی بین المللی است که یک منبع نورمهای حقوق بشر را تشکیل می دهد. اصطلاح کامل لاتینی آن، *opinio juris sive necessatis* میباشد.

به خاطر وظیفه - Ex Officio

واژه است لاتینی و عبارت است از انجام دادن یک چیز بر مبنای اینکه آن چیز حصه از کار دفتری و وظیفه کسی است. مورد استعمال دوم این لفظ این است که مقام یا عضویت کسی در یک دفتر یا یک ارگان براساس مقام و منزلت این شخص در دفتر دیگر باشد. مثلاً سران کشورهای اروپایی، اعضای کمیته وزیران شورای اروپا نیز می باشند و این عضویت به

خاطر مقامی است که این ها در کشورهای خودشان دارند. رئیس جمهور افغانستان سمت سر قوماندانی اعلی قوای مسلح افغانستان را نیز دارد و این مقام دوم یعنی سمت فرماندهی بر اساس مقام اول یعنی ریاست جمهوری وی است.

برتری - (Primacy of judicial Jurisdiction)

اولیت حقوقی و قضایی یک محکمه نسبت به محکمه دیگر به نام برتری قضایی یاد می شود. وقتی برای قضاوت کردن در باره قضیه مورد نزاع، دو محکمه وجود داشته باشد. حق قضاوت نهایی برای محکمه ای است که از حق اولیت و برتری حقوقی برخوردار باشد. محکمه ای که برتری قضایی دارد می تواند محکمه دیگر را کنار زند و قضاوت نهایی در باره قضیه را خود به دست گیرد. معمولاً برتری در مورد ارتباط بین محکمه داخلی و محکمه بین المللی معنا و مفهوم پیدا می کند. مثلاً طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، در مورد پیگرد قانونی مجرمان جنگی، از جانب شورای امنیت ملل متحد به محکمه جنایی بین المللی برای یوگسلاوی سابق، بر محاکم داخلی، حق برتری اعطا شده بود یعنی برای تعقیب قانونی مجرمان جنگی، محکمه جنایی بین المللی نسبت به محاکم داخلی حق برتری حقوقی داشت.

بررسی و تفتیش (تلاشی) - Search

به زور داخل شدن در خانه ای کسی به مقصد بررسی و تفتیش (تلاشی). چنین طرز وارد شدن به منزل شخص، حق حرمت منزل، حق زندگی خصوصی و امور خانوادگی شخص را پایمال میکند ولی اگر داخل شدن به منزل به اجازه محکمه صورت بگیرد، قانونی میباشد.

بیجا شدگان داخلی - Internally displaced persons

فراریان جنگ های داخلی، آسیب های طبیعی و تناقضات قومی و قبیله ای و ... نیز گروه بزرگ آسیب پذیر را تشکیل می دهد. اصطلاح بیجا شده گان به گروه اطلاق میشود که بنا بر عوامل ناشی از تناقضات محلی، قومی، مذهبی، زبانی و غیره مجبور به ترک محل اصلی شان می شوند ولی از مرز های سر زمین خویش بیرون نمی روند. حالت این گروه، از حالت شهروندی پناهنده (مهاجر) فرق دارد چون مرز های کشور اصلی را عبور نکرده اند.

بیسوادی - Illiteracy

به نداشتن توانائی خواندن و نوشتن اطلاق می شود. طبق احصائیه های معاصر بین المللی در جهان، 900 میلیون تن از اشخاص بزرگ سال بیسواد میباشند. گراف بیسوادی در کشورهای فقیر و عقب مانده جهان بالاتر میباشد. بیسوادی با علل و عوامل مختلف همچو فقر، عدم دسترسی به خدمات صحی، عمر کوتاه، محیط زیست ناسازگار، دسترسی نداشتن به آب صحی، ارتباط عمیق دارد.

بیکاری - Unemployment

حالتیست که بر اثر ان افرادی دارای قابلیت کاری با سبب های ساختاری، سیاسی یا اجتماعی نمیتوانند به کار مشغول شوند. مشغول کار بودن معنی اشتغال با مزد را میدهد که برای فرد موقع بدست آوردن اعاشه برای خود و فامیلش را میدهد.

بهره کشی یا سوء استفاده از اطفال - Child Exploitation

بهره کشی یا سوء استفاده از اطفال عبارت از عمل بیرحمانه یا استفاده اطفال به مقاصد تجارتي و صنعت میباشد، بهره کشی اطفال شامل: بهره کشی جنسی اطفال برای تامین نفس یا دریافت پول، کارشبنانه، بکار گیری اطفال که از روی سن و سال

باید تعلیم ابتدائی گیرند، کار در شرایط خطرناک و مضر برای سلامت انسان مربوط به استحصال یا تولید دارو های منع شده، خرید و فروش اطفال، کار تحقیر آمیز و بیرحمانه.
مقصد دراز مدت سازمان ملل متحد از بین بردن تمام انواع بهره کشی اطفال میباشد.

پیوستن - Adhesion, Adherence

یک عملکرد بین المللی که بموجب آن یک کشور به سطح بین المللی موافقت رسمی خویش را مبنی بر پیوستن به یک پیمان بیان میکند. این چنین پیوستن در یک سند بین المللی قانونی نوشته میشود که مشابه به یک سند قبولی، توافق یا دسترسی میباشد. اصطلاح الحاق وقتی استفاده میشود که دولت امضاء کننده پیمان اصلی که توسط دیگر دولتها تصویب شده است، توسط همچو یک سند، به یک دولت گفته میشود تا به تعهدات این پیمان بپیوندد. این تقریباً به معنای دسترسی میباشد. ارائه یا سپردن سند الحاق، دولتین را به طور قانونی مکلف به اطاعت از مواد پیمان میکند.

پیروی از رویه قضایی - Stare Decisis

قانون مشترک و دکترین بنیادی فلسفه حقوق مشترک. یعنی محکمه وظیفه دارد تا در باره یک قضیه مثل فیصله های سابق این محکمه در باره قضیه های دیگر فیصله کند و صدور رای باید بر مبنای فیصله سابق باشد. یعنی مدعی می تواند در مورد یک قضیه به فیصله هایی که در باره قضیه های سابق صورت گرفته است استناد کند.
این اصطلاح اگرچه اصطلاح حقوق بشری نیست اما گاه گاهی در ادبیات حقوق بشر هنگام بحث در باره قضاوت سابقه محکمه، استعمال می شود.

پیمان - Treaty

در مفهوم عمومی، پیمان عبارت از یک قرارداد مذاکره شده میباشد که بصورت تحریری بین دو یا بیشتر مقامات سیاسی (مثل دولتها و حاکمیتها)، رسماً توسط نمایندگان با صلاحیت امضاء گردیده و توسط مقامات قانونگذار دولتها تصویب میگردد.

ماده 1 پیمان دفاع کنوانسیون وینا به مثابه یک موافقت بین المللی به شکل تحریری بین دولتها عقد گردیده و توسط قانون بین المللی، چه در یک یا دو سند درج گردیده باشد یا در بیشتر اسناد مربوطه وجود داشته باشد و چه بطور ویژه تعیین گردیده باشد، اداره میگردد.

لغت "پیمان" یک اصطلاح عمومی بوده که در همه انواع سندهای بین المللی قابل تطبیق میباشد. مثلاً: کنوانسیون، میثاق، عهد، موافقت، پروتوکول ها و بعضی اوقات هم در منشورها و قوانین موضوعی، ممکن است بخودی خود عنوان تعیین کننده یک پیمان باشد. مثلاً، پیمان دوستی، تجارت و دریانوردی بین کشور الف و کشور ب.

یک پیمان بدین منظور است که هدف آن داشتن یک مشخصه و تاثیر الزامی حقوقی میباشد بخاطریکه به حیث موضوع اصل قانون بین المللی *pacta sunt servanda* پنداشته میشود و بدین معناست که موافقت باید رعایت گردد.

پذیرش (نص پیمان) – Adoption (of Treaty Text)

عملکرد رسمی که توسط یک قطعنامه، موافقت دولتها را برای گفتگو در مورد یک پیمان مبنی بر چگونگی نص و شکل پیمان بیان میکند. پذیرش (نص پیمان) میتواند بعد از ترتیب مسوده پیمان، که توسط آراء تکمیل و در یک قطعنامه موافقت تمام دولتهای مذاکره کننده را معین مینماید، صورت گیرد. تاریخ قبولی یک پیمان معمولاً در زیر عنوان پیمان همراه با تاریخ که پیمان نافذ میگردد، میباشد.

پیگرد نمودن/ تحویل دادن (اصل)

Aut Dedere Aut Judicare (Principle)

یک اصل قانون جزایی بین المللی که در رابطه به استرداد مجرمین/فراریان جنایات بین المللی تطبیق میگردد. این اصل بیانگر آن است هرگاه یک شخص مظنون ارتکاب جرایم معین بین المللی از یک کشوری باشد و در کشور دیگر مقیم شود، کشوری که مدعی علیه در آن مقیم است، تحت التزام قانونی قرار دارد تا مدعی علیه را دستگیر و مورد پیگرد قانونی قرار دهد و یا شخص مدعی علیه را به هر مقامی که خواستار استرداد چنین شخص باشد باید تسلیم نماید. این نوع التزام در بعضی از پیمانها مثل کنوانسیون بر علیه شکنجه گنجائیده شده است. در انگلیسی بعضی اوقات این اصطلاح را "پیگرد و تحویلدهی" مینامند.

پناهنده عملی - DE Facto refugee

عبارت است از کسی که از کشورش به کشور دیگر فرار کرده و نمی خواهد یا نمی تواند مثل پناهنده پیمانی خواهان شناسایی حقوقی شود یا کسی که به دلایل معقول نمی تواند یا نمی خواهد به کشور اصلی اش برگردد.

پرداخت ارفاقی- Ex gratia payment

عبارت است از پرداخت جبران از طرف یک کشور به کشور یا به فرد دیگر برای حل نقض حقوق بشر که کشور دریافت کننده بر علیه کشور پرداخت کننده در محکمه بین المللی آن را ادعا می کند. البته کشور پرداخت کننده این جبران را به رضایت خود برای جلب رضایت مدعی، قبول می کند بدون آنکه به نقض حقوق بشر اعتراف کند یا مسوولیت نقض حقوق بشر را به عهده بگیرد. این غرامت به طور حسن نیت و برای فرونشاندن اختلاف پرداخت می شود.

پیمان عمومی – General Treaty

یک پیمانی که در سطح جهانی یا منطقه ای اتخاذ میگردد که تمام یا قسمتی زیادی از نورمهای بشری را در بر میگیرد و قابل تطبیق بالای همه کشورها، میباشد. یک مثال آن میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است. این از پیمان مشخص "بخشی"، "ویژه" یا "موضوعی" که فقط یک طرح محدود را احتوا میکند تفاوت دارد مثل نسل کشی یا شکنجه یا اشخاص معین مثل اطفال و پناهجویان.

پیمان، معاهده قانون گذار – Law-making Treaty

یک موافقت بین المللی که به مقصد وضع قواعد عمومی نورمهای اجرایی در بین تعداد قابل ملاحظه دولتها عقد و تصویب گردیده است. این پیمان نورمهای اجرایی را وضع و به رسمیت میثاق و بالای تمام دولتهای طرف پیمان از لحاظ حقوقی لازم الاجرا میباشد. دولتهای شامل عقد این پیمان همچنان میتوانند این قواعد را تغییر یا از بین ببرند. یک پیمان قانونگذاری، یک معیار ساختن یک سند است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی یک پیمان قانونگذاری است.

پیوند (با حقوق بشر) – Linkage (to human rights)

عمل، قانون یا پالیسی تاسیس یک پیوستگی اجباری بین پذیرفتن نورمهای حقوق بشر و بعضی اهداف دیگر مثلا تجارت، برسمیت شناختن یک دولت یا تعهد کمک های خارجی میباشد. پیوند یک معاوضه را بوجود میآورد تا که پاسخگو دولت را با معیارهای حقوق بشر ارتقاء دهد.

پیمان الگویی – Model Treaty

یک پیمانی مانند سندی که ساحه معین از نورمهای حقوقی را احتوا میکند که توسط یک سازمان بین الدولتی مثل ملل متحد تهیه میگردد تا برای استفاده دولتها منحصیث یک الگو برای بحث و تسوید سند های دوجانبه و چندین جانبه، با این عقیده که

این سندها بطور قانونی تعهدی شود، قرار گیرد. پیمانهای الگویی بدین منظور تحریر میگردند تا با تعهدات موجود حقوقی بین المللی و قوانین عرفی که در دیگر پیمانها وجود دارد سازگار باشد. اینها اکثراً برای سندهای دو جانبه استفاده میگردند. مثلاً: پیمان الگویی روی استرداد مجرمین. پیمان های الگویی قانوناً تعهدی نمیباشند.

پیمان چند جانبه – Multilateral Treaty

یک پیمان (میثاق، کنوانسیون، عهد، موافقت، پروتوکول) که بین بیشتر از دو طرف انعقاد یابد. پیمانهای چند جانبه معمولاً موضوعات مشترک المنافع تمام طرفین را بین بیشتر از دو کشور احتوا میکند. نوع دیگر آن پیمان "دو جانبه" است که فقط بین دو کشور میباشد. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی یک پیمان چند جانبه میباشد.

پروتوکول اختیاری - Optional Protocol

سند پیمانی که معاهده موجود را اصلاح یا ترمیم می کند و به کشورها در انتخاب کردن یا نکردن این اصلاح اختیاری دهد. از نظر حقوقی هیچ کشوری به این پروتوکول ها ملزم نمی باشد و این پروتوکول ها بالای هیچ کشوری لازم الاجرا نیست حتی کشورهایی که پیمان اساسی این پروتوکول ها بر آن ها لازم الاجرا است. معمولاً اینگونه پروتوکول، اصول حقیقی و میکانیزم های عملی جدید را بیان می کند از قبیل رسیده گی به شکایات افراد از کشورهای نقض کننده، خواستن تعدیل در قانون گذاری یک کشور از قبیل خواستار شدن لغو اعدام از یک کشور و غیره. این نوع پروتوکول بیشتر در پروتوکول های اختیاری میثاق حقوق سیاسی و مدنی ملل متحد (1966) که یکی از چهار سند لایحه قانون بین المللی است، دیده می شود. این پیمان برای کشورها زمینه را فراهم کرد تا رضایت شان را از صلاحیت قانونی کمیته حقوق بشر ملل متحد اظهار کنند و صلاحیت این کمیته را برای شنیدن شکایات افرادی که ادعا می کنند حقوق آنان توسط این کشورها نقض شده، بپذیرند.

پناهندگی سیاسی - Political Asylum

وضعیت یا دعوی پناهندگی سیاسی را کسی می تواند داشته باشد که به خاطر عقیده سیاسی اش در کشورش یا آخرین کشور اقامتگاهش مورد اذیت و آزار قرار گرفته است یا از اذیت شدن در کشورهای یاد شده هراس دارد.

پروتوکول (پیمان) - Protocol (To Treaty)

این اصطلاح بیشتر به سند حقوقی بین المللی که به منظور اصلاح و ترمیم پیمان موجود تاسیس شده است، استعمال می شود. از پروتوکول، برای تاسیس اصول حقیقی جدید و همچنان اصلاح اصول حقوقی موجود، تاسیس میکانیزم تطبیقی جدید و اصلاح میکانیزم تطبیقی موجود کار گرفته می شود. پروتوکول معمولاً بعد از معاهده برای اصلاح آن به وجود می آید اما گاهی همزمان با معاهده نیز استعمال می شود. برای مثال پروتوکول اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی. این کلمه در زمینه های دیگر دارای معانی دیگر است اما در زمینه حقوق بشر صرف به معنای سند اصلاح کننده یا ترمیم کننده پیمان، استعمال می شود.

از آنجا که پروتوکول به ذات خود پیمان مستقل است مانند سایر معاهده ها برای ورود به مرحله لازم الاجرا، باید تمام مراحل و تشریفات طرز العملی را (از قبیل مذاکره، انتخاب، تصویب، واکذاری به امانت دار) طی کند.

پناهجو - Asylum Seeker

منظور از پناهجو بیشتر پناهنده سیاسی می باشد. پناهجو به کسی اطلاق می گردد که کشور اصلی خویش را بنا بر عوامل مختلف از قبیل دهشت، تعقیب و پیگرد سیاسی، عضویت در احزاب سیاسی و داشتن عقاید مذهبی و تعلقات به گروپهای مختلف اجتماعی و اقلیت های قومی ترک گفته، از کشور دیگری تقاضای پناهندگی می نماید. یا: پناهجو و یا متقاضی پناهندگی به کسی اطلاق می شود که در کشور اصلی اش نسبت فعالیت های عقیدتی، جنس، نژاد، زبان، ملیت، و قوم مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته و یا عملاً در خطر شکنجه، زندان و مرگ قرار داشته باشد.

پناهنده در محل یا پناهنده مکان- Refuge Sur Place

شخص مقیم در کشور خارجی زمانی پناهنده محسوب میشود که در کشور اصلی او تحولاتی رخ دهد و بخاطر خوف از تعقیب عدلی بنا بر مسائل نژادی، مذهبی، قومی، سیاسی و یا عضویت در گروه های اجتماعی مانع برگشت او میگردد. مثال آن چنین خواهد بود که یک دیپلمات کشور الف، در کشور ب، زمانی پناهنده خواهد شد که نظام سیاسی کشورش تغییر کند و در صورت عودت به کشورش (کشور الف) مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. پناهنده در محل، شخصی نیست که کشور خود را ترک میکند بلکه زمانی پناهنده گفته میشود که خود را در حالاتی میبیند که تحول در کشورش صورت گرفته است.

پناهنده- Refugee

پناهنده عبارت از شخصی است که کشورش را بمقصد نجات از زجر و اذیت ترک کرده است. پناهنده در کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل متحد سال 1951 چنین تعریف گردیده است: پناهنده به کسی اطلاق میشود که در کشور بومی اش نسبت فعالیت های عقیدتی، جنس، نژاد، زبان، ملیت و قوم مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته باشد و یا عملاً در خطر شکنجه (روحي و فزيكي)، زندان و مرگ قرار گرفته باشد.

پناهنده نا متعارف (درمقابل پناهنده پیمانی)

Non Conventional Refugee

کسی که از کشورش فرار کرده اما شرایط لازم را برای پناهنده بودن پیمانی ندارند. یعنی شرایطی را که یک پناهنده پیمانی باید داشته باشد، ندارد. پناهنده پیمانی در معاهده پناهنده گان ملل متحد (1951) به طور واضح تعریف شده است.

تعلیق (شرط حقوق بشر) - Derogation (of human rights clause)

عبارت است از اقدام دولت برای به تعویق انداختن بعضی از حقوق بشر بعد از اعلان حالت اضطراری که زنده گی مردم و تمام ملت را متاثر می سازد. در مدت حالت اضطراری برای معامله با حالات اضطراری گرفتن تدابیر لازم حتی اگر منجر به نقض حقوق بشر شود جایز است. حقوق خاص که در حالت اضطراری به حال تعلیق می آید در "بند ابطال" پیمانها بیان می شود. برای مثال ماده 4 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی "بند ابطال" این پیمان را تشکیل می دهد. "ابطالات" می تواند توسط ارگان بین المللی که وظیفه تطبیق این ابطالات را به عهده دارد، نظارت شود.

تصدیق - Authentication

جریان عمل پیمان حقوقی بین المللی ای که بموجب آن متن قطعی یک پیمان در آن درج میگردد. این طرز العمل خود ممکن است در متن پیمان تنظیم گردد یا توسط امضاء و همه پرسى نماینده گان دولت ها صورت گیرد. این روند همچنان زبان رسمی متن را که تصدیق شده پنداشته شده است تنظیم مینماید (مثلاً: فرانسوی، انگلیسی یا روسی).

توقیف احتیاطی- Preventative Detention

گاهی حکومت فردی را پیش از حاضر شدن در محکمه و پیش از ثابت شدن جرمش به زور زندانی می کند. زیرا طبق باور و گمان مقامات اجرایی مسئول، آن شخص برای امنیت ملی و حفاظت عمومی تهدید به حساب می آید. بیم دولت از عضویت فرد مظنون در باندها و حرکت های جنایی (از قبیل بم گذاری های تروریستی) و سهمگیری احتمالی وی در حرکت های خشونت آمیز باعث می شود تا قبل از معلوم شدن حقیقت برای جلوگیری از پیامد های سوء احتمالی، فرد مشکوک را توقیف کند.

تبعیض نژادی – Racial Discrimination

در ماده اول کنوانسیون ملل متحد روی محور گونه تبعیض نژادی (سال 1965)، تبعیض نژادی چنین تعریف گردیده است: " تبعیض نژادی اطلاق می شود به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت یا رجحانی که بر اساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملی، قومی مبتنی بوده هدف یا اثر آن از بین بردن و یادر معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسایی یا تمتع یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی های اساسی در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه ای دیگری از حیات عمومی باشد".

تصویب (معاهده) سند

Ratification (Treaty, Instrument of)

مرحله ای که به موجب آن یک کشور قانوناً ملزم یک پیمانی که آنرا امضاء نموده است ، میگردد. به مفهوم ملی این مرحله ای است که بموجب آن یک کشور قانوناً قبولیت/موافقت خود را از تعهداتی که در پیمان گنجانیده شده است، ابراز میدارد. این تصویب در مفاد قانون اساسی میباشد هنگامیکه یک قانونگذار یا دیگر مقامات توظیف شده ملی تصمیم میگیرد که آیا عملکرد دولت را در امضای پیمان تصدیق کند یا نه. این به معنی تصدیق امضای نماینده خویش میباشد. یک کشور مجبور نیست که حتماً باید تصدیق کند؛ ممکن است از تصدیق نمودن خود داری نماید یا ممکن است اینکار را نظر به احتیاط، بیانات، درک و تفسیر، که ممکن است آنرا همراه با سند تصدیق خویش ارائه کند، انجام دهد. در زمینه بین المللی، این به معنی تائید نهایی میباشد که توسط کشور های طرف به یک پیمان داده میشود و توسط نمایندگان آنها منعقد میگردد. "تصدیق" یک لغتی است که استعمال آن مربوط به تصویب توسط یک کشوری از کشورهایایی بوده که در ابتدا مذاکره مینمود و متن اسناد را پذیرفته است. از لحاظ طرز العمل، دولتهایی که در ایجاد یک پیمان نوعی چند جانبه حقوق بشر دخیل میباشند، از قرار ذیل طی مراحل صورت میگیرد:

1. مذاکره بالای متن مواد سند پیمان.
 2. پذیرش متن موثق رسمی از طریق رای دادن بالای یک قطعنامه.
 3. افتتاح یک پیمان برای امضاء توسط دولتها یا نماینده یک دولت که دارای صلاحیت کامل میباشد.
 4. کشور امضاء کننده سند پیمان را به منظور تصدیق، تصویب یا امضاء به حکومت خویش می سپارد. روی آنچه که دولت تصدیق کننده بعمل میآورد و "سند تصدیق" خویش را به بخش ذخیره اسناد و مدارک که معمولاً در متن پیمان مشخص گردیده، میسپارند.
- این اصطلاح زمانی استعمای میشود که به همه نوع تصدیق و تصاویب رسمی یک دولت راجع گردد. مانند دسترسی، الحاق یا توالی، تمام اینها اعمالی است که توسط آن یک دولت رضایت خود را مبنی بر ملزم بودن توسط سند ابراز میدارد.

توجیه (سیستمهای حقوق بشر)

Rationalization (of Human Rights Systems)

جریان بررسی کار اصلی، ساختار، پروسه و نتایج سیستم حقوق بشر است که موثریت آن ارزیابی گردیده و تثبیت شود که سیستم تغییر یابد تا بیشتر موثر، سود مند، کم مصرف تر و به امید اینکه بیشتر از پیش موثر گردد. این اصطلاح در پروسه بررسی کشورهای عضو از سیستمهای حقوق بشری ملل متحد بطور بخشی از کنفرانس جهانی وینا سال 1993 روی حقوق بشر تطبیق گردید. هدف پروسه این کنفرانس، مخصوصا در طی کارهای پیگیر آن، توجیه فعالیت های حقوق بشری ملل متحد در تمام ارگانهای آن و روش های پیمان آن بود. این پروسه، طور مثال، سعی خواهد کرد تا رویهم قرار گرفتن و فعالیت تکراری را که به اساس پیمان یا میکانیسم های منشور ها وجود دارد، کشف و از آن اجتناب ورزد و نارسایی و مصارف بیجا را کشف و از بین ببرد. این اصطلاح به عموم میتواند برای تطبیق به یک پروسه در هر گونه سیستم حقوق بشر که بیشترین موثریت را با کمترین مصرف بدست آورده است، استفاده گردد.

تلافی یا معامله بالمثل - Reprisal

یک اصطلاح روابط بین المللی مخصوصا مندرج قانون برخورد های مسلحانه و عبارت است از اعمال غیر قانونی و مضر یک کشور بر علیه کشور دیگر به منظور تلافی کردن اعمال غیرقانونی کشور دوم در حق کشور اول. معمولا کشورها با گرفتن انتقام و اعمال تلافی جویانه شان می خواهند از تعدی ها و تجاوز های بیشتر کشور دیگر جلوگیری به عمل آورند. در قانون بین المللی اعمال تلافی جویانه که به منظور مجبور کردن کشور آغاز کننده تخلف، به تن دادن به صلح و مسالمت آمیز صورت می گیرد مجاز است. در دکتترین کلاسیک، باید اعمال تلافی جویانه مسبوق به هشدار باشد تا کشور متخلف بتواند رفتارش را تغییر دهد.

در معنی سیاسی تلافی یکی از وسایلی است که دولتها برای مجبور کردن طرف به حل مسالمت آمیز اختلافات به آن متوسل میشوند. در این حالت هر دولت روشها و اعمال ممکنه را برای وادار کردن طرف به تسلیم شدن به نظر خود به کار میبرد.

تلافی جویانه - Retaliation

در قانون روابط بین الملل این اصطلاح به عمل تلافی جویانه و انتقام جویانه که از جانب یک کشور در عکس العمل به عمل مضر و تهاجمی کشور دیگری اتخاذ می شود، استعمال می شود. این اصطلاح از لحاظ معنا با کلمه تلافی Reprisal تفاوت چندان ندارد و تقریبا هم معنا است. برای معلومات بیشتر در باره این اصطلاح به اصطلاح Reprisal مراجعه شود.

تغزیرات - Sanctions

عبارت است از اقدامات اتخاذ شده از جانب مقامات با صلاحیت سازمان ملل متحد مانند یک یا چند کشور، برای حمایت از قانون و برخلاف کشور دیگری به اتهام نقض حقوق بشر. ممکن است کشوری، کشور دیگر را به خاطر نقض تعهد حقوقی اش مجازات کند. محکوم کردن کسی به زندان، بر کناری مقامات حکومتی از مقام های شان، تحریم اقتصادی، محاصره دریایی یا هوایی، اخراج دیپلومات ها و به تعلیق آوردن یا لغو کردن عضویت کسی در یک سازمان بین المللی همه از موارد مجازات به حساب می آیند.

تضمین کردن (وظایف حقوق بشر)

Secure (Human Rights Obligations)

تضمین کردن چیزی عبارت است از نجات دادن آن از خطر گم شدن یا به دست نرسیدن. تضمین کردن حقوق بشر، مسلم ساختن، قطعی ساختن احترام به حقوق بشر و اطمینان دادن برای اجرای آن است. این کلمه ماهیت تعهد یک کشور به حقوق بشر را توصیف می کند. معمولا بیانیه تضمین تعهد به حقوق بشر به دنبال مقدمه گنجانده می شود. برای معلومات بیشتر در این زمینه ماده 1 معاهده اروپا در باره حقوق بشر را مطالعه شود.

تعیین معیار - Standard Setting

عبارت است از روندی که یک مجتمع جهانی از قبیل سازمان ملل متحد برای تاسیس اصل های حقوقی از طریق پروسه ساختن پیمانها، مثل میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آن را انتخاب می کند. به بیان دیگر، تعیین معیار یعنی روند مذاکره و انتخاب معیارهای معین رفتار در موضوعات و مسایل خاص از قبیل شکنجه، پناهنده گان، حقوق زن و غیره. به طور معمول، روند تعیین معیار، زمانی شروع می شود که یک یا چند کشور یا سازمان غیر دولتی پیشنهادش را به یک سازمان بین المللی برای گرفتن تصمیم راجع به تعیین معیارهای حقوق بشر در زمینه های مخصوص، ارایه می کند. بعد از گذشتن از این مرحله یعنی مرحله تصمیم گیری، نوبت به مذاکره و انتخاب بیانه ای می رسد که در آن معیارهای حقوق بشر تذکر داده می شود. در نتیجه این روند به انتخاب و تصویب سندهای حقوقی بین المللی و لازم الاجرا که در آن معیارهای حقوقی مثبت بیان شده، منجر می شود.

ترمیم یا تفسیر صریح قانونی

Strict interpretation/Construction (of law)

مقصود از این دکترین حقوقی این است که بعضی قوانین مشخص، باید به طور دقیق مطابق با زبانی که قانون با آن بیان شده است تفسیر شود. این دکترین، برای تفاسیر متبادل دیگری زمینه را محدود می کند. بطور مثال ماده های استثنایی یا قیدی، قوانینی اند که باید به طور دقیق و محدود تفسیر شود تا دولت تصویب کننده از کمترین حد ممکن استثنا یا قید، برخوردار شود.

تمامیت ارضی Territorial Integrity

تمامیت ارضی عبارت است از اصل عمومی قانون بین المللی که بر اساس آن یک کشور برای حفاظت و نگهداری قلمرو خاکی اش، حق مستقل و طبیعی دارد. طبق این اصل که در ماده 2 (4) منشور ملل متحد گنجانده شده است هیچ کشور نمی تواند برخلاف تمامیت ارضی کشور دیگری از زور یا تهدید استفاده کند. کلمه تمامیت ارضی اگرچه با کلمه خود مختاری هم معنا نیست اما بین این دو کلمه ارتباط معنایی نزدیک وجود دارد.

تخطی/نقض - Violation

ناکامی یک کشور در انجام دادن تعهدات حقوقی اش به معاهده های حقوق بشر و پیروی از آن، تخطی یا نقض گفته می شود که از طریق راه حل های داخلی یا بین المللی باید جبران شود. این کلمه به طور متبادل به جای کلمه نقض (Breach) نیز استعمال می شود.

تجاوز/ محاربه - Belligerence, Belligerency

برخورد مسلحانه ملی یا بین المللی که توسط قانون بین المللی اداره می گردد. وقتی که در برخورد غیر بین المللی تطبیق گردد، این بدین معناست که سطح برخورد به آن حدی رسیده است که یک کشور حالت محاربه را برسمیت می شناسد بطوریکه متضاد شورش و طغیان می باشد. وقتی که در برخورد بین المللی تطبیق گردد، این بدین معناست که کشورهای ذیدخل نبرد یا برخورد را برسمیت شناخته اند بطوریکه به یک سطح محاربه رسیده اند اما با آنها قوانین بین المللی را تطبیق نمیکنند.

تصمیم (یک کمیسیون/کمیته)

Decision (of a Commission/Committee)

عبارت است از تصمیم گیری کمیسیون یا کمیته بعد از بررسی شکایت و ادعای نقض حقوق بشر. این تصمیم گیری در باره پذیرش شکایت است. یعنی آیا شکایت، شرایط لازم برای ملاحظه شدن را دارد یا نه؟ و یا این تصمیم گیری، در باره ارزش و اعتبار شکایت است آیا شکایت مطرح شده واقعیت دارد یا نه؟ از لحاظ قانونی، "تصمیم ها" لازم الاجرا نمی باشند. در حالیکه قضاوت ها و فیصله های محکمه لازم الاجرا می باشند.

تحریک کردن (مردم یا گروه را به تنفر از دیگران) Demonize/Demonization (people/group)

عبارت است از روند تحریک کردن مردم به تنفر و انزجار از گروه یا افراد خاص با انتشار بیانیه های توهین آمیز و منفی در باره صفات و شخصیت یا تاریخ گروه دیگر. معمولاً اعضای یک گروه می کوشند تا از طریق بیانیه های کتبی یا شفاهی به مخاطبین وابسته شان تفهیم کنند که گروه دیگر به طور فطری شرانگیز، ظالم، غیرقابل اعتماد، پایین از درجه انسانیت اند که حق زنده گی را نداشته سزاوار تبعید و نابودی می باشند. این تنفر، در نتیجه، این احساس را به وجود می آورد که جنگ، تبعیض علیه گروه دیگر یا حتی نابود سازی و تبعید این گروه، عادلانه و حتی گاهی فریضه ملی است. این نکته در اوایل دهه 1990 در جنگ بوسنی نیز مشاهده می شود که در آن هر گروه می خواست با بی اعتبار کردن و بی ابرو کردن گروه حریف، گروه حریف را بکشند، تصفیه نژادی نموده و هر نوع آسیب به آن ها وارد نمایند. این نوع عمل در بین گروه های نژادی، مذهبی و ملی بیشتر دیده می شود.

تدوین قوانین - Codification

منظم کردن، طبقه بندی و مختصر کردن نورمهای مختلف قوانین به شکل یک اصل و ضابطه قانونی. روند اختصار کردن قانون های عرفی و ضوابط بین المللی و نوشتن آن به شکل یک اصل که این اصل، توسط کشورها به عنوان پیمان بر گزیده می شود. برای مثال قوانین بازرگانی 1907، خلاصه و مجموعه از اصل های قانون عرفی جنگ بود.

تبعیض/فرق گذاری - Discrimination(Principle)

این لفظ در حقوق بشر دارای دو معنای کاملاً متفاوت می باشد:

1: معنای اول بیشتر در باره رفتار انسان ها است که به اشکال گوناگون و متفاوت دیده می شود. برای مثال رفتار متفاوت با یک شخص به خاطر مذهب، نژاد، رنگ و عقیده اش. در تعریفی که در "ماده 1 کنوانسیون ملل متحد در باره پایان دادن به تبعیض نژادی" دیده می شود. تبعیض نژادی این چنین z 'ویا منشا ملی، قوم مبتنی بوده هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسایی یا تمتع یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی های اساسی در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ویا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد".

2: اصل تشخیص در قانون برخورد های مسلحانه: معنای دوم این لفظ در باره معیار حقوق بشر است که طبق این معیار همیشه افراد جنگجو باید دشمنان جنگجوی شان را از افراد ملکی تمییز و تشخیص دهند و تنها دشمنان نظامی شان را هدف حمله قرار دهند.

تنوع - Diversity

یعنی وجود افراد مختلف با فرهنگ ها، نژادها، رنگ ها، مذاهب، زبان ها و ملیت های مختلف در منطقه یا جامعه واحد.

تصفیه نژادی-Ethnic cleansing

این واژه برای اولین بار در اوایل دهه 1990 در جنگ بوسنی به وجود آمد که به معنای تصفیه و حذف نژاد ها از طریق ایجاد ترس تهدید و حتی تصفیه اجباری نژاد مخصوص از مناطق خاص و جای گزین کردن نژاد واحد در آن مناطق استعمال می شد. خلاصه تصفیه نژادی یعنی: اخراج تمام افراد نژاد های دیگر از یک ناحیه و مستقر کردن نژاد خاص در آن ناحیه.

توسل به تمام مراجع دادخواهی داخلی Exhaustion of Domestic Remedies

عبارت است از اصل عمومی که طبق آن هر کسی که می خواهد طبق قانون بین الملل در محاکم جهانی شکایت ارائه کند، باید پیش از متوسل شدن به محاکم قضایی یا شبه قضایی مثل کمیسیون حقوق بشر، به تمام چاره جویی ها و راه حل های موجود و موثر داخلی مراجعه کند البته موارد استثنا از این اصل نیز وجود دارد مثلاً جایی که متوسل شدن به چاره های داخلی سودی نداشته باشد یا دولت از استفاده از این اصل جلوگیری کند که در چنین موارد می توان به طور مستقیم در محکمه بین المللی شکایت کرد.

این به این معنا است که کسی که ادعای نقض حقوق بشر می کند باید پیش از اقامه دعوا در محاکمی جهانی اول به بلند ترین محاکم کشور خودش مراجعه کند. در صورت مراجعه نکردن به راه حل های داخلی، راه ورودی بر شکایت در محاکم جهانی، بسته می شود و این شخص نمی تواند در محاکمی جهانی اقامه دعوا کند.

تخطی فاحش (حقوق بشری) Gross Violation (of Human Rights)

یک اصطلاحی است که استفاده می گردد اما در قطعنامه ها، اعلامیه ها و پیمانهای حقوق بشر تعریف نگردیده است. بطور عموم به معنی تخطی سیستماتیک نورم معین حقوق بشر به یک شکل گسترده آن مثل آپارتاید، تبعیض نژادی، قتل، برده گی، نسل کشی، آزار و اذیت مذهبی به اندازه بزرگ آن میباشد که منحنیث یک عمل رسمی انجام میابد. تخطی بزرگ منتج به ضرر غیر قابل ترمیم به متضررین میباشد. در ملل متحد کوشش مداوم وجود دارد تا تخطی بزرگ تعریف گردد. طرز العمل 1503 ملل متحد روی زمینه های تخطی بزرگ سر و کار دارد.

تعهدات ، وظایف – Erge Omnes (Obligations)

یک حق یا تعهد “erge omnes” مطلق است که بالای تمام دولت ها لازم الاجرا بوده و تخطی از آن بالای تمام کشورها تأثیر میگذارد. این یک حق یا تعهدی است که در مقابل تمام جوامع بین المللی وجود دارد بخاطریکه تخطی از آن بالای تمام جوامع بین المللی تأثیر زیان بخشی به بار می آورد. مثلاً: نسل کشی، جنایات بر علیه بشریت.

تطبيق (نورمهای حقوق بشر) Implementation (of Human Rights Norms)

عبارت است از اقدام های قانونی، سیاسی و عملی برای اثربخشیدن به حقوق بشر و تضمین بهره برداری واقعی افراد از حقوق بشر از طریق تدابیر استوار. گاهی به جای این کلمه، کلمه (Enforcement) استعمال می شود که معنای ضمنی دوم، "در عمل پیاده کردن" است. حقوق بشر تطبیق شدنی است. تطبیق، کلمه ای است که برای توصیف هرگونه روش و وسایل تحقق حقوق بشر استعمال می شود. سیستم گزارش دهی، محکمه، تبلیغات بد یا بدگویی علیه ناقضین همه تدابیر اجرایی حقوق بشر به حساب می آیند.

تفتیش، بررسی به منظور حقیقت یابی in loco (Investigation/Fact-finding/Visit)

تفتیش و بازرسی از جایی (کشوری) که در آن یا نزدیک آن نقض حقوق بشر صورت گرفته باشد. این تفتیش معمولاً توسط هیات اجرایی یا نظارتی در امور حقوق بشر اجرامی شود که این هیات برای جمع آوری معلومات دست اول، فوری و دقیق و قابل اعتبار و گزارش دادن آن معلومات به هیات، نماینده اش را به ناحیه می فرستند که این نماینده برای جمع آوری معلومات و حقیقت یابی در باره نقض حقوق بشر برای هیات فرستاده شان گزارشات لازم را تهیه می کند و می فرستد.

تدابیر موقتی - Interim Measures

تدابیری که از طرف ارگان بین المللی چون محکمه یا کمیسیون برای تثبیت و برقراری وضعیت موجود فعلی بعد از دایر شدن شکایت، دستور داده می شود یا تقاضا می شود. محکمه یا کمیسیون برای جلوگیری از اقدام های دولت چون اعدام و اخراج که به شاکای ضررهای جبران ناپذیر وارد می کند، به گرفتن این تدابیر دستور می دهد تا از آسیب رساندن دولت به شخص شاکای جلوگیری به عمل آید. یکی از تدابیر موقتی این است که از دولت خواسته می شود تا از اعدام یا اخراج شاکای موقتاً صرف نظر کند تا محکمه یا کمیسیون تحقیقات لازم را در باره ادعای شاکای و نقض حقوق بشر توسط دولت انجام داده و در باره ارزش ها و اعتبارات عریضه و ادعای نقض حقوق بشر توسط دولت، تحقیق کند. درخواست برای این تدابیر ایمنی، گاهی از جانب شاکای/متاثر دایر می گردد و گاهی محکمه یا کمیسیون با استفاده از اختیارات قانونی اش به چنین تدابیر دستور می دهد یا چنین تدابیر را درخواست می کند.

تفسیر - Interpretation

1: تفسیر عمومی: جستجوی معنای حقیقی یک اصل پیمان برای به دست آوردن معنایی که در حالت خاص قابل تطبیق باشد. بررسی متن دقیق پیمان مطابق مقصد پیمان و معانی رایج اصطلاحات آن در تفسیر پیمان لازم و ضروری است. برای کمک بیشتر درباره تفسیر، ممکن است کسی به اقدام های بعدی دولت و سند نیز نگاه کند. رجوع شود به کنواسیون ویانا سال 1969، مواد 31 و 32.

2 تفسیر سندی: سند قانونی که در آن، کشور تصویب کننده هنگام تصویب پیمان، برداشت اش را از ماده یا لفظ خاص پیمان به طور کتبی اظهار می کند. این معمولاً زمانی اتفاق می افتد که کشور تصویب کننده، معنای ماده خاص پیمانرا مبهم و دوپهلوی احساس می کند و می خواهد این ماده به شکل تصمیم محکمه یا قانون اساسی آن کشور فهمیده شود. معمولاً کشورها سند تفسیر را همراه و همزمان با شرایط و بیانه های شان تسلیم می کنند.

تجدید نظر قضایی - Judicial Review

توانایی محکمه یا دیوان برای بررسی و مرور تصمیم یا عمل دولت به منظور بررسی مشروعیت و عدم مشروعیت آن. اختیارات قضایی برای تایید یا رد تصمیم دولت. بررسی ارزش ها و اعتبارات یک اقدام، توسط محکمه عالی یا بالاتر بعد از ارائه درخواست از جانب طرف دعوا.

تابعیت به اساس خون Jus Sanguinis (Principle of Citizenship)

این اصطلاح لاتینی که ترجمه تحت الفظی آن " قانون خون " می باشد بیانگر اصلیت است که فرد هنگام تولد تابعیت والدین خود را کسب می کند. برای تابعیت، نقش اساس حقوقی را دارد. این اصل عبارت است از رابطه حقوقی و بیولوژیکی بین انسان و تبعه دیگر (پدربیا مادر)، معمولاً طفل هنگام تولد حق شهروندی یا تابعیت را از پدر و مادر شان به ارث می برد. یعنی مبنا و اساس تابعیت رابطه بیولوژیکی بین طفل و پدر و مادر است. اما طبق اصل JUS SOLI اساس تبعیت، کشوری است که یک فرد در آنجا به دنیا می آید. اکثر مردم تابعیت کشوری را که در آن تولد می شوند خود به خود حاصل می کنند.

تابعیت به اساس خاک

Jus Soli (Principle of Citizenship)

ترجمه تحت الفظی این اصطلاح عبارت از (قانون خاک) می باشد. این اصل اساس دیگر حق تبعیت را بیان می کند. این اصل تولد شدن در یک کشور را اساس تابعیت می داند. و یا اصلی که به موجب آن تابعیت شخص به وسیله محل تولد مشخص می شود وقتی کسی در یک کشور تولد می شود خود به خود حق تابعیت آن کشور را حاصل می کند.

تحت محاکمه ، قابل دادرسی -Justiciable

یعنی فلان قضیه از نظر حقوقی صلاحیت این را دارد که از طریق متوسل شدن به روند قضایی حل و فصل شود یا نه؟ وقتی سوال می شود که فلان قضیه قابل دادرسی است یا نه؟ این سوال بدین معنا است که محکمه یا دیوان صلاحیت حل آن را دارد یا نه؟ حل این مساله در حوزه اختیارات قضایی محکمه است یا نه؟ بعضی مسائل خاص، از طریق محکمه قابل حل نیست و باید توسط قوه اداری یا اجرایی یا از راه دیپلوماتیک حل و فصل گردد. صلاحیت محکمه و طبیعت قضیه هر کدام در قبال دادرسی بودن قضیه نقش دارد یعنی گاهی محکمه صلاحیت حل قضیه را ندارد و گاهی طبیعت قضیه طوری است که از طریق محکمه حل و فصل نمی شود. قضیه های سیاسی، غیر قابل محاکمه به حساب می آید و برای حل چنین قضایا به مجتمع غیر قضایی نیاز می باشد.

تاثیر (یک قانون) در قلمرو خارجی

Extra territorial Effect (of a law)

اثر قانونی که در خارج از مرزهای جغرافیایی یک کشور روی می دهد تطبیق قانون در فراسوی مرزهای قضایی کشوری که این قانون از آنجا نشأت و سرچشمه گرفته باشد.

تطبیق فرامرزی (نورم)

Extraterritorial Application (of Norm)

عبارت است از سعی یک دولت در گسترش دادن و اجرای اختیارات قانونی اش در بیرون از حدود منطوقی و حقوقی اش. مثلاً: سعی یک کشور در متوقف کردن کشتی حامل مهاجرین در دریای آزاد به منظور توسعه دادن حقوق مهاجرین این کشور. تمرین و ممارست یک کشور در اجرای قضاوتش در خارج از قلمرو این کشور.

تاریخچه قانونگذاری – Legislative History

مجموعه ثبت تحریری بحث‌ها و تاریخچه تسوید یک نورم یا پیمان، متن‌ها و ارائه‌های شفاهی و تحریری تسوید کننده گانرا درج میکند. این راجع میشود به منبع متمم بخاطر کمک در تثبیت تفسیر درست یک متن.

تحدید – Limitation

یک شرط در ماده پیمان حقوق بشر که محدودیت‌های دولت را در اجرای حقوق ذاتی بیان میکند. معمولاً این تحدیدها باید توسط قانون بیان و لازم (در یک جامعه دموکراتیک) پنداشته شود تا به یک هدف مشروع نائل آید. مثل حمایت از صحت عامه، امنیت، نظم، رفاه، اخلاقیات یا حقوق و آزادیهای دیگر مردم. این اصطلاح در معنی عین محدودیت میباشد. اینها یک نوع شناخت است که تمام حقوق مطلق نمیشود و اینکه بسیاری از حقوق در واقع بدیهی میباشد که میتوانند تحدید شوند. ماده‌های تحدید اکیداً در مقابل دولت تفسیر میگردد. منحصراً یک مثال، مراجعه شود به فقرة 2 ماده 10 کنوانسیون اروپا در رابطه به حقوق بشر. ماده‌های تحدید یک توازی برای اداره کردن ضروریات یک حکومت و ضروریات آزادی فردی میباشد.

تطبیق/مفاد ماده – Material Application/Scope

مفاد مفهومی که اعمال و نیازمندیهای بشر در پارامتر یک نورم مخصوص شامل است؛ تمام چیزهایی که حقوق بشری از آن حمایت میکند. این مسئله است که آیا یک سعی برای تطبیق یک نورم به یک عمل یا نیازمندی مخصوص بشری مجاز است یا نه. مثلاً، آیا سقط جنین در داخل مفاد ماده جداگانه یا تنهایی یک حق بشمار میآید. این اصطلاح را در لاتین "Ratio Materiae" یاد میکنند.

تفاهم نامه – Memorandum Of Understanding (MoU)

یک سند کمتر رسمی بین المللی، اکثراً شامل ترتیبات اجرایی در یک چهارچوب موافقت بین المللی یا به طور دیگر با موضوعات تخنیکی و مفصل سر و کار دارد. یک تفاهمنامه دارای یک اجبار سیاسی و اخلاقی میباشد اما الزام آور نمیشود.

تخفیف (حکم جزائی) – Mitigation (of Criminal Sentence)

تقلیل یا تخفیف یک مجازات یا حکم به نسبت یک دلیل معتبر. مثلاً: در یک جنایت جنگی که ناشی از پیروی دستور مافوق بوده باشد. ارتکاب جنایت بخشوده نمیشود اما میتواند منحصراً یک فکتور برای تخفیف مجازات تلقی گردد و سبب تخفیف مجازات شود.

تغییرات لازم را انجام دادن – Mutatis Mutandis

یک اصطلاح لاتین که در تفسیر قضایی هنگام تطبیق یک اصل یا یک قضیه تصرفی/حقوق را در یک قضیه یا حالت مختلف در بر دارد، استفاده می‌شود. این به معنای موضوع مانند "از طریق قیاس نمودن" میباشد. این بدین معناست که اگر یکی تفصیلات حقیقی (اسامی، تاریخ، مکانها) یک قضیه مختلف را تغییر میدهد، عین اصل/تصرف/حقوق در قضیه حاضر به اساس حقایق موجود تطبیق خواهد گردید.

تقابل رضایت/وظیفه – Mutuality of Consent/Obligation

اصل کلاسیک قانون بین المللی صراحت دارد که محدود شدن موافقت هر کشور توسط تعهدات قانونی یک پیمان تابع و متقابل روی موافقت و اجراءات تعهدات مربوطه هر کشور دیگر میباشد. بدین گونه که اگر یک کشور تعهدات پیمان خود را نقض میکند، مثلاً با نقض کردن یک نورم مهم پیمان، دیگر کشور یا کشورها ممکن از انجام تعهدات حقوقی شان رهایی یابند یا حد اقل در مقابل از مسئولیت انجام نورمها خلاصی میابند. در تحت قانون بشر مدرن، تعهدات حقوقی دیگر اصل موضوع نمیشود. اینها غیر متقابل و غیر دوجانبه هستند. (رجوع شود به ماده 60 کنوانسیون ویانا سال 1969).

تبعه/ملی - National

این واژه دارای دو معنا است:

1. معنای اسمی این واژه موقعیت حقوقی یا سیاسی کسی را بیان می کند: یعنی تبعه یک کشور.
2. معنای دوم (ملی) این لفظ عبارت است از مشخصات فرد، نهاد یا اشیا یا که به یک کشور مربوط باشد در مقابل مشخصات بین المللی که به هیات و سازمان بین المللی تعلق دارد.

تعهد منفی یا وظیفه منفی (در مقابل تعهد اثباتی)

Negative Obligation

تعهد دولت برای خود داری از اقدام در مقابل افراد. چنانچه دولت تعهد کند که کسی را شکنجه نکند. تعهد منفی یعنی خود داری حکومت از اقدام و عمل. (البته اقدام زشت و غیر قانونی) با در نظر داشت حقوق بشر، یک کشور هم تعهد مثبت و هم تعهد منفی را می تواند داشته باشد. برای مثال: تعهد دولت برای برداشتن گام های استوار برای جلوگیری از انجام شکنجه توسط عاملین غیر دولتی، تعهد مثبت به حساب می آید.

تداوم رعایت توافق - Pacta sunt servanda

این لفظ لاتینی بیانگر اصل عمومی در قانون بین الملل است که طبق آن کشورها از معاهده هایی که آن را تصویب کرده اند باید پیروی نمایند. این به این معنا است که معاهده ها بالای کشورهای تصویب کننده لازم الاجرا است. اگر کشوری به تعهدش پایبند نباشد و تعهدش به معاهده را برآورده نکند، ناقض این اصل به حساب می آید که نقض این اصل، صرف نظر از جایز بودن و نبودنش در قانون اساسی آن دولت، مسوولیت حقوقی، جبران یا تحریم اقتصادی آن کشور را در پی دارد.

تعهد مثبت-Positive Obligation

عبارت است از تعهد حقوقی یک کشور به اقدام های لازم از قبیل فراهم کردن مراقبت های صحی، جلوگیری از قتل. اقدام هایی که طبق اصول حقوق بشر برای برآوردن تعهد حقوقی یک کشور کاملاً ضروری است. وظیفه نجات دادن یک فرد از آسیب، از تعهدات حقوقی مثبت یک دولت می باشد. گاهی به چنین تعهدی تعهد اثباتی (Affirmative) نیز گفته می شود.

تجویز شده توسط قانون - Prescribed by law

این اصطلاح که در عده ای از اصول حقوق بشر دیده می شود بندهای شرطی یا قیدی را در بردارد. این نکته به صراحت در بندهای شرطی ذکر شده است که شرط ها/قیدها/محدودیت ها باید توسط قانون تجویز شده باشد یعنی قید باید پشتوانه قانونی داشته و از منابع با اختیار قانونی صادر شده باشد، به اندازه کافی باید قابل دسترس بوده و با موشکافی های دقیق باید تنظیم شده باشد تا افراد چگونگی تنظیم رفتارهای شان با این قید را بدانند. بیشتر اوقات قید یا شرط، حوزه بصیرت و صلاحیت مقامات با صلاحیت را نیز بیان می کند. این مفهوم در سند های دیگر که لفظ "مطابق قانون" را در بردارد، نیز قابل شناسایی است.

تحقق متداوم-Progressive Realization

این اصل نوظهور که به نسل دوم حقوق بشر یعنی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط می شود، در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گنجانده شده است. طبق این اصل، حکومت باید با استفاده از تمام امکانات موجود برای تطبیق دادن و واقعیت بخشیدن به این حقوق، گام های لازم و ضروری را در بر دارد و در این زمینه ترقی دایمی و تدریجی لازم و ضروری است. این اصل در ماده 2 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان و در اصول شهر Limburg تایید شده است.

تناسب- Proportionality

مقصود از این اصل رایج در تمام قوانین بین المللی این است که دولت و تمام نمایندگان و دستگاه های آن از قبیل نیروهای مسلح، پولیس، قضات، قانونگذاران، تنها حق دارند تدابیری را اتخاذ کنند که معقول بوده و با هدف و مقصد خودش در تضاد نباشد. وضع کردن مجازات جنایی، تاکید بر عمل دفاعی مسلحانه یا انتقام نظامی همه از جمله مثال های این تدابیر به شمار می آید.

محکوم کردن سارق مغازه به جرم سرقت مغازه برخلاف این اصل است. زیرا جرم سرقت مغازه آنقدر سنگین نیست که مجازات مرگ را به دنبال داشته باشد یعنی بین مجازات مرگ و سرقت مغازه تناسب وجود ندارد، انداختن بمب اتم بالای شهر دشمنی که با امکانات نظامی اندک از خود دفاع می کند، با اهداف و قواعد نظامی سازگاری ندارد و برخلاف این اصل است.

طبق این اصل، دولت باید برای حفاظت جامعه، از نیروهای مسلح، قضاییه، پولیس و غیره به طور معقول و متناسب با اهداف استفاده کند.

تابعیت- Nationality

تابعیت عبارت از صفت یا کرکتری است که به واقعیت ارتباط یک شخص به ملتی یا دولتی، دلالت میکند. تابعیت، حالتی سیاسی فرد را با توجه به وفاداری و تبعیت شخص، تعیین میکند و اقامتگاه حالت مدنی شخص را. یک فرد میتواند با در نظر داشت مقتضیات قانون اساسی یک کشور در رابطه به قانون تابعیت و برخورداری از تمام حقوق مدنی و سیاسی، تابع آن کشور شود. تابعیت یک وجبیه پیمانی است که شخص تابع ملزم به وفاداری و تبعیت از کشور متبوع خود بوده و در عوض کشور متبوعش حفاظت تبعه ای خود را تضمین مینماید.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب 16 دسامبر 1966 تصریح میدارد که هر کودکی حق تحصیل تابعیتی را دارد، در حالیکه میثاق آمریکایی حقوق بشر سال 1978 تصریح میدارد که هر شخص حق تابعیت را دارد. کلمه "کسب تابعیت" در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نسبت به "تابعیت به شکل اتوماتیک" در میثاق آمریکایی حقوق بشر، معتدل تر میباشد. و همچنان کنوانسیون حقوق اطفال با ذکر کلمه "کسب تابعیت" این حق را ملایم تر میسازد. بنا، کلمه کسب به یک شرط و یا هم پروسه ای راجع میگردد که این شرط توسط دولت به منظور تامین حقوق اتباع مقید میگردد. مانند تولد فرد در داخل خاک یک کشور و یا اقامت شخص در داخل خاک یک کشور. طبق قانون اطفال، حد اکثر سن اطفال الی 18 سال میباشد. طبق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بر خلاف کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر که در آن حق تابعیت به شکل وسیع تر آن در نظر گرفته شده، این حق برای اشخاص هژده ساله یا بالاتر از آن وجود ندارد. به هر حال، حقوق بین الملل حق هر دولت را در رابطه به وضع قانون تابعیت در توافق با قانون اساسی ایشان به رسمیت میشناسد که این مقررات مربوط به تابعیت با ملحق شدن کشور ها در کنوانسیون های بین المللی که در زمینه تابعیت و شهروندی صراحت دارند، تکمیل میگردد.

تبعیض نژادی- Racial Discrimination

تبعیض از لحاظ لغوی، جدا کردن برخی را از برخی دیگر، برخی را قبول و برخی را رد کردن و بعضی را بر بعضی تر جیح دادن است.

تبعیض نژادی به معنی هر گونه تبعیض، محرومیت، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و نسب، یا ریشه ملی و قومی است که در شناسائی، برخورداری یا اجرای مساوی حقوق بشر و آزادی های سیاسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه های مربوط به زندگی لطمه وارد می سازد.

در ماده (55) منشور سازمان ملل متحد، با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت آمیز و دوستانه بین المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب تاکید شده است.

توقیف - Detention

توقیف عبارت از محروم ساختن شخص از آزادی های او میباشد که توسط مقامات با صلاحیت و قانونی به حیث اقدام احتیاطی در جریان کشف و تحقیق صورت میگیرد. و یا توقیف عبارت است از تحت نظر گرفتن شخص توسط مقامات با صلاحیت، به منظور گرفتن جواب به اتهاماتی جنایی که علیه او وارد شده، میباشد. به مفهوم وسیع آن و در چوکات حقوق بشری، در وقت توقیف شخص، موارد ذیل مد نظر گرفته شود: (1) خودداری از توقیف خودسرانه، (2) توقیف بر مبنای قوانین، (3) اطلاع دادن شخص توقیف شده از دلایل گرفتاری اش، (4) اطلاع دادن شخص توقیف شده از اتهاماتی که علیه او وارد است، و (5) دادن اطمینان به شخص بازداشت شده از اینکه وی نزد مقامات قضایی با صلاحیت برای صدور حکم برده خواهد شد.

تشریفات درست قانونی در موضوع توقیف شامل اصل برائت، حق ضمانت، و حقوقی که مربوط به بازداشت و شرایط بازداشت میباشد، هم میشود. بنابراین، مفهوم توقیف وسیعتر است نسبت به آنچه که محرومیت از حق آزادی در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر کنوانسیون ها و اعلامیه ها خوانده میشود. این در واقع توسعه تشریفات درست قانونی را در رابطه به توقیف در قرن بیستم به ما بازگو میکند.

باید متذکر شد که ماده 9، پاراگراف 3، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی "اتهامات جزایی" را مشخص میسازد. مفاد این پاراگراف برای تضامیم قضایی در یک اتهام مدنی غیر قابل تطبیق است. باوجود این، مقررات پاراگراف 4 این قانون برای تعیین غیر قانونی بودن بازداشت هنوز هم قابل تطبیق است.

توقیف پیگرد - DESISTEMENT

واژه فرانسوی و عبارت است از دست کشیدن از اقدام حقوقی درمورد شکایت مطرح شده در محکمه بین المللی حقوق بشر. این معمولاً وقتی اتفاق می افتد که شکایت کننده و مدعی علیه از راه حل صلح آمیز به توافق می رسند و شکایت کننده نمی خواهد برای گرفتن حکم از محکمه در باره شکایت خودش بیشتر اقدام کند. این مورد شبیه ناکامی در پیگرد قانونی یا سرپیچی از پیگرد قانونی یک عمل مدنی است. این عمل به این معنا است که شکایت یا دعوا عفو شده و بیشتر مورد بررسی قرار نمی گیرد.

توقیف قبل از محاکمه - Pretrial Detention

نگهداری مظنون یا متهم در نظارت خانه یا توقیف خانه قبل و الی شروع محاکمه برای مشخص کردن جرم واقعی اش.

توقیف اداری یا ماموری (توقیف احتیاطی)

Administrative Detention

عبارت است از توقیف اجباری شخص بخاطر یک خطر متوقع که به امر مامور ضبط قضائی صورت می گیرد بدون حضور شخص در محکمه قانونی به تعقیب اتهام قبلی جرمی، بدون داشتن مدارک اثبات کننده جرم و یا صحت درک خطر توسط مامور اجرایی میباید. اکثراً اساس همچنین توقیف ها را ترس دولت از وابستگی شخص با سازمانها، جنبشها، و یا توطئه جرمی که ارتباط با عمل نامشروع خشونت آمیز داشته باشد تشکیل میدهد. جواز همچو توقیف را اکثراً حفظ سلامت عامه، و حتی امنیت ملی میدانند که با مانع شدن شخص از ارتکاب اعمال هراس افکن مانند بمبگذاری تروریستی اتفاق می افتد. در اصل این اصطلاح مشابه "توقیف احتیاطی" میباشد.

جنگ داخلی - Civil War

جنگ مسلحانه عمومی بین نهادهای غیر دولتی حریف یا بین دولت و گروه مخالف مسلح که تمام این خشونت ها در داخل خاک یک کشور صورت می گیرد.

جرم عمده - Core Crime

جرم عمده در حوزه قضایی بین المللی مساله اصلی و مورد بحث به شمار می آید. و این لفظ برای تعیین جرایم نهایت مهم که در محکمه با آن ها پرداخته می شود و همچنان به جرایمی که در حوزه قدرت ذاتی این محکمه قرار دارند اطلاق می شود. جرم عمده که در حوزه صلاحیت محکمه جنایی بین المللی قرار دارند به کار می رود. عبارت اند از نسل کشی، جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت و در آینده جنایت تجاوز و تعرض (بعد از تعریف و تائید تجاوز به عنوان جرم).

جبران خسارت - Redress

عبارت از به کار گرفتن وسایل و امکانات برای جبریره کردن نقصان عاید می باشد.

جهان سوم Third World

گروهی از کشورهای جهان که در دوران جنگ سرد به نام غیر متعهد یاد می شدند. زیرا این کشورها نه جانب شوروی سابق را گرفتند و نه جانب ایالات متحده را. بسیاری از این کشورها در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین موقعیت داشتند و بیشتر شان کشورهای در حال توسعه نیز بودند.

جبران - Compensation

عبارت است از پرداخت پول از جانب یک کشور برای مشخص شدن تعهد قانونی آن کشور، به حکم محکمه قضایی یا شبه قضایی، به آنهایی که طبق حقوق جهانی، حقوق انسانی آن ها پامال شده باشد. پرداخت غرامت یا ارفاقی پرداختی است که یک دولت بعد از مذاکره و بحث آن را می پذیرد اگرچه آن کشور هنوز به خطا و تخلفش اعتراف نکرده باشد و یا هنوز تخلفش ثابت نشده باشد.

جهانی بودن (حقوق بشر)

Universality (of Human Rights)

طبق این تیوری حقوق بشر که بنام تیوری جهانی بودن حقوق بشر یاد می شود، حقوق بشر در هیچ کشور قابل تغییر و تبدیل نیست و در تمام کشورها باید به طور یکسان اجرا و تفسیر شود. طبق این نظریه، تفاوت های زبانی، مذهبی، نژادی و فرهنگی باعث به وجود آوردن انواع مختلف حقوق بشر نمی شود یعنی تنوع و تفاوت فرهنگی کشورها باعث تنوع و تفاوت حقوق بشر در آن کشورها نیست بلکه حقوق بشر صرف نظر از همه این تفاوت ها در همه جا ثابت و یکسان است. این نظریه، درست در مقابل نسبییت فرهنگی حقوق بشر قرار دارد که طبق آن حقوق بشر در هر کشور باید بر اساس فرهنگ آن کشور تطبیق و تفسیر شود.

جنگ - War

عبارت است از موقعیت رسمی و قانونی خصومت مسلحانه بین کشورها که توسط قانون بین المللی جنگ اداره می شود، "قانون بر خوردهای مسلحانه" مثل قواعد 1899 و 1907 هاگ و قرارداد های چهارگانه ژنیو سال 1949. از آنجا که حالت

جنگ عبارت است از وضعیت قانونی روابط بین دو یا چند کشور، معمولاً وقوع آن با اعمال خشونت آمیز و مسلحانه توأم می باشد که این اعمال خشونت آمیز گاهی پیش از اعلان جنگ و گاهی بعد از آن صورت می گیرد. اما جنگ، بدون روی دادن خشونت مسلحانه نیز می تواند وجود داشته باشد زیرا جنگ وضعیت حقوقی است نه عین خشونت مسلحانه. این اصطلاح که در قانون جنگ به طور شایع استعمال می شود نه تنها جنگ های بین المللی بلکه جنگ های غیر بین المللی را نیز شامل می شود.

جبران داخلی – Domestic Remedy

یک جبران حقوقی یا اداری یا طرزالعملی که در یک سیستم اجرایی یا حقوقی تعیین گردیده است که اگر به آن توسل صورت گیرد، حمایت واقعی حقوق بشری یک شخص را فراهم میکند. این با جبران های بین المللی متباین میباشد. Domestic به معنی در داخل قانون شهری یا داخلی میباشد. دولتها به طور عموم در رابطه به پیمانهای حقوق بشری ملزم میشوند تا یک جبران داخلی را مطابق لازمه های پیمان اگر در سیستم کشوری شان از قبل وجود ندارد، بنا باید آنرا فراهم کنند.

جبران موثر - Effective Remedy

این اصطلاح راجع میشود به تعهد یک دولت در بسیاری از پیمانهای حقوق بشر تا یک پیمان به سطح بین المللی از طریق ایجاد جبران های داخلی بخاطر تخطی ها عملی گردد. این جبرانها همچنان باید جبرانهای موثر و قابل دسترس باشند و قابلیت انجام دادن نورم ها را نظر به شکایت دارا باشد. این به معنای یک جبران داخلی است که واقعاً کارا باشد. این نیز میتواند یک جبران حقوقی و اجرایی باشد. شرط یک جبران موثر در یک پیمان همانست که تعهد را تعیین مینماید. رجوع شود به بند الف فقره 3 ماده دوم میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی.

جوس کوگنس - JUS COGENS (Norm)

عبارت از مجموعه قوانینی که عدم مراقبت از آن ها به ذات سیستم حقوقی این قوانین ضربه جبران ناپذیر وارد می کند. جوس کوگنس، آزادی کشورهای تصویب کننده پیمان ها را نهایت محدود می کند. قوانین این اصل بالای همه کشورها در همه زمان ها لازم الاجرا می باشد. یکی از نتایج این دکترین این است که توافق های عقد شده بین کشورها را در صورتی که بر خلاف این اصل باشد، باطل و غیر قانونی اعلان می کند. بنیاد و اساس این اصل بر حفاظت از مسایل مهم و مشترک بین المللی استوار است. هدف این اصل حفاظت جامعه جهانی و نهادهای آن از پیامد های مضر توافق های انفرادی است که این توافق ها نظم مشترک بین المللی را بر هم می زند. نسل کشی، برده داری و شکنجه نمونه هایی از جوس کوگنس به حساب می آیند.

جنسیت – Gender

یک اصطلاح مباحثه ای در معانی مختلف است که عموماً هیچکدام آنها قبول نشده است. معنی عامتر و شاید هم بیشتر که قبول شده است اینست که این لغت به نوع جنسیت مذکر و مونث راجع میگردد. در دیگر زمینه ها، گفته شده است که به رابطه بین زنان و مردان به اساس نقشهای تعیین شده اجتماعی که به یک جنسیت یا دیگر آن سپرده شده، راجع میگردد. بعضی دیگر میگویند که این لغت راجع میشود به رفتارها، حالتها، فعالیتها و ویژگی های فرهنگی و روانی که با یک جنسیت یا دیگر آن همبسته میباشد. در قانون موضوعه محکمه جزایی بین المللی صراحت دارد که اصطلاح جندر به جنسیت مرد و زن در زمینه یک جامعه ارتباط می گیرد.

جنگ گوریلابی – Guerrilla War

تعریف آن چنین است: یک سرباز یا نوع جنگ مسلحانه که در آن جنگویان شامل میشوند و بر علیه یک نیرویی که یک قلمرو را اشغال نموده، به یک حالت غیر منظم میجنگند. اکثر اوقات یونیفورم های مشخص نظامی بر تن ندارند تا از دیگر مردم ملکی متمایز گردند و سلاحهای خویش را تا قبل از انجام یک حمله بطور مخفیانه حمل میکنند. تاکتیک های گوریلابی معمولاً شامل حملات مخفیانه، غافلگیرانه و حيله آمیز میباشد.

جرم نفرت - Hate Crime

بطور عموم به معنی تقصیرهای جنایی میباشد. عناصری که این جرم را تشکیل می دهند عبارت اند از: استعمال خود سرانه نیرو یا تهدید به منظور وارد کردن زخم، ترس، ظلم یا خساره به افراد یا املاک آن افراد به خاطر ویژگی های آن افراد از قبیل نژاد، رنگ، مذهب، قوم، وابستگی ملی، معلولیت یا جنسیت آن افراد میباشد. از جانب دستگاه های قضایی گوناگون، تعریف های گوناگون برای جرم نفرت ذکر شده است.

جرم بین المللی - International Crimes

جرم های جهانی جرم هایی اند که بر علیه نوع انسان باشد. این جرم ها در پیمانهای بین المللی و در منابع قانون عرفی بین المللی بیان شده است. در زبان لاتینی به این جرم *delicta jursi gentium* گفته می شود. سرقت دریایی، برده داری، شکنجه، نسل کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه انسانیت همه جرایم بین المللی به حساب می آیند. جرم بین المللی بر خلاف قانون ملت ها می باشد در حالی که جرایم داخلی بر خلاف قانون داخلی همان کشور است.

چیزهای مطلوب/واژه لاتینی) - DESIDERATA

لفظ لاتینی و عبارت است از چیزهایی که مردم آرزوی دیرینه شان را دارند مثل صلح جهانی، محیط زیست پاک، روابط بین المللی دوستانه. معمولا این لفظ به چیزهای استعمال می شود که هنوز قانونی نشده باشد و کسی بخواهد آنها را از طریق قانون به دست آورد. به بیان دیگر DESIDERATA عبارت است از مقاصد مطلوب چنانکه در مقابل واقعیتها قرار میگیرد.

حق بشری مطلق / Absolute (Human) Right

حقی که در تمام مدت وجود دارد و میشود که از آن، بدون توجه به در میان آمدن حالات، دفاع کرد. این حق نمیتواند که محدود یا مقید باشد. این حق غیر قابل تعلیق میباشد حتی در حالات اضطراری عمومی. آزادی از شکنجه یک مثال از حق مطلق بشری میباشد. این در نظر اول متباین با حقوق بشر است که میتواند محدود یا فسخ گردد. مثلا: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده 16 حق مطلق را بیان میکند در حالیکه ماده 12 *prima facie* حقوق بشر را در نظر اول بیان میکند.

حراست ، حفاظت - Safeguards

مجموعه اقدامات پیشگیرانه کتبی که خبره گان در ملل متحد آن را می نویسند و در اسناد غیر لازم الاجرا می گنجانند. این اقدامات به کشورها کمک می کند تا تدابیر خاص را در سطح ملی با همکاری سکتورهای حکومتی اجرا کنند تا رفتارهای حکومت طوری باشد که با معیارهای حقوقی و بین المللی حقوق بشر هماهنگی داشته باشد. بطورمثال: تدبیرحفاظتی ملل متحد از محافظت کسانی که به اشد مجازات محکوم شده اند، به حکومت خصوصا به مسوولین زندان کمک می کند تا اعدام یا اشد مجازات را طوری اعمال کنند که با حقوق بشر و عظمت فطری فرد اعدامی- صرف نظر از هرگونه جرمی که مرتکب شده است- در تضاد نباشد. این اقدامات اگرچه به عنوان قانون بین المللی لازم الاجرا نیست اما سازمان ملل متحد علاقه مندی نشان می دهد تا این اقدامات را لازم الاجرا بسازد و تحت قانون ملی یا داخلی از هر راه ممکن آن را عملی سازد.

حقوق بشر سکتوری - Sectorial Human Rights

این اصطلاح با اصطلاح حقوق بشر بخشی هم معنا است یعنی حقوق بشری که به افراد یا حالات خاص مربوط باشد. حقوق اطفال و پناهندگان از جمله حقوق بشر سکتوری است.

حقوق بشر اجتماعی - Social Human Rights

حقوق بشر اجتماعی در مقابل حقوق بشر فرهنگی و اقتصادی:

1. حقوق بشر اجتماعی یکی از سه طبقه نسل دوم حقوق بشر (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) را تشکیل می دهد. حقوق بشر اجتماعی عبارت است از حقوق افراد بر اساس روابط اجتماعی شان بطور مثال حق ازدواج، حق تشکیل خانواده و حق تشکیل اتحادیه کارگران همه از حقوق بشر اجتماعی می باشند.
2. حقوق بشر اجتماعی در مقابل حقوق بشر کلاسیک: گاهی حقوق بشر اجتماعی به حقوق بشر فرهنگی و اقتصادی به عنوان نوع ممتازی از حقوق بشر در مقابل حقوق بشر کلاسیک نیز استعمال می شود و حقوق بشر کلاسیک عبارت است از حقوق مدنی و سیاسی. پس حقوق بشر اجتماعی در مقابل حقوق بشر سیاسی و مدنی قرار دارد. به معنای جامع تر، حقوق بشر کلاسیک تمام نسل اول حقوق بشر را در بر می گیرد در حالیکه حقوق بشر اجتماعی تمام نسل دوم حقوق بشر را شامل می شود.

حقوق همبستگی - Solidarity Rights

این اصطلاح در دو مورد کاملا متفاوت استعمال می شود.

1. این حقوق شامل نسل سوم حقوق بشر می شود حقوق همبستگی یعنی نسل سوم حقوق بشر. دلیل نام گذاری نسل سوم حقوق بشر به حقوق همبستگی این است که طبیعت این حقوق طوری است که برای اثر بخشیدن به آن به همکاری های بین المللی و فعالیت های مشترک نیاز است. بطور مثال حق صلح حق نگهداری محیط زیست و غیره که برای به دست آوردن این ها به همکاری مشترک و دسته جمعی نیاز است.
2. حقوق همبستگی عبارت است از حقوق خاص در فهرست نسل سوم حقوق بشر و تعریف این حق چندان هم آسان نیست و تقریبا عبارت است از حق کارکردن مشترک با کشورها یا سازمان های دیگر برای حاصل کردن هدف های حقوق بشر. وابستگی متقابل کشورها به همدیگر از معنای دوم ضمنی این اصطلاح است.

حد اقل قواعد معیاری (ملل متحد)

Standard Minimum Rules (UN)

عبارت است از مجموعه قواعدی که توسط سازمان ملل متحد پیش نویس شده است. این قواعد به کشورها کمک می کند تا رفتار های شان را در زمینه های معین با معیارهای بین المللی حقوق بشر مطابقت دهند. جامعه جهانی این قواعد را پایینترین معیار قابل قبول که با عظمت انسانی سازگاری دارد، میدانند. این قواعد اگرچه از نظر حقوقی لازم الاجرا نیستند اما از کشورها به شدت و رغبت تمام خواسته می شود تا این قواعد را در عمل پیاده کنند و حتی این قواعد را به قانونی ملی شان تبدیل کنند. بطور مثال: پایینترین دستورهای معیاری ملل متحد در باره زندانیان نمونه ای از پایینترین دستورهای معیاری است که در سال 1957 توسط سازمان ملل متحد ایجاد شد.

حالت محاصره State of Siege

این اصطلاح حقوقی عبارت است از حالت اضطراری که زندگی مردم را در یک جامعه متاثر می سازد و در نتیجه حمله مسلحانه یا تهدید شدن حکومت از جانب حکومت دیگر، به وجود می آید. وجود و اعلان وضعیت اضطراری به حکومت اجازه می دهد تا برای به دست آوردن وضعیت عادی، بعض حقوق بشر را به حال تعلیق در آورد زیرا در وضعیت

اضطراری، حکومت به رعایت تمام اصول حقوق بشر مکلف نیست. دوره اضطراری که به آن دوران وضعیت فوق العاده نیز گفته می شود دوران استثنایی نیز یاد می شود زیرا در این مدت اجرا نکردن بعض حقوق بشر که با امنیت و نظم ملی سازگار نباشد، مجاز و مستثنا است.

Subsistence (Human rights) (حقوق بشر) امرار معاش

این اصطلاح آن عده از حقوق بشر را بیان می کند که ضرورت های اولیه و نیازمندی های بنیادی انسان ها را از قبیل حق بهره مند بودن از نان، لباس، خانه، معالجه طبی برآورده می سازد. یعنی حقوقی که برای حفظ عظمت بنیادی انسان وزنده ماندن انسان ضروری است، حقوقی که زندگی بدون آن ممکن نباشد.

Tyranny/Tyrant - حکومت استبدادی

حکومتی استبدادی حکومتی است که در آن تمام قدرت به دست یک فرد باشد و حاکم مستبد کسی است که هیچگونه محدودیت قانونی را نمی شناسد، کسی که قانون اساسی برایش هیچ ارزش و اعتبار نداشته باشد و بدون احساس مسوولیت به طور ظالمانه بر مردم حکومت کند و هرگونه عملش را مجاز و مشروع بداند.

Women Human Rights - حقوق بشری زنان

این اصطلاح به آن عده از حقوق بشر که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به جنس مونث مربوط باشد، اشاره دارد. تبعیضات جنسی، تجاوز جنسی، تولید مثل و حقوق اقتصادی همه از مسائلی است که به حقوق بشری زنان مربوط می شوند. کنوانسیون سازمان ملل برای ختم تبعیض علیه زنان (سال 1979) یکی از نمونه های ادبی است که حقوق زنان را بیان می کند.

Animus Belligerande - حالت مخاصمه

نیت درونی یک کشور که برای وارد شدن به حالت قانونی جنگ (حالت مخاصمه) ضروری میباشد. این به معنای نیت رسمی ذهنی است که جنگ بر علیه یک کشور دیگر به سبب یک حادثه یا عمل تخطی تصادفی برپا میگردد.

Attack - حمله

یک عمل خشونت که بر علیه یک خصم چه در حالت تهاجم و چه در حالت دفاع، انجام میابد.

Basic Human Rights - حقوق بنیادی بشر

این اصطلاح به صورت عموم به آن نوع حقوق بشری اطلاق میگردد که در عموم چیزهای لازم و ضروری حقوق بشری در هر دو قانون ملی و بین المللی گنجانیده شده است. این حقوقی است که ضروریات مادی و غیر مادی بشر را رفع میکند که این خود نمایانگر هستی بشری است. کدام لست عمومی از این چنین حقوقی وجود ندارد اما اکثراً شامل حق زندگی، غذا، سرپناه، معالجه، آزادی از شکنجه و آزادی مذهبی وسایر حقوق اساسی انسان ها میباشد.

Bearer ، دارنده - حامل

شخصیت حقوقی چه یک کشور باشد، یک گروه یا یک فرد، هر کسی که موضوع حقوق میباشد. در قوانین بین المللی بحیث حامل یا دارنده حقوق شناخته شده است. دارنده یا حامل حقوق هر دو همسان هستند. کسی که دارنده و مالکیت بر

حقوق را دارد یا میتواند قانوناً ادعا حقوق بنماید. این همچنان به شخصی اطلاق میگردد که حق دفاع از چنین حقوقی را دارد. بشر اصل حاملین حقوق بشر میباشد نه کشورها.

حقوق اطفال - Children Rights

مجموع اصول قرار دادی قانون رایج جهانی برای حفاظت اطفال از طریق تاسیس معیارهای اصولی مربوط به حقوق اطفال که مورد قبول حقوق جهانی و مورد قبول سیستمی است که خواهان اجرای آن اصول است. کنوانسیون 1989 سازمان ملل در مورد حقوق اطفال، از نمونه و مثال های حقوق اطفال است.

حقوق بشری مدنی - Civil Human Rights

حقوق بشر مدنی، مربوط به توده مردم، فعالیت ها، ضروریات و مسایل کشوری آنها میشود که این مسایل مدنی جدا از مسایل (مذهبی و نظامی) خاص است. اصطلاحی که توصیف کننده یک طبقه از حقوق بشر است که همان حق افراد برای لذت بردن از آزادی در جامعه مدنی و برابری با دیگران است. حقوق بشر مدنی یک حصه از نسل نو حقوق بشر است. حقوق و آزادیهای فردی از قبیل آزادی حق زندگی، آزادی بیان، آزادی مذهب و آزادی نهضت، عدم تبعیض طبق روند قانون، آزادی از شکنجه، آزادی و امنیت افراد. البته این حق مدنی، با حق بشر مدنی که در ایالت متحده به کار برده می شود فرق دارد، اگر چه بعضی از حقوق مدنی حقوق بشر مدنی نیز هست: برای مثال برابری نژادی و عدم تبعیض.

حقوق کلاسیک - Classical Rights

اصطلاحی که برای طبقه های از حقوق سیاسی و مدنی استعمال می شود و از نظر تاریخی عبارت از اولین حقوقی اند که باید به رسمیت شناخته شوند. هدف از این حقوق، حفاظت افراد از اقدام حکومت است و این حقوق در مقایسه با حقوق اجتماعی که به عنوان جامع بر حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی دلالت دارد، استعمال می شود.

حق مدنی - Civil Right

این کلمه بیشتر در ایالات متحده استعمال می شود. و مراد از این حق، حق غیر سیاسی اتباع، حق آزادی و حق برابری است که در قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی گنجانیده می شوند. هدف حقوق مدنی، تضمین احترام به افراد در جامعه مدنی است و این حق از طرف دولت از طریق قانون گذاری، به افراد داده می شود. هدف حقوق مدنی، به وجود آوردن جامعه هماهنگ، جامعه امن و جامعه با ثبات است. دولتی که این حق را اعطا می کند، حق لغو یا اصلاح قانون گذاری حقوق مدنی را نیز دارد. اما حقوق بشر بر خلاف حقوق مدنی، از طرف دولت ها اعطا نمی شود. بلکه وجود حقوق بشر در تمام انسانها ذاتی و فطری است. کار دولت ها در این زمینه، به رسمیت شناختن حقوق بشر در سند و پیمان حقوق بشر است و دولتها حق ابطال، لغو یا تصحیح حقوق بشر را ندارند اگر چه بعضی از این حقوق بشر در شرایط اضطراری، قابل تحدید و تعلیق میباشد.

حقوق بشر دسته جمعی (درمقابل حقوق بشر فردی) - Collective(human)Rights

این گونه از حقوق بشر یکی از دو قسم ذیل است:

1 حقی که مال گروه و دسته از مردم است اما برای منفعت اعضاء و افراد.

2 حق افراد و اعضاء اما برای منفعت دسته جمعی همه گروه.

این حق در مقابل حقوق فردی است که عبارت از حق فردی افراد است. این حق صرف نظر از وابستگی افراد به کدام گروه مربوط است. حقوق اقلیت ها و حقوق بومی از نمونه های حقوق گروهی یا دسته جمعی اند. البته نظریه حقوق گروهی مورد پذیرش همه نیست و هنوز مورد اختلاف است.

حقوق بشر عمده - Core (human) rights

این واژه به طور دقیق تعریف نشده و اینکه کدام حقوق بشر عمده به شمار می آیند در تعریف این لفظ بیان نگردیده است. حقوق عمده شامل حق زندگی، حق آزادی سخن و حق آزادی از شکنجه می باشد. این حقوق برای وجود عظمت انسان ها کاملاً ضروری شمرده می شوند. این واژه معادل است با لفظ (Nonderogable right) یعنی حقوق فسخ ناشدنی.

حق بشری فرهنگی - Cultural (human) Right

یک کتگوری از حقوق بشر که به طور عموم از حق انسان برای شرکت در زنده گی فرهنگی برای سهم گیری در پیشرفت علمی و برای حمایت از منافع اخلاقی و مادی در عرصه های تولیدات علمی، هنری و ادبی و برای به دست آوردن تعلیم و حفظ شناخت فرهنگی، سنت و زبانش، حمایت می کند. این حقوق انسان را در باره به دست آوردن معلومات، آموزش برای بهره گیری از داشته ها و ارزش های فرهنگی اطمینان می دهد. حق تعلیم یکی از عمده ترین حق فرهنگی است. برای حقوق فرهنگی کاملاً جامع که مورد پذیرش همه باشد وجود ندارد. این حقوق فرهنگی بخشی از حقوقی موسوم به "نسل دوم حقوق بشر" همراه با حقوق اجتماعی و اقتصادی، می باشند.

حقوق بشری) اعلانی) - Declaratory (Human Rights)

حقوق اعلانی عبارت اند از حقوق بشری که در بیانیه ها و گاهی در پیمان ها توسط یک هیات با اختیار سازمان جهانی چون ملل متحد بیان شده باشد ولی این به این معنا نیست که این اعلامیه ها اصول الزامی را می سازند. بلکه تنها حقوقی را اعلام می کنند که از نظر یک هیات، حقوق بشر به حساب می آید. حقوق اعلانی برای اصول حقوقی پیمانها نقش اساس و پایه را دارد. تعریف کلیدی حقوق اعلانی این است که این حقوق از نظر قانونی لازم الاجرا نیستند. وقتی این حقوق اعلانی همراه با اصطلاح "حقوق بین المللی رایج" استعمال می شود این به این معناست که آیا پیمان خاص باعث رشد حقوق بین المللی رایج می شود یا نه؟ و این، به این معنا نیز هست که پیمان خاص به قصد تدوین اصل های حقوقی موجود تهیه شده که به چنین پیمان "اظهاریه قوانین رایج بین المللی" گفته می شود.

حقوقی(در مقابل عملی) - DE JURE

چیزی که وجودش خواسته قانون باشد. یعنی قانون وجودش را تقاضا کند و در نتیجه اجرای قانون به وجود آید در مقابل DE FACTO که عبارت از وجود خارجی یک چیز، توسط اعمال انسانها است.

حقوق بشر قابل تعلیق - Derogable(Human)Rights

حقوق قابل تعلیق به حقوقی گفته می شود که در حالات اضطراری عمومی صلاحیت این را داشته باشند که توسط اعلان دولت در ادامه و به تعقیب پیمان حقوق بشر، به حال تعلیق در آیند. تا زمانی که حالت اضطراری ادامه داشته باشد همه حقوق به حال تعلیق در می آیند و دولت حقوق غیر معلق را معین می کند و بقیه حقوق همه قابل تعلیق به حساب می آیند.

حقوق داخلی/ملی (در مقابل حقوق بین المللی) Domestic law(Vs.international law)

معمولاً عبارت است از قانون ملی یک کشور که تنها در قلمرو خاکی آن کشور قابل اجرا است. اصطلاحات حقوق ملی یا شهری برای تمیز و تفکیک از قانون بین المللی استعمال می شوند که در سطح بین المللی بر همه کشورهای تصویب کننده قابل اجرا است ناگفته نماند که حقوق بین الملل با حقوق خاص و جزایی خانواده گی و حقوق مخصوص حکومت شهری سر و کار ندارد.

توجه: اصول بین المللی حقوق بشر که در معاهدات حقوق بشر موجود می باشد، صلاحیت این را دارند که از طریق قانون اساسی به حقوق وطنی یا ملی تبدیل شوند در نتیجه در سیستم قضایی یک کشور به عنوان قانون ملی لازم الاجرا گردند.

حقوق اقتصادی (بشری) – Economic (human) Rights

یک کتگوری حقوق بشر که هدف آن اطمینان یافتن از این است که بشر توانایی بدست آوردن و برقرار داشتن یک معیار مناسب زندگی را که سازگار با شان انسانی باشد، دارد. حقوق ویژه آن شامل حق داشتن غذا، خدمات صحی، امنیت اجتماعی، کار و فراغت و حق تشکیل اتحادیه تجاری میباشد. حقوق اقتصادی منحیث حقوق برنامه ای یا جلو رونده ملاحظه میگردند. اینها بخشی از "تولید دوم" حقوق بشری را همراه با حقوق اجتماعی و فرهنگی شکل میدهد.

حوزه/ صلاحیت فرامرزی

EXTRA TERRETORIAL JURISDICTION

عبارت است از حد تمرین و اقدامات حقوقی یک کشور یا سعی یک کشور در توسعه دادن صلاحیتهای و اقدامات قانونی اش در کشوری که خارج از حوزه قضایی این کشور می باشد یا جاهای که اصلا کشور و دولتی وجود ندارد مثل فضا و دریا های آزاد.

حل و فصل دوستانه - Friendly Settlement

عبارت است از نتیجه روند مصالحه رسمی یا گفت و گوی غیر رسمی بین عارض/شاک/تقاضا کننده و کشوری که به زیر پا گذاشتن اصول حقوق بشر و نقض تعهداتش در قبال حقوق بشر متهم است که در این مصالحه، مدعی و مدعی علیه در مورد چگونه گی حل و فصل قضیه مورد نزاع به توافق می رسند. اگر برای حل قضیه کدام توافق پیدا شود در این صورت گفته می شود که دو طرف به حل و فصل دوستانه رسیده اند. معمولاً دولت به مدعی غرض الغا یا اصلاح قانون یا قطع کردن روند دادخواهی مقداری پول می پردازد. روند مصالحه یا آشتی معمولاً توسط اعضای محکمه ای انجام داده می شود که شکایت در آن جا دایر شده باشد از طریق اجرای مصالحه، مدعی و مدعی علیه را به حل و فصل دوستانه برسانند. محکمه این نکته را باید تضمین نماید که حل و فصل دوستانه باید مطابق و سازگار با اصول حقوق بشر باشد.

حقوق (بشر) گروهی – Group (Human) Rights

مساویست با "حقوق دستجمعی". اینها حقوق بشری هستند که گفته میشود که:

1. از یک گروه یا افراد عضو همان گروه میباشد.
2. از افراد عضو گروه بخاطر فایده همان گروه میباشد؛ و بعضیها میگویند که این حقوق از دسته ای از یک گروه میباشد.

این حقوق در عموم متباین با حقوق افراد میباشد که هر فرد بدون توجه به متعلق بودن به یک گروه دارد. بعضی حقوق مثل حقوق اقلیت و ذاتی گفته میشود که حقوق دستجمعی یا گروهی میباشد. مفهوم حقوق دستجمعی گروهی بحث برانگیز است و بطور جهانی قبول نشده است.

حقوق سخت و صریح (در مقابل حقوق نرم و مبهم)

Hard Law(vs. Soft law)

نورمهایی که حقوق و تعهدات قانونی دقیق و به طور عموم مورد قبول را بوجود میآورد. نظام هنجاری حقوق بین الملل که در قانون پیمانی، قانون عرفی بین المللی و معیارهای عمومی قانون گنجانبده می شود و کشورها از آن پیروی می کنند. قانون سخت در تباین قانون نرم واقع می شود که بیشتر مبهم است و اکیداً غیرصریح بوده و از نظر قانونی لازم الاجرا نیست اما ممکن است نفوذ اخلاقی و سیاسی داشته باشد.

حامل یا دارنده (حقوق بشر) - Holder(of Human Rights)

کسی که صاحب حق باشد و بتواند آن را ادعا و از آن دفاع کند. شخصیت حقوقی فرد باشد یا گروه که در حقوق بین الملل موضوع حقوق بشر باشد، به نام حامل آن حق یاد می شود. معمولاً این واژه به کسی که حق دفاع از چنین حقی را داشته باشد نیز گفته می شود. انسانها حاملین و مالکین حقوق بشر اند نه دولتها و حکومتها.

حقوق بشر - Human Right

حقوق بشر حقوق فطری و ذاتی انسانها اند که انسانها به خاطر ویژه گی ها و خصوصیات انسانی شان این حقوق را دارا می باشند و حقوقی نیستند که از جانب مقامات دیگر چون شاه، دولت یا مقامات مذهبی و سیکولر قابل اعطا باشند. اینها حقوقی اند که به انسان ها اجازه می دهد تا نگذارند عظمت فطری شان مورد سوء استفاده قدرت حکومت یا عاملین غیر حکومتی قرار گیرد. عاملینی که حفاظت افراد از شر این عاملین وظیفه دولت و حق افراد بر دولت می باشد. به حقوق بشر حقوق اولیه و بنیادی نیز گفته می شود. این حقوق بشر با حقوق مدنی که در ایالات متحده وجود دارد یکسان نیست زیرا حقوق مدنی در ایالت متحده حقوقی اند که از جانب قوه مقننه به افراد اعطا می شود در حالی که حقوق بشر حقوق فطری و ذاتی انسانها است که از جانب کسی اعطاء نمیشود.

حقوق بشر فوری (در مقابل حقوق بشر تدریجی)

Immediate Human Rights (Vs. Progressive Human Rights)

به آن حقوق بشر گفته می شود که بعد از تصویب یک پیمان توسط دولت، افراد، آن حقوق بشری را که در پیمان گنجانیده شده از دولت حاصل می کنند و از آن استفاده می کنند. این درمقایسه با حقوق بشر تدریجی استعمال می شود که در حقوق بشر تدریجی، وظیفه دولت تنها اقدام به اجازه دادن اجرای نهایی حقوق بشر میباشد. حقوق گنجانیده شده در "میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی" و "کنوانسیون اروپا در باره حقوق بشر" از نوع حقوق بشر فوری میباشد.

حبس یا زندانی کردن (فرد) - Imprisonment(of person)

محروم کردن کسی از آزادی های شخصی اش در نتیجه محاکمه نهایی آن فرد به خاطر جرمی که مرتکب شده است.

حقوق غیر قابل انتقال - Inalienable Rights

حقوقی را توصیف می کند که حد اقل درحد تیوری و نظری به هیچ وجه قابل انتقال نباشند. حقوقی که دارنده گان آن به صورت داوطلبانه یا غیر داوطلبانه نمی توانند به کسی دیگر واگذار کنند یا انتقال دهند و هیچ کشور یا کسی دیگر نمی تواند این حقوق را از دارنده گان آن ها سلب یا اخذ کند. این به این جهت است که حقوق بشر در انسان ها به طور ذاتی و فطری وجود دارد که این حقوق گرفتگی یا دادنی نیست.

حمله/اعمال فشار یکسره

Indiscriminate Attack/Force

بمباران، حمله یا استفاده از نیرو بر علیه دشمنی که درحال دفاع یا تجاوز باشد که دراین حمله یا بمباران تنها هدف های نظامی مورد حمله نیست بلکه اهداف نظامی و غیر نظامی به طور یکسان از حمله یا بمباران متأثر می شوند یا سیستم

جنگی طوری است که نمی شود هدف های نظامی را از هدف های غیر نظامی تشخیص داد که این سیستم جنگی به افراد و اشیای نظامی و غیرنظامی به طوریکسان آسیب می رساند. طبق پیمان بین المللی برخوردهای مسلحانه، حمله یکسان و عمومی ممنوع و غیر قانونی می باشد زیرا این نوع از حمله "اصل تشخیص" را نقض می کند. بمباران منطقه یا مناطقی که نظامیان و غیرنظامیان در آنجا به طور مختلط زنده گی می کنند، آتش زدن جنگلاتی که در آن افراد نظامی و ملکی موجود باشند، پرتاب گلوله و موشک به طرف اهداف نظامی اما نه به طوری که از آسیب رساندن غیرنظامیان آگاهانه پرهیز شود تا غیر نظامیان آسیب نبینند، همه مثال ها و نمونه هایی از حمله یکسان می باشد.

حقوق فردی (در مقابل حقوق گروهی) Individual Rights (Vs. Group Rights)

حقوق بشری که دارنده گان آن افراد می باشند صرف نظر از عضویت یا وابسته گی این افراد به کدام گروه یا سازمان.

حقوق بین المللی - International Law

مجموعه قواعد تعهد آور برای دول و سایر اشخاص بین المللی در رابطه متقابل آنها و یا حقوق بین المللی عبارت است از معیارهای رفتار برای کشورها یا نهاد هایی که موضوع هیات این قانون باشد. روابط دو جانبه یا چند جانبه بین دولت ها، بین دولتها و نهادهای بین المللی، روابط بین افراد و نهاد های غیر دولتی، حقوق افراد و نهادهای غیر دولتی که برای جامعه جهانی اهمیت داشته باشد، همه در حقوق بین المللی گنجانیده شده است. قانون بین المللی حقوق بشر که قانون بشر دوستانه بین المللی را نیز شامل است، بخشی از این هیات قانون میباشد.

حق تمامیت یا کمال یا حق کرامت - Integrity Right

یکی از حقوق بشری ویژه که هدف آن حفاظت ذهنی، اخلاقی و انسجام جسمی انسان می باشد. معانی Integrity یعنی تمامیت، سلامتی، ایمنی که این ها همه از معانی این لفظ می باشد. مثال های حق تمامیت عبارت اند از: حق زنده گی، حق آزادی از شکنجه، حق آزادی مذهب، حق تشکیل خانواده و حق زنده گی خصوصی.

حق دفاع - JUS ADD BELLUM

این واژه لاتینی و عبارت است از قانون بین المللی که به کشور و نماینده گانش به طور دسته جمعی یا جداگانه اجازه می دهد تا با متحدانش برخلاف کشور یا کشورهای دیگر طبق قانون بین المللی در برخوردهای مسلحانه سهم بگیرند و این اصل بخشی از قانون بین المللی جنگ را تشکیل می دهد. مثلا، طبق قانون بین المللی جنگ کشوری که مورد تجاوز قرار می گیرد حق دفاع (just add bellum) را دارد. حق دفاع زمینه را برای قانونی بودن جنگ فراهم می کند و به کشور و افراد اجازه میدهد تا وقتی حقوق بشر را نقض نکنند. بدون هراس از پیگرد قانونی در جنگ سهم بگیرند و آزادانه از کشور شان دفاع کنند.

حق قابل تغییر - JUS DISPOSITIVUM

قانون/قاعده/اصلی که با توافق قانونی مخالف یا رضایتی کشورها قابل اصلاح یا تبدیل باشد. یعنی صلاحیت این را دارد که به قانون متضاد دیگر تبدیل شود. این درمقایسه با اصول قانون نهایی استعمال می شود که قابل اصلاح و تبدیل نیست.

حق در جنگ – Jus in bello

مراد از این اصطلاح لاتینی اصول و قوانین بین المللی است که در جنگ/برخوردهای مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی قابل اجرا می باشند. این اصل با حفاظت قربانیان و روشهای اتخاذ شده در این خصومتها سر و کار دارد و به طور عمده از قراردادهای چهارگانه ژینو سال 1949 و همچنین معاهده های 1899 و 1907 شهر هاگ و ضمیمه این معاهده تشکیل یافته است. این اصل عرصه های چون اسلحه شیمیایی، گاز و غیره را در برمی گیرد و شبیه قانون بشر دوستانه است.

حقوق فطری - Jus Naturale

این لفظ لاتینی و به معنای قانون طبیعی است. ضروریات اخلاقی که به هیچ نهاد انسانی وابسته نباشد و از دلیل درست و محکم بناء یافته باشد.

یک بدنه قانون که در چگونگی طبیعت وجود دارد که جهان و انسانها بطور لازم به آن عمل کنند. یک بدنه قانون یا یک اصل مشخص که از طبیعت گرفته شده است و بالای اجتماع انسانی در غیاب یا علاوه بر قانون مثبت الزامی میباشد.

حقوق کار – Labor Rights

یک نوع حقوق بشر که هدف آن حمایت از حق کار کردن و سر و سامان دادن دستجمعی برای منافع عمومی میباشد. این، شامل حق معاملات دستجمعی و اعتصاب کردن، مزد مساویانه برای کار مساویانه، فراغت و استراحت و محیط امن کاری میباشد. اکثر حقوق کارگری در پیمان قانون سازمان بین المللی کار وجود دارد ولی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز شامل این نوع حقوق میباشد.

حقوق قانونی – Legal Rights

حقوقی که توسط یک مقام باصلاحیت تضمین و برسمیت شناخته شده است تا اعلام و تضمین شود و در حضور یک محکمه که آنرا حکم میکند از آن دفاع گردد.

حق حضور در محکمه – Locus Standi

حق درج یک شکایت و حضور در جلسه/محکمه، کمیته یا کمیسیون که صلاحیت اخذ و حل و فصل قضایای تخطی های حقوق بشر یا حق تقاضای یک نظریه را دارد. این یک وضعیت پذیرفتن یک شکایت تحریری است که طرف شاکی باید حق حضور در جلسه/محکمه را داشته باشد که معمولاً بدینطور است که طرف شاکی خود متضرر تخطی شده باشد. اگر طرف شاکی حق حضور در محکمه را ندارد، در اینصورت قضیه غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد. اصطلاح کامل برای حق حضور در جلسه/محکمه "locus standi in judicio" میباشد.

حکومت نظامی – Martial Law

استفاده نیروهای نظامی برای حکمرانی موقتی بالای افراد ملکی منحصیث یکی از ضروریات عامه. این نوع حکومت اغلباً با به تعلیق آوردن آزادیهای معین یا یک دوره ابطال که در آن حقوق معین بشری فسخ میگردد یا در طی همان مدت به تعلیق درآورده میشود، همراه میباشد. این اصطلاح اکثراً در زمینه فسخ حقوق بشری شنیده میشود. در تحت حکومت نظامی، جامعه ملکی نه بلکه نظامی بالای دولت و مردم حکومت میکند. حکومت نظامی یک حالت استثنایی میباشد.

حد اقل – Minimum

کمترین سطح طرز العمل معیاری قبول شده بین المللی توسط یک کشور و تمام افراد آن کشور به شمول خارجی های مقیم یک دولت ممکن است با بعضی از افراد تحت صلاحیت خود رفتاری بهتر نسبت به این حد اقل معیار داشته باشد اما به هیچ صورت نباید پائینتر از این معیار حد اقل با فردی رفتار شود. مثلاً یک بیگانه (خارجی) غیر قانونی محکوم به جزا. این معیار حد اقل همواره در حال افزایش نمایندگی از نورمهای جوامع بین المللی میکند تا که معیارهای طرز العمل کشورها مطابق به موازین جامعه جهانی گردیده و صلح جهانی، هماهنگی و انکشافات بدست بیاید. بسیاری خواهند گفت که معیارهای حد اقل در کل مطابق سطح طرز العمل میباشد که در معیارهای قانون بین المللی حقوق بشر گنجانیده شده است. این اصطلاح معمولاً در جایی استفاده میگردد که یک کشور با یک خارجی چگونه رفتار میکند مخصوصاً با خارجی غیر قانونی در داخل قلمرو دولت. این اصطلاح گاهی اوقات در پیمانهای دوستی، تجاری و دریایی استفاده میگردد تا یک معیار دوجانبه مواظبت رفتاری یک دولت را با اتباع دولت دیگر تعیین کند. این معیار یکی از دو معیارهای کلاسیک رفتار دولت با خارجیها میباشد. معیار دوم آن "معیار رفتار ملی" میباشد.

حکومت دموکراتیک - Democratic governance

عبارت است از نظریه مطرح شده که حکومت نظام منتخب و دموکراتیک بر مردم را از حقوق بشر مردم می داند. یعنی تقاضای حقوق بشر افراد این است که نظام حاکم باید دموکراتیک و منتخب باشد. بنیاد و اساس این نظریه بر این مطلب نهاده شده که خواست و اراده مردم، بهترین منبع برای قدرت و اختیارات حکومت است و اولین وظیفه حکومت، حمایت و حفاظت از حقوق بشر است. چیزهایی را که این نظریه در بردارد عبارت اند از: اصول مسوولیت دموکراتیک، احترام به حاکمیت قانون، شفافیت حکومت و اشتراک آزاد مردم در حکومت. این حقوق از طریق رای گیری، رقابت برای مقام های انتخابی، شرکت در مذاکرات عمومی و تجمع های معلوماتی (خصوصاً توسط کسانی که از رفتار حکومت زیاد متاثر شده اند) و درخواست رسیده گی به شکایات علیه حکومت، اعمال و اجرا می شود.

حقوق اقلیت ها - Minority Rights

یک اصطلاحی که عموماً حقوق بشری را برای حمایت از گروه های اقلیت نژادی، قومی، ملیتی، مذهبی و زبانی معین میکند. این اصطلاح شامل اشخاص دیگر در مقرره های مشخص سندهای حقوق بشر مثل ماده 27 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، و حتی سندهای خارج از پیمان مثل اعلامیه در باره اشخاص وابسته به یک اقلیت ملیتی یا قومی، مذهبی و زبانی (1992 ملل متحد) و نیز فعالیت های شورای حقوق بشر ملل متحد بخاطر جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت ها تا حدیکه با مسائل اقلیت سرو کار دارد.

حقوق معنوی - Moral Rights

ارزش هایی که توسط گروهها یا افراد روی اصول بیطرفی در عرف، نژاد، عدالت یا معتقدات مذهبی صورت میگیرد. حقوق معنوی قانوناً تعهدی نمیباشند.

حرکت آزادی خواهی ملی National Liberation Movement

حرکت نظامی یا سیاسی که بیشتر در کشورهای در حال توسعه به منظور بیرون راندن قدرتهای استعمارگر و نیروهای اشغالگر بیگانه برای به دست آوردن استقلال و تشکیل ملت خود مختار، به وجود می آید.

حکومت؛ دولت متشکل از یک ملت - Nation State

مراد از این اصطلاح گروه مشخصی است که خود را به عنوان یک ملت، گروه مستقل و از لحاظ سیاسی دولت می دانند ولی هنوز در محدوده دولتی که توسط اداره واحد رهبری می شود زنده گی می کنند خواه این گروه از نظر قانونی به رسمیت شناخته شده باشد یا نه.

حقوق نفی- Negative Rights

حقوق بشر عدمی یعنی حق نداشتن چیزی یا حق نبودن در موقعیتی، حق نپذیرفتن چیزی در مقابل حقوق بشر مثبت که حق پذیرفتن، داشتن و غیره است. این حق به دارنده اش اجازه می دهد تا عملی را انجام ندهد یا چیزی را نپذیرد یا در موقعیتی قرار نگیرد. همانطور که در حقوق مثبت صاحب حق، حق انجام دادن چیزی یا انتخاب چیزی را دارا است. در حقوق نفی حکومت نمیتواند حق نداشتن یا حق نبودن یا حق انتخاب نکردن را از مردم سلب کند. همانطور که در حقوق مثبت حق داشتن، انتخاب کردن و غیره را از مردم سلب نمی تواند. برای مثال حق اظهار نکردن رای، حق سهم نگرفتن در کدام اتحادیه، حق شکنجه نشدن همه حقوق نفی است اما حق اظهار رای، حق عضویت در کدام اتحادیه، حقوق مثبت است.

برای وضاحت بیشتر: یک تبعه حق دارد از طرف دولت مورد مراقبت و جاسوسی قرار نگیرد و حق دارد دولت مکالمه هایش را استراق سمع نکند.

حقوق تعلیق نا پذیر- Nonderogable Rights

حقوق فسخ ناشدنی به آن عده حقوقی گفته می شود که در حالت اضطراری از قبیل جنگ داخلی یا تهاجم بیرونی به حال تعلیق در نمی آیند و این نوع حقوق در پیمان حقوق بشر معین و مشخص شده است. یکی از نمونه های حقوق فسخ ناشدنی حق آزادی از شکنجه است که در هیچ صورتی این حق به حال تعلیق در نمی آید. حقوق فسخ ناشدنی در همه حالت و در تمام شرایط تخفیف داده نمی شود و همیشه باید به آن احترام شود. برای معلومات بیشتر به ماده 4.2 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی مراجعه شود که در آن حقوق فسخ ناشدنی این پیمان بیان شده است.

حقوق (بشر) مشارکتی- Participatory (Human) Rights

حقوق افراد برای سهم گیری در توسعه و انکشاف جامعه از طریق وارد شدن در مسایل عمومی برای تضمین و تحقق بخشیدن به حقوق بشری شان از قبیل حق غذا، حق تعلیم، حق ادای مناسک مذهبی و غیره. برای مثال طبق ماده 25 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، هر تبعه حق دارد تا در مسایل عمومی سهم بگیرد. سهمگیری قابل توجه و آزاد افراد در جامعه، باعث انکشاف دموکراسی و انکشاف اقتصادی می شود. حق رای دهی و حق رفتن برای پست های ملی از جمله حقوق مشارکتی به شمار می آیند.

حقوق مردم- People Rights

این اصطلاح در عنوان "منشور افریقا درباره حقوق بشر و مردم" به کار برده شده است و در معنای افریقای آن، عبارت است از حقوق دسته جمعی که به گروه های قبیله ای افریقا مربوط می شود. هدف از حقوق مردم حفاظت از حقوق دسته جمعی انجمن ها یا گروه ها مخصوصاً قبیله ها، در افریقا است. این اصطلاح گاهی در بیرون از AFR (منشور افریقا درباره حقوق بشر و مردم) نیز به کار برده می شود.

حکومت (دولت) پولیسی - Police State

کشوری که حکومت بر سر اقتدار آن برای برقراری نظم و فرمانبرداری اجتماعی از تهدید، زور، پولیس و نظامیان به شیوه خشونت آمیز و استبدادی استفاده می کند و برای این کار حتی حقوق بشر را نیز نادیده می گیرد. معمولاً در چنین موارد، شبکه گسترده اطلاعاتی دولت بر فعالیت های مردم نظارت میکند.

حقوق بشر سیاسی- Political Human Rights

حقوق بشری که به افراد (درمقابل انجمن) مربوط می شود. رفتار حکومت نسبت به سهم گیری افراد در تغییر اثرات در جامعه به نفع خودش. این نوع از حقوق بشر به افراد اجازه میدهد تا در تغییر دادن سیاستهای حکومتی، پیشنهاد دادن در مورد سیاستهای حکومتی و اداره سیاستهای حکومتی خصوصاً در مسائلی که به افراد مربوط می شود، شرکت کنند. حقوق بشر سیاسی قسمی از نسل اول حقوق بشر است که از حق افراد برای شرکت در جهت دادن به جامعه و انکشاف آن حمایت و حفاظت می کند. حق رای دهی و حق اداره دفاتر دولتی را می توان از مثال های حقوق بشر سیاسی برشمرد. حقوق بشر سیاسی همراه با حقوق بشر مدنی نسل اول حقوق بشر را تشکیل می دهد.

حقوق مثبت- Positive Rights

حقوق مثبت به صاحبان حق (افراد) اجازه می دهد تا کاری را بدون مداخله حکومت انجام دهند و گاهی دولت را ملزم می کند تا برای صاحبان حق کارهایی را انجام دهد.

حقوق مثبت عبارت است از داشتن چیزی، حق انجام دادن کاری، حق انجام دادن کاری برای خودش و حق فراهم کردن چیزی برای خودش توسط دولت. درمقابل حقوق منفی که حق نداشتن (چیزی) و حق نکردن (کاری) است. این حقوق مثبت، دولت را ملزم می کند تا از اقدامات خاص برخلاف افراد از قبیل جلوگیری از گشت و گذار و آزادی بیان خودداری کند و برای افراد خدمات و اجناس فراهم کند. گاهی به حقوق مثبت حق دسترسی به خدمات و اجناس نیز گفته می شود اما بسیاری از حقوق سیاسی و مدنی از قبیل حق رای دهی، حق تلاش برای رسیدن به مقام های ملی، حق اجراءات مناسب دینی نیز در حقوق مثبت شامل میباشد.

حقوق شکلی- Procedural Right

اصول و حقوقی که طرز العمل تطبیق و اجرای حقوق ماهوی را فراهم می کند. این حقوق به فرد، گروه یا کشور اجازه می دهد تا با اقدام های طرز العملی شان، از حکومت خواهان اطاعت از اصول حقیقی معاهده و جبران نقض آن اصول شوند. یعنی با چنین اقدامی، از حکومت بخواهند تا دولت از اصول حقیقی معاهده پیروی کند و اصول نقض شده را باید جبران کند. این نوع حقوق با جبران نقض اصول حقیقی و طرز اجرای آن سر و کار دارد. بعضیها، تعدادی از حقوق ماهوی مسلم را از قبیل حق محاکمه علنی، حق استماع عادلانه دعوا در حضور قاضی بی طرف، حق احضار شاهد در قضیه های جنایی را حقوق طرز العملی نیز می دانند.

حقوق برنامه ای- Programmatic Rights

این اصطلاح وصفی، طبیعت حقوق بشر نسل دوم را از قبیل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان میکند. این حقوق، از حکومت میخواهد تا برای برآورده کردن تعهد اش، برنامه هایش را از قبیل برنامه های صحی، ساختمانی، و تعلیمی بر اساس امکانات و منابع موجود اجرا کند. این حقوق که به حقوق تدریجی نیز یاد میشود در مقایسه با حقوق فوری استعمال می شود. حقوق فوری حقوقی است که بعد از تصویب، فوراً و بدون لازم داشتن تدابیر اجرایی از آن بهره برداری می شود.

حقوق بشر متداوم- Progressive (Human) Rights

حقوق بشر تدریجی از نسل دوم حقوق بشر و عین حقوق بشر برنامه ای است و هیچ تفاوتی بین این دو اصطلاح وجود ندارد. طبق این حقوق دولت برای انجام دادن تعهدش باید اقدام های تدریجی را (از قبیل ساختن مکاتب، فراهم کردن کار و شغل) انجام دهد. در مقابل این نوع حقوق، حقوق بشر فوری قرار دارد.

حرکت فی نفسه - Proprio Motu

اقدام کردن به میل و انگیزه خود، به رغبت خود بدون درخواست از جانب کسی یا نهادی. وقتی یک مقام رسمی مثل تعقیب کننده قانونی یا هیاتی مثل کمیسیون یا محکمه، در مورد کدام قضیه حرکت فی نفسه "Proprio Motu" می کنند، این بدین معنا است که فرد یا هیات به میل و انگیزه خود اقدام میکند بدون اینکه کسی، دولت یا کدام سازمان غیر دولتی از فرد یا هیات چنین اقدام را درخواست کند. مثلاً، اگر یک پیگرد کننده قانونی در محکمه بین المللی جنایی، بعد از دریافت اطلاع در باره ارتکاب جرم، تقنینش جنایی را شروع کند بدون اینکه شخص سومی از قبیل شورای امنیت یا عضوی از اعضای این محکمه چنین درخواستی را بکند، در این صورت گفته می شود که پیگرد کننده در مورد فلان قضیه، اقدام Proprio Motu کرده است و طبق قانون مدون محکمه بین المللی جنایی، این اقدام دارای مشروعیت و جزء وظیفه و کارهای دفتری پیگرد کننده قانونی به حساب می آید.

مشروعیت و عدم مشروعیت چنین اقدام را باید در لایحه و ظایف دفتر یا هیات جستجو کرد. اگر اختیارات چنین اقدام برای هیات یا یک فرد در لایحه و ظایف یک دفتر یا هیات گنجانیده شده است، در این صورت هیات یا فرد عضو دفتر، حق چنین اقدام را دارد و در غیر این صورت از چنین حقی برخوردار نمیباشد.

حالت اضطراری عمومی - Public Emergency

این اصطلاح حقوقی به فاجعه ها یا مصیبت هایی که حیات و موجودیت یک کشور را تهدید می کند، استعمال می شود. فرق نمی کند فاجعه سیاسی باشد، مثل انقلاب یا نظامی مثل حمله و تجاوز مسلحانه و یا طبیعی مثل زلزله، آتش فشان طوفان دریایی و غیره که در تمام این حالات، دولت وضعیت اضطراری اعلان می کند. حالت اضطراری که در بند تعلیقی کنوانسیونها دیده میشود، به تعویق انداختن بعضی حقوق بشر را موجه و قانونی می سازد. حالت اضطراری به حکومت اجازه می دهد تا برای کنترل کردن این حالت، حقوق بشری خاص را تاهنگامی که حالت اضطراری وجود دارد به حال تعلیق درآورد. البته حقوق بشر فسخ ناشدنی از قبیل حق آزادی از شکنجه، حق زندگی و غیره حتی در حالات اضطراری نیز قابل تعلیق نمی باشند.

حقوق بین الملل عمومی - Public International Law

نظام قانونی که روابط بین کشورها، بین کشورها و افراد، بین کشورها و گروه ها یا بین کشورها و سازمان های بین المللی را تنظیم می کند. قانون حقوق بشر ملل متحد مجموعه ای از قانون بین المللی عامه است.

حبس بدون ارتباط - Incommunicado detention

واژه اسپانیایی که عبارت است قادر نبودن شخص محبوس به داشتن ارتباط (با دیگر اشخاص). این بدین معناست که یک شخص، برخلاف میلش توسط دولت یا عاملین دولت گرفتار و توقیف میگردد و حبس آن بطوری میباشد که هرگونه تماس شخص با محیط بیرون ناممکن میشود. محل حبس محبوس پنهان نگهداشته میشود یا اجازه هیچ گونه تماس با چنین شخصی داده نمیشود. معنای دیگر آن، جلوگیری هدفمندانه شخص محبوس از هر گونه تماس در توقیف رسمی میباشد.

حمایت از اطفال - Children Protection

اطفال باید مانند بزرگسالان از همه حقوق انسانی بر خودار باشند. بر علاوه، موارد ذیل در رابطه به اطفال باید مد نظر گرفته شود:

با اطفال باید طوری بر خورد گردد که حس ارزش و کرامت در آنها که باعث بر گشت آنها به اجتماع می گردد و برای تامین و منافع و اقتضای سنی آنها ضروری است، تقویت یابد. طفل نباید مورد شکنجه، رفتار ظالمانه و غیر انسانی، تعذیب جسمی فرار گیرد. توقیف و حجز کودکان باید تدبیر نهائی برای آنها بوده، توقیف شان باید کوتاه ترین وقت ممکن را در بر گیرد. اطفال باید از زندانیان بزرگسال جدا نگهداری شوند. اطفال توقیف شده باید حق دیدار با اقارب و خانواده را داشته باشند. به مطالب محرمانه اطفال باید احترام شده و گزارش کامل و محفوظ از آنها یادداشت و سری نگهداری شود. کارمندان مسئول در رابطه به اطفال باید آموزش دیده و برای این کار مناسب باشند.

حق زندگی - The Right to Life

حق زندگی اساسی ترین و بنیادی ترین حق بشریت است. بنا برآن، این حق باید توسط قانون دولت یا قوانین حوزه که شخص در آن زندگی می کند، حمایت گردد. هیچ شخصی را نمی توان خود سرانه (بدون مجوز قانونی) از زندگی محروم کرد. این یک نوع وجبیه دولت است تا کسی یا کشوری دیگری نتواند از حق حیات، کسی را خود سرانه محروم سازند. ممنوعیت از گرفتن حق حیات کسی به شکل خود سرانه از جمله قواعد طی مراحل قانونی است که هر گاه شخص در معرض خطر قضاوت خود سرانه قرار گیرد، از آن جلوگیری نماید. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح میدارد که هیچ استثنایی در رابطه به حق حیات وجود ندارد در حالیکه پراگراف 2، 4، 5 و 6 ماده 6 این قانون در رابطه به مجازات اعدام به عنوان استثنای حق حیات نام برده اند.

منابع حق زندگی در حال تغییر است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در رابطه به حق زندگی به عنوان حق ذاتی یاد میکند که ریشه در تاریخ حقوق طبیعی دارد.

شروع به زندگی یک موضوع بحث بر انگیز است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق اروپایی حفاظت از حقوق بشر و آزادی های اساسی، و منشور آفریقایی حقوق بشر در زمینه خاموش اند. منشور آفریقایی حقوق بشر تصریح میدارد که حق زندگی از زمانی که القاح صورت میگیرد باید توسط قانون حفاظت گردد. لحظه القاح در رویه قضایی متفاوت است. در اعلامیه اسلامی حقوق بشر در مصر آمده است که طفل از لحظه تولد به بعد دارای حق شناخته میشود زیرا زندگی در همان لحظه آغاز میگردد. جالب است بدانیم که در قانون اساسی ویرجینیا در سال 1776 آمده است که مرد ها دارای بعضی از حقوق ذاتی از زمانی که داخل اجتماع بشری میگردند، میباشند. بالفرض که شخص با تولد شدن داخل اجتماع میگردد. علوم طبی و تکنولوژی عصری در پی موضوع انکشاف جنین با استفاده از تکنیک های دیگر میباشند. بر علاوه، این علم و تکنولوژی امروز توانایی آنرا دارند که زندگی فزایی را اضافه تر از زندگی مغز انسان ادامه بدهند. رویه قضایی باید تعریف زندگی را با توجه به این موضوعات بحث بر انگیز در نظر بگیرد.

حسابدهی؛ پاسخگو - Accountability/Accountable

یک التزام یا رضایت که به موجب آن مسئولیت قانونی، سیاسی و معنوی در رابطه به عملکرد ها در مقابل جامعه پذیرفته میشود. یک تئوری سیاسی دموکراتیک که مسئولیت نهایی را بالای مردم یک جامعه بخاطر اعمال تمام مامورین میگذارد.

حالت و چگونگی موظفین خدمات عامه/نماینده گان/مامورین، مثلاً؛ پولیس، سرباز، جنرال، وزیر دفاع، وزیر داخله، رئیس جمهور مینی بر داشتن التزام یا رضایت برای قبول نمودن مسئولیت شخصی مثلاً برای اعمال شان در مقابل شهروندان یا جامعه بین المللی بخاطر چاره جویی، مجازات، تحذیر یا جبران غرامت برای هرگونه تخطی حقوق بشر.

حقوق - Rights

حقوق عبارت است از مجموع قواعد کلی که بر رفتار اشخاص که در جامعه زندگی می کند و یا بر ارگانهای حکومت که اداره جامعه را به عهده دارند، و بر ارتباط افراد با ارگانهای حکومت و در ارتباط با دیگر واحد های سیاسی، ظاهر می شود و اجرای آن از جانب دولت تضمین می گردد.

حقوق اقلیت ها- Minority Rights

اقلیت های مقیم در یک جامعه باید حقوق یکسان با سایر گروه های بزرگ و یا اکثریت جامعه داشته باشند و با هیچ گونه تبعیض اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مواجه نگردند. اقلیت ها، گروهی از جمعیت های یک کشور را گویند که در حاکمیت شرکت فعال نداشته و از نظر تعداد کمتر از سایر جمعیت باشند. اقلیت ها ویژگیهای متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی در جهت حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب یا زبان خود هستند.

حقوق بشری زنان- Women Human Rights

زنان مستحق استفاده از حقوق انسانی مساویانه در همه ساحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و عرصه های دیگر اند. این حقوق، شامل حق زندگی مساوات، آزادی، مصئونیت شخصی، مساوات در مقابل قانون، آزادی از تبعیض، بر خورداری از صحت جسمی و روانی کامل، شرایط عادلانه و مناسب کار، آزادی از شکنجه و اعمال دیگر ظالمانه و بر خورد غیر انسانی می گردد.

خشونت علیه زنان به هر شکلی که باشد حق زنان را در استفاده از حقوق و آزادی های اساسی و انسانی شان پایمال و آسیب پذیر می سازد.

زنان دستگیر شده و توقیف شده نباید از تبعیض متضرر شوند و باید از هر گونه خشونت و سوء استفاده در امان بمانند. زنان توقیف شده باید توسط زنان تلاشی، نظارت و اداره شوند. برای زنان حامله و مادران شیر ده باید تسهیلات لازم آماده گردد.

حقوق بین المللی عمومی – General International Law

یک اصطلاح گنگ و مبهم با دو معنی عمومی. برای بعضی ها این اصطلاح به مفهوم نورمهایی که در دو منبع قانون بین المللی وجود دارد به حیث کنوانسیون میباشد مثلاً قانون پیمان و قانون عرفی بین المللی تا اندازه ای که این نورمها بالای تمام کشورها قابل تطبیق میباشد در حالیکه بعضی دیگر میگویند که این اصطلاح فقط به قانون عرفی بین المللی راجع میگردد بخاطریکه بالای تمام کشورها تطبیق میگردد. معنی اول این اصطلاح احتمالاً بهترین آن است. آگهی: قانون عمومی بین المللی مثل اصول کلی قانون نمیشد.

حقوق دستجمعی- Collective Rights

حقوق که به طبیعت و خصوصیت های خود به جوامع تعلق دارد. چنین حقوق، حقوق اقلیت ها را که از شمار معین افراد عبارت بوده و به همدیگر پیوند ملی، مذهبی یا زبانی دارند، تشکیل می دهد. حقوق مردم، حق خود شناسی، حق رشد و انکشاف، حق صلح و امنیت، حق داشتن محیط زیست سالم و غیره را در بر می گیرد.

حاکمیت ارضی Territorial Sovereignty

خودمختاری ارضی یکی از اصول عمومی قانون بین المللی است که طبق آن یک دولت حق دارد اختیارات قانونی اش را بالای اشیا و اشخاصی که در محدوده جغرافیایی اش قرارداد اجرا نماید و کشورهای دیگر حق ندارند اختیارات قانونی شان را در محدوده جغرافیایی کشور دیگر پیاده نمایند.

خدمات مشورتی - Advisory Services

وظیفه یک دفتر یا سازمان بین المللی بین الحکومتی که بموجب آن دولت عضو را در رابطه به مشکلات مربوط به حقوق بشر یا در کوشش برای تحکیم زیربنای های ملی کمک مینماید (مثلاً در عرصه سیستم حقوقی: قانون اساسی، قوانین، قواعد، قضایی، خرنوالی)، که برای تطبیق معیارهای بین المللی حقوق بشر ضروری میباشد. یک چنین دفتری دارای کارمندان متخصص در عرصه حقوق بشر میباشد که به کشورها در رابطه به ایجاد و کاربرد سیستم ملی مشورت میدهند تا به بهترین وجه با معیارهای بین المللی مطابقت داشته باشند. بهترین مثال در این رابطه دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر میباشد که چنین خدمات و مساعدت را از طریق سیمینارها، کارشناسی حقوقی، کورسهای آموزشی و کمک هزینه تحصیلی ارائه مینماید. دفتر کمیشنری عالی ملل متحد مساعدت خود را به کشورهایی که تقاضای مساعدت را بکنند، یا بعضی اوقات نظر به ارجاع در رابطه به یک کشوری که مورد بررسی بخاطر تخطی های حقوق بشر قرار گیرد، ارائه میکند.

خسارات مادی جنگ - Collateral damage

آسیب های وارده به اشخاص و اشیای غیر نظامی در جریان حمله در جنگ های مسلحانه و فرارفتن آسیب ها از هدف های نظامی به اشیا و اشخاص غیر نظامی می باشد.

خسارات - Damages

عبارت است از ضررهایی که در نتیجه اعمال غیرقانونی بین المللی به افراد یا دارایی آن ها وارد می شود که این ضررها از طریق پرداخت غرامت یا پول با ید جبران شود.

خارج از حدود اختیارات قانونی - Ultra Vires

عملی/اقدامی که بیرون از محدوده اختیارات قانونی باشد. وقتی سازمان یا محکمه ای عملی را انجام دهد که در لایحه وظایف آن گنجانده نشده باشد یعنی عملی را انجام دهد که از اختیارات قانونی اش خارج باشد وصلاحیت انجام دادن آن را نداشته باشد در این صورت به چنین عملی، عمل خارج از حدود اختیارات قانونی گفته می شود. عمل های خارج از حدود اختیارات قانونی، غیرقانونی و فاقد جنبه مشروعیت می باشد زیرا این اعمال هیچ گونه پشتوانه قانونی ندارند و از این جهت سازمان یا محکمه بزرگتر حق دارد این عمل را ابطال یا تصویب کند یعنی محکمه یا محکمه بالاتر علاوه بر حق ابطال، حق دارد این اعمال را قانونی و مشروع نیز اعلان کند.

خشونت علیه زنان - Violence Against women

هرگونه خشونت مبنی برجنسیت از قبیل تهدید، اجبار، سلب آزادی و غیره که به زنان آسیب جسمی، روحی یا جنسی وارد کند و زندگی فردی یا اجتماعی آن ها را متاثر سازد، می باشد.

خدمت غیر داوطلبانه - Involuntary Servitude

مجبورکردن افراد به انجام دادن کارهایی که بر خلاف خواسته و میل شان باشد از قبیل شکنجه و غیره و کارهای دیگری که افراد با میل و اراده خودشان آنرا انجام نمی دهند، استثمارکردن افراد از لحاظ اقتصادی، نداشتن آزادی و قدرت تصمیم گیری در روش زنده گی. شکل های مخصوص از کارهای اجباری از قبیل خدمات نظامی و کارهای اجباری در زندان معمولاً استثناً می باشند و این اصطلاح شامل این موارد نمی شود. خدمت اجباری رعیتی با برده داری کاملاً فرق دارد زیرا در برده داری، برده دار برده را ملکیت خودش می پندارد.

خسارت معنوی – Moral Damage

اعطای حکم یک محکمه برای یک عارض در یک قضیه متداوم تا اعمال خراب وضعیت متهم را فراتر از خسارتی واقعی که اتفاق افتاده است، مجازات نماید. و یا آنچه که شئون معنوی شخصی را خدشه دار سازد، گفته می شود.

خارج از دایره قانونی- Extralegal

کاری که خارج از کارهای مجاز باشد، کارهای غیر قانونی و خارج از دایره قانون، کاری که بدون تصدیق قوه مقننه، مجریه و قضایی صورت بگیرد برای مثال اعدام غیر قانونی که توسط حکومت بدون طی کدام مرحله قانونی صورت بگیرد.

خود مختاری- Autonomy

مفهوم دقیق این اصطلاح خود اداره کردن است این اصطلاح یکنوع تصور مستقلیت و صاحب اختیاری را بر می انگیزد، در نظریه عنعنوی بین المللی تمام دولتها خود مختار میباشند یعنی تابع حکومت بیرونی نمیباشند. حالا خود مختاری نه همچون درجه مطلق استقلالیت بلکه درجه نسبی به شمار می آید زیرا اکنون دولتها تا اندازه معین باهم ارتباط متقابل دارند. اصطلاح خود مختاری دیگر اصطلاح مستقل را عوض کرده نمی تواند پرنسیب استقلال تنها به دولت ها ارتباط دارد و پرنسیب خود مختاری میتواند برای هرگونه حدودی که زیر نظارت دولت نیست، بکار برده شود.

دسترسی / الحاق کردن- Accession/ Accede

یک عملکرد بین المللی که بموجب آن یک دولت در یک سطح بین المللی پیمانی را امضاء مینماید. چنین عملکرد دسترسی در یک سند بین المللی نوشته میشود که در معنا مشابه به یک سند قبولی یا تصدیقنامه، تصویب، الحاق یا دسترسی میباشد. اصطلاح دسترسی وقتی استفاده میشود که دولت امضاء کننده پیمان اصلی که به قدر کافی توسط دیگر دولتها تصویب شده است، نمیباشد. توسط همچو یک سند، به یک دولت گفته میشود تا به تعهدات این پیمان بیبندد. این تقریبا به معنای الحاق میباشد. ارائه یا سپردن سند دسترسی، دولتین را به طور قانونی مکلف به اطاعت از مواد پیمان میکند.

دلیل تصمیمگیری – Ratio Decidendi

یک اصطلاح قضایی لاتین به معنی دلیل در عقب تصمیم یک قضاوت در یک قضیه میباشد. این به معنی دلایل یا اصول عمومی است که به اساس آن روی یک قضیه یا مسئله تصمیم گرفته شده است. اکثر اوقات، این اصطلاح در زمینه محکمه استفاده میگردد تا توضیح دهد که چرا محکمه یا دیوان چنین تصمیمی گرفت.

دلیل برای قانون – Ratio Legis

دلیل برای وضع قانون. تا اندازه ای عین هدف و مقصد یک پیمان میباشد. اصلی که به اساس آن یک قانون وجود دارد.

درک و پذیرش (شکایت) - (Seize of Complaint)

این اصطلاح توسط دستگاه قضایی چون محکمه، یا دستگاه غیر قضایی از قبیل کمیسیون یا کمیته که برای حل و فصل شکایات رسمی مأموریت داشته باشند، به کار برده می شود. منظور از این اصطلاح این است که محکمه قضایی یا شبه قضایی قابل ملاحظه بودن شکایت راجع به نقض حقوق بشر را پذیرفته اند و می خواهند برای حل و فصل قضیه، از صلاحیت و اختیارات قضایی شان استفاده کنند.

دفاع مشروع - Self-Defense

طبق این اصل حقوقی بین المللی، هر کشور براساس قانون عرفی بین المللی حق دارد برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی اش از تجاوز بیرونی، از نیروی نظامی استفاده کند. دفاع مشروع گاهی انفرادی و گاهی دسته جمعی است و دفاع دسته جمعی حالتی است که چند کشور از یک کشور به طور مشترک دفاع کنند. برای معلومات بیشتر به ماده 51 منشور ملل متحد مراجعه شود، با اینکه چنین دفاع حق مشروع هر کشور است اما اصل های دیگر از قبیل اصل تناسب برای این حق، یک سلسله محدودیت ها نیز ایجاد کرده است.

دولت - State

یک سازمان و قدرت سیاسی و حقوقی که ویژه گی های ذیل را دارا باشد:

1. هیات مشخص و دایمی مردم.
2. قلمرو کم یا زیادی که این نهاد آن را دربرمی گیرد.
3. حکومت منظم که صلاحیت کنترل موثر این قلمرو را داشته باشد.
4. ظرفیت ایجاد و ادامه روابط بین الملل.

بیشتر این نکته نیز گفته می شود که یک کشور باید طبق قانون بین المللی و برای احترام به حقوق بشر تعهدش را انجام دهد.

دولت باید مستقل باشد و استقلالش را در قلمروی خودش باید اعمال کند دولت دارای شخصیت حقوقی است که از حق خود مختاری برابر برخوردار بوده و از نظر قانونی با همه کشورهای دنیا برابر می باشد.

دستور مافوق - Superior Order

این اصطلاح عبارت است از دفاع حقوقی سربازان نازی در محاکمه ای که در پایان جنگ جهانی دوم برای مجرمین جنگی برگزار شده بود. عساکر نازی به بهانه اطاعت از دستور فرمانده ارشد شان اظهار بی گناهی و از خود دفاع می کردند، آن ها می گفتند که سربازان هیچ تقصیری ندارند زیرا آن ها صرف به وظیفه شان عمل می کنند. این نوع دفاع جنایی اگر چه برای نجات یافتن از تقصیر و مسوولیت جنایی کافی نیست اما مجازات سربازانی را که مرتکب جنایت جنگی شده اند کاهش می دهد.

درمقابل - Vis a Vis

معانی این اصطلاح لاتینی عبارت است از " درمقابل "، "درمقایسه با". برای مثال حقوق بشر حقوقی است که افراد درمقابل حکومت، آن را دارا می باشند.

دعوای افراد (درمقابل دعوای حکومت)

Individual Complaint (VS. State Complaint)

دعوایی که توسط یا از طرف فرد یا افراد بر علیه دولت دایر شده باشد که در آن دولت را به نقض حقوق بشر متهم می کنند و این نوع از دعوا درمقایسه با دعوای بین الدولی استعمال می شود.

در حاشیه قرار گرفته (شخص/گروه) Marginalized (Group/Person)

وضعیت اشخاص یا گروه هایی که در یک موقف غیر مهم و بدون قدرت در یک جامعه محول شده اند و بعضی اوقات به اجبار به یک ساحه دور مرزی، غیر انکشاف یافته، از لحاظ سیاسی کم اهمیت یا انکار از حق ایشان برای اشتراک در عرصه سیاسی حتی در موضوعاتی که بالای منافع آنان تاثیرگذار میباشد صورت پذیرفته است. بعضی اوقات این اصطلاح در عموم برای این استفاده میگردد که کدام شخص از لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی کم اهمیت، محروم یا بدون قدرت در مقایسه با دیگر افراد جامعه واقع شده است یا میشود.

دعوی مردم Actio Popularis

یک لغت لاتین است که اکثراً در سیستم کنوانسیون حقوق بشر اروپایی دیده میشود که به معنی یک عرض حال است که ادعای تخطی بالقوه را توسط یک دولت به اساس قانون یا قاعده که تا هنوز تطبیق نگردیده است، مینماید. این تا اندازه ای وابسته به دعوی دسته جمعی است که به نماینده گی از اشخاص زیادی صورت گرفته است و همه اشخاص در شرایط مشابهی بوده اند. مانند شکایت نمودن به نماینده گی از هر کسی که از تطبیق قانون متاثر شده اند میباشد. این اصطلاح وقتی بکار میرود که محکمه/کمیسیون روی قبولیت تحریک دعوی بحث میکنند، که آیا شخص عارض خود یکی از قربانیان این تخطی میباشد یا نه.

شکایت Actio Popularis در عموم قابل قبول در صلاحیت متنازع فیه نمیشود. در سیستم ECHR هم غیر قابل قبول میباشد در حالیکه این اصطلاح اغلباً دیده میشود.

درخواستی/تطبیق – Application

1. یک شکایت: یک شکایتنامه اتهامی به یک مجمع حقوق بشر بین المللی که ادعای تخطی حقوق بشر را توسط یک دولت مینماید. بعضی از سیستم ها اصطلاح "درخواستی" را به عوض عریضه یا شکایتنامه استفاده میکنند. معنای همه اینها یکسان است. یک چنین درخواستی به یک مجمع قضایی یا شبیه مجمع قضایی بین المللی ارائه میگردد تا در مورد تخطی حقوق بشری که اتفاق افتاده است راه حل را جستجو یا قضاوت نماید. این نوع درخواستی میتواند توسط افراد، سازمانهای غیر دولتی یا حتی کشور ها ارائه گردد که البته این مربوط به سیستمی میگردد که این را بررسی میکند. (مثلاً: ملل متحد یا انجمن اروپا).
2. تطبیق نورم ها: اجراء عملی و استفاده نورمهای حقوق بشر توسط یک کشور – رفتن از کلمات به متن و از متن به واقعیت و در عمل. بعضی اوقات برای رجوع به اجراء واقعی یک کشوری استفاده میشود که نظر به نورم های قابل تطبیق مورد قضاوت واقع میگردد. یک کشور اصولاً مستلزم تطبیق نورمها در امورات عامه روزانه خویش میباشد تا بتواند اجراء خویش را هماهنگ با معیارهای بین المللی نماید. "تطبیق" اعمال واقعی یک کشور در راه انجام التزامات حقوق بشر میباشد. این همچنان مربوط میگردد به اینکه یک کشور چطور نورمها را تطبیق میکند.

دفاع مشروع دسته جمعی - Collective self defense

حق بین المللی و رایج هر کشور برای شامل شدن در توافق نامه و اقدام های مشترک دوجانبه یا چند جانبه با کشورهای دیگر برای دفاع مشترک از کشور یا کشورهای عضو که مورد حمله قرار می گیرند. این حق فطری و ذاتی هر کشور است که از

خودش دفاع کند و از دیگران برای دفاع کمک بخواهد. دفاع دسته جمعی وقتی مشروعیت دارد که به آن ضرورت عاجل احساس شود و هیچ راه انتخاب دیگر برای بررسی وجود نداشته باشد. کارها و اقدام های دفاع دسته جمعی باید به تناسب حمله صورت گیرد. دفاع دسته جمعی در ماده 51 منشور ملل متحد ذکر شده است.

دهه (ملل متحد) - Decade (UN)

عبارت است از برنامه مبارزه ده ساله علمی و تبلیغاتی سازمان ملل درباره موضوعات یا گروه خاص از مردم. این برنامه ده ساله ملل متحد، در قطعنامه مجلس عمومی ملل متحد برای آگاهی و ترقی در عرصه های مورد علاقه ملل متحد اختصاص می یابد. برای مثال دوره ده ساله 1995-2004، دهه "تعلیم و تربیه حقوق بشر" ملل متحد بود که در این دهه فعالیت های ملل متحد بیشتر روی تعلیم و تربیه حقوق بشر متمرکز بود.

دیکتاتوری - Dictatorship

حکومت توسط فرد واحد، حزب یا گروهی که مسوول و پاسخگوی مردم یا نماینده های منتخب مردم نباشند.

در عمل پیاده شدن ؛ لازم الاجرا شدن

Enter/Entry Into Force

به معنی پروسه، نقطه زمانی و غیره میباشد که بموجب آن یک پیمان قابل اجرا میگردد و کاملاً بالای کشور های طرف امضاء کننده که پیمان را تصویب کرده اند، لازم الاجرا می شود. معمولاً در عمل پیاده شدن بصورت مخفف انگلیسی EIF نوشته میشود و این به تعقیب یک مقرر مخصص در جریان تصویب یک تعداد از مصوبه های دولتها واقع میگردد. وقتیکه تعداد مقتضی سندهای مصوبه فراهم میگردد، بعد از آن این پیمان در عمل پیاده می شود. معمولاً دو تاریخ مشخص در رابطه به ذکر یک پیمان وجود دارد: (1) تاریخ تصویب پیمان و (2) تاریخ در عمل پیاده شدن پیمان. مثلاً: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال 1966 اتخاذ گردید و در سال 1976 در عمل پیاده گردید.

درواقع یا حقیقی - IPSO FACTO

این لفظ لاتینی است و به معنای حقیقی و چیزی که واقعبینانه و خارجی داشته باشد استعمال می شود. برای مثال انسان چهارساله واقعا و در حقیقت (IPSO FACTO) طفل است. نه چیزی که وجودش در دنیای قانون فرض و خواسته شده باشد.

در نظر اول - Prima Facie

1. در زمینه قضیه و شکایت:

این اصطلاح لاتینی به قضیه یا شکایتی استعمال می شود که در نظر اول و قبل از بررسی مدارک و شواهد، درست و پذیرفتنی به نظر برسد. واقعیتی که در قدم اول و تا ثابت شدن نادرستی اش درست فرض می شود. برای مثال قضیه **Prima Facie** در مورد نقض حقوق بشر به قضیه ای گفته می شود که قبل از بررسی شواهد و مدارک، واقعی و درست به نظر برسد یعنی ظاهر قضیه طوری است که گمان می رود واقعا نقض حقوق بشر صورت گرفته است. همین طور شکایت **Prima Facie** شکایتی است که قبل از طی مراحل شواهد و مدارک، حق و درست به نظر برسد.

2. در زمینه حقوق بشر:

در مورد حقوق بشر این اصطلاح لاتینی به حقوق بشری استعمال می شود که در نگاه اول مطلق، غیرقابل تعلیق و فسخ ناشدنی به نظر می رسد اما به دنبال این حقوق، شرط ها و قید های ذکر شده است که این حقوق را از مطلق بودن خارج می کند و آن را مقید یا قابل تعلیق می سازد. نمونه از این نوع حقوق بشر را می توان در ماده 19.1 میثاق بین المللی

حقوق سیاسی ومدنی یافت و آن عبارت است از آزادی بیان که در قدم اول مطلق و فسخ ناشدنی می نماید اما در ماده 19.2 همین معاهده قیدها و شرایطی ذکر شده که آزادی بیان را محدود و مقید می سازد زیرا طبق همین ماده در صورت وقوع وضعیت فوق العاده برای حفاظت از صحت عامه، امنیت و آسایش ملی حکومت می تواند برای آزادی بیان محدودیت ایجاد کند.

در مقابل حقوق بشر **Prima Facie**، حقوق بشر مطلق به حقوقی گفته می شود که در هیچ صورت و شرایط حتی در وضعیت فوق العاده نیز بر قوت خود باقی باشد: مثل حق آزادی از شکنجه که هیچگونه محدودیت زمانی و مکانی را نمی پذیرد و حتی است که همیشه مطلق و غیر قابل تعلیق است.

دولت عضو - State Party

کشور عضو به کشوری گفته می شود که معاهده را امضا و تصویب نموده و تعهد قانونی اش را به آن اعلان کرده باشد. هیچ کشوری را که معاهده حقوق بشر را امضا نکرده است نمی توان به نقض حقوق بشر متهم کرد. یعنی نقض حقوق بشر در حق کشوری که معاهده حقوق بشر را امضا نکرده است معنا ندارد. برای این معنا (کشور عضو) اصطلاحات جداگانه از قبیل شریک، طرف عالی معاهده و غیره در نظام های مختلف معاهده ها وجود دارد که هر یکی از این نظام ها یکی از آن اصطلاحات را برای این معنا به کار می برند.

دستگیر (کردن) - Arrest

دستگیر کردن عبارت گرفتاری شخص است که توسط ارگانهای امنیتی روی شواهد یا دلایل و یا هم برخلاف احکام قانون و ارزشهای حقوق بشری صورت می گیرد.

هر کس حق آزادی، مصئونیت فردی دارد. هیچ کس نباید معروض به دستگیری خود سرانه شود.

هیچ کس نباید از حق آزادی محروم شود؛ مگر مطابق به احکام در قانون نافذ شده است.

هر کس که دستگیر می شود باید بدون معطلی در موقع دستگیری از دلیل دستگیری اش آگاه ساخته شود. هر کسی که دستگیر می شود، باید بدون معطلی از اتهام وارده علیه وی آگاه و بزودی به مقام عدلی و قضائی آورده شود. شخص دستگیر شده حق حضور در یک مقام عدلی و قضائی بخاطر مشروعیت دستگیری و توقیف خود را بدون معطلی دارد. در صورتی که توقیف موصوف غیر قانونی ثابت شود، باید رها گردد. هم چنین کسی که دستگیر می شود حق دارد در یک وقت معین و معقول مورد محاکمه قرار گیرد و در صورت به اثبات نرسیدن جرم، رها گردد.

تمام اشخاص دستگیر شده و یا توقیف شده باید به وکیل مدافع و یا نماینده قانونی دیگر، دسترسی داشته و فرصت کافی برای تماس با نماینده قانونی خود داشته باشند. به فامیل شخص دستگیر شده باید فوراً از دستگیری وی معلومات داده شود. هیچکس نباید مجبور ساخته شود تا علیه خودش شهادت بدهد. در صورت ضرورت در وقت استنطاق ترجمان استخدام شود.

رفیق محکمه - Amicus Curiae

(به زبان لاتین) به شخص یا گروهی میگویند که حق اقدامات حقوقی را منحیث یک طرف دعوی ندارند اما توسط محکمه اجازه دارند تا استدلال حقوقی یا معلومات واقعی را در رابطه به یک مسئله تعیین شده ارائه نماید تا محکمه را در فهمیدن یک مسئله بفرنج یا مسئله جدید کمک نماید. این اشخاص یا گروه توسط محکمه احضار میگردند و معمولاً از طریق درج یک آگاهی مختصر حقوقی موقعیت خویشرا تعیین میکنند. در قضایای بین المللی، "رفیق محکمه" اجازه دارد تا برای اشتراک در یک محاکمه یا مرحله استیناف درخواست نماید اما فقط با داشتن اجازه قبلی محکمه.

رعایت / مطابقت - Compliance

یعنی مطابقت رفتار یک دولت با معیار های رفتاری که در یک اصل قانونی به وجود آمده باشد. به دولتی که رفتارهایش مطابق این معیارها نباشد، متخلف از تعهدات هنجاری گفته می شود.

رویه بالمثل - Retorsion

در قانون بین المللی این اصطلاح به اعمال غیرقانونی که یک کشور به عنوان عکس العمل در مقابل اعمال غیرقانونی کشور دیگر اتخاذ می کند، استعمال می شود. کشوری که مورد تعدی کشور دیگر قرار می گیرد با کشور دوم رویه بالمثل می کند بطور مثال وقتی یک کشور دیپلومات های کشور دیگر را اخراج کند کشور دوم نیز دیپلومات های کشور اولی را به عنوان انتقام از خاکش اخراج می کند. عملی که یک دولت در مقابل عمل دولت دیگری انجام میدهد و عمل اخیر کاملاً مشابه رفتاری است که از دولت اولی سر زده بوده است.

رفتار/ مجازات بی رحمانه - Cruel Treatment/punishment

عبارت است از رساندن درد، رنج، زخم و اندوه توسط دولت بدون از احساسات انسانی که معمولاً در اصول پیمانهای حقوق بشر همراه با اعمال ضد انسانی و مجازات توهین آمیز دیده می شود. موارد ذیل همه مرحله هایی از مجازات شدید می باشند:

1. رفتار بی رحمانه: اگر رفتار بی رحمانه به منظور مجازات شخص به خاطر جرم سابقه اش، انجام می شود، در اینصورت این عمل به رفتار بی رحمانه صدق می کند.
 2. مجازات بی رحمانه: اگر عمل بی رحمانه به منظور مجازات شخص به خاطر جرم سابقه اش انجام داده شده است اینجا نیز مجازات بی رحمانه صدق می کند.
- مجازات و رفتار بی رحمانه هر دو با عظمت فطری شخص ناسازگار بوده و نقض حقوق بشر به حساب می آیند. (برای معلومات بیشتر به ماده هفتم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مراجعه شود).

روند حقیقت یابی/در مسافرت ها و ماموریت ها Fact Finding Process/Mission/Trip

1. روند: عبارت است از هرگونه فعالیت به منظور یابیدن حقایقی که به مساله یا حالت مورد نزاع مربوط می شود.
 2. ماموریت/سفر: عبارت است از میکانیزم بازرسی حقوق بشر برای حقیقت یابی که این میکانیزم، افراد یا گروه از افراد را موظف می کند تا با رفتن به کشور های دیگر در مورد مسایل و حالات مربوط به حقوق بشر تفتیش لازم را به عمل آورده، معلومات اصلی را به دست آورند و از معلوماتی که در حقیقت یابی مورد استفاده قرار می گیرد پرده برداری نمایند.
- این تیم تفتیشی، گزارش های شان را در مورد حقیقت یابی به جایی تسلیم می کنند که این تیم از آنجا برای تفتیش موظف شده است.
- این تیم تفتیشی از طریق مصاحبه با افراد متأثر و قربانی تخطی، شاهدان، مقامات دولتی یا غیر دولتی مثل سازمان های غیر دولتی، رهبران اتحادیه ها، مقامات کلیسا و مساجد که همه این ها می توانند در باره مسایل عمومی حقوق بشر اطلاعات حقیقی را فراهم کنند، اطلاعات لازم را جمع آوری می کنند. این تفتیش معمولاً وقتی صورت می گیرد که واقعه ای مثل قتل عام و ناپدید شدن افراد در جایی رخ می دهد که در این صورت این تیم برای جمع آوری مدارک و یافتن حقایق به این مناطق سفر می کنند. معمولاً این تفتیش در دفتر های دولتی، محل قبرهای دسته جمعی، زندان ها، مقر پولیس و پایگاه های نظامی انجام داده می شود. گزارش های موضوعی، وضعیت عمومی یک کشور یا حقایق مربوط به یک قضیه مورد نزاع که براساس شکایت رسمی مطرح شده باشد همه مو ضوعات حقیقت یابی را تشکیل می دهند.

رهنمودها – Guidelines

یک مجموعه نوشته شده از ملاحظات، معیارها و اقدامات پذیرفته شده بین المللی است که دولت باید آنرا رعایت و به آن عمل نماید و در وضع قوانین و سایر اجراءات ملی آنرا تطبیق نماید چنانکه بالای یک گروه مخصوص از مقامات دولتی در یک جامعه، مثلا پولیس تطبیق میگردد. این رهنمودها که توسط ملل متحد تهیه گردیده است، نورمهای حقوقی در یک سند حقوقی نمیشد اما هر گاه این نورمها توسط یک دولت از طریق آموزش و تدریس قبول شود و عملاً اجراء گردد، اینها گروه فاعل را بر آن خواهد داشت تا بطوری عمل کنند تا حقوق بشری اعضای جامعه محافظت و احترام گردد. مثلاً یک مجموعه از رهنمودهای ملل متحد برای خرنوالان وجود دارد که در سال 1990 اتخاذ گردید که هدف آن محفوظ داشتن و ارتقاع موثریت، بیطرفی و انصافمندی خرنوالان در پیگردهای جزایی میباشد. دولتها میتوانند که تطبیق این رهنمودها را نظر به سیستم های داخلی خود قبول یا رد کنند. هدف این رهنمودها اینست تا مقامات ملی دولتها را کمک کند تا از تخطی های حقوق بشری اجتناب ورزند.

روند هلسینکی - Helsinki Process

این اصطلاح به طور غیر رسمی برای توصیف فعالیت های سازمان امنیت و همکاری اروپا یا کنفرانس همکاری و امنیت اروپا در کشور های عضو در زمینه حقوق بشر، استعمال می شود. این فعالیت ها در لایحه وظایف سند نهایی توافق هلسینکی ذکر و در سند میکانیزم بعدی این توافق تطبیق شده است.

رفتار انسانی (با افراد در برخوردهای مسلحانه)

Human Treatment (of persons in armed conflict (Vs. Immune Treatment))

این اصطلاح بیشتر در قانون بشری برای بیان رفتار های انسانی دیده می شود. این اصطلاح می خواهد به افرادی که در اختیار کسی دیگر قرار دارد از آب، نان، حفاظت و امنیت، لباس و مراقبت های طبی محروم نمانند و مورد هیچگونه بی احترامی جسمی و روحی یا رفتار بد دیگر واقع نشوند. رفتاری که به عظمت فطری انسان ها احترام گذارد و با حداقل معیار رفتار انسانی در منازعات مسلحانه مطابقت داشته باشد.

رفتار غیر انسانی - Inhumane Treatment

شبهه به رفتار غیر انسانی در برخوردهای مسلحانه است یعنی اعمال خشن، وحشیانه و بی رحمانه با افراد گروه مخالف در برخوردهای مسلحانه از جانب کسانی که کمترین معیار های انسانی را در برخورد های مسلحانه مراعات نمی کنند. نبود رحم بر مجروحین ورنج دیده گان، رفتار غیر انسانی به حساب می آید.

رفتار یا مجازات غیر انسانی

Inhumane Treatment/Punishment

یعنی مجازات و رفتار دولت با فرد محاکمه شده طوری باشد که نشان دهد آن فرد به طبقه پایین انسانیت تعلق دارد و این گونه رفتارها به طور آگاهانه به طرف، آسیب های شدید ذهنی و جسمی برساند. این نوع رفتار اگرچه پایین تر از درجه شکنجه است اما طبق قانون بین المللی مثل شکنجه عمل غیر قانونی و ممنوع می باشد. اعمالی که درجه بربریت و خشونت را بیان می کند و بابرگی و عظمت فطری انسان ها در تضاد است قرار ذیل می باشد: (توجه: مجازات غیر انسانی را با مجازات انسانی خلط نکنید)

1. "رفتار غیر انسانی": این اصطلاح وقتی صدق می کند که رفتار غیر انسانی بایک فرد به خاطر جرم و تخطی سابقه اش نباشد.

2. "مجازات غیر انسانی": وقتی رفتار غیر انسانی بایک فرد به خاطر جرم و تخطی های سابقه وی باشد این جا "مجازات غیر انسانی" استعمال می شود.
در هر دو صورت، هر یک از مجازات و رفتار غیر انسانی با عظمت فطری انسان ناسازگار و نقض حقوق بشر به حساب می آید. برای معلومات بیشتر ماده هفتم "پیمان حقوق سیاسی و مدنی" را مطالعه شود.

رفتار ملی- National Treatment

ستاندارد رفتار ملی یعنی نظام عدلی یک کشور مکلف است با اتباع بیگانه یا خارجی که در قلمرو کشور زنده گی می کنند طوری رفتار کند آنچنانکه با اتباع کشور خودش رفتار می نماید. معیار رفتار با اتباع بیگانه کمتر از معیار رفتاری نباشد که اتباع این کشور از آن بهره مند می شوند. معیار رفتاری از معیار های کلاسیک دیگر و معیار های حداقل بین المللی کمتر نیست.

رفتار متفاوت- Differential treatment

عبارت است از رفتار حکومت با افراد یا گروه از مردم که این رفتار با رفتار حکومت با افراد و گروه دیگر کاملاً فرق دارد و حکومت این رفتار تبعیض آمیز را بر مبنای خصوصیات و ویژگی های این گروه انجام می دهد. مثلاً بر اساس نژاد، مذهب و رنگ که همه مثال های از این ویژه گی ها می باشند.

رژیم استبدادی- Authoritarian Regime

نوع از رژیم سیاسی بوده که بر عکس دموکراسی میباشد و این نوع رژیم نیاز به حمایت و موافقت جامعه، رهبران دولت ندارد.

انتخابات و مباحثه ها غرض نشاندهی قانونیت و دموکراسی استفاده میشود و حالانکه در اصل نظارت کامل بدست حکومت داران میباشد. حکومت داران قدرت طلب حکومت خود را بر اساس اصول های که خصوصیت مذهبی و یا ملت گرایی دارند تشکیل می دهد، حکمرانی آنها اساساً نه به محدودیتهای قانون اساسی بلکه به مجبوریت تکیه میکنند. چهار عامل اساسی که باعث تضعیف حکومت استبدادی میگردد و امکان رهائی از آن را فراهم میآورند عبارت اند:

1. حکومت استبدادی موقتی بودن وضعیت را که باعث بوجود آمدن آن گردیده است در ک میکند و بنابر این در صورت عدم ضرورت به همچون نظام، این نظام از هم میپاشد،
2. حکومت مشروعیت خود را از دست میدهد چون حکومت بدون مشروعیت، حمایت و توافق جامعه نمی تواند وجود داشته باشد، ناگزیر بر هم میخورد،
3. حل و فصل نزاع های داخلی دسته حکمران مخصوصاً در داخل بلاک نظامی امکان پذیر میگردد و بعضی از بلاک حکمرانها تصمیم میگیرند تا برای بدست آوردن حمایت خارجی تلاش کنند. بنابر این بلاک حکمران چون گروه مستقل از بین میرود،
4. فشار از جانب قدرت های بزرگ که خواهان دموکراسی در کشور میباشند زمامداران استبدادی را به سازش کاری وادار میکنند.

زندانی عقیدتی- Prisoner of Conscience

کسی که به خاطر عقیده، اصالت نژادی، جنس اش، زندانی، بازداشت یا در محدودیت فیزیکی باشد این تعریف، در قانون مدون سازمان عفو بین الملل نیز دیده می شود. تعریف عفو، صلاحیت کسی را که دست به خشونت نزده است و از آن حمایت نکرده است، شامل می شود.

زندانی یا اسیر جنگی- Prisoner of war

عضو گروه مسلح مخالف که از طریق اسیر شدن، تسلیم شدن، زخمی شدن یا بیهوش شدن به دست دشمن اش افتاده باشد طبق کنوانسیون 1994 ژینو و پروتوکول 1 سال 1997، اسیران جنگی دارای حفاظت حقوقی و مستحق برخورد و رویه انسانی می باشند و به خاطر این موقعیت از بسیاری حقوق دیگر نیز بهره مند می باشند.

سند نهایی هلسینکی - Helsinki Final Act (of 1975)

سند سیاسی غیر لازم الاجرا که در سال 1975 در شهر هلسینکی در کانفرانس همکاری و امنیت اروپا که فعلاً به سازمان امنیت و همکاری اروپا یاد می شود، انتخاب شد. سازمان امنیت و همکاری اروپا سازمان سیاسی است که بعد از جنگ جهانی دوم تاسیس شد و کشورهای چون ایالت متحده، کانادا و تعداد زیادی از کشورهای اروپایی تا حال در آن عضویت دارند. این توافق که شامل 10 اصل راهنما است اول توسط 33 عضو اصلی این سازمان انتخاب شد. ماده VII به طور واضح حقوق بشر و همین طور چهار فصل را در زمینه های مختلف راجع به همکاری با حقوق بشر، مشخص می کند. مخصوصاً فصل دوم و سوم که به صراحت از کشورهای تصویب کننده می خواهد تا طبق قانون بین الملل به تعهدات شان در قبال حقوق بشر پایبند باشند و مسوولیت های شان را در این راستا انجام دهند. این توافق با آنکه لازم الاجرائیست، بسیار موثر و پرمعنی ثابت شده است و میکانیزم تعقیبی همین توافق بود که راه را برای تاسیس " میکانیزم بعد انسانی" سازمان امنیت و همکاری اروپا هموار کرد.

سوء استفاده از حق دادخواهی و نظر

Abuse of Right of Petition/Submission

ماده (شرط) ای در یک پیمان است که به مثابه اساس رد و عدم قبولیت شکایت میباشد. در یک اجتماع قضایی یا شبیه اجتماع قضایی، در ارائه شکایت، نویسنده شکایتنامه، نه بخاطر دفاع از موضوعات خوب پیمان هنجار های حقوق بشر بلکه توسط دلایل و بخاطر هدفمندی مورد تحریک قرار میگرفت. مثلاً: بخاطر استعمال کفر گویی یا فقط بخاطر دلایل سیاسی، این هر دو پیشوندی به معنی بالا در سوء استفاده از حق میباشد. این شامل مراحل مختلف قانونی میباشد (مثلاً: درج یک شکایتنامه) نه بخاطر تعقیب ادعای تخطی های حقوق بشر از طریق طی مراحل شکایتنامه بلکه بخاطر ضرر رساندن به یک شخص یا یک دولت. همچنان رجوع شود به: ماده 27 کنوانسیون حقوق بشر اروپایی و ماده 3 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی.

سند - Document

عبارت است از ورقه اصلی که در مسایل اداری، سیاسی، یا قضایی به عنوان اساس، مدرک و موید برای چیزی یا نزاع و مخاصمه ای از آن استفاده و بر آن اعتماد می شود. گاه گاهی به پیمان ها و پیمان های بین المللی حقوق بشر در معانی و موارد خاص نیز سند گفته می شود. این اصطلاح معادل و مترادف کلمه سند Instrument است و به جای این کلمه به طور متبادل استعمال می شود. برای مثال به اعلامیه جهانی حقوق بشر سند و مدرک گفته می شود.

سرکوبی - Repression

1. معنای اول این اصطلاح عبارت است از سرکوب کردن اعمال غیرقانونی که توسط عاملین یک کشور، برای جلوگیری از وقوع بیشتر آن عمل صورت می گیرد. شکنجه کردن افراد ملکی در دوران برخورد های مسلحانه یکی از مثال های این اعمال غیرقانونی به حساب می آید. قانون بشر دوستانه از کشورها می خواهد تا نا قضین حقوق بشر را سرکوب کنند.
2. بطور عموم این اصطلاح اکثراً راجع میگردد به وضعیت، عمل و روند حاکمیت دولت دیکتاتور که با استفاده از نیرو هرگونه مخالفت را سرکوب نموده یا هرگونه فعالیت های عادی یا بیانات مردم را، معمولاً به یک طریقی که با موازین احترام به حقوق بشر و آزادی بنیادی سازگار نمیباشد، محدود مینماید.

سند بخشی (حقوق بشر) Sectional(Human Rights) Instrument-

بیانیه یا معاهده حقوق بشر که موضوعات خاص حقوق بشر از قبیل شکنجه، تعلیم و تربیه و غیره یا گروه خاص مردم از قبیل زنان، اطفال، پناهندگان و غیره را دربر می گیرد. هدف این سند، محافظت بیشتر از حقوق یا افراد مخصوص است. تفاوت سند بخشی حقوق بشر با سند عمومی حقوق بشر این است که دایره سند عمومی وسیع است. حقوق و افراد بیشتر را شامل می شود در حالیکه دایره سند بخشی حقوق بشر محدود است و تنها حقوق و افراد خاص را شامل می شود. بطور مثال حقوق سیاسی و مدنی در سند عمومی حقوق بشر و حقوق سیاسی زنان در سند بخشی حقوق بشر گنجانده شده است.

سوء استفاده از حق - Abuse of Right

یک اصل یا شرط در یک پیمان را تعریف میکند که یک دولت یا دیگر اشخاص یا گروه از این پیمان تخلف خواهند کرد. چنانچه استعمال حقوق بخاطر انجام تعهدات تحت این پیمان باشد. یک چنین حالتی که به حق دیگران تجاوز و یا ضرر رسانده شود به قسمیکه دیگران را از استعمال حق مشروع شان یا از رعایت حقوق بشر در تحت این پیمان باز داشته شوند.

سوء نیت - Actus Reus

رفتاری که بخاطر آن یک شخص از نظر قانون جزاء مسئول و مشمول جزاء واقع گردد. این ممکن است شامل عمل یا عدم موفقیت در عمل (به سبب غفلت) و یا ترکیب هر دو باشد. یکی از دو بخش لازمی جرم: عملی جرمی (actus reus) و ترصد داشتن عمل جرمی (mens rea) میباشد. در اکثر جنایات، باید ثابت گردد که مدعی علیه ترصد قبلی برای ارتکاب عمل جرمی (مثلاً سرقت اموال) داشته است.

سبب انتلاف - Casus Foederis

عمل و واقعه بین المللی، رویدادی که اجرای پیمان دفاعی دوجانبه یا دسته جمعی را ضروری می سازد چنانچه حزب یا نیروی سوم، یکی از هم پیمانها را مورد حمله قرار دهد مثلاً حمله بالای یکی از اعضای پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو).

سازمان اجتماعی - Community Based organization

سازمان کاملاً مردمی که از درون یک اجتماع به اساس قانون و اصول کاری خود به وجود آمده باشد برای معامله با مسایلی مختص به همان اجتماع از قبیل انکشاف و محیط زیست.

سازگار/سازگاری - Compatible/Compatibility

یعنی یک چیز در موقعیتی باشد که صلاحیت وابستگی، هماهنگی و هم آوایی با چیز دیگر را داشته باشد. این کلمه در روش دادخواهی حقوق بشر به معنای مطابقت داشتن عریضه با شرایط و خواسته های اصول و روش پیمان، استعمال می شود. اگر عریضه با آن شرایط و خواسته ها مطابق باشد، قابل قبول بوده و مورد بررسی قرار می گیرد. چیزهایی که به عنوان شرایط در نظر گرفته می شوند عبارت اند از: شخص عارض، زمان وقوع روی داد، مکان وقوع روی داد و اعتبار دعوی نقض پیمان و پیمان. اگر عریضه یا دادخواهی همه شرایط را دارا باشند، پس این عریضه با معاهده بسته شده سازگار بوده و از جانب محکمه، برای ارزشیابی عریضه، مورد ارزیابی قرار می گیرد. تصمیم گیری درباره سازگار بودن و قابل قبول بودن عریضه در مرحله اول و ورودی توسط کمیسیون یا محکمه صورت می گیرد.

سیستم حقوقی دوگانه – Dualist Legal System

یک فلسفه ای است که قانون بین المللی را در منازعات بین المللی بالای قوانین ملی ارجحیت می دهد و قوانین ملی رادر منازعات داخلی بالای قوانین بین المللی ارجحیت دارد. این قانونی را میسازد که در دو سیستم جداگانه وجود دارد. قانون داخلی و بین المللی.

سازمان غیر حکومتی تعیین شده از سوی حکومت

Government Appointed Nongovernmental Organization (GANGO)

بیشتر به NGO توظیف شده دولتی یا GANGO معروف میباشد. یک سازمانی که منحیث یک سازمان غیر دولتی عمل میکند اما در حقیقت توسط یک حکومت اداره و رهبری میشود، معمولاً در ظاهر منحیث یک وسیله خصوصی ارتباطات عامه بخاطر واکنش نشان دادن/مبارزه کردن با انتقادات دولت بخاطر تخطی های حقوق بشر میباشد. اعضای آن توسط حکومت انتخاب میگردند.

سلاح های آتش زا- Incendiary Weapons (LOAC)

سلاح های نظامی ساخته شده از موادی که با ایجاد شعله های آتش، حرارت و گرما اشیا را تخریب می کند. به طور مثال: بمب ناپالم و بعضی از سلاح های شیمیایی که به هر چه اصابت کند آن را طعمه حریق می سازد.

سازمان های بین الحکومتی

Intergovernmental Organizations(IGO)

سازمان هایی که قلمرو عضویت شان جهانی یا منطوقی بوده و کشور های عضو این سازمان ها دارای مسایل و نیازهای مشترک باشند. برای مثال شورای اروپا یک سازمان بین الدولی منطوقی است و سازمان ملل متحد سازمان بین الدولی جهانی است و هر دو، سازمان بین الدولی بین المللی استند.

سازمان غیرحکومتی بین المللی

International Nongovernmental Organization(INGO)

سازمان غیردولتی که حدود و فعالیت های شان در سطح بین المللی باشد. دارای دفاتر در کشورهای مختلف و بامسایل مختلف بین المللی سروکار داشته باشد.

سند- Instrument

عبارت است از دیدگاه ها و رهکارهای رسمی نوشتاری دولت یا دولت ها که در سندی چون پیمان بیان می شود که در آن یک کشور توجه و نیتش را در باره حقوق بشر ابراز می کند. بعضی از این سندها حقوقی آن عده از اصول حقوق بشر را بیان می کند که بالای کشورهای تصویب کننده لازم الاجرا است. رایج ترین سندهای حقوق بشر پیمان ها و پیمان هایی اند که اصول ماهوی حقوق بشر و میکانیزم اجرایی حقوق بشر را بیان می کنند. به پیمان های چون "میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی" و "پیمان اروپایی حقوق بشر" سند گفته می شود و بسیاری از سازمان ها می توانند از این پیمان ها به طور لایحه و وظایف استفاده کنند. انواع و اقسام این سند ها قرار ذیل می باشد:

1. سند جهانی: این سند شامل تمام کشورهای جهان می شود مثل قرارداد ژینو که سند جهانی است.
2. سند منطوقی: این سند تنها کشورهای خاصی را که در منطقه مخصوص واقع باشد یا در سازمان سیاسی مخصوص عضویت داشته باشد شامل می شود.
3. سند ملی: تنها شامل یک کشور می شود.
4. سند فرعی: موضوعات و موارد فرعی را شامل می شود مثل پیمان درباره مهاجرین.
5. سند قانونی: سندی که از نظر قانونی لازم الاجرا باشد.
6. سند غیر قانونی: سندی که از نظر قانونی لازم الاجرا نباشد.
7. سند سیاسی: سندی که از نظر قانونی لازم الاجرا نیست اما از نظر سیاسی اجباری است.
8. سند بخشی: سندی که حقوق بشر مخصوص یا گروه خاصی از مردم را شامل می شود.
9. سند برشی: شامل حقوق بشر در پیمان مخصوص می شود که این حق بشر از پیمان عمومی دیگر درباره حقوق بشر گرفته شده است. این سند باعث تقویت حق و میکانیزم اجرایی آن می شود تا حق بشر بهتر تعریف و به آن احترام شود.

سیستم قیمومت – Mandate System

یک سیستم سیاسی که نظر به ماده 22 میثاق 1920 اتحاد ملتها بوجود آمد و قابل تطبیق در دولتهای مستعمره که در جنگ جهانی اول از بین رفتند بود. این سیستم قدرتهای معین مختلف را، مثل فرانسه و کشور متحد پادشاهی (بریتانیا)، منحصراً قدرتهای دارا قیمومت بوجود آورد تا بالای مستعمره های مشخص تا اندازه ای سازگار با رفاه و انکشاف مردم حکمرانی کنند. سیستم قیمومت با از بین رفتن اتحاد ملتها خاتمه پیدا کرد و تا یک اندازه در سیستم قیمومت ملل متحد بطور توالی قرار گرفت.

این سیستم منحصراً یک پیشینه ای تاریخی برای سیستمهای مدرن حقوق بشری در نظر گرفته میشود. طوریکه یک معیار بین المللی را تعیین میکند که یک دولت چگونه ممکن است با مردم تحت کنترل خویش رفتار نموده و یک میکانیزم بین المللی و یک طرز العمل گزارشدهی را بنا نهد تا معلوم کند که قیم چگونه وظایف خویش را انجام میدادند.

سیستم پیمانهای اقلیت ها – Minorities Treaties System

یک مجموعه از پیمانهای که توسط اتحاد ملتها بعد از جنگ جهانی اول به میان آمد. این پیمانها بین اتحاد ملتها و کشورهای جدیداً عضویت میگرفتند بود، میباید مثل پولند، هنگری، یوگوسلاویا و هدف آن محافظت گروه های اقلیت نژادی، زبانی یا مذهبی در داخل کشور های جدید بود. اولین آن با پولند در سال 1919 بود و منحصراً یک نمونه برای دیگران گردید. در تحت آن پیمان، کشور جدید، متعهد میشد تا از تبعیض در مقابل یک تعداد اقلیتهای مورد حمایت قرار گرفته، خودداری نماید و حقوق ویژه ای را برای اقلیتهای عده می سپارد تا تمامیت آنها را محافظت نماید به شمول حق استفاده رسمی از زبان گفتاری، داشتن مکاتب و اجرای مناسک دینی خودشان.

سبک پذیرش صلاحیت قضایی - Opt-out

در ارتباط با قانون مدونی که صلاحیت های قانونی محکمه را تصویب می کند، این اصطلاح سبک پذیرش موضوع اصلی صلاحیت های قضایی را در هنگام تصویب قانون مدون بیان می کند. بعد از تصویب قانون مدون، تمام موضوعات صلاحیت های قضایی که در قانون مدون بیان شده است، بالای کشور تصویب کننده لازم الاجرا می گردد. منع اسلحه های خاص جرم اعلان کردن اعمال خاص را می توان به عنوان نمونه از این موضوعات اختیاری ذکر کرد اما کشوری تصویب کننده اموری را که نمی پذیرد باید در فهرست جداگانه بیان نموده و آن را به محکمه تقدیم کند. بعد از اعلان این بیانه موضوعات اختیاری که در بیانه ذکر شده است بالای کشور تصویب کننده لازم الاجرا نیست اما موضوعات اختیاری که در فهرست گنجانده نشده است لازم الاجرا است.

این سیستم پذیرش در بسیاری از پیمانها دیده می شود و به کشورهای اجازه می دهد تا در تصویب شان انتخاب های لازم را انجام دهند و خوشبختانه این نوع پذیرش باعث می شود تا تعداد کشورهای تصویب کننده بیشتر گردد.

تفاوت این سبک پذیرش با دیگر سبک های پذیرش چون "طبیعی" در این است که در سبک های دیگر هنگام تصویب پیمان، تمام موضوعاتی که در پیمان بیان شده است بالای کشور تصویب کننده لازم الاجرا می شود و کشور نمی تواند موضوعاتی که نمی پذیرد استثنا کند.

شرط لازم- Sine Qua Non

واقعیت، شرط یا عنصری که وجودش برای وجود یا واقع شدن چیز دیگر صد در صد ضروری باشد. شرط لازم به چیزی گفته می شود که بدون وجودش وجود چیز دیگر ناممکن باشد. مثلا: تنفس شرط لازم برای زندگی انسان است زیرا بدون تنفس زندگی ممکن نیست و همین طور انتخابات شرط لازم دیموکراسی است یعنی دموکراسی بدون انتخابات خارج از امکان است.

این اصطلاح در معاهده های بین المللی به شرط ابتدایی یا پیش شرطی که مورد قبول همه شرکاء واقع می شود نیز استعمال می شود.

شکایت گم نام - Anonymous Complaint

به معنی بدون اسم، از یک مرجع نامعلوم و بی نام یا اینکه نام مولف آن مخفی نگهداشته میشود. یک شکایت یا دیگر تماسهای تحریری (عرایض/درخواستنامه) بدون نام به یک مجتمع قضات یا مجتمع شبیه قضات توسط یک فرد یا گروه که نام مولف آن ذکر نشده است، ارائه گردد شکایت بی نام میباشد. در بسیاری از سیستم های حقوق بشر مثلا: ICCPR, ECHR شکایاتی که بی نام میباشد در کل قابل قبول نمیشوند و مورد ملاحظه قرار نمیگیرند. بعضی سیستم ها ممکن است در شرایط خاص، بی نام بودن یا گمنام بودن را اجازه بدهند در صورتیکه افشاء نام زندگی شخص شاکی را به خطر مواجه سازد.

شرط نگهدارنده - Saving Clause

در معاهده حقوق بشر، این اصطلاح به ماده ای گفته می شود که به کشورها اجازه نمی دهد تا معاهده را طوری تفسیر کنند که باعث تقیید یا تحدید حمایت شان از حقوق بشر شود. یعنی این ماده، هر نوع تفسیر را که به ایجاد محدودیت یا تعلیق برای حمایت از حقوق بشر موجود، منجر شود، منع می کند و به هیچ کشوری اجازه نمی دهد تا تعهدش را درباره حفاظت از حقوق بشر کاهش دهد. هدف از این ماده ها یا بندها این است که کشورها تا آخرین حد امکان، به تعهد حقوقی شان به حمایت از حقوق بشر پایبند باشند و با تفسیر خودسرانه شان، از معاهده ها به طور عذر، برای احترام نکردن به سایر حقوق بشر سوء استفاده نکنند.

شهروندان - Citizens

جایگاه قانونی که در آن، افراد به عنوان عضو جامعه کشور، هم دارای حق و هم دارای مسوولیت می باشند و این مقام یا از طریق تولد در همان کشور به دست می آید و یا از طریق طبیعت گرفتن که عبارت است از روند اداری درخواست از حکومت برای اعطای تابعیت.

شبه قضایی-Quasi-Judicial

ارگان، هیات یا محکمه ای که شکایت ها را بررسی می کند. اما برخلاف محکمه رسمی، درباره قضیه ها و شکایات، قضاوت نهایی را صادر نمی کند. دستگاه شبه قضایی کارهای جمع آوری شواهد، بررسی قابل ملاحظه بودن شکایت

وارزشیابی قضیه را به عهده دارد یعنی شکایت ارایه شده از شرایط لازم برای قابل ملاحظه بودن برخوردار است یا نه؟ نقض حقوق بشر که از جانب شاکی ادعا می شود حقیقت دارد یا نه؟ اما فیصله نهایی را درباره قضیه مورد نزاع، دستگاه قضایی صادر می کند نه شبه قضایی. برای مثال کمیسیون سابق حقوق بشر اروپا می توان از دستگاه های شبه قضایی برشمرد.

شورای امنیت (ملل متحد) - Security Council (UN)

ارگان عمده سازمان ملل که وظیفه برقراری صلح و امنیت جهانی را به عهده دارد این شورا از پنج عضو دائمی (ایالت متحده، بریتانیا، فرانسه، روس و چین) و 10 عضو دورانی تشکیل شده است. شورای امنیت صلاحیت معامله با اعمال ظالمانه و مسایلی که صلح جهانی را بر هم زده و یا تهدید می کند دارد. معمولاً شورای امنیت با مسایلی که نقض حقوق بشر را شامل می شود سروکار دارد.

شرط اشتراک عمومی - *Si Omnes Clause*

این اصطلاح لاتینی هم معنای اصطلاح *General Participation Clause* و عبارت است از شرط یا قیدی که در معاهده های کلاسیک قانون بین المللی موجود می باشد. طبق این شرط معاهده تنها در مسایلی تعهد آور است که همه کشورها یا کشورهای تصویب کننده در آن شامل باشند. این شرط یا قید رابطه حقوقی دوجانبه و متقابل بین کشورهای تصویب کننده به وجود می آورد و بیشتر در مسایل برخورد مسلحانه تطبیق می شود.

شفافیت/شفاف - *Transparency/Transparent*

شفافیت عبارت است از آمادگی و رضایت حکومت برای هرگونه نظارت، بررسی و تحقیق درباره فعالیت هایش یعنی حکومت شفاف تمام فعالیت هایش را در معرض تحقیق و بررسی داخلی و بین المللی قرار می دهد و بدین طریق صداقت، مسوولیت و درستکاری اش را به مردم نشان می دهد و در آن ها احساس اعتماد را به وجود می آورد. برای حل مشکلات عمومی خصوصاً مشکلات عمده و حساس که منافع مردم را متاثر می سازد و برای رفع شک و بد گمانی مردم، شفافیت کاملاً ضروری است و معمولاً باعث جلب اعتماد مردم و تقویت نظام می شود.

شکایت - *Complaint*

یعنی سند نوشتاری رسمی که توسط آن یک فرد یا یک گروه (برای مثال سازمان غیر دولتی) از کدام ارگان بین المللی (برای مثال حقوق بشر) یا محکمه یا از کشور متخلف می خواهد تا در باره پیمان یا تعهد قانونی نقض شده توسط آن کشور متخلف، توجه نمایند.

الفاظ چون دادخواهی، عریضه و شکایت همه به همین معنا استعمال می شوند و هر نظام حقوق بشر یکی از این اصطلاحات را به کار می برند.

شخصیت حقوقی بین المللی - *International Legal Personality*

معنای این اصطلاح حقوقی این است که یک نهاد به عنوان عضو جامعه ملل، دارای حقوق و تکالیف مشخص می باشد. شخصیت های حقوقی بین المللی را به طور عمده ملت ها تشکیل می دهند اما سازمان های بین المللی بین الدولی، گروه های متخاصم، سازمان های غیردولتی و حتی افراد غیردولتی نیز بعض جنبه های شخصیت حقوقی بین المللی را برای هدف های خاص دارا می باشند. و این امر، در عرصه حقوق بشر بین المللی به طور خاص و فزاینده مشاهده می شود.

شکایت یا دادخواهی بین الدولی - *Interstate Complaint*

شکایتی که از جانب کشور یا کشورهای عضو پیمان برخلاف کشور عضو دیگر در محکمه قضایی یا شبه قضایی برگزار می گردد در حالی که کشورهای شاکی و مدعی علیه هر کدام صلاحیت قضایی محکمه را قبول دارند در چنین شکایت یا دادخواهی، کشور یا کشورهای شاکی، کشور دیگر را به نقض تعهداتش به پیمان تصویب شده متهم می کنند و طبق پیمان حقوق بشر، کشور متهم را ناقض حقوق بشر می دانند و از محکمه می خواهند تا مساله را مطابق پیمان عقد شده حل و فصل کند.

شورشی/شورش - Insurgent/Insurgency

شورش یعنی طغیان بر علیه حکومت غیر نظامی، مقامات حکومتی. نظام سیاسی که با استفاده از زور پیاده شود. شورشی به کسی گفته می شود که چنین طغیان را راه اندازی یا چنین نظامی را به وجود آورد.

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد Economic and Social Council of the United Nations

یک ارگانی که در آن کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و کمیسیون های فرعی آن بخاطر حمایت از اقلیت ها وجود دارد و اکثر فعالیت های ملل متحد در عرصه حقوق بشر توسط همین کمیسیون ها انجام میابد.

شرط مارتین - Martens Clause

بند مارتین در اکثر پیمانهای بین المللی حقوق بشر وجود دارد که تحت کمیته بین المللی صلیب سرخ، اساساً قرارداد چهارم ژنیو سال 1949 و پروتوکول های در سال 1977 اتخاذ گردید. (رجوع کنید به قرارداد چهارم ژنیو، ماده 142، پروتوکول 1، ماده 1). این نوع بندها اصلاً در مقدمه کنوانسیون دوم هاگ سال 1899 وجود دارد. در ماهیت، این چنین صراحت دارد که "تا وقتی که مجموعه مکمل تحریری قوانین بشری صادر گردیده است، طرفهای بلند پایه پیمان کننده این را مصلحت آمیز میبندارند تا اعلام کنند که، در قضایی که شامل قواعد اتخاذ شده توسط آنها نیستند، ساکنان و متحاربین و قاعده اصول قانون ملتها، چنانکه از کاربردهای ساخته شده در میان مردمان متمدن، از قوانین بشریت و دیکته های وجدان عمومی منتج میشود، تحت حمایت قرار دارند. این بند بعضی اوقات راجع میشود به "de Martens Clause"، یک مصونیت قانونی خاص بطور هنجاری ساحاتی را احتوا میکند که توسط قانون قطعی کنوانسیون بشری احتوا نگردیده است. این دولتهای طرف/متحاربین را و میدارد تا یک راه حل برای مسائل ویژه نظر به اصول اساسی بشری که هیچ نورم پیمانی برای آن وجود ندارد پیدا کنند تا عواقب مضر برخورد مسلحانه مقابل جنگجویان و غیر نظامیان را تخفیف یا به حد اقل برساند.

شرط اختیاری - Optional Clause

شرط اختیاری در یک پیمان به چیزی گفته می شود که پذیرفتن و نپذیرفتن آن برای کشور تصویب کننده اختیاری است. مسایلی از قبیل استعمال اسلحه های خاص، جرایم مخصوص و حقوق اقتصادی مخصوص و همه قانون های اختیاری در این شرط بیان می شود. کشوری که می خواهد اینگونه شرط های اختیاری را بپذیرد باید پذیرش و رضایتش را در بیانیه جداگانه اظهار کند.

تفاوت شرط های اختیاری معاهده با پروتوکول های اختیاری این است که شرط های اختیاری اصول اختیاری را در خود همان معاهده بیان می کند و زمانی که کشورها معاهده را تصویب می کنند همزمان بند های اختیاری این معاهده را نیز می پذیرند یا انکار می کنند. اما پروتوکول های اختیاری، اصول اختیاری را در سند حقوقی دیگر به طور جداگانه بیان می کند. و کشورهای که این پروتوکول را می پذیرند باید آن را جداگانه تصویب کنند معمولاً کشورها پروتوکول را بعد از تصویب معاهده، تصویب می کنند.

شان و شرف انسان - Honor and Dignity

شأن، شرف و حیثیت انسان یکی از غایه های اساسی است که بر مبنای آن حفظ حقوق انسان پایه گذاری شده است. هیچ کس نباید از آن محروم گردد.

حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر بر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است. حقوق مذکور ناشی از حیثیت شخص انسان است. کمال مطلوب انسان آزاد و رهائی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می شود که شرایط استفاده برای هرکس از حقوق مدنی و سیاسی خود و هم چنین از حقوق اقتصادی — اجتماعی و فرهنگی او ایجاد شود.

شکنجه - Torture

هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او یا شخص سوم اعمال می شود، شکنجه نام دارد. همچنین مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می رود که انجام دهد، یا تهدید و تخویف نمودن وی یا شخص سوم و یا به هر علت دیگر بر اساس تبعیض از هر نوعی که باشد، وارد گردد. این نوع درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می شود. برای جلوگیری از شکنجه ضرور است تا:

- 1- اقدامات لازم و مآثر قانونی، اجرائی، قضائی و دیگر امکانات جهت ممانعت از اعمال شکنجه به عمل آید.
- 2- هیچ حالت استثنائی مانند جنگ و یا تهدید و جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی و یا هر گونه وضعیت اضطراری دیگر، مجوز و توجیه کننده اعمال شکنجه نمی باشد.
- 3- دستور و حکم مقامات مافوق (حکومتی) و یا مرجع دولتی، نمی تواند توجیه کننده عمل شکنجه باشد.

شکنجه انواع مختلفی دارد که یک تعداد آن ها عبارت است از:

- 1- استتطاق باشکنجه و عذاب.
- 2- استفاده از جریان برق.
- 3- لت و کوب.
- 4- معیوب ساختن، بریدن، کندن پوست یا جراحت.
- 5- آویختن.
- 6- از نقاط مرتفع پرتاب نمودن.
- 7- سوختن اعضای بدن.
- 8- استعمال ادویه مضره.
- 9- استعمال ادویه جهت زایل شدن عقل برای گرفتن اقرار.
- 10- تجاوز به ناموس.
- 11- در آب غرق کردن.
- 12- عذاب و شکنجه روحی.
- 13- امضاء اسناد به فشار و تهدید.
- 14- تحقیر و رفتار بی رحمانه.

صلاحیت مشورتی Advisory Jurisdiction

صلاحیت یا قدرت یک محکمه یا دیوان نظر به درخواست یک دولت یا یک سازمان بین الحکومتی جهت صدور یک نظریه مشورتی در مورد تفسیر یا تطبیق قواعد یک پیمان در زمانی که هیچ قضیه اتهامی وجود نداشته باشد. متباین با این اصطلاح صلاحیت متنازع فیه که یک موضوع اتهامی مربوط به ادعای تخلف از قواعد یک پیمان میباشد، است.

صدمه بیش از اندازه ضرورت - Superfluous Injury

در قانون بشر دوستانه این اصل به زخمی استعمال می شود که جنگجویان، بیش از اندازه ضرورت، به دشمنان شان برای از پا درآوردن آنان وارد می کنند، متحاربین، برای عاجز کردن دشمنان شان تاکتیک یا سلاحی را به کار می برند که آسیب و زخم بیش از درجه ضرورت، به آن ها وارد می کند، زخم های فرا تر و زیاد تر از زخم های ضروری برای حاصل کردن مقاصد نظامی.

طبق این اصل قانون بشر دوستانه، کارگرفتن از تاکتیک ها یا اسلحه هایی که به نیروی انسانی حریف چنین زخم را وارد کند، غیرقانونی است. بمباران منطقه ای یا استفاده از گازهای خفه کننده را می توان از جمله این تاکتیک های غیرقانونی شمرد. در قانون بشر دوستانه، این اصل به طور مسلم این نکته را بیان می کند که رساندن رنج های ضروری به انسان ها باید تا آخرین درجه ممکن کاهش داده شود.

صلاحیت قضایی خودکار (اتوماتیک) - Automatic Jurisdiction

این اصطلاح در زمینه محکمه جزایی بین المللی استفاده میشود که در جولای 1998 تاسیس گردید تا به موضوع اصلی صلاحیت قضایی رجوع شود (مثلا اینکه کدام نوع جرایم بین المللی توسط محکمه باید رسیدگی شود) که بعد از تصدیق اساسنامه و امضاء محکمه توسط کشور عضو بطور اتومات به محکمه داده میشود. محکمه صلاحیت اتوماتیک بالای جرایم مثل جنایات نسل کسی (ژنوسید)، جنایات جنگی و جنایات بر علیه بشریت را دارد. همچنان صلاحیت بالای جنایت مثل تجاوز را دارد در صورتیکه تعریف کامل از جنایت تجاوز وجود داشته باشد.

صلاحیت قضاوت داخلی - Domestic Jurisdiction

عبارت است از اختیار حقوقی یک کشور بر تمام افراد واموری که در قلمرو ارضی این کشور قرار دارند و هیچ کشور دیگر یا جامعه جهانی حق قانونی برای مداخله در این امور و در باره این افراد را ندارند. در قانون بین الملل، نقض حقوق بشر، خارج از اختیارات قانونی داخلی یک کشور می باشد و هیچ کشور حق تخطی از حقوق بشر را ندارد.

صحت عامه - Public Health

مساله ای که صحت عامه را متاثر می سازد از قبیل شیوع بیماری خاص. حفظ صحت عامه یکی از هدف هایی است که قیودات و تحدیدات را در معاهده های حقوق بشر قانونی می سازد. یعنی برای حفظ صحت عامه حق دارد برای بعض حقوق بشر محدودیت و قید ایجاد کند.

صلاحیت - Competence

1. اختیارات محکمه، کمیسیون و یا کمیته برای اداره وحل دعوا یا قضیه خاص که به آن ها سپرده شده باشد. این شبیه به "موضوع دعوی اختیارات قضایی" است که در کشور هایی که دارای قانون مشترک هستند، به وجود می آید.
2. صلاحیت در صلاحیت Competence-Competence:
این یک اصطلاحی قضایی است، یعنی اختیار فطری و ذاتی محکمه در تصمیم گیری در مورد صلاحیت و عدم صلاحیتش در قضیه خاص. این صلاحیت محکمه است تا بررسی کند که قضیه، در حوزه قضاوت و اختیارات محکمه است یا خارج از حوزه قضاوت و اختیارات محکمه؟ آیا محکمه می تواند در مورد قضیه خاص حکم کند یا نه؟

صلاحیت جهانی - Universal Jurisdiction

در قانونی جنایی بین المللی هر کشوری می تواند با استفاده از صلاحیت قانونی قانون داخلی اش کسانی را که مرتکب جرم بین المللی شده اند مورد پیگرد قانونی قرار دهند. جرایم بین المللی از قبیل نسل کشی، جنایت جنگی، شکنجه و غیره به

کشورها اجازه می دهد تا با استفاده از اختیارات قانونی جهانی شان عاملین این جرم را مورد تعقیب قانونی قرار دهند زیرا این جرایم، جرایمی اند که بر خلاف تمام انسانیت ارتکاب شده است.

ضرورت دموکراتیک - Democratic necessity

عبارت است از اصل قابل اجرا بر محدود ساختن و منحصر کردن حقوق بشر حقیقی. طبق این اصل برای مشروعیت و مجاز بودن هر نوع محدود سازی و انحصار سازی حقوق بشر این مشروعیت ها باید پاسخ گوی نیاز های جامعه دموکراتیک باشد و به گونه ای باید نیازمندی های جامعه را بر آورده سازد. این به این معنا است که تدابیر محدودیت سازی باید نیاز های عاجل جامعه را که از مدارک معتبر تایید شده اند بر آورده کنند. ایجاد هر نوع قیودات در حقوق بشر باید مناسب و مطابق مقاصد و نیازمندی های جامعه باشد. قیوداتی که با این اصل مطابقت نداشته باشد فاقد اعتبار است.

ضوابط رفتاری - Code of Conduct

مجموعه از قوانین نوشتاری تهیه شده توسط سازمانی مثل ملل متحد برای مقامات دولت های مختلف به منظور کمک کردن این دولت ها در مورد هماهنگ کردن اعمال شان با اصول جهانی حقوق بشر. برای مثال ضوابط اخلاقی ملل متحد برای مسوولین نیروی اجرای قانون (1979) به منظور انکشاف احترام به حقوق بشر، که برای مقامات مقامات مجری قانون، نقش کتاب راهنما را بازی می کند.

ضروری در جامعه دموکراتیک Necessary in Democratic Society

این اصطلاح در بعض پیمانهای حقوق بشر که ماده های شرطی یا تحدیدی را در بردارد دیده می شود. طبق این اصل برای معتبر بودن استثنا یا محدودیت، اولاً این استثنا یا محدودیت باید نیازمندی های جامعه دموکراتیک را بر آورده کند یعنی در شرایط خاص و برای رسیدن به هدف های مشروع و قانونی از قبیل صحت عامه، امنیت عامه، آسایش و نظم یک کشوری تواند بعض حقوق بشر را از قبیل آزادی بیان و غیره نادیده بگیرد و این حقوق را به طور موقت از افراد سلب کند اما در غیر این صورت محدود کردن دایره حقوق بشر برای کشور جنبه مشروعیت ندارد. برای معلومات بیشتر به ماده 9.2 پیمان حقوق بشر اروپا و ماده 15 IACHR را مراجعه شود. محدودیت ضروری به بیان دیگر به این معنا است که بقای جامعه دموکراتیک به این محدودیت ها بسته گی دارد و این محدودیت نیاز های فوری و عاجل این جامعه را بر آورده می سازد. در بعض پیمان ها لفظ "دموکراتیک"، ذکر نشده است و تنها اصطلاح "ضروری برای حفاظت" استعمال شده است.

ضرورت نظامی - Military Necessity

یک اصل کلی قانون برخورد های مسلحانه صراحت دارد که استفاده نیروی قانونی میباشد و مقدار نیروی بکار رفته تنها وقتی میتواند قابل توجیه باشد که لازم دانسته شود و یا بخاطر انجام یک هدف نظامی امرانه درخواست شود. ضرورت نظامی باید در تمام حملات مسلحانه تطبیق گردد خواه تعرضی باشد خواه دفاعی. تخریب، اسارت یا محو پرسونل یا اموال فقط میتواند در تحت قانون بین المللی برخوردهای مسلحانه تنظیم شود. در صورتیکه اگر چنین عملی بخاطر نیل به هدف نظامی ضروری باشد. این یک تعادل قوا دکنترین جنگ عمومی (در حال حاضر غیر قانونی است) میباشد و صراحت دارد که یک دولت متحارب میتواند بدون محدودیت بالای هر یکی حمله کند و به هر چیزی خسارت برساند که مربوط کشور دشمن باشد. این عمل نظر به قانون معاصر بین المللی جنگ به کلی مجاز نیست. نورمهای قانون بین المللی بشری یک موازنه تذکر یافته بین اصل ضرورت نظامی و اصل بشری میباشد. این دو اصل در کشمکش پیوسته ای با یکدیگر در جریان برخورد های مسلحانه میباشد. ضرورت نظامی فقط همان مقدار و نوع نیروی میباشد که ممکن است در عمل تطبیق شود و توسط قانون برخوردهای مسلحانه منع قرار داده نشده و برای تسلیم شدن نیروی دشمن با صرف کمترین وقت، زندگی و منابع مادی در جز و در کل لازمی میباشد.

طی مراحل قانونی – Due Process (of Law)

یک جریان عمل رسمی (چون اقدامات قانونی) که بطور منظم اجرا میگردد و در مطابقت با قواعد و اصول حاکم میباشد. همچنان طی مراحل قانونی نیز گفته میشود.

بنابراین ضرورت قضایی که قوانین وضع می گردد، ممکن است هیچ حکمی در آن وجود نداشته باشد که منتج به رفتار غیر منصفانه، مستبدانه یا نامعقول به یک شخص گردد. تشریفات صحیح قانونی را همچنان طی مراحل ماهوی نیز گفته میشود.

طی مراحل قانونی از مرحله میباید که اکثراً در زمینه حقوق بشر ارجاع میگردد و در عموم به معنای بیطرفی یا بیطرفی بنیادی برای مدعی علیهم در مراحل جزایی یا برای تمام اشخاص در یک حرکت ملکی میباشد.

مثالهای عبارتند از: حق داشتن وکیل مدافع، حق آگاهی داشتن از تاریخ اظهارات شهود، حق داشتن وقت کافی برای تهیه دفاعیه، حق دیدن شهود و حق اینکه در یک محکمه مستقل و بیطرف، به اظهارات شخص گوش داده شود.

طرز العمل 1235 (سازمان ملل متحد) 1235 Procedure (UN)

به اساس قطعنامه شماره ECOSOC 1235 سال 1967، این طرز العمل حقوق بشر ملل متحد اساس مذاکرات عمومی بین المللی در داخل کمیسیون روی حقوق بشر میباشد که بالای تخطی های بزرگ حقوق بشر در یکتعداد کشورها تمرکز مینماید. هردو، دولت های مرکزی و سازمان های غیر دولتی میتوانند تا یک اندازه معین، در جلسه سالانه کمیسیون روی حقوق بشر که بمنظور تشخیص اوضاع مشخص کشورها، که تصور میشود این کمیسیون باید به آن توجه کند، اشتراک نمایند.

این طرز العمل همچنان ممکن است که کمیسیون و کمیسیون های فرعی را وارد مطالعات و تحقیقات از اوضاع ویژه ای تخطی های بزرگ از طریق هر وسیله که کمیسیون انتخاب کند، بنماید. مثلاً مطالعات، گزارشات و تحقیقات از محل.

طرز العمل 1503 (سازمان ملل متحد) 1503 Procedure (UN)

طرز العمل که توسط ECOSOC در قطعنامه شماره 1503 سال (1970) روی قطعنامه شماره ECOSOC 1235 سال (1967) تهیه شد.

این یک طرز العمل/میکانیزم غیر معاهده ای حقوق بشر جهت تحقیق توسط کمیسیون فرعی ملل متحد روی جلوگیری از تبعیض و محافظت از اقلیت ها و اوضاع ویژه تخطی های بزرگ و سیستماتیک حقوق بشر میباشد.

این قطعنامه به کمیسیون فرعی صلاحیت میدهد تا اطلاعاتی را که از یک منبع غیر دولتی مثل یک گروه/سازمان غیر دولتی/یا فردیکه ادعا دارد قربانی کدام گونه تخطی میباشد یا آگاهی مستقیم و قابل اطمینان از تخطی هایی را دارد، مورد ملاحظه قرار بدهد.

در لغات این قطعنامه، لغت اطلاعات در آغاز توسط سرمنشی ملل متحد پذیرفته شد "معلوم شد که یک نمونه سازگار از تخطی های بزرگ تصدیق شده حقوق بشر و آزادی بنیادی را در و جائب و مکلفیتهای کمیسیون فرعی آشکار نمود." بدین گونه که حتی اگر یک چنین اطلاعاتی توسط یک فرد متضرر، یک خشونت ارائه میگردد، این اطلاعات نباید در باره یک نوع خشونت یا مربوط یک شخص باشد، بلکه باید گوناگون، سیستماتیک و شامل بسیار افراد و خشونت ها گردد. بعلاوه، این تخطی ها باید عبارت "تخطی بزرگ" را که عبارتی است تا هنوز تشریح نگردیده است اما به تخطی های جدی حقوق بشر، مثل برادر کشی، آپارتاید، مجازات بدون تاخیر، شکنجه و برده گی اطلاق میشود، در بر داشته باشد. وقتیکه کمیسیون فرعی موجودیت همچو نمونه سازگار خشونت ها را تثبیت کند، بعداً این وضعیت به کمیسیون حقوق بشر راجع میگردد که در عوض آنرا ملاحظه نموده و راه کار را تعیین میکند. این اقدامات ممکن است بر علیه هر کشوری در جهان صورت گیرد و محرمانه میباشد و در جلسات محرمانه بحث خواهند شد.

طرز العمل/گزارش یا میکانیزم موضوعی

Thematic Procedure/Report/Mechanism

طرز العمل، گزارش یا میکانیزم سازمان بین المللی و بین الدولی برای تطبیق معیارهای حقوق بشر، عبارت است از طرز العمل، گزارش یا میکانیزمی که تنها موضوعات خاص و معین از قبیل تعصبات مذهبی و غیره را در برمی گیرد. شورای حقوق بشر ملل متحد یکی از این سازمان هایی است که طرز العمل، میکانیزم یا گزارش موضوعی در باره حقوق بشر را به عهده دارد این کمیسیون با موضوعات عمده از قبیل تعصب مذهبی، شکنجه، تبعیض علیه زنان و مردم بومی، سرو کار دارد. طرز العمل، گزارش یا میکانیزم موضوعی در مقایسه با طرز العمل، گزارش یا میکانیزم کشوری استعمال می شود که در دومی، بررسی وضعیت حقوق بشر و تطبیق آن بر اساس کشورهای خاص بر رسی می شود نه بر اساس موضوعات خاص.

طرز العمل حقوقی - De Plano

عبارت است از اصطلاح قضایی بیانگر طرز العمل حقوقی که طبق آن محکمه برای رسیده گی به شکایت مطرح شده بدون کدام پیش شرط و تشریفات بیشتر، اقدام می کند

طفل دختر - Girl Child

یک اصطلاحی که به دختر خردسال مربوط میگردد که اکثرآ در زمینه های حقوق بشری مثل سوء استفاده جنسی، برده گی، بهره برداری، هرزه نگاری، کارگر طفل، ختنه کردن مونث، سن قابل ازدواج و دیگر مسائل مربوط به دختران جوان بکار میرود. سن طفل پائینتر از 18 ساله میباشد مگر اینکه در قوانین ملی سن بلوغ کمتر ذکر شده باشد.

طبقه - Category

در نظام ملل متحد قبل از 1996، تمام سازمان های غیر دولتی بر اساس روابط آن ها با ملل متحد توصیف و مشخص می شد. به هر کدام از این سازمان های غیر دولتی موقعیت طبقاتی خاص داده شده بود. سیستم جدید، این سازمان ها را به عنوان دارنده موقعیت مشورتی عمومی توصیف می کند. به "موقعیت مشورتی عمومی" طبقه 1 و به "موقعیت مشورتی خاص" طبقه 2 گفته می شود. و طبقه، در باره ما هیت موقعیت مشورتی سازمان های غیر دولتی تصمیم می گیرد.

طبقه 1: یعنی تمام سازمان های غیر دولتی طبق اختیارات شخصی شان، در تمام فعالیت های حقوق بشر سهم و بهره دارند.

طبقه 2: یعنی سازمان های غیر دولتی با اختیارات خاص که دارند، تنها در یک بخش از فعالیت های حقوق بشر ECOSOC سهم و بهره دارند و می توانند به فعالیت های ECOSOC، کمک های لازم نمایند.

طبقه 3: فهرستی از بقیه سازمان های غیر دولتی که در طبقه Roster قرار دارند. ارگان های "ECOSOC" از قبیل کمیسیون حقوق بشر می توانند با این سازمان ها مشوره نمایند.

طرفین معظمین متعاقدين

High Contracting Party (To a Treaty)

این پیمان در بعضی از پیمان های بین المللی حقوق بشر برای معین کردن کشورهایی که معاهده را تایید، از آن حمایت، و آن را قبول می کنند و در نتیجه به آن متعهد و مسوول می شوند، استعمال می شود. برای معلومات بیشتر ماده 1 " پیمان اروپا در باره حقوق بشر " را مطالعه شود.

طرف - Party

مراد از این اصطلاح دولتی است که با امضاء پیمان بین المللی حقوق بشر به آن ملزم و متعهد می شود. قبل از بررسی تعهد یک کشور به معاهده حقوق بشر یا نقض آن معاهده توسط آن کشور، اول عضویت و عدم عضویت آن کشور در معاهده باید مشخص شود. در بعض پیمانها به کشور عضو، عبارت های چون "طرف پیمانکننده" "طرف عالی پیمان کننده" نیز استعمال می شود. وقتی می گوئیم فلان کشور طرف معاهده است این به این معنا است که آن کشور به طور داوطلبانه و به رضایت خودش معاهده را امضا نموده و خود را به آن ملزم نموده است، تعهدش را در سند کتبی رسماً اعلان کرده است و آن را به نهاد تسلیم شونده یا امانت دار تسلیم نموده است. بعد از سپردن سند کتبی به نهاد تسلیم شونده یا امانت دار، کشور به طور رسمی و بلا فاصله طرف معاهده قرار می گیرد ولی گاهی کشورها بعد از سپردن سند به نهاد امانت دار، فوراً عضویت معاهده را حاصل نمی کنند بلکه بعد از فاصله زمانی معین طرف معاهده قرار می گیرند.

طغیان/شورش - Rebellion

در اصطلاح، بروز فتنه عام و نا آرامی در نظام سیاسی است و یا عمل یا حالت مقاومت آشکارا بر ضد حکومت مسلط در کشور یا بر علیه یک قسمتی از آن میباشد. شورش همچنین میتواند به شکل سرکشی آشکارا یا مخالفت در برابر هرگونه اجراءات دولتی باشد. اگر چنین اعمال دوام یا تقویت یابند آنگاه شورش میتواند شکلی جنگ داخلی یا انقلاب را بگیرد.

طی مراحل قانونی - Due Process

مقدمه: حقوق قانونی، یک سلسله ای از حقوق بنیادی در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می باشد مانند حق زندگی، منع تبعیض، حق مساوی در برابر قانون، حمایت مساویانه قانونی، آزادی و امنیت فرد و جبران خساره از تجاوز به حقوق را شامل میباشد.

پنج کتگوری از حقوق مربوط به تشریفات درست قانونی عبارت اند از گرفتاری، توقیف، محاکمه، بعد از محاکمه، و مجازات. در کتگوری بازداشت، یک هیئت عالی رتبه در حقوق عامه این موضوع را که آیا شخص بازداشت شده محاکمه گردد و یا نه تصمیم میگیرد. در قوانین بین المللی حقوق بشر در رابطه به هیئت عالی رتبه کدام مقرراتی خاصی وجود ندارد. در کتگوری محاکمه، هیئت تحقیق و دلایل اثبات را بررسی میکند در حالیکه قاضی، قانون را در نظر میگیرد. در قوانین بین المللی حقوق بشر در رابطه به هیئت مقررات خاص وجود ندارد. منابع این حقوق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است، در حالیکه از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی های اساسی سال 1953 و منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم نیز سه بار ذکر به عمل آمده است.

الف: گرفتاری در طی مراحل قانونی

1. عدم توقیف و یا بازداشت غیر قانونی .
2. عدم گرفتاری خود سرانه.

ب: بازداشت به دلیل معقول

1. دلایل اساسی برای گرفتاری، (کنوانسیون اروپایی حفاظت از حقوق بشر و آزادی های اساسی).
2. اطلاعات در رابطه به دلایل گرفتاری و اتهامات.
3. حق (habeus corpus) * نگاه کنید به توضیح این اصطلاح.
4. استماع نزد مقامات قضایی.
5. استماع بدون تأخیر.
6. بدون اجبار.
7. ضمانت.

8. تصمیم قضایی محکمه.

9. جبران اشتباه.

10. شرایط بازداشت.

ج: محاکمه

1. مقررات اساسی
 - a. اصل برائت.
 - b. مساوات در نزد محاکمات.
 - c. استماع علنی و درست (استثناء محاکمه علنی: امنیت عامه، نظم عامه، اخلاقیات، و غیره موارد).
 - d. محکمه با صلاحیت، مستقل و بیطرف.
2. اطلاعات در باره ای هرگونه اتهامات جزایی.
3. اطلاعات در باره نوعیت اتهام و دلیل آن.
4. اطلاعات به زبانی که مدعی علیه صحبت میکند.
5. مدت زمان برای تهیه دفاعیه.
6. امکانات برای تهیه دفاعیه .
7. محاکمه بدون تأخیر.
8. محاکمه در حضور مدعی علیه.
9. مساعدت حقوقی.
10. اطلاعات در باره مساعدت حقوقی.
11. مساعدت حقوقی رایگان در صورتیکه مدعی علیه امکانات نداشته باشد.
12. حق دفاع برای مدعی علیه.
13. معاینه شهود بر علیه مدعی علیه.
14. دریافت شهود به نفع مدعی علیه.
15. مساعدت در قسمت ترجمه به شکل رایگان (اگر ضرورت باشد).
16. عدم جبر واکراه بالای مدعی علیه تا بر خلاف خویش شهادت دهد .
17. عدم زور بالای مدعی علیه برای گرفتن اقرار.
18. محکمه علنی.
19. مجازات باید قانونی باشد.
20. مجازات باید شخصی باشد.
21. اصول محاکمات برای نو جوانان .

د: بعد از محکمه

1. جبران اشتباه.
2. حفاظت از دو بار محاکمه.
3. حق مرافعه خواهی.

ه: مجازات

1. مجازات حبس باید انسانی و با احترام به وقار و حیثیت بشریت صورت گیرد.
2. عدم مجازات ظالمانه .
3. عدم مجازات اعدام مگر در مورد مهمترین جنایات طبق قانون لازم الاجراء در زمان ارتکاب جنایت که آن هم نباید با مقررات میثاق بین المللی حقوق ومدنی و سیاسی وسایر اسناد بین المللی. منافات داشته باشد . تطبیق مجازات اعدام جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی یا نهائی . محکمه با صلاحیت و منظوری مقام عالی دولتی..
4. تنها مجازات مجرم

5. رعایت مقررات بازداشت مربوط به اطفال. اطفال متهم باید از بزرگسالان جدا بوده و باید در اسرع وقت ممکن در مورد آنان تصمیم اتخاذ گردد. اطفال متخلف باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظام متناسب با سن و وضع قانونی شان باشند.
6. هدف از سیستم دارالتأدیب اصلاح و تربیت مجدد اطفال است.

طرز حکومت/اداره سالم – Good Governance

یک اصل رو به رشد که تقریباً به معنی وقار ذاتی افراد و تصرف جمعی حقوق بشری آنها را به طرز حکومت/نظارت خوب ملقب میسازد و در کلیه کشورها بدین معنی است که آنها مستحق یک حکومتی میباشند که حاکمیت قانون در آن وجود دارد، دارای اساس سیاسی دموکراتیک بوده (از طریق آراء عمومی انتخاب شده است) و به مردم پاسخگو میباشند. طرز حکومت خوب همچنان شامل تاسیس ساختارهای کافی همراه با موثریت و شفافیت نهادها و طرز العمل ها میباشند و نیز تمام مقامات حکومتی را ملزم به احترام حقوق بشری تمام افراد شامل در قلمرو همان کشور، با دسترسی افراد به وسائل جبران خسارت به نسبت تخطی قانون، حسابه بودن مأمورین خدمات عامه در صورت خلاف کاری، خطای اداری، و تخطی های حقوق بشر و سکتور های عامه با یک جامعه ملکی و آزاد میباشند.

ظرفیت فردی - Individual Capacity

این واژه برکسی استعمال می شود که در یک کمیسیون، شبه کمیسیون یا گروه کاری به عنوان فرد مستقل و شخص غیر دولتی عضویت دارد نه به عنوان نماینده از جانب کدام کشور. این شخص حداقل در سطح تیوری و نظری می تواند آنطوری که خودش درست می پندارد مستقلانه رای دهد نه اینکه به نماینده گی از یک کشور، دیکته های آن را بیان کند، این افراد برخلاف آن هایی که مقام و ظرفیت نماینده گی را دارند ماهران و متخصصانی اند که به خاطر بی طرفی، تجربه خاص، ظرفیت و لیاقت فردی شان در کمیسیون یا گروه کاری عضویت دارند.

ظلم - Oppression

حالتیست که در آن همه طبقه های اجتماعی از امتیازها محروم میشوند نه به سبب آنکه مخالف دولت اند یا خیر. و یا ظلم عملی است که در نقطه مقابل عدالت قرار داشته به حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی افراد صدمه می زند.

عمل دکترین دولت - Act-of-State Doctrine

یک دکترین قضایی که از آنگونه اعمال جلوگیری میکند که بعنوان بخش استعمال قدرت مطلقه که قابل نسبت دادن به افراد نیست و هم اینکه قابل دعوی بر علیه کشور در کشور دیگر یا بر علیه نماینده گان آن کشور بدون موافقت کشور متخلف نمیتواند باشد.

عمل؛ اقدام مثبت - Affirmative Action

اقدامی که منحصراً یک روش، اصل، قاعده اداری یا قانون توسط دولت یا یک نهاد برای جبران تبعیضات گذشته در عرصه تعلیم و تربیه، کار و ترقی بر علیه زنان یا اقوام معین، نژادها، ادیان یا دیگر ناتوانها، از طریق ارجحیت دادن و مورد ملاحظه قرار دادن آنده اشخاصی که دارای چنین مشخصات هستند، صورت میگیرد تا بتوان تاثیرات تبعیضات گذشته را از بین ببرد. حرکت مثبت سعی میکند چیزها را به حالتی نشان دهد که اگر تبعیض نبود اینها صورت میگرفت.

عمل متقابل – Reciprocal

اصل کلاسیک قانون بین المللی بدین معنی است که هر دولت باید به مفاد دولت دیگر طوری کار کند که مفاد بعدی خود را نیز در آن داشته باشد. غیر از این صراحت دارد، کشور "الف" باید تعهدهای خویشرا در مقابل کشور "ب" انجام دهد بخاطریکه در انجام چنین کاری کشور "الف" در پیشبرد مفاد خود کمک خواهد کرد. در تحت اصل "عمل متقابل"، قانون بین المللی در نظر گرفته شده که از تعهدهای متقابل دولتها آماده گردد.

عملیات امداد – Relief Operation

تهیه مواد توسط یک دولت/سازمان بین الدولتی/سازمان غیر دولتی مثل غذا، لباس، و ادویه و دیگر چیزهای ضروری برای زنده ماندن مردمانی که به این مواد نیاز دارند اما به نسبت حالت اضطراری مثلا برخورد مسلحانه یا مصیبت طبیعی که آنها را تهدید میکند، نمیتوانند این مواد را بدست بیاورند.

عرض حال - Communication

یعنی سند نوشتاری رسمی که توسط آن یک فرد یا یک گروه (برای مثال سازمان غیر دولتی) از کدام ارگان بین المللی (برای مثال حقوق بشر) یا محکمه یا از کشور متخلف می خواهد تا در باره پیمان یا تعهد قانونی نقض شده توسط آن کشور متخلف، توجه نمایند. الفاظ چون دادخواهی، عریضه و شکایت همه به همین معنا استعمال می شوند و هر نظام حقوق بشر یکی از این اصطلاحات را به کار می برند.

عقد(پیمان) - Conclusion

یعنی روند انتخاب، تصدیق یک متن به عنوان متن لازم الاجرا و اظهار رضایت اعضا از این انتخاب.

عدم مداخله - Noninterference

اصل بنیادی حقوق بین الملل که در ماده 2.7 منشور سازمان ملل متحد مقدس و گرامی شمرده شده است. این اصل به تمام کشورها اعلان می کنند که درسیاست خارجی و روابط بین الملل شان از مداخله درمسایلی که به طور عمده در حوزه اختیارات کشور دیگر است خودداری کنند. کشورهایی که به نقض حقوق بشر متهم می شوند از این اصل به عنوان دفاع استفاده می کنند و اتهام یا انتقاد دیگران را مداخله در امور داخلی کشورشان می دانند. البته این نوع دفاع دردنای امروز هیچ گونه اعتبار ندارد زیرا نقض حقوق بشر از مسایل داخلی نیست که مداخله در آن جایز نباشد و این نکته قبلا نیز بیان شده است که در صورت نقض حقوق بشر توسط یک کشور کشورهای دیگر می توانند با بلند کردن صدای اعتراض شان در این امر دخالت کنند و هیچ کشور حق ندارد در قلمرو اختیارات خودش مرتکب نقض حقوق بشر شود.

عدم رجعت قانون جزا به ماقبل

Non retroactivity of Criminal\Penal Law

طبق این اصل حقوقی قانون جزایی، قانون گذاران نمی توانند قوانین جنایی را وضع کنند که اعمال مجاز گذشته را به جرم تبدیل کند. یعنی اعمالی که در هنگام ارتکاب جرم نبود با وضع قانون بعدی، جرم بودن آن در هنگام ارتکاب ثابت نمی شود و کسانی که این عمل را انجام داده اند مورد پیگرد قانونی قرار نمی گیرند.

تنها چیزی که جرم بودن یک عمل را ثابت می کند قانونی جزایی است که به طور مناسب و به جا وضع شده باشد نه اراده خودسرانه یک رهبر. تنها کسانی که جرم اعمال گذشته شان مورد پیگرد قرار می گیرند که در هنگام ارتکاب، جرم بودن آن عمل به طور واضح و قابل دسترس برای همه، توسط قانون تصویب شده باشد.

عدلی- Juridical

آنچه مربوط به مدیریت عدالت یا دفتر قضات، مربوط به قانون و حقوق باشد.

عملکرد دولت- State Practice

یعنی منبع مشخص کردن آنچه معیار قانون بین المللی به حساب می آید یا کیفیت و چگونگی تفسیر یک اصل قانون بین المللی. اقدام عملی دولت، قانون داخلی آن، اظهارات رسمی آن و حتی کیفیت رای دهی آن در سازمان بین المللی همه باهم اقدام دولت را تشکیل می دهد.

عاملین غیر دولتی- Non State Actors

به طور سنتی حقوق بشر به عنوان جزء حقوق بین الملل، عاملین دولتی و غیردولتی را از هم جدا می سازد. در مجموع مدعی غیردولتی به کسی گفته می شود که در جامعه به طور یک دولت به رسمیت شناخته شده نباشد از قبیل سازمان غیردولتی، حرکت آزادی خواهی ملی، موسسه های چند ملیتی و حتی افراد عادی. گاهی به سازمان بین المللی نیز عاملین غیردولتی گفته می شود با آنکه این سازمان ها دارای شخصیت حقوقی بین المللی می باشند.

در نظریه کلاسیک حقوق بشر، حقوق بشر پیمانی و حقوق بشر در قانون عرفی بین المللی تنها بالای دولت لازم الاجرا بود و بالای هیچ فرد غیر دولتی لازم الاجرا به حساب نمی آمد.

این اصطلاح بیشتر به معنای "اثرشخص سوم" نظریه تعهد حقوق بشر استعمال می شود یعنی آیا حکومت در قبال اعمال عاملین غیر حکومتی مسولیت دارد یا نه؟ آیا از لحاظ حقوقی عاملین غیردولتی به تعهدات بین المللی حقوق بشر ملزم می باشند یا نه؟ آیا ارتش از ادخواه غیردولتی در جنگ علیه حکومت به قرارداد ژینو ملزم می باشد یا نه؟ آیا دولت برای قتل هایی که توسط دسته شبه نظامی غیردولتی صورت گرفته مسول است یا نه؟

بیشتر مسائلی که به عاملین غیردولتی مربوط می شود وظیفه دولت را برای تضمین حفاظت حق افراد از پامال شدن توسط گروه سوم، معین می کند. دولت برای جلوگیری گروه سوم از نقض حقوق افراد، اقدام های لازم را اتخاذ می کند.

عینیت (در بررسی وضع حقوق بشر)- Objectivity

این اصل به این معنا است که در بررسی عملکرد حقوق بشر توسط دولت ها، باید بیشتر روی عناصر خارجی واقعیت ها تکیه شده و ادراکات و توهمات ذهنی یا شخصی باید نادیده گرفته شود. این اصل برای بیان رفتار کشور یا هیات بررسی کننده اوضاع حقوق بشر در روند بررسی، به کار گرفته می شود. یعنی بررسی کننده هیچگاهی درباره هیچ کشوری بر اساس تصورات قبلی، تعصب یا قضاوت قبلی، به مراعات یا نقض حقوق بشر حکم نکند. و بر اساس این مبناهای نادرست از هیچ کشوری ستایش نکرده و هیچ کشوری را متهم نکند بلکه واقعیت ها عینی و خارجی را اساس قضاوتش قرار دهد. اصل واقع بینی به شکایت های مطرح شده در باره بررسی تبعیض آمیز اوضاع حقوق بشر در کشورها، پاسخ می دهد. این اصطلاح گاهی همراه با اصطلاح های مربوط دیگر از قبیل اصل بی طرفی، اصل گزینشی نبودن و غیره نیز استعمال می شود.

عهد نامه- Pact

لفظ مترادف معاهده یکی از اصطلاحاتی که سند حقوقی بین المللی را بیان می کند. عهد رسمی به معاهده ای گفته می شود که بین دو یا چند کشور صورت گرفته و توسط قانون بین المللی اداره شود.

عریضه- Petition

عبارت است از درخواست کتبی که در آن، شاکی از حکومت تقاضا می کند تا مقامات، از احتیاراتش برای جلوگیری از نقض حقوق بشر، جبران نقض حقوق بشر یا حد اقل شناسای کردن مورد نقض حقوق بشر، استفاده کند. افراد یا گروه، باره اندازی چنین شکایت برخلاف کشوری، آن کشور را به نقض تعهدش درباره حقوق بشر متهم می کنند و تقاضا می کنند تا حقوق پامال شده شان جبران شود. الفظی از قبیل درخواست، شکایت و ارتباط همه به همین معنا استعمال می شود. نظام های متفاوت حقوق بشر، هر کدام، یکی از این اصطلاحات را به طور جداگانه استعمال می کنند.

عدم استعمال - Desuetude

در قانون بین الملل این لفظ به معنای کهنه گی و عدم استعمال پیمان استعمال می شود. یعنی پیمان در شرف کهنه گی است و بیشتر بالای کشورهای تصویب کننده لازم الاجرا نمی باشد. این وقتی است که پیروی از پیمان ناممکن باشد یا اینکه کشورها بدون مواجه شدن با اعتراض برای مدت طولانی به پیمان عمل نکنند. عدم استعمال، یک نوع پایان دادن غیر رسمی به پیمان است بدون آنکه به طور رسمی به پیمان پایان داده شود. چنانچه کشورهای تصویب کننده طوری رفتار کنند که گویا هیچ پیمانی وجود نداشته.

عملی واقعی - DE Facto

واقعیه کاملاً حقیقی و واقعی که ریشه در واقعیت دارد. چیزی که واقعیت خارجی دارد، چیزی که وجودش توسط انسان ها در خارج تحقق پیدا می کند نه توسط قانون. به عبارت دیگر چیزی که وجود حقیقی داشته باشد نه وجود قانونی. برای مثال تبعیض واقعی تبعیضی است که در بین مردم وجود داشته باشد و مردم با اعمال و رفتارهای شان این تبعیض را به وجود آورده باشند درست برخلاف تبعیض حقوقی که توسط قانون به وجود می آید چنانچه قانون به نژاد مخصوص اجازه استفاده از وسایل عمومی را ندهد. خلاصه، واقعی (DE Facto)، به چیزهای گفته می شود که در جامعه وجود خارجی دارند نه به چیزهایی که از نظر قانونی باید وجود داشته باشند.

عبارت نمونه ، ماخذ معمول – Locus Classicus

یک اصطلاح لاتین که به معنای جایی است که یک شخص نقطه مبنا یا متن صریح یک چیز را پیدا میکند. عبارت نمونه ادبی میتواند به تصمیم یک قضیه، یک رساله معین، قصه یا گزارش یا حتی یک واقعه راجع گردد. یک مثال عبارت نمونه ادبی قضیه کارولاین میباشد که قانونیت تصرف و تخریب کشتی کارولاین امریکایی است که بخاطر اشتراک آن کشتی در شورش کانادا در سال 1837 بود. قضیه کارولاین در حال حاضر منحصراً یک دکترین حقوق دولتها بخاطر استفاده دفاع مشروع در مقابل حمله نظامی مطرح میشود. این معیارهای اساسی را برای محدودیت های آن حقوق بنا مینهد.

عدم تبعیض در تطبیق قانون

Indiscrimination while practicing law

همه افراد بشر با کرامت و حقوق مساوی به دنیا آمده اند. کارمندان مجری قوانین باید حثیت و وقار انسانی را احترام و حمایت کرده و حقوق انسانی تمام اشخاص را پشتیبانی و حفاظت نمایند. مسئولیت همه افراد در برابر قانون یکسان بوده و بدون تبعیض باید از حمایت مساویانه بر خوردار باشند. کارمندان مجری قانون در حین حمایت و خدمت به جامعه، نباید بطور غیر قانونی از تبعیض بر اساس نژاد، جنس، دین، زبان، اندیشه سیاسی، اصل قومی، دارائی، تولد یا دیگر مشخصات کار بگیرد.

اتخاذ تدابیر معین و ویژه توسط مجریان قانون جهت بر آورده ساختن نیاز ، مطابق به وضع خاص زنان (به شمول زنان حامله و تازه مادر شده) نوجوانان ، مریضان و کهن سالان که نیاز به حمایت و مراقبت های ویژه مطابق به معیار های حقوق بشر بین المللی دارند ، تبعیض غیر قانونی شمرده نمی شود.

غیر نظامی - Civilian

ساکنان یک کشور که در جریان تنش های مسلحانه هیچگونه سهم نداشته باشند. غیر نظامیان برای شرکت مستقیم در تنش های مسلحانه و خصومت ها هیچ گونه حق قانونی ندارند و این نکته در قانون جنگی خصوصا قانون بشری اهمیت بسیار دارد. اینکه از نظر قانونی چه کسانی حق سهم گیری در خصومت هارا دارند و چه کسانی به عنوان اسیر جنگی نگهداشته می شوند، با ید گفته شود که غیر نظامیان معمولا مورد حمله قرار نه گیرند و از حفاظت و امنیت خاص بر خوردار باشند.

غیر جانبداری - Impartiality

اصلی که در مورد تطبیق حقوق بشر و نظارت بر آن مورد استفاده قرار می گیرد. طبق این اصل تمام سازمان ها و ارگان های بین المللی در جریان مراقبت از حقوق بشر، تطبیق اصول حقوق بشر، از هیچ کشوری جانب داری و با هیچ کشوری جبهه گیری نکنند. این سازمان های نظارتی با همه دولت ها مساویانه و بی طرفانه رفتار می کنند و معیار های بی طرفانه و بدون نظر خصوصی شان را بر همه کشور ها تطبیق می کنند.

غیر التزامی - Nonbinding

پیمانی که نیرو و قوت حقوقی ندارد، تعهد یا وظیفه ای را که از لحاظ حقوقی بالای یک کشور لازم و ضروری باشد تشکیل ندهد. لفظ متضاد آن تعهدی (Binding) میباشد.

غرامت - Indemnity

جبران نقض حقوق بشر از طریق پرداخت پولی به خانواده های قربانی برای جبران خسارت ها و زخم های وارده بر آنان.

غیر لازم الاجرا فی نفسه – Non-self-executing

این اصطلاح به پیمان های گفته می شود که تمام یا برخی مواد آن خود به خود به قانون شهری یا داخلی یک کشور تبدیل نمی شود بلکه برای این کار، به اقدام خاص و رسمی دولت نیاز است یعنی برای یکی کردن قانون گنجانده شده در پیمان با قانون شهری یا به عبارت دیگر تبدیل کردن ماده های پیمان به قانون شهری به اقدام های دولت نیاز می باشد. پیمان های از این قبیل برای تبدیل شدن به قانون شهری به قانون گذاری اجرایی نیاز دارد.

فصل هفتم/Chapter V

اقدام عملی شورای امنیت ملل متحد به تعقیب ماده 25 و 39-51 قطعنامه این سازمان برای شناسایی نمودن موارد نقض صلح، تهدید صلح، ظلم یا تجاوز. از لحاظ قانونی، قطعنامه فصل هفتم لازم الاجرا است و هر کشور عضو ، به پیروی از این قطعنامه متعهد می باشند.

فاشیزم - Fascism

عبارت است از مکتب فکری سیاسی راست گرایان افراطی که خواهان جامعه ای است خودمختار که توسط قانون نخبه ها و طبقه ممتاز جامعه مشخص شده باشد و اختیارات کامل این جامعه به دست یک رهبر عالی باشد. برای مثال کشور ایتالیا که زمانی تحت رهبری موسولونی بود. این نظام به طور عکس العمل در مقابل تهدید چپ گرایان و گروه های شورشی دیگر برای به دست گرفتن اختیارات کشور، به وجود می آید. این مکتب فکری، منافع ملی را بر حقوق افراد یا فرد گرایی مقدم می بیند و برای به دست آوردن منافع ملی، حقوق افراد را به طور خشنونت آمیز سرکوب و پامال می کند.

فرهنگ - Culture

فرهنگ عبارت است از مجموعه ای به هم بافته از علم، هنر، عقیده و رفتار انسان، که این مجموعه وابسته است به ظرفیت انسان برای آموختن و انتقال اندوخته ها به نسل بعدی. چیزهایی را که فرهنگ در بر دارد عبارت است از: عقیده رایج، وجهه و تصویرهای اجتماعی، زبان، هنر، ویژه گی های مادی گروه های نژادی، مذهبی و اجتماعی که همه این ها باعث رشد طرز تفکر مشترک، هدف و ارزش های مشترک و اعمالی که یک جامعه را ترسیم می کند، می شوند.

فرعی - Subsidiary

- چیزی که برای مقام اول و اصلی، موقعیت و رتبه ثانوی و فرعی را داشته باشد
1. ارگان دومی: ارگان دومی به ارگانی گفته می شود که از متن ارگان اولی سرچشمه گرفته باشد از قبیل هیات شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، برای حمایت از اقلیت ها و جلوگیری از تبعیض که بخش شورای حقوق بشر ملل متحد و ارگان فرعی آن به حساب می آید.
 2. معاهده فرعی: معاهده فرعی به معاهده ای موضوع یا گروه فرعی را در برداشته باشد از قبیل کنوانسیون پناهنده گان یا معاهد های سازمان بین المللی کار که همه معاهده های فرعی به حساب می آیند.
 3. منبع ثانوی (قانون) منبع دومی قانون بین الملل را تصمیم های محاکم بین المللی و نوشته های دانشمندان حقوقی تشکیل می دهد. این منبع ثانوی قانون، نسبت به قانون پیمانی، قانون عرفی و اصول عمومی قانون، منبع فرعی یا دومی به حساب می آید.

فرهنگ حقوق بشر - Culture of human rights

نظریه که توسط جامعه جهانی حقوق بشر به وجود آمد. این نظریه به هر فرد از جامعه می فهماند تا درباره حقوق شان آگاه و هوشیار باشند و برای حقوق دیگران مطالبه، کار نموده و از حقوق آنان دفاع کنند. این نظریه، فرهنگی از جامعه انسانی را ترسیم می کند که در آن حقوق افراد به طور بارز توسط قانون حفاظت و حمایت می شود و هر عضو جامعه از جمله قوه اجراییه، قوه مقننه و قضائیه دولت مسوولیت دارند به حقوق بشری که خودشان احترام می کنند و احترام حقوق بشر را نیز تضمین می کنند.

در فرهنگ حقوق بشر همه نسبت به آگاهی از نقض حقوق بشر مسوولیت فردی دارند.

فرهنگ حقوق بشر به شکل نتیجه تعلیم و تربیه حقوق بشر در سطح جامعه به میان می آید. گاهی فرهنگ حقوق بشر در مقابل فرهنگ مصونیت قرار می گیرد.

فرضی/غیر واقعی - In Abstracto

قید لاتینی است که در قانون " قرار داد حقوق بشر اروپا" دیده می شود. این لفظ بیشتر به پذیرش و ورودی یا قابل ملاحظه بودن عریضه ها و شکایت های مطرح شده در محاکم بین المللی مربوط می شود. یعنی آیا در عریضه این نکته بیان شده که شاکی قربانی تخطی است یا نه این مطلب در عریضه ذکر نشده است. طبق ماده 25 " قرار داد حقوق بشر اروپا"، کمیسیون یا محکمه حقوق بشر اروپا با ادعا های فرضی در مورد نقض حقوق بشر معامله نمی کنند. در صورتی که هیچ نقض واقعی

حقوق بشرو قضیه متنازع فیه وجود نداشته باشد به ادعا های نقض احتمالی یا فرضی حقوق بشر توجه نمی شود. این اصطلاح به معنای دیگر به چیزهای فرضی که وجود خارجی ندارند نیز استعمال می شود. این لفظ بیانگر شکایات و ادعاهایی است که در آن هیچ قضیه متنازع فیه وجود نداشته باشد و شکایات یا ادعاها براساس قضیه های تصویری و تخطی های فرضی دایر شده باشد.

فرهنگ معافیت - Culture of impunity

در فرهنگ مصونیت، به حقوق بشر هیچ احترام نمی شود و هیچ گونه مسئولیت ملی یا بین المللی برای نقض حقوق بشر وجود ندارد و هرکسی می تواند بدون کدام عواقب یا مجازات شدید، مرتکب نقض حقوق بشر شود. این نظریه در بسیاری از افراد وجود دارد که یک فرد می تواند بدون دیدن پیامد قانونی یا کدام پیامد دیگر حقوق بشر را نقض کند و آن هم به مقدار زیاد و چشم گیر. این اصطلاح شامل طرز تفکر مرتکبین نقض قانون نیز می شود که آن ها چنین می پندارند که برای نقض حقوق بشر در محاکم داخلی و بین المللی مسوول نخواهند بود و هر آنچه را که آنها انجام می دهند کاملاً درست و حق است. فرهنگ مصونیت معمولاً در مقابل فرهنگ حقوق بشر استعمال می شود.

فطری (شان/حق) - Inherent(Dignity/Right)

عبارت است از حق یا امتیازی که به طور فطری در خصوصیت ذاتی انسان ها موجود می باشد. این واژه برای توصیف خصوصیت های دایمی حق یا بزرگی انسان ها استعمال می شود. این حقوق یا خصوصیت، به انسان به خاطر انسانیت انسان تعلق دارد و از جانب کسی به کسی داده و از کسی گرفته نمی شود.

فریب - Perfidy

رفتار متظاهرانه توسط نیروهای مسلح به منظور جلب اعتماد دشمن. یعنی نیروهای مسلحانه به منظور فریب دادن دشمنان شان و آسیب رساندن بیشتر به آنها، طوری رفتار کنند که دشمن شان باور کنند که این ها (نیروی مسلح) واقعا می خواهند به تعهد شان به معاهده عقد شده عمل کنند. نشان دادن پرچم سفید به دشمن به علامه تسلیم شدن به منظور کاهش دادن تدابیر حفاظتی دشمن و وارد کردن حمله شدید تر، فریب و خیانت به حساب می آید و طبق قانون بین الملل چنین رفتاری غیرقانونی است زیرا به توهین حقوق بشردوستانه منجر می شود.

فرد غیر نظامی - Noncombatant

در قانون بشردوستانه، این اصطلاح به کسانی گفته می شود که در منطقه جنگی سکونت دارند اما در جنگ یا برخورد مسلحانه سهم نمی گیرند. افراد غیر نظامی برای وارد شدن در فعالیت های جنگی حق قانونی ندارند.

فی نفسه، به خودی خود - Per Se

این لفظ لاتینی و به معنای "خود به خود"، "توسط خود"، "از خود"، "فطرتاً و ذاتاً" استعمال می شود. برای مثال: به گلوله بستن اسیر جنگی بدون دلیل، در نفس خود (Per Se) نقض معاهده GCS (1949) است.

قبول (پیمان) – Acceptance (Of Treaty)

یک عملکرد بین المللی که بموجب آن یک دولت در یک سطح بین المللی پیمانی را امضاء مینماید. هدف از این عملکرد موافقت بر کسب عضویت و مکلفیت داشتن در انجام یک پیمان میباشد. این چنین قبولی در یک سند بین المللی نوشته میشود که در معنا مشابه به یک سند قبولی یا تصدیقنامه، تصویب، الحاق یا دسترسی میباشد. بعضی اوقات دولت ها یک پیمانی را "بمنظور قبولی" به امضاء میرسانند که به معنای این است که امضاء قبلی هنوز هم قابل قبول میباشد. ارائه یا سپردن یک سند فاقد شرایط لازم قبولی در موقع امضاء، دولتین را بطور قانونی مکلف به اطاعت از مواد پیمان میکند. در غیر آن سند قبولی که متعاقب سند اولی میباشد، همچو شرایط را مستلزم خواهد ساخت.

قابل قبول - Admissibility, Admissible

ضوابط که بنابر آن یک شکایتنامه تحریری که ادعای تخطی حقوق بشر را توسط یک دولت مینماید، مورد قبول بخاطر ملاحظه/قضاوت توسط یک اجتماع حقوق بشری مثل یک کمیسیون یا محکمه قرار میگیرد. اگر یک شکایتنامه تمام معیارهای "قابل قبول بودن" را که در یک کنوانسیون، قواعد و قانون قبلی ذکر گردیده تکمیل نماید، در اینصورت شکایتنامه قابل قبول پنداشته میشود و محکمه یا کمیسیون خود را درگیر یا متصرف قضیه خواهد دانست. اگر چنین نباشد، این شکایتنامه قابل قبول پنداشته نمیشود.

قتل عام - Atrocity

یک یا یک سلسله اعمالیکه معمولاً توسط انسان علیه انسان انجام میابد که کاملاً وحشیانه، شریر، سنگدلی بربری و تفرآمیز میباشد؛ معمولاً در خشونت های فزونی استفاده میشود مثل شکنجه و قتل عام.

قواعد پکنگ - Beijing Rules

یک اسم که برای حد اقل قواعد ملل متحد برای عدل و اداره تخلفات اطفال استفاده میگردد. این قواعد در پکنگ به همین اسم پذیرفته شد، که اصول و قواعد بیشتری را در رابطه به رفتار با اطفال میباشد تا بتوان حقوق بشری آنها را در یک کشوری که سیستم عدلی برای اطفال را دارد، محافظت نمود.

قانون شکنی - Breach

نقض تعهد حقوقی یک کشور، ناکامی آن در اطاعت از اصل حقوقی جهانی است. به کشوری که رفتارها بیش طبق اصل حقوقی جهانی نباشد، قانون شکن و ناقض تعهد گفته می شود. این لفظ در مورد قوانین جنگی خوبتر و مناسبتر استعمال می شود. خصوصاً طبق GCS 1949 که بنیاد چهار قرارداد را گذاشت که آن ها یا قانون شکنی منظم بودند و یا شمارش مشخص قانون شکنی های جدی می باشد.

قانون شکنی، شامل مسوولیت های بین المللی کشورهای متخلف و گماشته های آن ها است. با توجه به قانون و تعهد پامال شده، قانون شکنی، گاهی نقض تعهد و اصل قانونی خاص است و گاهی نقض قانون عرفی جهانی.

تحریک و بی تحرکی دولت، هر کدام میتواند با عث نقض قانون شود و این زمانی رخ می دهد که مدعی های غیر دولتی، در تضاد با دولت و یا با همدستی دولت و یا همزمان با ناکامی دولت در جلوگیری اعمال خلاف قانون، کارها را انجام می دهند.

اگر قانون شکنی از قبیل قانون شکنی مادی باشد، این به این معنا است که دولت یا رسماً تعهد را رد می کند و یا اینکه شرط لازم برای تکمیل اهداف و مقاصد تعهد را انجام نمی دهد.

قانون صلیب سرخ – Red Cross Law

عین "کنوانسیون ژینو" به قسم پیشوند. اصطلاحی که برای تعریف سندهای قانون بین المللی بشری، که در پرتو کمیته صلیب سرخ بین المللی اتخاذ گردیده است و از اینرو آنرا "قانون صلیب سرخ" مینامند استفاده میگردد. این قانون قربانیان برخوردهای مسلحانه را تحت پوشش قرار داده و تا اندازه ای، میتودهای جنگی را نیز عیار میسازد. اصطلاح فوق بخاطری استفاده میگردد تا تفکیک بین قانون هاگ صورت گیرد.

قاعده - Rule

راهنمای نوشتاری و تجویز شده رفتار یا اعمال. معیار دقیق و قانونی رفتار که در قانون بین الملل، قطعی و لازم الاجرا است. پیروی از قاعده های معیارهای حقوق بشر، باعث تحقق بخشیدن و تطبیق این حقوق می شود. قاعده طوری نوشته می شود که با اصول عمومی در تضاد نباشد.

قاعده های طرز العمل - Rules of Procedures

قاعده های نوشتاری که براساس آن، هیات، کمیسیون یا کمیته کارهای روزانه شان را انجام می دهند. این قاعده ها کیفیت انتخاب اعضا و وظیفه هیات را تشریح می کند. بطور مثال: چگونه شکایت ها صلاحیت ارایه شدن را دارند؟ و در باره چگونه شکایت ها باید تصمیم گیری شود؟ چگونه پیشنهادات و طرح ها باید مطرح و شنیده شود؟ هدف از تمام قاعده های آیین دادرسی این است تا هیات دادرسی، وظایف شان را به وجه بهتر و موثرتر انجام دهند.

قضیه محکوم بها - Res Judicata

دکترین حقوقی که به اساس آن یک تصمیم نهایی قضایی یک محکمه باصلاحیت بالای تمام طرفین در هر قضیه بعدی که در مورد عین مسئله حقوقی باشد قطعی پنداشته میشود.

قطعه نامه - Resolution

یعنی ابراز نظر، ابراز نیت یا ابراز عقیده رسمی که هیات رسمی یا گروه مجتمع به آن رای می دهند. اکثر فعالیت های حقوق بشر سازمان های غیردولتی از طریق همین رای دهی صورت می گیرد. قرار رای عبارت است از نظر تصویب شده توسط کشورهای عضو. وقتی که یک تصمیم به عنوان رای متفق انتخاب می شود، این به یک فرد اختیار قانونی اعطا می کند تا اقدام معین را انجام دهد.

پیمان های سازمان ملل و دیگر سازمان های بین المللی به طور معمول لازم الاجرا نیستند. این پیمان نه معاهده است و نه اصل قانونی اما با مرور زمان قطعه نامه های بعضی سازمان های بین المللی به طور بخش از قوانین انعطاف پذیر پذیرفته می شود.

قرارداد اجتماعی - Social Contract

طبق این نظریه سیاسی که نویسنده گان معروف از آن حمایت می کند انسان ها آزاد و مستقل آفریده شده اند و برای برآوردن نیازهای دوجانبه شان حق دارند نظام و نهادی را ایجاد نمایند و قرارداد اجتماعی را عقد نمایند. تشکیل دادن پولیس، اطفاییه و نیروهای مسلح را می توان از جمله قرارداد اجتماعی به حساب آورد. این نظریه برای تاسیس اختیارات حکومت و دولت پایه فلسفی به حساب می آید. افراد مکلفیت قرارداد اجتماعی شان را از طریق رای دهی و شرکت در انتخاب و انتخاب رهبر به جا می آورند.

قانون انعطاف پذیر - Soft Law

این اصطلاح در داکترین قانون بین المللی موقعیت حقوقی بیانیه ها، پیمان ها و راهنماهای مربوط به حقوق بشر را بیان می کند. این داکترین برای سازمان های بین المللی چون ملل متحد اصول غیر لازم الاجرا اما نهایت مهم را بیان می کند. وجه تسمیه این اصول به قانون انعطاف پذیر از این جهت است که این اصول از نظر حقوقی لازم الاجرا نیستند. این اصطلاح همچنین به قوانین غیر لازم الاجرا، غیر صریح و مبهم که در سند های حقوقی گنجانده شده اند و بیشتر جنبه مشورتی دارند، نیز استعمال می شود. معیار ملل متحد برای رفتار حد اقل با زندانیان را می توان از جمله قوانین مبهم ذکر کرد.

قاعده اختصاص - Specialty

طبق این قاعده که به طرز العمل استرداد مجرم مربوط می شود، کشوری که از کشور دیگر استرداد مجرم را تقاضا می کند باید صرف فرد مجرم را به خاطر جرم معینش محاکمه کند. حکومت حق ندارد کس دیگر را یا مجرم را به جرمی که آن را مرتکب نشده است محاکمه کند.

قانون موضوعه ؛ اصولنامه - Statute

قانونی که از بخش قانونگذاری یک حکومت یا از یک سند حقوقی بین المللی مورد قبول سازمان جهانی، منشا گرفته باشد، از قبیل قانون مدون محکمه بین المللی عدالت، قانون مدون محکمه حقوق بشر امریکا و قانون مدون محکمه بین المللی جنایی. قانون مدون، برای تاسیس محکمه، دستگاه قضایی یا شبه قضایی و برای تنظیم کردن حوزه اختیارات و قاعده های ساختاری آن از جانب بخش قانونگذاری حکومت و یا از جانب سازمان بین المللی ایجاد می شود.

قواعد توکیو - Tokyo Rules

این اصطلاح به مجموع قوانینی که توسط سازمان ملل متحد تدوین شده است اشاره دارد. این قوانین معیارهای ضروری و لازم را برای اقدام های غیر توقیف خانگی به جای زندان و غیره که از جانب مقامات حکومتی مثل پولیس و غیره وضع شده است، تعیین می کند. این قوانین که در شهر توکیو در سال 1990 انتخاب شد اگر چه از لحاظ حقوقی لازم الاجرا نیست اما به کشورها توصیه شده است تا این قوانین را به عنوان بخشی از قوانین داخلی شان بپذیرند.

قربانی/متضرر - Victim

فرد یا گروهی که به خاطر نقض حقوق بشر شان توسط دولت، آسیب دیده اند. به طور معمول تنها قربانیان نقض حقوق بشر برای ارایه کردن شکایت کتبی در محکمه حقوق بشر حق قانونی دارند اما بعض نظام های شکایت، به غیر قربانی مثل سازمان غیر دولتی نیز اجازه می دهد تا برخلاف نقض ارایه شکایت کند. فرد قربانی گاهی به طور مستقیم قربانی نقض می گردد مثل کسی که به طور غیرقانونی اعدام می شود و گاهی به طور غیرمستقیم -مثلا به خاطر قتل همسرش- قربانی به شمار می آید.

قانون اساسی - Constitution

قانون بنیادی که توسط آن یک دولت یا یک سازمان بنیانگذاری و اداره می شود. قانون اساسی معمولا دلیل های تاسیس یک سازمان یا یک دولت، مقاصد و آرگان های دایمی آن هارا (از قبیل قوه مقننه، قوه اجراییه، نظام قضایی، ادارات، مجلس عمومی، محکمه یا دبیرخانه) بیان می کند. بعضی اوقات قانون اساسی اصول و حقوق بنیادی را که بر اساس آن دولت یا سازمان استوار است بیان می کند. قانون اساسی همچنان حقوق بشری خاص را نیز بیان می کند. چنانچه امروز عده از قانون های اساسی ملی این کار را می کنند.

قانون اساسی معمولاً حوزه قدرت و وظیفه های دولت را تعیین یا محدود می سازد.

قضاوت قضیه متنازع فیه - Contentious jurisdiction

قضاوت محکمه درجایی که واقعا یک مساله مورد نزاع بین دوگروه به وجود آمده باشد که هر کدام از دوگروه خواهان حل قضایی مساله مورد اختلاف اند، صورت می گیرد. این وقتی به وجود می آید که یک شکایت درمورد نقض حقوق بشر به محکمه تسلیم می شود. شکایت ممکن است از طرف فرد باشد هم چنان ممکن است از طرف گروه یا یک کشور در مقابل کشور دیگر باشد. قضاوت متنازع فیه درمقابل قضاوت مشورتی قرارداد که در آن یک ارگان یا یک سازمان از محکمه می خواهد تا درمورد تفسیر و کاربرد یک قانون اظهار نظر نماید. دراین نوع از قضاوت هیچ دعوا و قضیه خصمانه وجود ندارد. از قضاوت قضیه متنازع فیه در اقدام قانونی قضیه خصمانه در محکمه استفاده می شود.

قانون پیمانی بین الملل - Conventional(international) law

این اصطلاح برخلاف قوانین عادی و اصول عمومی قانون به قانون های بین المللی که در معاهده ها (پروتوکول ها) وجود دارد، اشاره میکند. بر خلاف قوانین عادی بین المللی و اصول عمومی قانون، قانون پیمانی منبع (مثل معاهده) اصل قانونی را بیان می کند در حالیکه قانون غیر پیمانی که به منبع قانون اشاره ندارد، به قانون پیمانی، قانون "نامه سیاه" و "قانون بین المللی مثبت" نیز گفته می شود.

قانون عرف بین المللی - Customary International law

درقانون بین الملل این اصطلاح به منبع اصول قانون که در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شده و بر مبنای رضایت کشورهای خود مختار باشد، دلالت دارد. اصول قانون عرفی بین المللی، توسط دو عنصر که یکی کمی و دیگری کیفی است، ساخته شده است:

1. جریان کار دایمی(استعمال): استعمال یا جریان کار دایمی، پی هم و یک شکل دولت ها در مسایل خاصی که در حوزه ارتباط جهانی واقع می شوند، در ظرف مدت قابل ملاحظه اما نا معلوم.
2. عنصر دوم: دولت ها با ید چنان اعمال را اجرا کنند. زیرا آن ها این کار را لازمه تعهد حقوق بین الملل می دانند که تعهد به قانون جهانی، عنصر درونی در قانون بین الملل به حساب می آید. البته این، بیرون از ضرورت و نزاکت صورت نمی گیرد بلکه بیرون از ادراک در عرصه تعهد قانونی بین المللی صورت می گیرد. وقتی جریان کار دایمی و عمومی توسط یک کشور همراه با عنصر دوم از جانب کشورهای متمدن صورت می گیرد، آن وقت آن جریان کار به شکل اصل قانونی رایج بین المللی ظاهر می شود که این اصل بالای همه کشورها ی جهان لازم الاجرا می شود. بعد از اصل های قانونی عرفی، این دومین منبع اصل قانونی حقوق بشر است.

قانون سازی درباره اعمال گذشته - Ex post facto law

عبارت است از هر قانونی که عمل مجاز گذشته را غیرقانونی اعلان نماید و مرتکبین آن عمل را مجازات کند، مثلا عملی را که در حین ارتکاب جرم نبود یا جرم اعلان نشده بود، اکنون جرم به حساب بی آورد و به مجازات کردن مرتکب این عمل حکم نماید. طبق حقوق بین الملل، بر اساس اصل حقوقی "قانون جزایی و جنایی غیر مربوط به اصول گذشته" و یا عدم رجعت قانون به ما قبل، قانون سازی در باره اعمال گذشته ممنوع و غیرقانونی می باشد. این اصل در این جمله لاتینی نیز اظهار شده است:

"NULLUM CRIMEN, NULLA POENA SINE LEGE" یعنی بدون وجود و اعلان قانون سابق، هیچ جرم و مجازاتی وجود ندارد.

قانون هاگ - Hague Law

اصطلاحی است که برای توصیف هیات پیمان و قانون متعارف بین المللی در قانون برخورد های مسلحانه استعمال می شود. این قانون در شهر Hague کشور هلند به تصویب رسید. این هیات قانون بشری، به طور عمده پیمان 1907 شهر Hague را در بر می گیرد و این پیمان مختصر ومدونی از " حقوق متعارف موجود و بیانیه های 1899 در باره گاز های خفه کننده و مرمی های دم دم (Dum-Dum Bullets)" است که به قانون و روال جنگ احترام می گذارد. هدف عمده از قانون شهر Hague محدود کردن وسایل و روش هایی است که جنگجویان در جریان برخورد های مسلحانه از آن کار می گیرند. این قانون با قانون ژنیومقایسه می شود که هدف عمده از قانون ژنیو، توجه به قربانیان برخورد های مسلحانه از قبیل اسیران جنگی، می باشد.

قاعده هاگ – Hague Regulation

قواعدی قانون بین المللی بشری که در کنوانسیون چهارم هاگ ضمیمه می باشد. این آیین نامه روش ها و وسایلی را که در جریان جنگ از آنها استفاده می شود بیان می کند. این قواعد حالا به قانون متعارف بین المللی تبدیل شده که زیر پا گذاشتن این قانون مسوولیت بین المللی را به دنبال دارد. این قواعد در اول تنها در برخوردهای مسلحانه بین المللی تطبیق می شد. ولی حالا این قواعد در برخوردهای غیر بین المللی نیز در حال لازم الاجرا شدن است. این قواعد در حوزه قضایی محکمه جنایی بین المللی تحت عنوان جنایات جنگی عنوان شده است.

قانون گذاری اجرایی- Implementing Legislation

قوانینی که از جانب مقامات قانون گذاری یک کشور به منظور تبدیل کردن اصول حقوق بین المللی به اصول حقوق داخلی یا ملی وضع می شود. این قانون وضع شده، توسط افراد برای اجرای حقوق بشر و برآورده کردن تعهدات دولت به انفاذ قانون و جبران های که قبلا وجود نداشت، استعمال می شود. قانون گذاری اجرایی همیشه ضروری به حساب می آید مگر زمانی که اصول بین المللی خود به خود قابل اجرا باشد که در این صورت به قانون گذاری اجرایی نیاز نیست.

قابل قبول نبودن- Inadmissible/Inadmissibility

عبارت است از معیار های که بر اساس آن، بعضی از شکایت ها یا درخواست ها در مورد نقض حقوق بشر مورد ملاحظه قرار نمی گیرد و از طرف محکمه رد می شود و محکمه از ملاحظه و حکم کردن در باره آن خود داری می کند دلایلی که درخواست را از قابل ملاحظه بودن خارج می کند عبارت است از ناسازگاری درخواست یا شکایت با پیمان، ناکامی شاکی در انجام دادن راه حل های داخلی که این ناکامی راه ورودی شکایت رادر محاکم داخلی می بندد. در صورتی که شکایت یا درخواست شرایط لازم برای ملاحظه را نداشته باشد هیات قضایی یا شبه قضایی توانایی و صلاحیت ارزیابی یا ملاحظه آن شکایت را ندارند و شکایت از جاننت محکمه بین المللی رد می شود و نوبت به تطبیق قانون نمی رسد.

قوه قضاییه بی طرف و مستقل

Independent and Impartial Judiciary

این لفظ برای توصیف وضعیت قوه قضاییه استعمال می شود که قضات خصوصیات ذیل را دارا باشند:

1. قضات باید مستقل، جدا و آزاد از نفوذ خارجی باشند. نفوذ خارجی از قبیل مقامات و افراد حکومتی، احزاب سیاسی و هر چیز دیگری که در تصمیم گیری قضات نفوذ کند و آن را متاثر بسازد.
2. در تصمیم گیری قضایی شان بی طرف باشند و بر اساس تعصب به نفع یا ضرر هیچ طرفی قضاوت نکنند و قضات صرف بر مبنای قانون، ارزش های قانونی و حقیقت باید تصمیم بگیرند. خصوصا مستقل بودن از حکومت و بی طرفی نسبت به حکومت که در محاکم ملکی و جنایی حقوق بشر پیش شرط عمده به حساب می آید.

قابل تقسیم نبودن (حقوق بشر)

Indivisibility (of Human Rights)

عبارت است از اصل بین المللی حقوق بشر که طبق این اصل تمام حقوق بشر (حقوق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی) همه باهم حقوق بشر تام و بسیط را تشکیل می دهند دو حقوق بشر را به بخش های مختلف نمی توان تجزیه یا تقسیم کرد. کشور ها حق ندارند یک تعداد خاصی از حقوق بشر را به عنوان حقوق بشر بپذیرند و تعداد دیگر را رد و از حقوق بشر خارج کنند. برای مثال یک کشور نمی تواند حقوق بشر فرهنگی و اجتماعی را بپذیرد اما همزمان حقوق بشر سیاسی و اجتماعی را از حقوق بشر خارج کند و آن را جز حقوق بشر نداند. این نظریه، از حقوق بشر جهانی در مقابل حقوق بشر نسبی دفاع می کند که در حقوق بشر نسبی، حقوق بشر بر اساس فرهنگ های مختلف، مختلف می باشند و حقوق بشر ثابت که در همه فرهنگ ها یکسان باشد، وجود ندارد. برای ناقابل تقسیم بودن حقوق بشر اصطلاحات دیگری چون "به هم گره خورده"، "به هم پیوسته" نیز وجود دارد.

قلمرو؛ صلاحیت ذاتی (کشور/محکمه)

Inherent Jurisdiction (of country/Court)

عبارت است از موضوع اصلی محکمه که این موضوع در اختیارات و لایحه وظایف آن پیمان یا قانون مدونی که محکمه را به وجود آورده بیان می شود. قلمرو قدرت ذاتی، مسابلی را شامل می شود که محکمه حق حکم کردن درباره آن را دارد. برای مثال نسل کشی در حوزه قضاوت فطری محکمه قرار دارد و محکمه می تواند در باره آن حکم کند و این اختیارات قانونی بالای کشورهایی که در حوزه قدرت محکمه قرار دارند لازم الاجرا است و اختیاری نیست.

قانون بین المللی حقوق بشر

International Human Rights Law

قانون بین المللی حقوق بشر برای حفظ حقوق بشر و حفظ عظمت ذاتی انسان، اصولی را بیان می کند و از دو عنصر بزرگ تشکیل یافته است.

1. اصول حقوق بشر که در دوران صلح و امنیت قابل اجرا باشد.
2. اصول حقوق بشر که در دوران تعرض های مسلحانه قابل اجرا باشد. به این، حقوق بشر دوستانه نیز گفته می شود. بین این دو عنصر قانون حقوق بشر، نکته های مشترک وجود دارد و عده ای از دانشمندان حقوق بشر دوستانه را بخشی از قانون حقوق بشر نمی دانند.

مواردی را که این قانون شامل می شود عبارت است از: اصول حقوق بین المللی یا حقوق پیمانی که منبع شان پیمانهای بین المللی است، قانون عرفی بین المللی، اصول عمومی حقوق، درجه پایین قانون های نرم که از نظر قانونی به مرحله لازم الاجرا نرسیده باشد.

این نوع از قانون برای محدود کردن رفتار حکومت در حوزه اختیارات قانونی اش در مقابل حقوق بشر، اصولی را به وجود می آورد.

قضاوت - Judgment

تصمیم نهایی محکمه یا دیوان برای تصمیم گیری در باره موضوعات اصلی بین دو طرف دعوا.

قضایی - Judicial

اداره عدالت یا بخشی از یک سازمان که مسوولیت فیصله دعوی حقوقی از طریق تطبیق دادن قانون با واقعیت، تفسیر قانون را به عهده دارد. قضاییه، محکمه یا هیاتی است که به مقامات آن قضات گفته می شود. محکمه یا دیوان مجتمع یا هیات قضایی را تشکیل می دهند. محکمه بین المللی عدالت هیات قضایی به حساب می آید.

در مقایسه با قضاییه، "شبه قضایی" به ارگانی گفته می شود که مدیران آن قضات نمی باشند و به عنوان های دیگر چون اعضای کمیته یا اعضای کمیسیون یاد می شوند. مدیران شبه قضایی اتهام های راجع به نقض حقوق بشر را مورد بررسی قرار می دهد و اقدام دولت را طبق استانداردهای حقوقی بین المللی ارزیابی می کنند. کمیسیون سابق حقوق بشر اروپا و کمیسیون کشورهای امریکایی حقوق بشر دو مثال خوب برای "شبه قضایی" می باشند. این دو کمیسیون در باره قضیه تحقیق و بررسی می کنند و در شرایط تصمیمات و نظریه های شان به محکمه یا قضاییه برای بررسی دقیق ارسال می کنند و تصمیم نهایی یا قضاوت در باره قضیه ها توسط محکمه اعمال می شود. از نظر حقوقی تصمیمات هیات شبه قضایی لازم الاجرا نیست.

قانون – Law

قواعد تعهدی یا اجراءات یک جامعه؛ یک قاعده اجراءات یا اعمال که رسماً تجویز شده و به منحصبت تعهد و اجبار توسط مقامات کنترل کننده به رسمیت شناخته شده است؛ چیزیکه توسط قوه قانونگذار اعلام یا تصویب میگردد.

قانون برخورد مسلحانه – Law of Armed Conflict

بدنه نورمهای حقوقی بین المللی یک پیمان، قاعده و اصول عمومی که در رابطه به برخورد مسلحانه قابل تطبیق میباشد. قبلی آن راجع میشود به حق قانونی بین المللی در مورد استفاده از نیروی مسلح و بعدی آن راجع میشود به بدنه اصول و قواعدی که چگونگی استفاده نیرو (میتود و وسایل جنگی) را تنظیم میکند و نیز اینکه با متضررین چطور رفتار صورت گیرد. اصطلاح قانون برخورد مسلحانه بیشتر از اصطلاح قانون جنگ استفاده میشود بخاطریکه شامل برخوردهای مسلحانه غیر بین المللی و دیگر برخوردهایی که تخنیک جنگ را شامل نمیشود، میباشد. جنگ یک وضع حقوقی بین دولتها میباشد که ارتباط خویشرا تحت قانون بین المللی تعریف میکنند نه موجودیت محض خصومات را در بین آن ها.

قانون ملتها – Law of Nations

قانون بین المللی نیز به مثابه قانون ملتها تلقی میشود اگرچه قانون بین المللی به منظور نظارت بر ارتباط بین دولتها میباشد و نه ملتها و در مفهوم بین المللی، قانون ملتها بحیث قانون بین المللی عامه تعریف شده است. قانون ملتها یک اصطلاح عام میباشد و از اصطلاح لاتین Lex Gentium گرفته شده است. قانون بین المللی اصطلاح درستی است که امروزه استفاده میشود.

قانونیت – Legality

یک اصل قانون جرائم بین المللی صراحت دارد که هیچکس را نمیتواند بخاطر ارتکاب عملی مجازات گردد مگر اینکه ارتکاب آن عمل در قانون منع قرار گرفته و واضح و صریح باشد. بقدر لازم اعلام شده و قابل دسترس به اشخاص باشد تا که آنها اعمال و رفتار خویشرا بر مبنای آن تنظیم کنند و نیز اینکه تنفیذ قانون و ارتکاب عمل در چه زمانی صورت میگیرد. این اصل قابل تطبیق در قوانین داخلی و بین المللی میباشد. بعضی اوقات در قوانین مدنی نیز دیده میشود که در شرط محدود کردن مسئولیت تطبیق میگردد و به معنای اینست که محدود سازی توسط دولتها وقتی معتبر است اگر در قوانین مشخص و قابل دسترس که توسط یک منبع با صلاحیت صادر شده، تجویز گردیده باشد. این اصل بطور مقدماتی در قانون جزاء تطبیق گردیده است.

قانون ملتها – Lex Tentium

یک اصطلاح لاتین که به معنای قانون ملتها میباشد. قانون باستانی رومیها که بالای شهروندان غیر رومی حاکمیت داشت. مثلاً شهروندان دیگر ملتها که در روم ساکن بودند یا در میان رومیها و بیگانه ها بودند. این قانون بین المللی امپراتوری رومی بود. در قرون وسطی این اصطلاح بخاطر تفکیک کردن قانون بین المللی عامه استفاده میگردید.

قانون تولید شده – Lex Lata

یک اصطلاح لاتین بخاطر تعریف یک مفکوره مخالف که تعهدی است، در عمل نورم قانونی بصورت عموم توسط یک جامعه قبول میگردد. مثال: آزادی بیان یک قانون تولید شده میباشد در حالیکه حق یک حاکمیت دموکراتیک یک پیشنهادی میباشد. اصطلاح قانون تولید شده به حالت فاعلی استفاده میشود.

قانون خاص – Lex Speciales

یک قاعده خاص که بالای اصول عمومی حاکمیت قانون مسلط میباشد. این همچنان راجع میشود به یک قانون مشخص در یک عرصه عمومی قانون. مثلاً، آزادی بیان و عقیده میتواند ناشی از یک قانون خاص باشد که از اصل آزادی بیان پیروی میکند. این یک جایگاه ویژه ای از یک موضوع عمومی را برای رفتار هنجاری حک میکند. این اکثراً در تفسیر نورمهای یک پیمان منحصی یک قاعده تصریح میکند که یک قاعده خاص همیشه بالای یک قاعده عمومی که عین موضوع را احتوا میکند مسلط خواهد بود.

قیمومت – Mandate

محتوی یک قطعنامه یک هیئت از مردم که خواستهای یک گروه را بیان میکند تا قدرت معین محدود را به یک شخص یا یک هیئت واگذار یا محدود و مشخص گرداند تا فعالیت های معین را منحیث یک بخش برنامه یا پروژه به انجام رساند. قیمومت در حقیقت یک صلاحیت یا دستور برای انجام بعضی کارها میباشد. به یک شخص یا یک هیئت که قیمومت برای انجام بعضی کارها به آنها سپرده شده است، تنها میتوانند در حیطة همان قیمومت عمل کنند. عمل کردن خارج از حیطة قیمومت یک فرا عمل کردن است. حیطة ای که در آن یک شخص، گروه یا هیئت قانوناً توسط یک سازمان بخاطر انجام بعضی کارها در خود همان سازمان اجازه داده میشود. مثلاً: قیمومت ملل متحد در منشور ملل متحد وجود دارد.

قتل عام – Massacre

یک کشتار جسورانه و بدون تشخیص تعدادی از انسانها بطور بیرحمانه.

قصد جرمی – Mens Rea

حالت روانی ای که یک شخص باید در حین ارتکاب یا افعال یک عمل داشته باشد تا که بتوان برای ارتکاب جرم او را مسئول شناخت. قصد جرمی معمولاً باید با عمل یا افعال همراه باشد تا تشکیل دهنده عنصر مادی جرم گردد و شخص مرتکب جرم، مقصر شناخته شود. علم داشتن و قصد داشتن حالت قصدی را نشان میدهد.

قانون داخلی – Municipal Law

بصورت عموم راجع میگردد به قانون ملی یک دولت که تا مرزهای قلمرو همان کشور قابل تطبیق میباشد. "قانون شهری" یا "قانون داخلی" اصطلاحاتی اند که برای تفکیک چنین قانون از قانون بین المللی استفاده میگردد که بالای کشورهای شامل در جامعه بین المللی تطبیق میگردد.

آگهی: نورمهای حقوق بشر بین المللی که در پیمان وجود دارد، میتواند در داخل قوانین شهری یا داخلی از طریق قانون اساسی تسجیل گردد که بدان وسیله در داخل سیستم قانونی ملی منحصیث قانون شهری/داخلی تضمین میگردد.

قلمرو اشغالی - Occupied Territory

در قانون بین المللی جنگ، این اصطلاح به مناطقی گفته می شود که در تصرف نظامی نیروهای مسلح کشور دشمن یا کشوری است که بر این مناطق فرمانروایی قانونی ندارد. این اصطلاح به تصرف ستیزه جویانه نیز یاد می شود. قسمت زیادی از قانون جنگ (قانون بشر دوستانه)، محدودیت های نیروهای اشغال گر را بیان می کند.

قطعی ؛ معیار مطلق - Peremptory Norm

اصول نهایی قانون عمومی بین الملل به اصولی گفته می شود که جامعه جهانی تمام آن را پذیرفته و به رسمیت شناخته باشد و هیچ گونه قابلیت الغا یا تعلیق را نداشته باشد. تنها اصول نهایی دیگر که تمام مشخصات این اصول را دارا باشد می تواند جایگزین آن شود. تعهد به این اصول در حضور جامعه جهانی تعهد تام و کلی و غیر قابل استثناء است. طبق ماده 53 معاهده وینا حقوق نهایی یا قطعی قرار ذیل می باشد:

1. اصل حقوقی قانون عمومی بین الملل
2. اصل پذیرفته شده توسط تمام کشورهای جامعه جهانی.
3. مسلم و باطل نشدنی، غیر قابل فسخ یا ابطال.

کاربرد اصول نهایی بین المللی حفاظت از ارزش های نهایت مهم بین المللی و محدود کردن قوانینی است که در توافق بین دو کشور ایجاد شده و به ارزش های بین المللی آسیب وارد کند. توافقی که بر خلاف این اصول باشد و تخطی از این اصول را به دنبال داشته باشد، فاقد جنبه مشروعیت می باشد.

قاعده معترض مُصر - Persistent Objector Rule

تئوری قانون عرفی بین المللی، صراحت دارد که یک کشور توسط یک قانون عرفی بین المللی ملزم نخواهد بود در صورتیکه بطور پیوسته و از همان آغاز رای مخالف با عقاید عمومی دارد که یک طرز العمل معین به یک نورم تعهدی تبدیل شده است. عده ای میگویند که موجودیت معترض مُصر بعمل آمدن عرف عمومی را مانع خواهد شد؛ بعضی ها میگویند که اینطور نخواهد شد. این استدلال نظر به مفهوم قانون بین المللی است که به اساس رضایت دولت حاکم میباشد.

قانون شکنی ؛ تخلف سیاسی - Political Offence

عمل هایی که به طور مجرمانه و به منظور رسیدن به هدف سیاسی یا با انگیزه سیاسی صورت گیرد. تقصیرهای سیاسی به طور معمول از پیمان استرداد مجرم استثناء می باشد. این پیمانها شامل این مورد نمی شود. اگر فردی عملی را که تقصیر سیاسی به شمار می آید انجام دهد طبق قانون پیمان استرداد مجرم، اخراج و به کشور اصلی اش تسلیم خواهد شد. ترور شخصیت های سیاسی نمونه ای از اعمالی است که تقصیر سیاسی بودن آن ادعا می شود یعنی بعضی ها ترور چهره های سیاسی را نیز از جمله قانون شکنی های سیاسی می شمارند. دلیل گرایش به محدود کردن دایره این دکترین و محدود کردن تعریف این اصطلاح این است تا این دکترین مورد سوء استفاده تروریست ها قرار نگیرد و ضرورت محروم کردن تروریست ها از پناهگاه امن نیز چنین گرایش را به وجود می آورد.

قانون بین المللی مثبت - Positive International Law

این قانون عبارت است از قانون بین المللی که در معاهده ها دیده میشود و مقامات باصلاحیت سازمان های بین المللی از قبیل سازمان ملل و شورای اروپا طبق روند تاسیس معیار حقوق بشر مخصوص خودشان، این قانون را تاسیس می کنند. قانون مثبت بین المللی در مقایسه با حقوق طبیعی و نظریه های دیگر حقوق بالاتر استعمال می شود.

قوم - Tribe

قوم یک گروه انسانی است که فرهنگ خاص خود را دارد. بر این اساس قومیت خود، آگاهی سیاسی گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی و نژادی در یک سرزمین است. قومیت به عنوان یکی از عناصر فرهنگی شناخته می‌شود، که هویت آن به روشهای مختلف از جمله نژاد، زبان، مذهب و یا کشور محل تولد قابل درک است؛ به نحوی که ترکیبی از این ویژگیهای قدیم، جوامع را از یکدیگر متمایز می‌سازد. پس گفته می‌توانیم که قومیت به گروه‌های زبانی، نژادی و مذهبی اطلاق می‌گردد، که دارای فرهنگ متمایز از دیگران هستند.

کمیسیون - Commission

گروه از افراد که از طرف کدام هیات، برای بازرسی نزاع داخلی و پیشنهاد حل برای آن نزاع، گماشته شده باشند این گروه با مسایل از قبیل سمع شکایات در مورد نقض حقوق بشر، مطالعات و راپوردهی در مورد نقض حقوق بشر، سرو کار دارند. کمیسیون حقوق بشر ملل متحد (که کنون بنام شورای حقوق بشر نامیده می‌شود) نمونه‌ای از کمیسیون است.

کمیسیون حقوق بشر - Commission on Human Rights

کمیسیون حقوق بشر ملل متحد به عنوان هیات کمی زیر نظر شورای اقتصادی و اجتماعی، برای معامله با مسایل حقوق بشر و توسعه معیارها از طریق نوشتن پیمان‌ها و بنیانگذاری دیگر معیارهای حقوق بشر. این، مهمترین کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و مطرح ترین مرجع است. این کمیسیون متشکل از 53 کشور عضو است که از تمام نقاط جهان نماینده گی می‌کنند. کشور اعضای این کمیسیون با استفاده از ظرفیت های وکالتی شان، برای ترقی منافع کشورشان کار می‌کنند.

کمیته - Committee

گروهی از افراد که اداره یک قضیه، تفکر و تصمیم گیری درباره آن قضیه، مربوط به آن ها باشد. مثل هیئت مؤلف، کمیسیون یا قوه مقننه بین المللی که برای وظیفه خاص از جانب کدام سازمان جهانی نماینده گی داشته باشد. برای مثال کمیته حقوق بشر، در ماده 28 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی (ICCPR) تاسیس و تصویب می‌شود، این کمیته شامل گروه از اعضای مسلکی است که بر اجرای پیمان توسط کشورها نظارت دارند. البته کشورهای که از لحاظ قانونی مکلف به پیروی از پیمان باشند. منبع اختیارات یا بنیانگذار یک کمیته می‌تواند این کمیته را به عنوان یک گروه شبه قضایی تاسیس کند. برای مثال: کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد.

کمیسیون فرعی در رابطه به جلوگیری از تبعیض و حفاظت اقلیتها

Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities

این هیات حقوق بشر که توسط کمیسیون حقوق بشر ملل متحد برای محافظت از احترام به حقوق بشر تاسیس شده است، یکی از پسندیده ترین هیات های کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و دارای 26 عضوی است که از جانب این شورا تعیین می‌شود. اعضای این هیات را افرادی متخصص و خبره تشکیل می‌دهند که عضویت شان در این هیات بر اساس ظرفیت و لیاقت فردی شان است یعنی این اعضا، کاملاً مستقل بوده و به نمایندگی از کشورهای شان در این کمیسیون عضویت ندارند. این هیات برای رفع هرگونه تبعیض راجع به حقوق بشر و آزادی های اولیه و برای حمایت از اقلیت های مذهبی، قومی، لسانی و نژادی اقدام می‌کند و در باره موضوعات گسترده حقوق بشر از قبیل تعصبات مذهبی و غیره و وضعیت حقوق بشر

در کشورهای خاص، تحقیق می نمایند و نتیجه تحقیق شان را به شورآگزارش می دهند و بیشتر وقت شان را برای تحقیق نقض های خاص حقوق بشر صرف می کنند.

کمیسیون حقیقت یابی - Truth Commission

عبارت است از محکمه ای که حکومت آن را به منظور افشا کردن عوامل نابسامانی ها و آشوب های ملی از قبیل جنگ داخلی، رژیم نژاد پرست و غیره را تاسیس و اعضای این محکمه را از میان طبقات مختلف جامعه انتخاب می کند. این کمیسیون به سوال های از قبیل مقتول کیست؟ قاتل کیست؟ چه کسی دستور قتل را داده است؟ و کی ناپدید شد؟ چه کسی او را ناپدید کرد؟ قربانی فعلی حادثه کیست؟ و غیره، جواب می دهد و همچنین به سوال های دیگر از قبیل عاملین ترور مقامات حکومتی چه کسانی اند؟ قبرهای دسته جمعی در کجا واقع اند؟ مدافعین حقوق بشر را چه کسانی دستگیر کرده اند؟ کمیسیون حقیقت یابی، گاهی از هر دو طرف قضیه شواهد و مدارک جمع آوری می کند تا مردم را از آنچه در پشت صحنه روی می دهد با خبر سازد و مسوولیت فردی یا گروهی را تعیین کند. کمیسیون حقیقت یابی، زمانی به کار شروع می کند که پیگرد قانونی و جنایی و راه حل های مدنی به دلایل خاص، ممکن یا مرغوب نباشد. کمیسیون حقیقت یابی که در افریقای شمالی در دوره جدایی و نفاق بین سیاه پوستان و سفید پوستان تاسیس شده بود یکی از مثال های کلاسیک این کمیسیون است. همانطور که تاریخ ثابت کرده است این کمیسیون علاوه بر پرده برداری از واقعیت ها می تواند عدالت را در جامعه پیاده کند و درد های مردم را با اتحاد دوباره، بازسازی، و درمان ضربه های روحی گذشته التیام بخشد.

کنوانسیون ویانا در باره قانون پیمانها (ملل متحد 1969) Vienna Convention on the Law Of Treaties (UN 1969)

عبارت است از پیمان سال 1969 ملل متحد که در سال 1980 به مرحله نفوذ وارد شد. این پیمان که به نام پیمان روی پیمان نیز یاد می شود اصول معاهده سازی و اصول تفسیر آن را بیان می کند. این پیمان، بیشتر برای مشخص کردن تعهد های بین المللی در پیمانها و قوانین تطبیق و تفسیر متن آن ها به کار برده می شود. این پیمان به اندازه زیاد به عنوان بیانیه قانون عرفی بین المللی پذیرفته شده است و بالای همه کشورها لازم الاجرا است حتی کشورهای که در خود این پیمان عضویت ندارند. توجه! پیمان ویانا را که در سال 1969 تاسیس شد با بیانیه و برنامه عملی ویانا، خلط نشود زیرا دومی برخلاف اول، پیمان نیست بلکه تنها اعلامیه است.

کناره گیری (از پیمان) - Withdrawal

عملی که با آن کشور متعهد، تعهد حقوقی اش را از پیمان طبق ماده کناره گیری پیمان پس می گیرد. کشورهایی که می خواهند خود را از معاهده کنار بکشند سند رسمی و قانونی کناره گیری را به کشور یا سازمان نگهدارنده تسلیم می کند و بدین طریق عضویت شان در معاهده را لغو می کنند. در بسیار از معاهده ها، ماده کناره گیری در قسمت آخر معاهده گنجانده می شود.

کنوانسیون - Convention

توافق حقوقی لازم الاجرا و چند جانبه بین دولت ها برای تنظیم مسائلی که مربوط به همه آن ها می شود و این توافق توسط قانون بین المللی اداره می شود این اصطلاح در عنوان پیمان های خاص به کار برده می شود مثل کنوانسیون حقوق اطفال. این لفظ تقریباً با الفاظی چون پیمان، میثاق و عهد هم معنا است که همه این الفاظ به معنای سند حقوقی بین المللی است. معاهده ها بیشتر چند جانبه می باشند یعنی بین بیشتر از دو دولت و معاهده، اصولی را تاسیس می کند که از نظر حقوقی بالای همه آن کشورهای که معاهده را به تصویب رسانده اند لازم الاجرا است. البته بین الفاظ یاد شده تفاوت های کوچک و معنا دار وجود دارد. از نظر معنای روانشناسی معاهده به معنای گرد هم آمدن است.

این سندهای جهانی برای رفتارهای دولت‌ها اصولی را تاسیس می‌کنند و با مسایل از قبیل حقوق بشر معامله می‌کنند. این سندها معمولاً به روی همه کشورها به منظور شرکت کردن تمام جامعه جهانی به روی همه باز است. این اصطلاح به معنای عمومی برای قانون معاهده مثبت نیز استعمال می‌شود. بعضی اوقات یک اصطلاح مثل "Convention" به جای لفظ دیگر چون "Treaties" استعمال می‌شود تا آن پیمان‌ها "Treaties" را از دیگر منابع قانون بین‌المللی چون قانون عرفی جهانی و اصول عمومی قانون مشخص نمایند.

کشورهای در حال توسعه - Developing Countries

عبارت است از کشور، دولت یا ملتی که درآمد حد وسط آن کمتر از درآمد کشورهای صنعتی جهان بوده و اساس عمده اقتصادش صادرات محصولات اندک باشد. که به این کشورها کشورهای توسعه نیافته نیز گفته می‌شود. این اصطلاح به طور ضمنی این معنا را می‌رساند که این کشورها برای بالابردن معیارهای زنده‌گی شان در روند توسعه قرار دارند.

کنوانسیون نسل‌کشی (ملل متحد 1948) Genocide Convention (UN 1948)

پیمان بین‌المللی که توسط اعضای ملل متحد در 1948 اتخاذ گردید تا نورم پیمانی حقوقی را که مجازات را برای عمل نسل‌کشی تعریف میکند تاسیس نماید. عنوان کامل آن "کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرائم نسل‌کشی" میباشد و بر علاوه تعریف نسل‌کشی، مسئولیت بین‌المللی جنایت را برقرار میکند و در صورت اعمال تخطی گرایانه به تمام کشورهای طرف صلاحیت پیگرد این تخطی‌ها را در محاکم میدهد.

کمک‌های انسان‌دوستانه - Humanitarian Assistance

فراهم کردن وسایل آرامش، جعبه‌های غذا، و دارو به مردمی که هدف و قربانی فاجعه انسانی، عمومی یا طبیعی قرار گرفته‌اند. بعضی‌ها کمک انسان‌دوستانه را از نوع "نسل سوم حقوق بشر" می‌دانند.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ International Committee of the Red Cross

- مقر این سازمان غیردولتی در سوئزرلند و ژینو می‌باشد و در زمینه‌های ذیل فعالیت دارد
- 1- تعیین معیارها و انتخاب پیمان‌ها در قوانین بین‌المللی حقوق بشر.
 - 2- نظارت بر اجرای اصول حقوق بشر.
 - 2- بازدید از اسیران جنگ.
 - 3- نظارت بر روش کمک به غیرنظامیان در برخورد های داخلی و بین‌المللی.
 - 4- فعالیت‌های بشر دوستانه در حالات اضطراری چون زلزله یا طوفان‌های دریایی.

کشور/دولت عضو - Member State

یک دولتی که عضو یک سازمان (بین‌المللی/منطقه‌ای/غیره) میباشد. عضویت دولت توسط کشور تصویب کننده منشور یا دیگر مولفه سند پیمان که سازمان را تاسیس میکند، حاصل میگردد. معمولاً تنها کشورهای عضو میتوانند در فعالیت‌های ذیدخل باشند و روی قطعنامه سازمان رای بدهند زیرا که آنها دارای منافع دوطرفه در یک رابطه حقوقی قرار دارند. مثال: توسط تصویب منشور سازمان ملل، یک کشور عضو ملل متحد میگردد.

کارهای مقدماتی - Preparatory Works

این اصطلاح مترادف اصطلاح تاریخچه قانونگذاری و عبارت است از اسناد نوشتاری کارهای دیپلماتیک (از قبیل مذاکره و بحث در باره گزینش متن یک معاهده) که زمینه را برای تاسیس سند معاهده فراهم می کند وگاهی برای تفسیر معاهده از این اسناد نوشتاری به عنوان کمک نیز استفاده می شود. تاریخ قانونگذاری، بررسی ها، و مذاکره ها در باره الفاظ و عبارات معاهده، سیطره و محتوای اصول معاهده که نظر نویسندگان از آن به دست می آید، همه در این اسناد گنجانده می شود.

کمیساری عالی برای حقوق بشر High Commissioner for Human Rights

عبارت است از یکی از مقام های پایینتر از مقام دبیری که توسط پیمان 141/48 سال 1993 در مجلس عمومی ملل متحد تاسیس شد. مجلس عمومی ملل متحد فردی را برای نظارت تام بر تمام فعالیت های حقوق بشر ملل متحد انتخاب می کند. در سال 1997، مقام نماینده برای حقوق بشر، به شکل مرکز حقوق بشر ملل متحد که در ژینو موقعیت دارد، تغییر شکل داده شد.

نماینده گی ملل متحد تمام فعالیت های حقوق بشر را با تکیه و تمرکز روی سه مورد هماهنگ می کند: (1) توسعه سیاست و گردآوری و تحلیل معلومات در باره حقوق بشر؛ (2) تقویت هیات ها و سازمان های حقوق بشر از جمله توجیه و هماهنگ کردن میکانیسم حقوق بشر؛ (3) حفاظت از حقوق بشر و ارتقاء آن با عمل های خاص.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر European Convention (on human Rights)

معاهده اروپایی حقوق بشر یا معاهده اروپا عنوان کوتاه معاهده در باره حفاظت از حقوق بشر و آزادی های بنیادی، است که این قرار داد توسط شورای اروپا در سال 1950 تصویب شد. این شورای اروپایی، سازمان منطقوی است که در ابتدا از کشورهای اروپای غربی تشکیل شده بود و حالا بسیاری از کشورهای اروپای شرقی نیز در این شورا عضویت دارند. این پیمان، پیمان منطقوی است که در محوطه شورای اروپا توسط کمیسیون حقوق بشر اروپا (که مرکب است از کمیته وزیران و سیستم محکمه ای) نظارت می شود.

کشتن - Killing

از حیات محروم کردن بدون اصول لازمه حقوقی. اگر قربانی آن اهالی آسایشته و بدون سلاح باشند، یا شخصی نظامی بدون اسلحه، در آن صورت پایمال کردن حقوق انسان محسوب میگردد.

کشتار (قتل عام) - Massacre

کشتن اشخاص بی سلاح که آنها در یک محل معین و وقت معین جمع آورده میشوند. برخلاف کشتار جمعی (نسل کشی) که قربانیان آن قبلا دچار تبعیض نمیگردند. کشتار اجازه داده شده، عمل سنگدلانه و اکثرا در اثر نتیجه جبر و زور مقامات که قدرت (صلاحیت ایشان) ناشی از قوه های حربی و یا نیمه حربی بوده و در برخی عملیات رسما اجازه دارند، میباشد. قربانیان آن اهالی ملکی که بی دفاع اند و مقاومت نمیکنند، میباشد.

کشتار (قتل) نژادی - Racial Killing

کشتار از طرف نمایندگان دولت، اشخاص انفرادی و گروه های تبهکار که قربانیان آن به سبب منسوبیت نژادی یا رنگ و پوست گرفتار این عمل میگردند، می باشند.

گزارش، میکانیسم و طرز العمل بر اساس کشور Country-specific procedure/mechanism/reports

این لفظ بیانگر میکانیزم و گزارش بین المللی و بین الدولی برای تطبیق اصول حقوق بشر است که بیشتر روی کشورها تکیه می کند تا موضوعات. میکانیزم کشوری، مطالعه عمیق وضعیت حقوق بشر در کشورهای خاص است. هدف از میکانیزم تطبیقی کشوری، نظارت بر وضعیت در کشورهای خاص است. گزارش دهی کشوری توسط کسانی انجام می گیرند که به آنان اختیار تام برای مطالعه عمیق در مورد وضعیت یک کشور داده شده است. در مقابل این گزارش و میکانیزم کشوری میکانیزم موضوعی قرار دارد که بیشتر موضوع ها را تحت پوشش قرار می دهد تا کشور ها را.

گزارشگر – Rapporteur

یک لغت فرانسوی عنوانی را که به یک شخص توسط یک هیات داده شده است مشخص میکند، مثلا، کمیسیون ملل متحد در مورد حقوق بشر، تعیین شخصی از بین اعضای خود که یک گزارش رسمی از کار مجمع تهیه کند. گزارشگر کسی است از جریان مسائل و ملاقاتها یادداشت ها برمیدارد تا که یک گزارش تحریری را تهیه نماید. این اصطلاح یک کمی متفاوت از "گزارشگر ویژه" میباشد که در مورد وضع حقوق بشر در یک کشور خاص یا روی یک مسئله خاص حقوق بشر گزارش تهیه میکند، طور مثال، نابرابری ها مذهبی. (رجوع شود به گزارشگر ویژه)

گزینش- Selectivity

این اصل حقوقی به معنای انتقاد گزینشی و تبعیض آمیز استعمال می شود. بعض کشورها یا سازمان های جهانی در انتقاد از نقض حقوق بشر توسط بعض کشورها گزینشی و تبعیض آمیز عمل می کنند، این انتقاد را براساس دشمنی سیاسی یا ایدئولوژیکی با آن کشورها انجام می دهند، از حقوق بشر برای فرونشاندن عقده های سیاسی شان سوء استفاده می کنند و کشورهای دیگر را با آنکه مستحق انتقاد اند نا دیده می گیرند. اصل عدم تبعیض درست متضاد این اصطلاح است که به معنای بررسی و انتقاد غیرجانبدارانه استعمال می شود. طبق اصل عدم تبعیض کشورها یا سازمان های بین المللی حق ندارند به خاطر غرض های سیاسی یا ایدئولوژیکی تنها کشورهای خاص بطور مثال کشور های اسلامی، کمونیست یا غیر این ها را مورد انتقاد قرار دهد بلکه در انتقاد از نقض حقوق بشر باید به همه کشورها مساویانه و واقع بینانه نگاه کنند.

گزارشگر خاص - Special Rapporteur

کسی که به اساس تجربه اش از جانب هیات حقوق بشر برای مثال از جانب کمیسیون حقوق بشر ملل متحد برای گزارش دهی درباره موضوع خاص از قبیل شکنجه یا خشونت علیه زنان یا در باره کشور خاص، انتخاب شده باشد. گزارش دهنده خاص گزارش را به هیاتی ارایه می کند که از گزارش، برای مذاکره، بررسی و تصمیم گیری استفاده می کنند. گزارش دهی در باره موضوع خاص به گزارش دهی موضوعی یاد می شود درحالیکه گزارش دهی در باره کشور های خاص به گزارش دهی کشوری یاد می شود.

گروهی کاری - Working Group

گروهی از افراد که برای انجام دادن و سروکار داشتن با مسایل خاص و محدود از جانب کدام سازمان توظیف شده باشند. این گروه معمولا از بین اعضای سازمان اصلی انتخاب می شوند و با مسایل مربوط به حقوق بشر از قبیل ناپدید شدن اجباری، قابل ملاحظه بودن شکایات و غیره که از جانب سازمان، تعیین می شود معامله می کنند. برای مثال گروه کاری ملل متحد برای ناپدید شدن اجباری که تحت شورای حقوق بشر ملل متحد اداره می شود یکی از گروه های کاری است که با مسایل مربوط به افراد گمشده یا ربوده شده سروکار دارد.

گفتار نفرت آور- Hate Speech

گفتاری که در دیگران نسبت به افراد یا گروهی از افراد به خاطر ویژه گی های نژادی، مذهبی یا ملی آن گروه یا افراد، نفرت ایجاد کند و مردم را از آن ها متنفّر سازد.

گزینشی نبودن (بررسی وضع حقوق بشر)- Non selectivity

خلاصه و چکیده این اصل این است که بررسی اوضاع حقوق بشر در کشورها باید عادلانه و مساویانه باشد و از حقوق بشر برای بدنام کردن کشورهای خاص نباید سوء استفاده شود. یعنی براساس اختلافات، عقده یا مخالفت های سیاسی یا ایدئولوژیکی با کشور یا کشورهای دیگر (برای مثال: کشورهای کمونیست یا کشورهای اسلامی) نباید آن کشور یا کشورها را به نقض حقوق بشر متهم کرد. سازمان های بین المللی نباید بررسی های شان را درباره حقوق بشر به کشورهای خاص محدود کنند و کشورهای دیگر را که صلاحیت بررسی شدن را دارند نادیده بگیرند. طبق این اصل، در بررسی وضع حقوق بشر، به همه کشورها باید به طور مساویانه نگاه شود.

گرسنگی و سوء تغذیه - Hunger and Malnutrition

گرسنگی وضع جسمانی است که بر اثر کمبود جدی مصرف غذا رخ میدهد. شخص گرسنه بدون آنکه مداخله دیگری موجود باشد، جان می دهد. گرسنگی برای انسان مرگ آور است. تعداد مردمی که در گرسنگی به سر میبرند معلوم نیست. سوء تغذی آنقدر جدی نیست که باعث هلاکت شخص گردد. سوء تغذی مرگ آور نیست. سوء تغذی بعضاً از روی 60 % نا رسانی وزن بدن انسان، به تناسب سن و سال آن معین کرده میشود. نگاه کنید همچنین حقوق غذا.

گروه محروم - Disadvantaged group

عبارت است از گروه اجتماعی مثل زنان، پناهنده گان، معلولین و فقرا که بیشتر قربانی رفتارهای تبعیض آمیز عمدی یا سیستماتیک قرار گرفته و برای تعلیم، کاریابی، امتیازات اجتماعی و دسترسی به عدالت، فرصت و موقعیت محدود داشته باشند.

گروه اقلیت - Minority Group

گروه که نسبت به دیگر اهالی دولت اقلیت را تشکیل میدهند، از امتیازهای کمتر برخوردار میباشند. اعضای گروه اقلیت هرچند تبعه کشور اند دارای تفاوت های ملی مذهبی یا زبانی میباشند که باعث جداسازی ایشان از دیگر اتباع کشور میگردد. طبیعتاً اعضای چنین گروه ها را حس یکدلی و خواهش حفظ فرهنگ، عنعنه ها، مذهب و زبان متحد میسازد. اعضای چنین گروه میتواند در حالت اقلیت قرار داشته باشند با وجودیکه در عمل اکثریت را تشکیل دهند. اقلیت نه به تعداد اشخاص گروه بلکه با خصوصیت های فرق کننده آنها معین میشوند. خصوصیت خاصی فرق کننده اقلیتها اینها اند:

1. اعضای اقلیت نسبت به گروه های دیگر در حالت نامساعد میباشند،
2. اقلیت از راه علامت های آشکار فرق کننده گروه ها شناخته میشود؛
3. اقلیت گروه از اشخاص اند که خود را چنین درک میکنند و به خصوصیت خود اطمینان کامل دارند؛
4. عادتاً اشخاص بطور اختیاری اعضای چنین گروه نمیشوند بلکه آنها همینطور بدنیا میآیند؛
5. اعضای اقلیت بسبب ضرورت یا انتخاب ازدواج با اعضای گروه خود را ترجیح میدهند چون گروه خود را برتر میدانند.

لازم الاجرا یا الزام آور - Binding

اصطلاح حقوقی که بیانگر نوع یک اصل قانونی است به عنوان استاندارد رفتار که یک دولت باید از لحاظ قانونی از آن پیروی کند. این یک نیاز مندی واجب و لازم الاجرا است. این اصطلاح برای توصیف قرار دادی است که توسط حکومت تصویب شده است. بعد از تصویب معاهده توسط دولت و ورود سند به مرحله انفاذ، معاهده با لای حکومت لازم الاجرا است. و حکومت باید از آن اطاعت نماید. بعد از تصویب معاهده، معاهده لازم الاجرا، باید با هیچ تفاهم/بیانیه و مصلحت همراه نباشد. سر پیچی دولت از معاهده لازم الاجرا، به نقض معاهده منجر می شود.

لازم الاجرا فی نفسه – Self-executing

ماهیت حقوقی یک معاهده که ماده های آن بعد از تصویب خود به خود به قانونی داخلی یک کشور تبدیل می شود و بالای آن کشور لازم الاجرا می گردد. برای تبدیل ماده های این نوع معاهده به حقوق شهری، به هیچ اقدام مقامات باصلاحیت آن کشور نیاز نیست. این نوع معاهده ها فوراً بعد از تصویب لازم الاجرا می گردد و برای لازم الاجرا شدن این معاهده ها به قانونگذاری اجرایی در قانون ملی نیاز نیست.

لايحه وظايف - Term of Reference

لايحه وظايف یک ارگان عبارت است از مجموعه دستورات و قوانینی که مسوولیت ها و وظیفه های یک ارگان یا یک هیات در آن بیان می شود. لایحه وظایف، اعمال و حرکت های مجاز یک ارگان رسمی و اعمال مشروع و غیرمشروع آن را بیان می کند. خلاصه، لایحه وظایف کارهایی را که یک هیات باید آن را انجام دهد تعیین می کند و ارگان حق ندارد کارهایی را که در لایحه وظایف آن گنجانده نشده است انجام دهد.

لايحه ؛ اعلاميه حقوق بين المللي International Bill of Rights

این اصطلاح در زمینه حقوق بشر برای بیان حقوق بشر، آزادی های بنیادی و اولیه و میکانیزم تطبیقی که در چهار سند کلیدی و بین المللی حقوق بشر گنجانده شده است، استعمال می شود. چهار سندی که لایحه بین المللی حقوق بشر را تشکیل می دهند قرار ذیل می باشد.

1. اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948).
 2. کنوانسیون بین المللی ملل متحد در باره حقوق سیاسی و مدنی (1966).
 3. پروتوکول انتخابی (اول) پیمان بین المللی ملل متحد درباره حقوق سیاسی و مدنی.
 4. کنوانسیون ملل متحد در باره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1966).
- بعضی سکتورهای جامعه حقوق بشر، پروتوکول انتخابی دوم را در باره لغو اعدام در کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی شامل کرده اند.
- تمام حقوق بشر و شیوه هایی که از طرف جامعه جهانی برای حفظ عظمت و وقار انسان ضروری تلقی شده است در این چهار سند بیان شده است.

منازعات مسلحانه داخلی - Internal Armed Conflict

تنش مسلحانه که تنها در محدوده یک کشور و بین احزاب و گروه های موجود در آن کشور روی می دهد، دو طرف تنش را گاهی حکومت و فرقه دیگر و گاهی فرقه های غیر حکومتی تشکیل می دهند. بسیاری از این تنش ها در قوانین بین المللی حقوق بشر در ماده سوم قرارداد های چهارگانه ژنیو سال 1949 گنجانده شده است. و بعضی از اصول قوانین عرفی بین المللی نیز در این زمینه قابل اجرا می باشد.

موقت - Ad Hoc

در عموم به معنای "مربوط به هدف محدود خاص یا مدت خاص" میباشد.

1. گروه کاری موقت: یک گروه کمی که در داخل یک سازمان ایجاد میگردد تا فقط در محدوده یک مسئله خاص کار نماید.
2. محکمه موقت: یک مجتمع قضایی که بمنظور کار بالای قضایای مشخص حقوقی ویا بالای موضوعات مشخص کار نماید. مثلاً: جنایات جنگی. محکمه نظامی بین المللی در سال 1945 یک محکمه موقت بود که فقط بخاطر بررسی جنایات نازیهای شامل در جنگ جهانی دوم ایجاد شد.
3. قاضی موقت: یک قاضی که مخصوصاً برای یک قضیه خاص خواه به تنهایی و یا منحیث عضو یک گروه قضات تعیین میگردد تا بالای موضوع قضاوت نمایند. ویا قاضی مؤقت (ویژه) محکمه جزائی بین المللی که توسط عضوی (دولت) از دیوان که هیچ قاضی از کشور خود در میان قضات مسئول در قضیه مطروحه نیست، انتخاب می شود تا بر موضوع مشخص قضاوت نماید.

مکانیزم طرز العمل مربوط به کنوانسیون Convention(al)mechanism/procedure

مکانیزم حقوق بشر که درسند پیمان حقوق بشر و توسط پیمان حقوق بشر تاسیس شده است. برای مثال مکانیزم شکایت بین الدولی شورای حقوق بشر ملل متحد طرز عمل پیمانی ICCPR به حساب می آید

محقق - A Fortiori

قید لاتین که برای اظهار یک استدلال یا موضوع معین که خیلی نزدیک به واقعیت بخاطر منطق و حقایق قوی باشد، استفاده میگردد. این به معنای چیزی است که همراه با دلایل قوی باشد. مثلاً: اگر یک بمب غیر اتمی باعث مرگ مردم میشود، "محقق" یک بمب اتمی اگر در عین مکان استفاده شود تلفات خیلی زیاد مردم را در پی دارد.

منشور آفریقای حقوق بشر و مردم

African Charter on Human and Peoples' Right

یک پیمان عمومی حقوق بشر که توسط سازمان وحدت آفریقا پذیرفته شده است. پیمان منطقوی آفریقا که در نایروبی، کینیا در 1981 صورت گرفت. بعضی اوقات به اسم منشور آفریقا یا منشور بانجول یاد میگردد. این پیمان توسط کمیسیون آفریقا روی حقوق بشر و مردم نظارت می کند.

معاوضه - Quid Pro Quo

چیزی که به طور معاوضه برای حاصل کردن چیزدیگر داده یا پذیرفته می شود. چیزی که کسی برای حاصل کردن هدف نهایی ورسیدن به آرزوی نهایی اش با آن معامله می کند یا به آن راضی می شود. بطورمثال اگر حکومت به شخص عارض مقداری پول بپردازد ودر عوض از شاکی بخواهد تا از شکایتش صرف نظر کند در این صورت به پول پرداخت شده، معاوضه(Quid Pro Quo) گفته می شود.

محدودیت - Restriction

محدود کردن حقوق بشر حقیقی، ایجاد محدودیت برای ماده های معاهده حقوق بشر در بند های شرطی یا تحدیدی آن معاهده ها. ماده های قیدی یا تحدیدی، قیدها وشرط های مجاز یک کشور را بیان می کند. این قید ها ومحدودیت ها باید مورد تایید قانون باشد وبا اهداف ومقاصد معاهده در تضاد نباشد واین قید ها یا محدودیت ها باید برای حاصل کردن مقاصد مشروع وقانونی ایجاد شده باشند. برای معلومات بیشتر تعریف Limitation را مطالعه کنید.

مجرم شمردن خود - Self Incrimination

طبق این حق بشری که در جمله لاتینی "*nemo tenetur edere contra se or non accusare se debet*" بیان شده است، حکومت نباید کسی را مجبور کند تا بر خلاف خودش چیزی بگوید، برخلاف خودش شهادت دهد یا برخلاف خودش مدارک فراهم کند و در جریان دادخواهی جنایی حکومت نباید کسی را به شهادت و اعتراف اجباری مجبور کند. پیروی نکردن از این اصل به رد پذیرش ورودی شهادت، اعتراف اجباری منجر می شود یعنی مدارک، شواهد و اعتراف اجباری از جانب متهم برخلاف خودش، صلاحیت این را ندارد که مورد ملاحظه و بررسی قرار بگیرد.

مصونیت حاکمیت - Sovereign Immunity

طبق این نظریه حقوقی، قانون ملی یک کشور مستقل حق ندارد کشور مستقل دیگر را در محکمه بدون رضایت صریح یا ضمنی اش استعمال کند. این به این معنا نیز استعمال می شود که یک کشور مستقل نمی تواند از طرف کشور مدعی علیه بدون رضایتش نقش مدعی علیه را بازی کند. به طور معمول این گونه بیشتر در کارهای اجتماعی به رسمیت شناخته می شود نه در کارهای خصوصی.

مقام مشورتی خاص - Special Consultative Status

عبارت است از مقام مشورتی که از جانب شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد به یک سازمان غیر دولتی اعطا می شود. سازمان غیر دولتی که این مقام را دارا است با مسایلی معامله می کنند که معامله با آن ها کار ارگان های حقوق بشر است. این مقام به یک سازمان غیردولتی اجازه می دهد تا در کار ارگان های مربوط به حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، سهم بگیرند. برای مثال گذارش دهی کتبی یا شفاهی و دخالت در مسایل حقوق بشر که همه کارهای ارگان های حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد می باشند. مقام مشورتی، لقبی است که برای تشخیص مقام طبقاتی سازمان غیر دولتی که در سال 1996 تاسیس شد و قبلا به نام **طبقه دوم** یاد می شد.

معیار - Standard

این کلمه تقریباً با کلمه هنجار (Norm) هم معنا است. استاندارد، عبارت است از معیار دقیق حقوقی که رفتار یک دولت را راجع به حقوق بشر، ارزشیابی و بررسی می کند. استاندارد، سطح رفتاری را بیان می کند که یک کشور برای برآوردن تعهد حقوقی اش نسبت به حقوق بشر، باید آن را دارا باشد.

State Responsibility for the treatment of Aliens مسوولیت دولت برای رفتار با اتباع بیگانه -

این اصل قانون کلاسیک بین المللی، در واقع زیربنای تاریخی برای حقوق بشر جدید به حساب می آید. طبق این اصل مسوولیت قانونی و تعهد حقوقی هر کشور ایجاب می کند تا رفتار هایش با اتباع بیگانه مطابق پایینترین معیارهای تمدن بشر باشد. وقتی یک تبعه خارجی در یک کشور زخمی می شود از لحاظ حقوقی این کشور مدیون کشور تبعه خارجی می شود و باید برای زخمی شدن تبعه خارجی جبران خساره یا غرامت پرداخت کند و تبعه خارجی حق دارد از کشور متخلف غرامت دریافت کند.

معنای دقیق و صریح - SRICTO SENSU

مقصود از این قید لاتینی عبارت است از تفسیر کردن باریک و محدود یک متن هنگام خواندن آن در مقابل تفسیر وسیع و گسترده و آزاد از یک متن، به این معنا که هنگام خواندن یک متن باید معناهای محدود را از آن استخراج کنیم نه معنای وسیع و گسترده.

مراقبت، نظارت محاکمه - Trial Monitoring/Observation

نوعی از مراقبت در محل، که توسط نمایندگان کشورهای دیگر یا سازمان غیر دولتی برای بررسی مطابق بودن محاکمه با معیارهای حقوق بشر و برای بررسی آزادانه و عادلانه بودن آن انجام داده می شود. سازمان غیردولتی یا نمایندگان کشورهای دیگر با انجام دادن این مراقبت، عادلانه بودن محاکمه را بررسی می کنند. به طور معمول این مراقبت، توسط کسانی صورت می گیرد که با قانون ملی و بین المللی و معیارهای بین المللی قضایی آشنایی کامل داشته باشند. این نمایندگان، نگرانی جامعه جهانی را درباره محاکمه آزاد و عادلانه به سمع محکمه می رسانند و محکمه را از توجه و نگرانی جامعه جهانی آگاه می سازند و از حق مدافع برای محاکمه عادلانه حمایت می کنند.

منشور ملل متحد - UN Charter

منشور سازمان ملل متحد (UNCH) یک سند حقوقی بین المللی است که در 26 ژوئیه سال 1945 در شهر سن فرانسیسکو به تصویب رسید، دستورات و اختیارات سازمان ملل متحد در این سند بین المللی تاسیس و به طور واضح تعریف شده است. این سند بین المللی اهداف، مقاصد، کاربرد، ارگان ها و مسؤلیت های این سازمان را بیان می کند. تمام کشورهای عضو سازمان ملل با امضای این سند در سازمان عضویت پیدا کردند و همه کشورهای عضو مکلف اند تا از تمام ماده های این منشور خصوصاً ماده هایی که به حقوق بشر مربوط می شود، پیروی کنند.

موافقت - Agreement

(یک پیمان). یک سند بین المللی بین دو یا بیشتر دولتها یا نهادهای حقوقی، بطور عادی در سند های دوجانبه و بطور معمول در سند منفرد، و از یک کنوانسیون فرق دارد چون معمولاً با مسائل کم دوام سرو کار دارد. مثلاً: موافقت دیتون سال 1995 (بوسنیا). توافقات اکثراً نسبت به دیگر پیمانها کمتر رسمیت دارند اما هنوز هم بطور قانونی در قوانین بین المللی لازم الاجرا میباشد.

مخالف با یهودیان / یهود ستیزی - Anti-Semitism

عموماً به معنای خصومت، غیر قابل تحمل، یا اعمال یا اظهارات تبعیض آمیز بر علیه گروه های مذهبی و نژادی یهودیان میباشد. هر چند که، در واقع به معنای اعمال یا اظهارات بر علیه هر یک از نژاد سامی است که شامل اعراب و یهودیان میگردد.

ماده - Article

یک بخش واضح شماره گذاری شده یا شروط یک سند حقوقی یا سیاسی مثل یک پیمان یا یک اعلامیه. ماده ها بخش های مشخص یک پیمان/اعلامیه را بعد از مقدمه و معمولاً شرط های جداگانه را مشخص نموده و حقوق ذاتی و طرز العملی را از هم متمایز میسازد. مثلاً: UDHR، ماده 18: آزادی افکار، عقیده و وجدان.

محارب - Belligerent

طرف درگیر برخورد مسلحانه تحت نظارت قانون بین المللی برای برخورد مسلحانه. در شرایط جنگی یا برخورد مسلحانه قرار داشتن. مخصوصا موقعیت ملت/گروه یا کشوری که از لحاظ قانونی رسماً محارب شناخته شده اند.

مرکز حقوق بشر - Centre for human rights

نام سابق دفتر اداری کارمندان ملل متحد در ژینو، سیویزرلند برای مسایل مربوط به حقوق بشر که حالا به نام دفتر کمیساری عالی برای حقوق بشر، شناخته می شود.

مقدمه - CHAPEAU

مقدمه یا چند لغت که یک بخش واجب الاجرای یک ماده، یک قسمت از پیمان یا یک حصه از یک متن را توصیف کند. این لغت، به یک بخش از اصل حقوقی جنایی که در آن شرایط خاص برای قابل اجرا بودن آن ذکر شده، نیز گفته می شود.

منشور - Charter

معاهده که توسط آن، دولت ها، سازمان بین المللی و بین الحکومتی یا گاهی پیمان سیستم حقوق بشر را تاسیس می کنند. این سند حقوقی بین المللی، برای دولت های عضو، رسمی، معتبر و لازم الاجرا است. برای مثال سند معاهده سازمان ملل. سازمان های جهانی یا منظوقی بین الحکومتی که دارای معیارها، مقاصد و اختیارات مخصوص اند، توسط منشور یا سند معاهده تاسیس می گردند.

بعض از سندهای معاهده چون سند معاهده عرب در باره حقوق بشر (1994)، سند معاهده افریقا در باره حقوق بشر، بدون شک از معاهده های جهانی حقوق بشر به حساب می آیند که بالای کشورهای عضو لازم الاجرا می باشند. سیستم حقوق بشر که توسط این سندهای معاهده تهیه شده، دارای اصول حقوقی و میکانیزم نظارتی برای تضمین اجرای معاهده است.

ماده قانون - Clause

ماده مشخص یک پیمان یا یک سند. ماده قانون، قاعده مشخص حقیقی یا روندی را در بر دارد. ماده قانون الغاء، ماده قانون فسخ، ماده قانون آزادی بیان و ماده قانون تحدید از مثال های ماده قانون به حساب می آیند.

ماده تحدید یا انحصار - Claw Back Clause

اصطلاحی که برای ماده قانون تحدید و انحصار در قرار داد حقوق بشر به کار برده می شود. و این کلمه بیشتر در کلمات و طرز گفتاری بریتانیای کبیر شنیده می شود. ماده قانون انحصار یا تحدید، از claw back حق ماهوی است. برای مثال ICCR article 12.3.

مجازات دسته جمعی - Collective Punishment

مجازات افرادی که مرتکب جرم نشده اند اما جرم توسط یک یا بعض آن ها صورت گرفته باشد. هدف از مجازات دسته جمعی، ترساندن افراد برای شناسایی مجرم واقعی است تا از جرم های بیشتر جلوگیری به عمل آید. طبق قوانین جهانی حقوق بشر، مجازات دسته جمعی، فاقد جنبه مشروعیت است زیرا مجازات دسته جمعی معیارهای قانون، مسوولیت های جنایی فردی و حق بنیادی قضایی را زیر پا می گذارد.

مسوولیت فرماندهی - Command Responsibility

مسوولیت حقوقی افسران در قانون بین المللی، در قبال جنایات جنگی و جنایت بر علیه انسانیت که توسط زیردستان آنها صورت گرفته باشد در شرایطی که افسران نمی توانند نقض قانون بشری را سرکوب کنند یا عمداً از سرکوب کردن نقض قانون بشری سرپیچی می کنند.

مسئولیت نیابتی افسران در قبال اعمال عساکر زیر دست شان.

ماده سوم مشترک - Common Article 3

مراد از این لفظ، بند سوم هر کدام از چهار قرارداد سال 1949 ژنیو است، تمام این چهار قرارداد دارای الفاظ و معانی یکسان است. این مواد سوم درباره جنگ های مسلحانه غیر بین المللی است. این ماده های سوم استانداردهایی را برای رفتار های انسانی مساویانه، حفاظت فیزیکی و اخلاقی انسجام ها و هممانگی ها، روند مناسب حقوق غیر نظامیان و نظامیانی که اسلحه های شان را به زمین گذاشته اند، به وجود می آورد. این مواد سوم، خواهان گردآوری و توجه به مریض ها و زخمی های جنگ های بین المللی است. بقیه مواد های چهار قرارداد ژنیو همه مربوط به جنگ های مسلحانه بین المللی است.

مصالحه - Conciliation

راه صلح آمیز برای فرو نشاندن اختلاف که به موجب آن طرف های دعوا به کمیسیونی مراجعه می کنند که وظیفه اش حقیقت یابی و به توافق رساندن طرف های دعوا است. این کمیسیون پیشنهاد های غیر واجب الاجرا به طرف های نزاع می کنند. روش ها و طرز العمل ها برای مصالحه ادعا ها و اعتراض های کتبی راجع به تخلف از جانب کشور دیگر، در سیستم حقوق بشر اروپا و سیستم حقوق بشر داخلی امریکا ذکر شده است. (ماده 28 ECHR و ماده 48 ACHR را بخوانید) توافقی که بین اطراف دعوا در نتیجه این مصالحه به وجود می آید به نام توافق دوستانه یاد می شود.

ملاحظه (در پیمانها، معاهده ها و قطعنامه ها) - Consideranda

عبارت جامعی که در سر آغاز و مقدمه اسناد جهانی چون معاهده، بیانیه و قطعنامه ها وجود دارد که در آن دلیل انتخاب سند ذکر می شود. برای مثال: "تفکر و ملاحظه درباره تعهد دولت در قبال حفاظت اطفال"، یاد آوری وحشت های جنگ های گذشته"، "شناختن عظمت فطری"، "هوشیاری از پیچیده گی یک مشکل" که همه مثال های ملاحظه به حساب می آیند. برای معلومات بیشتر، سر آغاز پیمان میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مطالعه شود.

ملاحظه (در باره شکایت) - Consideration

روند بررسی یک هیات قضایی یا شبه قضایی بین المللی برای یابیدن ارزش ها و اعتبارات یک عریضه یا شکایت که شاکی، آن هارادرمورد نقض حقوق بشر ادعا می کند، بعد از تایید پذیرش وارده آن شکایت توسط آن هیات. البته بعد از تایید پذیرش وارده آن شکایت، محکمه در باره ارزش یابی آن ادعا اقدام می کند.

مطابقت - Compliance

یعنی مطابقت رفتار یک دولت با معیار های رفتاری که در یک اصل قانونی به وجود آمده باشد. به دولتی که رفتار هایش مطابق این معیار ها نباشد، متخلف از تعهدات هنجاری گفته می شود.

مقام مشورتی - Consultative status

مقام مشورتی که یک سازمان غیر دولتی آن را دارا است. "ECOSOC" با چنین سازمان های غیردولتی که دارای این مقام است در مورد مسایل تحت بررسی اش مشورت می کند. مقام مشورتی به سازمان غیردولتی اجازه می دهد که در مورد مسایل مربوط به حقوق بشر یا طرز تطبیق این حقوق، با بیانیه های کتبی یا شفاهی اقدام نماید. سازمان های غیر دولتی طبقه 1 و طبقه 2 دارای چنین مقام می باشند البته اولی مقام مشورتی عمومی را دارد و دومی مقام مشورتی خاص را دارد. به تمام سازمان های غیردولتی دیگر "Roster" یا فهرست گفته می شود که ECOSOC با آن ها بر اساس فاقد عمومیت مشوره می کند.

مجازات جسمی - Corporal punishment

هر نوع ضربه جسمی به عنوان پیامد بعضی از رفتارهای نادرست، جنایی و یا به شکل دیگر. مثلاً سیلی زدن طفل به منظور تادیب و مجازات جسمی به حساب می آید. لت و کوب، برق دادن و غیره انواع شکنجه بدترین نوع مجازات جسمی است.

محکمه - Court

محکمه عبارت است از یک هیات قضایی برای انجام دادن امورات قضایی مثل تصمیم گیری درباره قضیه های خصمانه و اظهار نظرهای مشورتی. این محکمه توسط قضات سرپرستی می شوند که این قضات قانون را اجرا و تفسیر نموده و درباره ارزش و واقعیت قضیه های متنازع فیه تصمیم می گیرند و بعد از ثبوت حقیقت توسط مدارک، قانون را اجرا می کنند. بعضی محاکم قضاوت هایی را عرضه می کنند که از نظر قانونی بالای گروه ها لازم الاجرا می باشند. به بعضی از محاکم "دیوان" نیز گفته می شود که در معنا با محکمه یکی است.

میثاق (معاهده ، سند) – Covenant (treaty instrument)

توافقی که توسط قانون بین المللی اداره می شود این اصطلاح در عنوان پیمان های خاص به کار برده می شود مثل کنوانسیون حقوق اطفال. این لفظ تقریباً با الفاظی چون پیمان، میثاق و عهد هم معنا است که همه این الفاظ به معنای سند حقوقی بین المللی است. معاهده ها بیشتر چند جانبه می باشند یعنی بین بیشتر از دو دولت و معاهده، اصولی را تاسیس می کند که از نظر حقوقی بالای همه آن کشورهای که معاهده را به تصویب رسانده اند لازم الاجرا است. البته بین الفاظ یاد شده تفاوت های کوچک و معنا دار وجود دارد. از نظر معنای روانشناسی معاهده به معنای گرد هم آمدن است. این سندهای جهانی برای رفتارهای دولت ها اصولی را تاسیس می کنند و با مسایل از قبیل حقوق بشر معامله می کنند. این سندها معمولاً به روی همه کشورها به منظور شرکت کردن تمام جامعه جهانی به روی همه باز است. این اصطلاح به معنای عمومی برای قانون معاهده مثبت نیز استعمال می شود. بعض اوقات یک اصطلاح مثل "Convention" به جای لفظ دیگر چون "Treaties" استعمال می شود تا آن پیمان ها "Treaties" را از دیگر منابع قانون بین المللی چون قانون متعارف جهانی و اصول عمومی قانون مشخص نمایند. پیمان از نظر تعریف به معنای سند حقوقی است و بالای کشورهای عضو، لازم الاجرا به شمار می آید. از نگاه معنای روانشناسی، Covenant به معنای توافق و تعهد است.

مجازات مرگ - Death penalty

عبارت است از حکم قضایی محکمه جنایی در باره شخص محکوم به خاطر جرایم سنگین، و تطبیق مجازات مجرم از طریق اعدام.

مثلث دموکراسی، انکشاف و حقوق بشر -

Democracy-Development – Human Rights Triad

دکترین حقوق بشر که ضرورت مطلق دموکراتیک، انکشاف و حقوق بشر را برای ساختن جامعه سعادت اعلان می کند و هر یک از این سه عامل را برای همدیگر شرط لازم و واجب می داند. همه این سه عامل باید توسط دولت ثمر بخش و کار ساز واقع شوند.

مسایل داخلی (در مقابل مسایل بین المللی) - Domestic Affairs

عبارت است از مسایل داخلی که در داخل یک دولت وجود دارد و توسط حقوق بین الملل تنظیم نمی شود. چنین مسایل تنها توسط قانون داخلی و ملی یا قانون شهرداری اداره و تنظیم می شوند و هیچ کشور یا سازمان جهانی نمی تواند در این مسایل دخالت نموده و قضاوت شان را بر این مسایل اعمال کنند.

مخاطره دو برابر – Double Jeopardy

یک اصل قبول شده عمومی قانون جزاء که چنین صراحت دارد که یک شخص نباید دوبار برای یک جرم یا تخطی مقصر دانسته شود. این اصل در لغت لاتین چنین بیان شده است: Non Bis in Idem

موثریت – Effectiveness

یک اصل عمومی قانون بین المللی که اکثراً در تفسیر و تطبیق یک نورم به آن استناد میشود. این اصل بیان میکند که نورم های یک پیمان باید به گونه تفسیر و تطبیق گردد تا بیشترین تاثیر را در پیمان به جا گذارد و بهترین دستاوردی از تطبیق اهداف و مقاصد پیمان بوجود بیاید. این لغت در لاتین چنین است: ut res magis valeat quam pereat و به این معناست که یک چیز بتواند بیشتر موثر باشد تا اینکه از بین برود یا ضایع گردد.

مشاهده؛ نظارت انتخابات

sssstion Monitoring/Observance

فراهم سازی حضور اشخاص یا گروه های بیطرف خارج از یک دولت که در انتخابات یک کشور حضور داشته باشند تا اطمینان حاصل گردد که انتخابات به شیوه مناسب و آزاد آن برگزار میگردد. مثلاً یک انتخاباتی که در آن آزادی رای دهی وجود دارد و رای دهنده گان مطابق میل شان رای شانرا بصورت مخفی در صندوق میاندازند و هیچگونه تقلب در نتایج انتخابات وجود نداشته باشد. این یک پروسه تحقیقی میباشد. هدف از اینگونه انتخابات اینست که تا از اشتراک مردم بصورت دموکراتیک و عملی کردن حقوق بشری برای رای داند اطمینان حاصل گردد و مشروعیت یک حکومت را نظر به تعبیر مردم ارزیابی نمود.

مساوات – Equality

1. یک اصل عمومی عدالت مقدماتی که در تمام عرصه های حقوق بشر قابل تطبیق میباشد. بدین معنا که در هر سطح که بخاطر تحقق حقوق بشری در یک دولت توافق صورت گرفته باشد، این کاربرد باید در مقابل هر فردی که در همان کشور زندگی میکند، بدون کدام نوع تبعیض یکسان باشد.
2. اصل مساوات شان و وقار و ارزش هر فرد در یک جامعه که باید در قانون و جامعه اجتماعی انعکاس و تطبیق یابد تا که با تمام مردم برخورد مساویانه صورت گیرد به استثنای حالاتی که مبنا های قانونی و عینی برای رفتار غیر از این وجود داشته باشد. (مثلاً: اتباع بیگانه، اطفال)

مساوات نیرو – Equality of Arms

یک اصل حقوق بشری چنین صراحت دارد که در جریان عمل حقوقی مخصوصاً در جریان عمل جزایی، فرد دارای یک حق بشری برای احراز چیزهایی که لازم دارد تا یک استماع منصفانه و روبروی دعوی را داشته باشند، مثل یک مدرک اسنادی و دسترسی به شهود بطوریکه هر طرف در حقیقت فرصت این را دارد تا بطور کامل و مناسب آن دعوی خویشرا ارائه نمایند و هیچکدام از آنها کدام مزیت بالای دیگر شان نداشته باشد. این مربوط میشود به مفهوم طرز العمل تامین حقوق و آزادی افراد به اساس قانون.

مصادره (املاک خارجی)

Expropriation (of foreign owned property)

عبارت است از مصادره و حبس املاک خارجی توسط حکومت و انتقال دادن ملکیت و استعمال آن به دولت. این یک نوع بی بهره سازی مالکان خصوصی از ملکیت آن ها برای منافع عمومی است. مصادره املاک خارجی تا وقتی جایز است که همراه با پرداخت فوری جبران باشد و به قصد انتقام یا رفتارهای تبعیضانه صورت نگیرد.

میکانیزم / طرز العمل غیر پیمانی

Conventional Mechanism/Procedure Extra

عبارت است از میکانیزم حقوق بشر که در پیمان حقوق بشر و توسط پیمان حقوق بشر تاسیس نشده باشد. برای مثال میکانیزم 1503 کمیسیون حقوق بشر ملل متحد میکانیزم غیر پیمانی است.

محاکمه عادلانه- Fair Trial

عبارت است که از حقوق بشر حقیقی و میکانیزمی که دستگاه قضایی جزایی یا مدنی را به پیروی از استانداردهای حقوق بشر برای محاکمه ملزم می کند و استاندارد های حقوق بشر از قبیل حق استماع دعوی عمومی، حق آوردن شهود، حق ارائه مدارک، حق احضار کردن شهود، حق قضاوت و قضات مستقل و بی طرف. تصمیم و فیصله نهایی محکمه باید مطابق همین معیارهای جهانی عدالت باشد.

مجامع (جمع) - Forum/Fora(pl)

عبارت است از محل رسمی و مردمی، مجلس یا نهاد. فرق نمی کند این نهاد سازمان باشد یا کمیسیون و یا کمیته باشد. که در آنجا با مساله ای که اهمیت عمومی دارد از طریق بحث، بررسی و میکانیزم های حقوقی معامله می شود. کمیسیون حقوق بشر ملل متحد نمونه از این محکمه است که در آن مسایل مربوط به حقوق بشر مورد بحث قرار می گیرد. "pora"؛ لفظ جمع مناسب برای Forum است.

مجمع عمومی – General Assembly

یکی از ارگانهای عمده ملل متحد که شامل دو نماینده از هر دولت میباشد و در خزان هر سال باهم ملاقات میکنند تا منیث یک پارلمان بین المللی در رابطه به مذاکره روی مسایل بین المللی عمل کنند. انجمن عمومی روی فعالیت های عمده و روش کاری سازمان ملل متحد تصمیم میگیرد و در مورد قطعنامه های گوناگون رای میدهند تا از هیات ملل متحد نمایندگی کند.

دیگر سازمانهای بین المللی دولتی مثل سازمان ایالات امریکا دارای انجمن های عمومی میباشد و این اصطلاح بصورت عام بمعنی هیات مدیرتی/سیاسی پروسه و مکان که تمام اعضاء همه دور هم جمع میشوند تا در تاسیس یک امر همه با هم اشتراک ورزند. اغلباً اصطلاح "انجمن عمومی" به معنی انجمن عمومی ملل متحد راجع میگردد.

مساعی جمیله – Good Offices

روشی برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی که به موجب آن یک طرف سومی با رضایت دول دارای اختلاف به صورت وساطت دوستانه تلاش می نماید مذاکره بین دولت های مربوط را امکان پذیر کند بدون اینکه لزوم پیشنهادات اساسی برای حل اختلاف به آنها ارایه نماید.

مساعی جمیله ملایم ترین روش نوع مشارکت دولت سومی در حل و فصل اختلافات بین المللی است. فردی که مساعی جمیله را بر عهده می گیرد امکان دارد نماینده یک دولت سومی، عضوی از سازمان های بین المللی، سازمان های بین المللی غیر دولتی و یا حتی فرد خصوص غیر مرتبط به دولت باشد.

اغلب مساعی جمیله با میانجیگری اشتباه می کنند. ولی تفاوت امر این است که فردی در مساعی جمیله صرفاً یک طریقه ارتباط و تماس بین طرف های قضیه حتی پس از بروز خصومت است و معمولاً با آنها به طور جداگانه ملاقات می نماید. در حالیکه میانجی به مفهوم اخص کلمه، بطور فعال در مذاکرات طرف های ذیربط شرکت می کند

وبه یافتن راه حل مساله مورد اختلاف کمک می نماید. می توان گفت که تفاوت اصلی بین این دو حالت در میزان مشارکت و درجه دخالت در مساله است.

میکانیسم جنبه انسانی (سازمان همکاری و امنیت اروپا) Human Dimension Mechanism

عبارت است از روند ها و میکانیسم های سازمان همکاری و امنیتی اروپا یا کنفرانس همکاری و امنیتی اروپا که این میکانیسم از میکانیسم بعدی سازمان همکاری و امنیتی اروپا یا کنفرانس همکاری و امنیتی اروپا سرچشمه گرفته و با سند نهایی سال 1989 در شهر ویانا شروع و در سند نهایی مسکو، کپنهاگ و هلسینکی دنبال شده بود. این میکانیسم روی انجام تعهد و مکلفیت کشورهای عضو نسبت به حقوق بشر تکیه و توجه می کرد.

این میکانیسم ها از حقیقت یابی، میانجیگری و مذاکره متشکل شده است. فعلا دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر (ODIHR) و نماینده گی عالی در امور اقلیت های ملی نیز در این میکانیسم ها شامل می باشد.

مدافعین حقوق بشر - Human Rights Defenders

افراد، گروه ها، سازمان های غیر دولتی که با جمع آوری معلومات در باره نقض واقعی یا احتمالی حقوق بشر برای جلب توجه محکمه به موشکافی و اقدام در مساله، می خواهند نقض حقوق بشر را جبران و از آن جلوگیری کنند.

مهاجرین - Immigrants

اتباع بیگانه که به قصد اقامت دایمی یا نا معلوم به یک کشور داخل می شود و کشور قبلی را که قبلا در آنجا سکونت یا تابعیت داشته، ترک می کند. مهاجر بر دو قسم است: قانونی و غیر قانونی، اولی برای حضور در کشور مقام قانونی دارد در حالی که دومی چنین مقامی را ندارد.

مصونیت (از محاکمه به جرم نقض حقوق بشر)

Impunity (From prosecution for human Rights Violation)

آزادی از ضرر و مجازات یا عفو واقعی یا حقوقی کسانی که مرتکب نقض حقوق بشر شده اند. معمولا این عفو در نتیجه ناکامی دولت در اقدام اجرایی و اداری بر خلاف متخلفان یا سرپیچی دولت از این اقدام، یا در نتیجه اعطای رسمی عفو عمومی که بر اساس آن دولت چنین جرم هایی را عفو می کند، به وجود می آید. در قانون بین المللی حقوق بشری مصونیت قابل قبول نیست.

محاکمه در غیاب (متهم) - In Absentia Trial

محاکمه بدون حضور متهم در محکمه و دلیل حضور نداشتن یا به این جهت است که مقامات به وکیل مدافع یا متهم اجازه حاضر شدن در محکمه را نمی دهد با آنکه محل و اقامت گاه متهم یا وکیل مدافع معلوم است. یا اینکه متهم به جایی پناه برده است که نمی خواهد وی را به محکمه برگرداند. تعقیب قانونی یا محاکمه متهم بدون حضور و شرکت آن در محکمه بیشتر به این جهت است که محاکمه جنبه سیاسی دارد.

مسئولیت جنایی انفرادی

Individual Criminal Responsibility

عبارت است از اصل حقوقی بین المللی که طبق آن مجازات و پیگرد جنایی شامل تمام کسانی می شوند که در طرح ریزی، تهیه و اجرای اعمالی که نقض اصل جنایی بین المللی چون نسل کشی و جنایات جنگی را تشکیل می دهد، شرکت کرده اند و همه این افراد بدون در نظر داشت وابسته گی شان و بدون در نظر داشت کسانی که این افراد از طرف آن ها این کار را انجام داده اند، موضوع مجازات و پیگرد جنایی می باشند. هدف از این اصل حقوقی، جلوگیری از جرم و پرهیز از

مجازات دسته جمعی و پرهیز از وارد کردن اتهام جرم یک عده خاص به دوش تمام جامعه است، تا اثر جرم فرد یا افراد خاص بر دوش بقیه اعضای جامعه سنگینی نکند.

محدودیت های ذاتی (حقوق) Inherent Limitation (of Rights)

این نظریه در قوانین موضوعه نظام پیمانی اروپا دیده می شود این نظریه چنین ادعا می کند که برای بعض افراد با در نظر داشت شرایط و حالات آنان در باره حقوق بشر شان محدودیت های خاص وجود دارد یعنی این افراد در شرایط در استفاده از بعض حقوق بشر شان محدود می باشند و این محدودیت ها مشروع، ضروری و قانونی می باشند. برای مثال آزادی بیان و حرکت برای زندانی قانونی محدود می باشد و این شخص نمی تواند از این حق به طور کامل بهره ببرد. البته صحت این نظریه، ضرورت و مشروعیت محدودیت های مطرح شده در این نظریه به طور عموم مورد قبول همه واقع نشده است و تا هنوز همه آن را نپذیرفته اند.

میان چیزها؛ از جمله دیگر - Inter Alia

اصطلاح لاتینی است و مراد از این اصطلاح این است که یک عده چیزهای مشخص و معدود در بین چیزهای نامشخص و نامشماره دیگر موجود می باشد. برای مثال پیمان حقوق بشر اروپا " برده داری میان اشخاص دیگر " را منع می کند یا نسل دوم حقوق بشر، "حق رای میان چیزهای دیگر" را حمایت می کند.

مداخله (در امور داخلی) Interference (with Domestic/Internal Affairs)

هرگونه درگیری حکومتی در مسایل داخلی کشور دیگر طبق ضوابط اخلاقی و حقوقی بین المللی کشورها نباید در مسایلی که در حوزه اختیارات کشورهای دیگر قرار دارد دخالت کنند. برای معلومات بیشتر به ماده 7 منشور ملل متحد مراجعه شود. این اصل به نام اصل عدم مداخلت نیز یاد می شود. البته این اصل در صورت نقض حقوق بشر توسط کشور دیگر، جاری نمی شود.

محکمه بین المللی عدالت - International Court Of justice

ارگان قضایی ملل متحد که اختیارات قضایی اش قضیه های متنازع فیه بین کشورها را در بر می گیرد. ارگان ها و نماینده گی های دیگر این هیات از نظرهای مشورتی این ارگان استفاده می کنند.

مداخله - Intervention

این اصطلاح دارای دو معنا است:

1. اصطلاح سیاسی: دخالت بین المللی یا دخالت یک کشور در امور داخلی کشور دیگر و به کارگرفتن فشارهای مختلف بر آن کشور. طبق ماده 2.7 منشور ملل متحد دخالت سازمان بین المللی یا کشورها در امور داخلی کشور دیگر جز در صورت نقض حقوق بشر توسط آن کشور، جایز نیست.
2. بیانیه کتبی یا شفاهی که از جانب سازمان غیردولتی به جلسه علنی محکمه بین المللی برای جلب توجه محکمه در مساله مورد نظر و تحت بررسی محکمه، تسلیم می شود. سازمان غیر دولتی برداشت ها، نظریه

های خود را درباره مساله مورد ملاحظه به آگاهی محکمه بین المللی می رساند و از محکمه می خواهد تادرباره قضیه مورد نظر بیشتر تفکر نماید.

معنای وسیع – Latu Sensus

یک اصطلاح قیدی که به معنای "تفسیر وسیع و وافر" میباشد. وقتی که یک متن Latu Sensus خوانده میشود، یک شخص میتواند از لغات متن تفسیر وسیع داشته باشد و این اصطلاح متضاد تفسیر محدود است که در لاتین آنرا strictu sensu میگویند.

مثبت گرایی قانونی – Legal Positivism

یک تئوری که میگوید قانون چیزی است که در واقع از یک منبع باصلاحیت قانونگذار صادر و اعلام شده است. این تئوری موجودیت هرگونه "قانون بالاتر" مثل قانون طبیعی را رد میکند. در قانون بین المللی، این بدین معناست که فقط خواست بیان شده دولتها به تنهایی میتواند یک منبع معتبر قانون بین المللی را تشکیل دهد.

مشروعیت – Legitimacy

- سیاسی: وقتی که یک دولت برسمیت شناخته میشود، این اصطلاح برای دلایل آرمانی یا ایدئولوژیک استفاده میگردد تا چنین مشخص شود که تحت قانون بین المللی از لحاظ قانونی معتبر و قبول شده است. مشروعیت شامل این میشود که آیا وضعیت یک دولت جدید معتبر پنداشته میشود تا که دیگر دولتها به عین شکل معامله کنند. اگر جامعه دولتی اینرا مشروع بپندارد، این منتج به برسمیت شناختن دولت توسط دیگر دولتها و پذیرفتن حکومت به مثابه یک بازیگر در ارتباطات بین المللی می شود. مشروعیت اکثراً شامل این میشود که چگونه یک حکومت جدید به قدرت رسید، چطور دولت جدید ایجاد شد یا ، اکثر اوقات، آیا حکومت جدید خواستهای مردم کشور را منعکس میسازد مثلاً اینکه از طریق آراء مردم در یک انتخابات آزاد و منصفانه انتخاب شده است و یا در غیر آن در مطابقت با قانون داخلی یا بین المللی بوجود آمده است.
- تحدید (اصل مشروعیت): چنانکه در تحدید نورمهای حقوق بشری تطبیق گردیده، اصل مشروعیت چنین میگوید که هرگونه تحدید دولت یک نورم ماهوی حقوق بشر باید بطور موثق جهت داده شود به دستاورد یک هدف مشخص قابل امکان مانند حمایت از امنیت ملی، باشد.

میزان درک قدر یا بهای چیزی – Margin of Appreciation

یک اصطلاحی که بیشتر در سیستم علم حقوقی کنوانسیون اروپا روی حقوق بشر در تفسیر عبارت "لازم برای جامعه داخلی" استفاده میگردد، یک عبارتی که در ماده های تحدید کنوانسیون اروپا روی حقوق بشر وجود دارد. در تثبیت اینکه آیا میزان یک تحدید که توسط یک دولت گرفته شده است آیا مطابق "ضرورت مبرم اجتماعی" است، محکمه و کنوانسیون اروپا با یک اندازه معین صلاحدید، دفاع، مهلت و بعضی از فواید تردید به دولت در ارزیابی قابلیت قیاس یک جریان اجراءات یک دولت مطابق به لازمه های کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. این صلاحدید منحیث "میزان درک قدر یا بهای چیزی" شناخته شده است. این مشروط به مراقبت ارگانهای کنوانسیون اروپا است تا اطمینان حاصل گردد که فراتر نمیروود و سوء استفاده صورت نمیگیرد. این اصطلاح همچنان عموماً در دیگر زمینه ها استفاده می شود که به معنی دادن مهلت یا صلاحدید بخاطر تثبیت اینکه کدام مقیاس ها را در تحدید عملی کردن حقوق بشر انجام داده میباشد. زیرا نظر بر این است که دولت دارای یک موقف خوب برای دانستن حقایق و پرابلم ها میباشد.

مهاجرت جمعی – Mass Exodus/Migration

حرکت جمعی مردم به خارج از کشور به دلیل برخوردهای داخلی و خارجی یا تخطی های سیستماتیک حقوق بشری که مردم را مجبور میکند تا محل سکونت دائمی شانرا ترک گویند.

میانجیگری – Mediation

پروسه حل یک منازعه در ارتباط به تخطی های ادعا شده جائیکه طرف سوم که زیدخل منازعه نمیشد به طرفهای شامل منازعه کمک میکند تا اختلافات شانرا از طریق گفتگوی مسائل و راه حل های بدیل انجام دهند تا هر دو طرف منازعه به یک موافقت برسند و هر دو طرف راضی گردند.

میتودها یا وسایل (نبرد) – Methods or Means (of Combat)

اصطلاحی که به معنا های ذیل است:

1. میتودهای های نبرد: طریقه ای که جنگجویان بایدکنند؛ تاکتیک ها و استراتژیهای آنها؛ چطور یک متحارب خصومت را بوجود میآورد.

2. وسایل نبرد: سلاحها و دیگر وسایل برخورد مسلحانه که امکان دارد جنگ افزار معمولی باشد یا نباشد مثل مرمی، بمب های آتشزا، راکت های اتمی یا شیمیایی؛ یا دیگر وسایل که متحارب با استفاده از آن تلفات بوجود میآورد.

در قانون برخورد های مسلحانه این یک اصل اساسی است که میتودها و وسایل که در دسترس متحارب قرار دارد، غیر محدود نمیشد. قانون بشری میتودها و وسایل برخورد مسلحانه را که طرفین چطور و با چه سلاحی میجنگند، محدود مینماید تا خسارات را به حد اقل برساند.

معنویات ؛ اخلاق – Morals

ارزشهای قبول شده یک جامعه چنانکه در عرفها، عادات یا عملکردها، به اساس اینکه جامعه اخلاقاً آنها را درست میشمارد، نمودار میباشد. مثلاً، منع ازدواج بین خواهر و برادر، طلاق و رابطه های جنسی با اطفال میباشد. معنویات ممکن است به آن اعمالی راجع گردد که قابل قبول پنداشته میشود و قانوناً مجاز میباشد. حفظ معنویات یک هدف مشروع ماده های تحدید میباشد، مثلاً یک کشور ممکن است عملکردهای معین حقوق بشری را وقتیکه برای حفظ معنویات عامه لازم باشد، محدود نماید. (رجوع شود به ماده 19، بند 3 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی).

ملت - Nation

مردم یا افرادی که به شکل جامعه حقوقی منظم در نقطه خاصی از زمین یکجا زنده گی می کنند و به زبان مشترک سخن می گویند و یا دارای زبان رسمی مشترک می باشند، از رسم و رواج یکسان کار می گیرند و دارای پیوستگی تاریخی می باشند. اصالت و ویژه گی های نژادی، و داشتن حکومت و خود مختاری واحد (عموماً نه لزوماً) این ملت را از سایر ملت ها ممتاز و مشخص می سازد.

ملت گرایی - Nationalism

نیروی روانی که افراد یک ملت را به همدیگر پیوند می دهد و آن هارا به شکل جامعه دسته جمعی معرفی و به سمت اهداف منفعت ملی و خودی حرکت می دهد. احساس پیوند و همبستگی بین افراد یک ملت و احساس افتخار در جامعه ملی دسته جمعی.

منفعت ملی - National(Self) Interest

طرز تفکر یا هدف سیاسی یک کشور که رفتار های کشور را صرف برای حاصل کردن منافع اندک خودش درست می داند نه برای مفاد جامعه بزرگتر ملت ها و حتی اگر این رفتارها با اصول قانونی مشترک این کشور با کشور های دیگر مطابق نباشد یا این رفتار برخلاف صلح جهانی، عدالت، منفعت کشور های دیگر یا سازمان های بین المللی باشد. کشوری که دارای چنین تفکر است منفعت خودش را بر معیارهای اخلاقی جهانی برتر و مقدم می داند. معمولاً بعض کشورها این طرز تفکر را به عنوان عامل تصمیم گیرنده در سیاست خارجی شان برای به دست آوردن ضرورت هایی که آن را حیاتی می پندارند، انتخاب می کنند و برای حفظ ضرورت های شان (از قبیل امنیت ملی، امنیت اقتصادی، و برقراری برتری بازار جهانی شان) این هدف را هدف نهایی شان می دانند.

مذاکره - Negotiation

- 1- روندی که توسط آن مردم، کشور یا سازمان های بین المللی برای حل و فصل قضیه مورد اختلاف با هم به گفتگو می نشینند.
- 2- بخش رسمی یک پیمان که در آن روند جمع شدن نماینده گان با اختیار کشور ها و پیشنهاد کردن و تصویب اصول آن پیمان بیان می شود. روند واقعی بحث درباره اصل پیشنهاد شده و تصویب مواد قابل قبول درباره موضوع خاص. مسائلی که معنای دوم مذاکره را شامل می شود عبارت است از: بررسی دقیق ماده های پیمان، پیشنهاد تبدیل و اصلاح آن ها، تفسیر و تطبیق اصول پیمان که همه این ها بعداً بخش تاریخ قانون گذاری یک متن را تشکیل می دهد.

منشور/قاعده/قانون نورمبرگ

Nuremberg Charter/Rule/Law

این اصطلاح به اساس های حقوقی محکمه جنایت جنگی که در سال 1945 در شهر نورمبرگ Nuremberg آلمان برگزار شده بود، اشاره دارد. در این محکمه که توسط نیروهای برنده متحدین در این شهر برگزار شده بود یک عده از مجرمین جنگی حزب نازی طبق قانون بین المللی محاکمه شدند. منشور شهر Nuremberg که به منشور لندن نیز یاد می شود اساسات جرم های بین المللی را که مسوولیت فردی به دنبال دارد بیان می کند. این منشور از 3 طبقه جرم های بین المللی شکل گرفته است

1. جنایت بر علیه صلح

2. جرایم جنگی

3. جرایم بر علیه بشریت.

این نورمهای جنایی بعضی اوقات راجع میگردد به قواعد نورمبرگ یا حتی به قانون نورمبرگ که بیشتر به اساس کنوانسیون هاگ سال 1899/1907 منحصیث قانون بین المللی عرفی اساس نهاده شد. بعداً سازمان ملل متحد این قانون را به عنوان اعلامیه قانون عرفی بین المللی تائید کرد و این منشور هنوز از نظر قانونی به طور قانون عرفی لازم الاجراست.

مقصود - Object

در تیوری حقوق بشر مقصود به فرد/گروه یا دولتی گفته می شود که منفعت نهایی حقوق بشر به او بر گردد و چنین فرد/گروه یا دولت، مقصود نهایی قانون به حساب می آیند. در مقایسه با این لفظ فاعل یا موضوع قانون بین الملل به فرد/گروه یا دولتی گفته می شود که مالک و دارنده حق باشد. در تیوری حقوق بشر، انسان مالک و صاحب حقوق بشر است نه دولت، یعنی ملکیت حقوق بشر از افراد است نه دولت.

مکلفیت ؛ تعهد - Obligation

گاهی فرد، دولت یا سازمان بین المللی از نظر قانونی به انجام دادن یک عمل یا خودداری از یک عمل مکلف و ملزم می باشد. مکلفیت یعنی خواسته ای که از جانب قانون بین الملل یا توافقی که طبق قانون بین الملل لازم الاجراست، بالای کسی/گروهی/دولتی وضع میگردد و این فرد/گروه/دولت باید آن خواسته را برآورده کند. اصول حقوق بشر به منظور احترام نهادن به حقوق بشر برای کشورها مکلفیت می آفریند. نقض حقوق بشر تدابیر اجرایی را در پی دارد و تدابیر اجرایی مطابق

شکایت مطرح شده اتخاذ می گردد. چنانچه شاکی خواهان دریافت غرامت از پامال کننده، پیگردقانونی یا تحریم اقتصادی آن شود.

مکلفیت در عمل - Obligation of Conduct

این اصطلاح ماهیت مکلفیت حقوقی یک کشور را بیان می کند. این نوع مکلفیت، از دولت می خواهد تا به روش های مخصوص عمل کند و از روش ها و کارهای مخصوص پرهیز کند. توجه و تمرکز این اصل، روی نفس عمل دولت است نه ثمره و نتیجه آن. برای مثال شکنجه نکردن مردم یکی از مکلفیتهای رفتاری دولت است. عده ای از حقوق بشری، "مکلفیتهای رفتاری" را وضع می کند در حالی که عده ای دیگر حقوق بشری، "مکلفیتهای نتیجه" را می آفریند. محو بیسوادی یکی از مثال های مکلفیت در نتیجه است. به مکلفیت در رفتار، "مکلفیت در تاثیر" (Obligation of Effect) نیز گفته می شود.

مکلفیت در نتیجه - Obligation of Result

این اصطلاح ماهیت مکلفیت حقوقی یک کشور را چنین بیان می کند: دولت باید با به دست آوردن نتیجه و هدف خاص از قبیل رفع گرسنه گی، بی سوادی و بیکاری، مکلفیت خودش به معاهده را برآورده کند. تا وقتی نتیجه مطلوب را حاصل نکرده مکلفیت دولت به معاهده برآورده نمی شود. این اصل بیشتر روی نتیجه و هدف تکیه می کند تا عمل و وسیله. گاهی به مکلفیت در نتیجه مکلفیت در اثر (Obligation of Effect) نیز گفته می شود.

مامور رسیده گی به شکایات - Ombudsman

مقام حکومتی که برای رسیده گی به شکایات افراد از عمل های بوالهوسانه بعضی مقامات حکومتی و برای اداره مسایل حقوق بشر از جانب حکومت انتصاب شده باشد. گزارش دهی، حقیقت یابی و میانجیگری برای حل و فصل صلح آمیز از جمله وظایف این مقام حکومتی است.

مداخله لفظی - Oral Intervention

بیان شفاهی که توسط آن شخص سوم از قبیل سازمان بین المللی غیر دولتی نظریه اش را در باره حقیقت در قضیه مورد اختلاف، بیان می کند. شخص سوم با اظهار نظریه اش می خواهد محکمه را به حقیقت متوجه کند. مداخله های لفظی بیشتر از جانب سازمان های غیردولتی و برخی از سازمان های بین المللی از قبیل سازمان ملل و ارگان های فرعی آن چون شورای حقوق بشر مطرح می گردد. مداخله لفظی، دخالت زبانی است که از خارج برای کمک کردن هیات در انجام وظیفه اش، وارد می شود.

مثل این موضوع - Pari Materia

قاعده ای که گاهی در قانون تفسیری مراعات می شود. این اصطلاح لاتینی به معنای "در همین موضوع/در موضوعی مثل این موضوع" استعمال می شود. منظور این است که قوانینی که با موضوع واحد معامله می کنند باید به طور یکجا و در ارتباط با همدیگر تفسیر شود تا یک معنای ثابت به دست آید. این قاعده، هماهنگی قانون های مختلف را که با موضوع اصلی واحد سروکار دارند، تضمین می کند.

مشخصات - Particularities

ویژه گی ها یا خصوصیات که در افراد یا گروه های خاص مشاهده می شود. به طور معمول این ویژه گی ها در بحث تنوع و تفاوت های فرهنگی به کار برده می شود. مشخصات فرهنگی عبارت است از ویژه گی های یک گروه که آن گروه را از گروه های دیگر ممتاز و مشخص می سازد، از قبیل مذهب، ساختار قبیله ای، نظام حقوقی یا رسم و رواج بعضی ها دایره

مشخصات را به مشخصات زبانی، مذهبی و قومی نیز گسترش داده اند. خلاصه به هر نوع تفاوتی که یک فرد یا گروه را از دیگران ممتاز کند مشخصات گفته می شود.

بعضی ادعا می کنند که حقوق بشر جهانی است و در هر فرهنگ، هر کشور و هر منطقه باید به طور یکسان تطبیق شود اما طرفداران نسبیت فرهنگی مدعی اند که حقوق بشر در هر کشور باید مطابق فرهنگ همان کشور باشد و حقوق بشری که در همه جا یکسان باشد وجود ندارد بلکه تفاوت فرهنگی باعث تفاوت حقوق بشر نیز می شود. اما آنچه امروز بیشتر و به طور غالب مورد قبول است نظریه جهانی حقوق بشر است.

مردم/مردمان - People

قالب مفردی (مردم) این اصطلاح عبارت است از انسانی که با حیوانات پایین (جانوران) فرق دارد و بخشی از مجموعه تمام انسان هارا تشکیل می دهد. اما قالب جمعی (مردمان) این اصطلاح دارای معانی خاص و اثرهای حقوقی می باشد اما روند تعریف این لفظ جمع (مردمان) هنوز نامکمل و در جریان است. معنای مردمان عبارت است از مجموعه از افراد که فرهنگ مشترک، سنت و سابقه قومی مشترک و گاهی نسب مشترک آن ها را متحد می سازد و گاهی به شکل گروه سازمان یافته سیاسی تشکیل می دهد. مقدمه منشور سازمان ملل با این بیان آغاز می شود: "ما مردمان ملل متحد....".

حق خودمختاری که در ماده 1 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی دیده می شود، معنای حقوقی حاصل کردن مقام کلمه "مردمان" است یعنی انسان های خودمختار، به عنوان مردمان به رسمیت شناخته می شوند و خودمختاری، حق بشری دسته جمعی مردمان است و توسط این حق، مردمان به طور آزادانه موقعیت سیاسی شان را مشخص می کنند و انکشاف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شان را با هم دنبال می کنند. برای معلومات بیشتر ماده 1 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) را مطالعه کنید.

مرتکب (تخطی ها) - Perpetrator

مرتکب، فرد یا دولتی است که حقوق بشر را نقض می کند و گاهی این اصطلاح به کسی استعمال می شود که باعث نقض حقوق بشر می شود. مرتکب ممکن است فرد، دولت یا گروه باشد اما بیشتر این کلمه برای افراد استعمال می شود.

مقدمه - Preamble

مقدمه عبارت است از حصه اول یک معاهده یا بیانیه که در آن کشورهای عضو، سران و رهبران آنان، انگیزه مقصد و هدف کشور های تصویب کننده معاهده یا اعلان کننده بیانیه به طور واضح بیان می شود. از آنجا که مقدمه، اصول و مقصد معاهده را توضیح می دهد در تفسیر معاهده و شناخت هدف آن نیز کمک می کند. در صورتی که یک متن گنگ، نامفهوم یا دوپهلوی باشد آنگاه برای تفسیر و وضاحت اصول حقیقی به مقدمه مراجعه می شود. مقدمه اگرچه به ذات خود لازم الاجرا نیست اما بخشی از مفاد حقوق ماهوی را تشکیل می دهد و گاهی از آن برای اجرای اصول و قطعی ساختن حاصل شدن هدف معاهده، استفاده می شود.

مقدماتی - Preliminary

عبارت است از اعتراض کشور مدافع بر صلاحیت محکمه یا بر پذیرش ورودی شکایت ارایه شده یا اعتراض های دیگر، یکی از رایج ترین اعتراضات مقدماتی این است که کشور مدافع ادعا کند که شاکی از درمان ها و راه حل های داخلی برای دادخواهی مایوس نگشته است و از این جهت "قربانی" گفته نمی شود. در این صورت، محکمه باید قبل از بررسی و ارزشیابی شکایت، این اعتراض را حل و فصل کند اگر اعتراض درست ثابت شود در این صورت شکایت ارایه شده غیر قابل ملاحظه اعلان شده و مورد بررسی قرار نمی گیرد.

محاکمه زبانی - Process-verbal

مقصود از این اصطلاح فرانسوی سندی است که پرونده نوشتاری یک جلسه یا دادخواهی در باره معاهده را دربردارد. این اصطلاح، به پرونده تفاهم های خاص بین طرف های متعهد، اشاره دارد.

محافظت (از حقوق بشر)-Protection

یعنی سپرگرفتن برای حق کسی در مقابل نقض، نجات دادن حق کسی از پامال شدن. مداخله فعالانه بین دولت و انسان یا تنها بین انسان ها برای نجات دادن حق قربانیان احتمالی نقض حقوق بشر.

محکمه نظامی - Military Court

محکمه ای که در آن قضایای اشخاصی که در نیروهای مسلح کشور خدمت میکنند به دلیل قانون شکنی در هنگام وظیفه که از ایشان سر زده است بررسی میگردد.

منسوبیت قومی ؛ قومیت - Ethnicity

خصوصیت فرهنگی خاصی گروه معین که این خصوصیت از رفتار و کردار گرفته تا ویژگی های زبانی که از یک نسل به نسل دیگر انتقال میکند، میباشد. منسوبیت قومی هیچگاه حدود دقیق (فرهنگی یا جغرافیایی) که بتواند این گروه های قومی را همچون یک چیزی طبیعی معین بسازد، وجود نداشته است. تفاوت های قومی که آنها اکثرا به حیث تفاوت های مذهبی یا قبیله ای دانسته میشوند و منبع اساسی نزاع های سیاسی شده می تواند، میباشد.

مهاجر - Immigrant

مهاجر شخصی است که از ترس تعقیب بر اساس، نژاد، دین، ملیت، عضویت در یک سازمان معین یا اندیشه سیاسی داشته و یا نمی تواند و یا نمی خواهد به کشور اصلی خویش بر گردد. مهاجر حق بر خوداری از همه حقوق اساسی بشری را دارا هستند. مهاجر باید مانند یک تبعه عادی که از حقوق و آزادی اجتماعات، دین، تعلیمات ابتدائی دسترسی به محاکم، ملکیت و سر پناه مستفید اند، بر خوردار باشند. هیچ شخص نباید به کشوری که وی در آن مورد تهدید یا تعقیب قرار دارد و نه به کشوری دیگری که او را به چنین کشور تسلیم بدهد، بر گردانده شود.

مکلفیت ؛ تعهد - Obligation

حق یا مکلفیت عبارت از حق غیر مشروط یا مکلفیت تعهد آور است بالای تمام کشورها، که تخطی از آن نگرانی کشورها را ببار خواهد آورد. حق یا مکلفیت متوجه جامعه جهانی منحصی یک جامعه میگردد بخاطریکه در صورت تخطی تمام جامعه را متضرر میسازد، مانند قتل عام و جرایم علیه بشریت.

نظریه مشورتی - Advisory Opinion

یک نظریه حقوقی که توسط یک محکمه یا دیوان در مورد تفسیر یا تطبیق یک نورم بین المللی ارائه میگردد که البته ارائه همچو نظر بنابر تقاضای یک کشور یا یک ارگان یک سازمان بین المللی بین الحکومتی، و نه به خاطر قضاوت در یک قضیه متنازع فیه که منازعه در آن جریان دارد، صورت میگیرد. نظریات مشورتی منحصی مواد قانون درج نمیگردند اما ممکن است اصول و قواعد را بنا نماید. گروهی که خواستار یک نظریه مشورتی است، باید قانوناً مجاز باشند تا همچو یک تقاضا را از محکمه بنمایند تا محکمه یا دیوان یک چنین نظریه مشورتی را ارائه نماید.

نژاد/نژادی – Race/Racial

نژاد، یک دسته بندی بشر بوده، شامل ویژگی هایی میباشد که نسل به نسل انتقال میابد و کافی است تا یک شخص یا یک گروه را مثل یک نوع بشر مشخص ساخت. این اصطلاح بیشتر بطور بی ربط برای بیان ملیت، قوم و گروه های فرهنگی بکار میرود. برای بعضی ها، اصطلاح نژاد برای مشخص شدن رنگ پوست آنها استفاده میگردد. اصطلاح نژادی به معنی وابسته بودن به، مربوط به یا نظر به یک نژاد میباشد. در زمینه حقوق بشر، اصطلاح نژاد اکثراً خیلی وسیع تعریف گردیده است. ماده یک کنوانسیون ملل متحد روی محور هر نوع تبعیض نژادی (سال 1965) ممنوعیت اش را در مقابل تبعیض نژادی که شامل تبعیض به اساس نژاد، رنگ، نسل یا منشاء ملیتی یا قومی تعریف میکند. (رجوع کنید به تبعیض نژادی).

نژاد پرستی – Racism

یک باوری که منتج به این گرایش میگردد که نژاد، تثبیت کننده ابتدائی ویژگی و مقام انسان است و اینکه تفاوت های نژادی یک برتری ذاتی یک قوم را تشکیل میدهد. این چنین باوری منتج میشود به نابردباری، تبعیض و آزار و اذیت به اساس نژادی می شود.

نسل دوم حقوق بشر

second Generation(Human) Rights

این اصطلاح، نوعی از حقوق بشر را بیان می کند که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه را در بر می گیرد در حالی که نسل اول حقوق بشر حقوق مدنی و سیاسی را شامل می شود و به نام حقوق فوری نیز یاد می شود، و نسل سوم حقوق بشر به نام حقوق همبستگی یاد می شود. معنای ضمنی کلمه نسل (Generation)، تسلسل تاریخی و ترتیب وقوع زمانی نیست یعنی این کلمه به طور ضمنی ترتیب وقوع زمانی این حقوق را بیان نمی کند بلکه معنای ضمنی این کلمه، تقسیم بندی حقوقی، سیاسی و نظری حقوق بشر را بیان می کند. چیزی که این نوع از حقوق را با انواع دیگر متمایز می سازد دسته جمعی و انکشافی بودن آن است. به این معنا که برآورده شدن این حقوق به اقدام ها و برنامه های انکشافی و تدریجی نیاز دارد و دولت مکلف است تا با استفاده از ظرفیت و منابع اقتصادی اش، برای فراهم کردن این حقوق برنامه های انکشافی را باید همیشه تعقیب کند. حق صحت، حق غذا، حق تعلیم، حق داشتن مسکن و کار همه از نسل دوم این حقوق می باشد. نسل دوم حقوق بشر به طور مفصل در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان شده است.

نورمها/حقوق ذاتی - Substantive Rights/Norms

مقصود از این حقوق حقوقی است که در معاهده ها و سندها، حقوق واقعی انسان را- از قبیل حق بیان، حق حرکت، حق وابستگی یا ارتباط، حق آزادی مذهب، حق انجام دادن یا انجام ندادن چیزی- را بیان می کند. حقوق ماهوی یا حقیقی در معاهده ها بعد از مقدمه و قبل از حقوق رویه ای گنجانده شده است و حقوق رویه ای حقوقی است که طرز اجرا یا میکانیزم تطبیقی جبران نقض حقوق بشر را بیان می کند. حقوق حقیقی بخشی از نظم حقوقی معمولی جامعه را تشکیل می دهد.

نقض مداوم حقوق بشر

Continuing(Human Right) Violation -

اصلی که در فلسفه حقوقی بعضی محاکم بین المللی چون BCHR و کمیته حقوق بشر سازمان ملل برای ادای شرایط قابل پذیرش بودن یک شکایت، دیده می شود. این مربوط به جایی می شود که عمل یک دولت نتایجی را بار می آورد که برای مدت طولانی فراسوی عمل های اولیه ادامه پیدامی کند و پیوسته تخطی به وجود می آورد.

این به این معنا است که وجود نقض اصل واقعی حقوق بشر فرض می شود. اگر اعمال دولت مدعی علیه پیش از تعهد کشور دیگر به یک پیمان واقع شود و اثرهای عمل های آن کشور همچنان باقی بماند در این مدت آن کشور بعدا ملزم می شود.

نسبیت فرهنگی - Cultural Relativism

نظریه خاص در باره حقوق بشر وجود دارد که طبق آن تمام حقوق بشر، باید طبق ارزشی های فرهنگی و فرهنگی های مختلف، ملاحظه، تطبیق و تفسیر شوند. این نظریه در مقابل نظریه جهانی حقوق بشر قرار دارد که این نظریه می گوید: حقوق بشر در تمام نقاط دنیا باید یکسان باشد بدون در نظر داشت فرهنگ، مذهب، ایدئولوژی و سنت آن مناطق. کشورهای جهان سوم و بعضی کشورهای در حال توسعه نظریه نسبیت فرهنگی را به عنوان دفاع در مقابل نظریه جهانی حقوق بشر به وجود آوردند. این کشورها می گویند که حقوق بشر بین المللی با دید با فرهنگ هر کشور هماهنگ و مطابق باشد. ممکن است یک عمل در یک فرهنگ، نقض حقوق بشر به حساب آید اما همان عمل در فرهنگ دیگر نقض به حساب نه آید. ویژه گی ها یا خصوصیت های فرهنگی از قبیل زبان های مختلف، مذهب های مختلف، سنت های مختلف و حتی ویژه گی ها منطقی همه زیر بنای نسبیت فرهنگی را تشکیل می دهند.

نیروهای خطرناک - Dangerous forces

این اصطلاح در حقوق بشر بین المللی عبارت است از کارها، تاسیسات یا مکان هایی که ذاتا یا از لحاظ استعمال یا مقصد دارای نیروهای نهایت خطرناک باشند مثل نیروگاه های هسته ای، سد یا خندق و غیره که ویرانی یا تخریب این ها، آسیبهایی خطرناک را به وجود آورده و باعث مرگ یکسان افراد و اشیای نظامی و ملکی می شوند. طبق قانون بین المللی جنگ (LOAC)، حمله به مکان های این نیروهای خطرناک ممنوع می باشد.

نژادی ؛ قومی - Ethnic

عبارت است از گروه های بزرگ مردم که بر اساس نژاد مشترک، اصالت های ملی، قبیله ای، مذهبی، زبانی و فرهنگی مشترک، طبقه بندی شده باشند. این تعریف تعریفی نیست که در سطح جهانی قابل قبول همه باشد، برای این لفظ تعریف های گوناگونی ذکر شده است.

نسل اول (حقوق بشر)

First Generation (Human Right)

این اصطلاح برای بیان طبقه از حقوق بشر است که تمام حقوق بشر سیاسی و مدنی را در برمی گیرد: از قبیل حق رای داهی، حق بیان، حق حرکت، حق برگذاری اجتماع، حق مساوات و زنده گی. "نسل اول حقوق بشر" حقوق فردی و اولیه را شامل می شود و در مقابل "نسل دوم" و "نسل سوم" حقوق بشر استعمال می شود. حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از نسل دوم حقوق بشر می باشند و حقوق انسجام و همبستگی از "نسل سوم حقوق بشر". البته تاریخ وقوع زمانی و سلسله وار حقوق بشر از معنای ضمنی "نسل" (Generation) نیست و لفظ "نسل" هیچگونه دلالت ضمنی بر این معنا ندارد بلکه این تقسیم بندی، بیشتر تقسیم بندی سیاسی، ایدئولوژیکی و مفهومی است.

ناپدید شدن اجباری - Forced Disappearance

عبارت است از حبس یک فرد به دستور و تایید مقامات بالا که این مقامات بالا، شخص زندانی را بدون وسایل ارتباط، مخفی نگه می دارند و اصلا گرفتاری و حبس فرد مورد نظر را نیز انکاری می کنند. چنین عملی نقض آشکار حقوق بشر است. در قانون مدون محکمه جنایی بین المللی از این عمل به جرم جهانی تحت عنوان "ناپدید شدن اجباری" یاد شده است و در این قانون "ناپدید شدن اجباری" چنین تعریف شده است: "بازداشت، توقیف و ربودن افراد با حمایت، تصدیق و رضایت دولت یا سازمان

سیاسی که این دولت یا سازمان سیاسی برای محروم کردن شخص ربوده شده از حمایت قانون برای مدت دراز، بازداشت و ربودن آن شخص را انکار می کنند و ازدادن هرگونه اطلاعات در باره محل شخص ربوده شده خودداری می کنند".

نظریات عمومی – General Comments

بیانات تحریری که توسط اعضای هم پیمان حقوق بشری مثل کمیته حقوق بشر (ICCPR) یا کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) ملل متحد صادر میگردد که به مثابه بیانیه دسته جمعی رسمی اعضای متخصص پیمان و هیات مراقبت کننده بالای تمام دولتها میباشد که چطور به بهترین وجه تعهد های مندرج سند پیمان عملی گردد. نظریات عمومی معمولاً در رابطه به یک یا بیشتر مسائل صادر میگردد. مثل لزوم تهیه گزارش یا مربوط به یک یا بیشتر مواد پیمان. نظریات عمومی بعضی اوقات شامل تحلیل معنی، محتوی و فحوای تطبیق یک نورم ویژه قابل توجه میباشد یا تفاوتها را خاطر نشان ساخته و پیشنهادهای را ارائه میکند که چطور گزارشاتی را که توسط دولتها ارائه گردیده است بهبود بخشیده و یا چطور لازمه های پیمان را در هر مورد واضح نماید. نظریات عمومی راه هایی را بخاطر از بین بردن موانع بخاطر بهتر برآوردن پیشنهاد میکند یا در عموم همکاریها را بین دولتها در عملی کردن پیمان تقویت میبخشد. بسیاری از نظریات عمومی به اساس مرور دوره ای گزارشاتی که توسط دولتها در مطابقت با تعهدهای گزارشدهی آنان نظر به پیمان است صورت میگیرد. آنها ممکن است به حقوق هریک از اعضاء ملاحظه کنند. از آنجائیکه نظریات عمومی از لحاظ حقوقی اجباری نمیباشند ولی آنها بخاطر کاردانی اعضای هیات دارای نیروی قوی معنوی و سیاسی هستند و دولتهای طرف باید از آن پیروی کنند.

نسل کشی – Genocide

اعمال مضر که در جریان جنگ یا صلح به مقصد از بین بردن تمامی یا یک بخش گروه نژادی، ملی، قومی یا مذهبی ارتکاب میابد. این میتواند شامل اعمالی شود که جراحات خطرناک و سوق دادن اشخاص به یک وضع خطرناک میگردد تا یک قسمت یا تمامی آن گروه نابود گردند. نسل کشی یک تخطی حقوق بشر است و یک جنایت بین المللی را تشکیل میدهد. این عمل در هر دو پیمان (رجوع شود به کنوانسیون نسل کشی) و به حیث یک موضوع قانون عرفی بین المللی منع قرار داده شده است. این یک جنایت بین المللی به اساس قانون موضوعه محکمه جنایات بین المللی میباشد و نیز در حوزه صلاحیت محکمه که درست به حیث کنوانسیون نسل کشی تعریف شده است.

نماینده گی یا کمیساری عالی ملل متحد در امور پناهنده گان High Commissioner for Refugees (UNHCR)

عبارت است از مقام بالای ملل متحد که از طرف مجلس عمومی ملل متحد برای مراقبت از تمام فعالیت های ملل متحد راجع به مسایل مربوط به پناهنده گان و مهاجرت های اجباری گماشته شده است. اختیارات این نماینده گی پناهنده گان پیمانی و غیر پیمانی را دربر می گیرد. پناهنده گان پیمانی پناهنده گانی اند که در "پیمان 1951 درباره مهاجرین و پروتوکول این پیمان در سال 1967" بیان شده اند. کلمه UNHCR مخفف یا عبارت فوق را تشکیل می دهد. توجه: نماینده گی عالی ملل متحد در امور پناهنده گان، غیر از نماینده گی عالی برای حقوق بشر (دفتر ملل متحد) است و UNHCR مخفف دوم را تشکیل می دهد.

ناسازگاری (عریضه) - Incompatibility

یعنی یک چیز در موقعیتی باشد که صلاحیت وابستگی، هماهنگی و هم آوایی با چیز دیگر را نداشته باشد. این کلمه در روش دادخواهی حقوق بشر به معنای مطابقت داشتن عریضه با شرایط و خواسته های اصول و روش پیمان، استعمال می شود. اگر عریضه با آن شرایط و خواسته ها/نیازمندی ها مطابق نباشد، قابل قبول نبوده و مورد بررسی قرار نمی گیرد یعنی صلاحیت این راندارد که در محکمه بین المللی ملاحظه شود. چیزهایی که به عنوان شرایط در نظر گرفته می شوند عبارت اند از: شخص عارض، زمان وقوع روی داد، مکان وقوع روی داد و اعتبار دعوی نقض پیمان و پیمان، نا امیدی از درمان های و راه حل های داخلی، فرضی بودن یا حقیقی بودن نقض حقوق بشر که شاکی آن را ادعا می کند

اگر عریضه یا دادخواهی همه شرایط را دارا نباشد، پس این عریضه، با معاهده عقد شده سازگار نیست و از جانب محکمه بین المللی برای ارزشیابی و حقیقت یابی، مورد ارزیابی قرار نمی گیرد.

نابردباری - Intolerance

نگرش یک فرد یا گروه که تفاوت زبانی، مذهبی، نژادی، ملی و تفاوت عقیده سیاسی دیگران را نمی پذیرد و نمی بخشد، پذیرد. پذیرفتن دیگران آنچنانکه آن ها هستند یعنی کسانی را با خودش همزبان، هم عقیده، هم مذهب و همفکر نباشند، نمی پذیرد. از آنجا که این طرز تفکر، حقوق بشر، عظمت فطری انسان ها و برابری کامل حقوقی را تهدید می کند، قابل نکوهش و محکوم است.

نقض ماده - Material Breach

عدم موفقیت یک کشور طرف پیمان در عمل نمودن مطابق لازمه های آن، عمل کردن به یک طریقی که توسط قانون بین المللی اجازه داده نشده است و به یک طریقی که انکار خود دولت را در اجرای پیمان نشان میدهد یا نقض جدی مقرره یک پیمان توسط دولت که مطلقاً برای انجام هدف و مقصد پیمان ضروری میباشد. (رجوع شود به کنوانسیون 1969 و یانا، ماده 60). راجع به پیمانهای قانون بشری حقوق بشر، تاثیر نقض یک ماده توسط یک کشور طرف، کشورهای دیگر را از برآوردن تعهد های تحت پیمان شان نمی رهااند.

نظارت / ناظر - Monitor

دیده بانی کردن، مشاهده کردن یا بررسی کردن وضعیت اجابت یک دولت یا عدم اجابت آن با نورمهای حقوق بشری. معمولاً یک هیات بین المللی که مسئول اجرای نورم میباشد، اجابت دولتهای طرف را مراقب میکند اما سازمانهای غیر دولتی نیز کارهای مراقبتی را انجام میدهند که معمولاً همراه با گزارشات شان در مورد مشاهدات شان میباشد. این یک طریقه است تا اطمینان حاصل گردد که یک کشور تعهدهای خویش را انجام می دهد.

نهاد های ملی - National Institutions

نهاد های ملی به هیات ها، مقامات و سازمان های گفته می شود که از جانب حکومت صلاحیت انجام دادن وظیفه های کلی یا خاص رسمی و اجتماعی به منظور ارتقا و حفظ داخلی حقوق بشر در یک کشور، به آنها سپرده شده باشد. نهاد های ملی با "این جی او" که به سازمان های غیر دولتی تعریف می شود فرق دارد.

نهاد های ملی، حقوق بشر را در سطح ملی ارتقا می دهد و به طور عمده اجرای داخلی اصول بین المللی حقوق بشر را تضمین می کند، ماموریت رسیده گی به شکایات، کمیسیون های ملی، پیگرد کننده های قانونی در مسایل مخصوص همه نهاد های ملی به حساب می آیند.

نهی دوتعیب قانونی به خاطر یک جرم

Ne(or Non) Biss in idem

اصل حقوقی بین المللی که در محاکمه های جنایی قابل اجرا است طبق این اصل یک شخص نباید برای یک جرم دوبار مورد پیگرد قانونی داخلی یا بین المللی قرار گیرد. در حقوق بین الملل این اصل به اصل مخاطره دوبرابر نیز یاد می شود.

نهاد غیر دولتی - Nongovernmental Entity

هیات سیاسی از قبیل گروه مخالف مسلح که در هیچ پیمان بین المللی عضویت ندارند و مطابق اصول فنی به هیچ یک از آن اصول ملزم نمی باشد. بعضی ها چنین ادعای کنند که بعضی اصول حقوقی بین المللی بالای نهاد ها غیردولتی نیز واجب الاجرا می باشد برای مثال بعضی ها می گویند از نظر قانونی ماده 3 پیمان GCS درباره برخوردهای مسلحانه بالای این نهادها نیز لازم الاجرا می باشد. گروه موسوم به Republica Srpska بوسنی را می توان به عنوان نمونه از نهادهای غیردولتی برشمرد که این حزب در توافق نامه سال 1995 شهر دایتون به عنوان نهاد غیردولتی نه دولت مستقل به رسمیت شناخته شده بود. در حقوق و ارتباط بین الملل نهادهای غیردولتی عاملین غیردولتی به حساب می آیند.

نظم عمومی - Ordre Public

این اصطلاح حقوقی فرانسوی در ماده های محدودیت بیشتر دیده می شود و عبارت است از تصور بزرگ از کلیت و تمامیت زندگی در سطح سیاسی و اداری، و سیاست عمومی که خواهان حفظ عمومی جامعه است. این، بیشتر به سیاست عمومی شباهت دارد تا نظم عمومی. این اصل برای محدودیت های مجاز که در ماده های کمیسیون حقوق بشر اروپا دیده می شود نقش اساسی را دارد.

نگهداری اختیاری ؛ بازداشت خود سرانه درازمدت Prolonged Arbitrary Detention

نگهداری یک فرد در توقیف برای مدت خیلی زیاد توسط مقامات حکومتی بدون پیگرد قانونی و بدون ارایه شدن شکایت جنایی بر علیه آن فرد از جانب کسی. معمولاً این نگهداری برخلاف کسانی است که در حالت ناآرامی اجتماعی، جنگ داخلی یا چریکی، برای جامعه یا برای رژیم بر سر اقتدار تهدید به حساب می آیند. معمولاً نگهداری در زندان یا محبس صورت می گیرد اما نگهداری در باره کسانی که به دلایل طبی یا روانی در کمپ های چون کمپ مهاجرین بستری شده اند نیز استعمال می شود.

نیروی محافظت کننده - Protecting Power

در قانون بشردوستانه خصوصاً در قرارداد های چهارگانه ژنوسال 1949، نیروی محافظت کننده به کشوری گفته می شود که در جنگ های مسلحانه هیچ گونه سهم ندارد و از جانب یکی از کشورهای درگیر برای انجام دادن کارهای مخصوص از قبیل بازدید از اسیران جنگی این کشور و غیره، به طور نمایندگی معین شده باشد و این نمایندگی مورد پذیرش کشور دشمن نیز واقع شده باشد. کشور محافظت شده یا موکل، وظیفه های کشور محافظت کننده اش را طبق پروتوکول ها و پیمانها تعیین می کند و کشور محافظت کننده انجام این وظیفه ها را به عهده می گیرد. کشور محافظت کننده از منافع هر دو طرف حمایت می کند و در پیروی از تعهد حقوقی شان به آنان کمک می کند. اگر هیچ کشوری این مقام را به عهده نگیرد در این صورت کشورهای درگیر، سازمان بین المللی (مثل کمیته صلیب سرخ جهانی) را برای این کار تعیین می کنند.

نظم اجتماعی - Public Order

نظم عمومی عبارت است از نظریه وسیع تمامیت زندگی در یک جامعه در سطح اداری و سیاسی. این اصطلاح که در بسیاری از ماده های شرطی یا قیدی حقوق بشر موجود است یکی از هدف های قانونی و مشروع محدود سازی حقوق بشر به حساب می آید. این اصطلاح تقریباً هم معنای سیاست عمومی و هدف از آن برقراری نظم و هماهنگی در جامعه است. ناگفته نماند که حقوق بشر مطلق و فسخ ناشدنی در هیچ شرایطی و حتی برای حفظ نظم عمومی، هیچ نوع محدودیت را نمی پذیرد.

نفرت از بیگانه گان و دولت های اجنبی، (بیگانه هراسی) Xenophobia

از کلمه یونانی "xenos" (بیگانه ، خارجی یا شخص خارجی) و phobia (ترس، هراس) بوجود آمده است. بیگانه هراسی عبارت از ترس (یا بد بینی یا مقبول یا بیش از حد از خارجیان یا اشخاص ناشناس) میباشد، که از جانب حکومت ها حمایت و یا تحریک میشود، هر چند آن شرط و ضرور نیست.

وسعت نظر - Broad mindedness

یعنی ظرفیت داشتن ذهن باز و بردبار، نه فکر کوتاه بین و کم تحمل. حتی اگر نظریه و عقیده طرف نا خوشایند و غیر قابل تحمل باشد. این گونه الفاظ از قبیل کثرت گرایی حقوقی، تحمل، وسعت نظر، بیشتر در قضیه های راجع به آزادی بیان به چشم می خورد. داشتن چنین ظرفیت برای مساوی پنداشتن دیگران، صرف نظر از ارزش ذاتی و انسانی اش، یک عنصر ضروری اجتماعی برای جامعه دموکراتیک، به حساسات می آید.

ویژه گی ها - Specificities

ویژه گی ها یا خصوصیتی که در افراد یا گروه های خاص مشاهده می شود. به طور معمول این ویژه گی ها در بحث تنوع و تفاوت های فرهنگی به کار برده می شود. مشخصات فرهنگی عبارت است از ویژه گی های یک گروه که آن گروه را از گروه های دیگر ممتاز و مشخص می سازد از قبیل مذهب، ساختار قبیله ای، نظام حقوقی یا رسم و رواج. بعضی ها دایره مشخصات را به مشخصات زبانی، مذهبی و قومی نیز گسترش داده اند. خلاصه به هر نوع تفاوتی که یک فرد یا گروه را از دیگران ممتاز کند مشخصات گفته می شود.

بعضی ادعا می کنند که حقوق بشر، جهانی است و در هر فرهنگ، هر کشور و هر منطقه باید به طور یکسان تطبیق شود اما طرفداران نسبیت فرهنگی حقوق بشر ادعا می کنند که حقوق بشر در هر کشور باید مطابق فرهنگ همان کشور باشد و حقوق بشری که در همه جا یکسان باشد وجود ندارد بلکه تفاوت فرهنگی باعث تفاوت حقوق بشر نیز می شود. اما آنچه امروز بیشتر و به طور غالب مورد قبول است نظریه جهانی حقوق بشر است.

وضعیت فوق العاده ؛ حالت اضطرار - State of emergency

وضعیت فوق العاده عبارت است از وضعیتی که در یک کشور زندگی مردم را متاثر می سازد. وجود و اعلان وضعیت فوق العاده در یک کشور به دولت اجازه می دهد تا به خاطر رعایت مصالح ملی برای بعض حقوق بشر محدودیت وضع کند. برای مثال در دوران وضعیت فوق العاده ، حکومت می تواند آزادی بیان را محدود کند. دوران وضعیت فوق العاده دوران استثنایی است که در این مدت تمام حقوق بشر بالای کشور لازم الاجرا نیست. برای ایجاد وضعیت فوق العاده عوامل مختلف از قبیل انقلاب داخلی، بی قانونی گسترده و تهاجم خارجی می تواند وجود داشته باشد.

وراثت (وظایف پیمان) - Succession (to treaty obligation)

سندی که توسط آن یک حکومت نوپا، تعهدش را به معاهده ای که حکومت سابق آن کشور در آن عضو بوده است اعلان می کند. حکومت نو تشکیل، با سپردن سند ارثی به کشور یا سازمان امانت دار و نگهدارنده، تعهدش را به معاهده اعلان می کند و بعد از سپردن سند ارثی به کشور یا سازمان نگهدارنده، این حکومت نوپا نیز مانند حکومت سابق آن کشور، به معاهده متعهد و ملزم می گردد.

واقعی - In Concreto

قید لاتینی است که در قانون " قرار داد حقوق بشر اروپا" دیده می شود. این لفظ بیشتر به پذیرش ورودی یا قابل ملاحظه بودن عریضه ها و شکایت های مطرح شده در محاکم بین المللی مربوط می شود و صورتی را شامل می شود که تخطی ها و نقض های که شاکای آن را ادعا می کند فرضی و خیالی نباشد بلکه عینی و واقعی باشد. یعنی آیا در عریضه این نکته بیان

شده که شاکی قربانی تخطی است یا نه. این مطلب در عریضه ذکر نشده است. طبق ماده 25 "قرار داد حقوق بشر اروپا"، کمیسیون یا محکمه حقوق بشر اروپا با ادعا های فرضی در مورد نقض فرضی حقوق بشر معامله نمی کنند. در صورتی که هیچ نقض واقعی حقوق بشر و قضیه متنازع فیه وجود نداشته باشد به ادعا های نقض احتمالی یا فرضی حقوق بشر توجه نمی شود. این اصطلاح به معنای دیگر به چیزهای فرضی که وجود خارجی ندارند نیز استعمال می شود. به عریضه ها و شکایت هایی که موضوع شان نقض واقعی حقوق بشر باشد توجه می شود و این عریضه ها صلاحیت ملاحظه شدن را دارد.

وقوع جنگ – Casus Belli

عمل یک دولت که به دولت دیگری آن قدر آسیب و صدمه برساند که دولت صدمه رسیده حق اعلان جنگ پیدا کند.

وظیفه – Duty

یک شرط است در پیمان حقوق بشری که تکالیف تعهدی، رفتار، خدمات یا وظایف را که یک موقف ایجاب آنرا میکند یا یک مقیم حقوقی آنرا باید انجام دهد، تعیین مینماید. بعضی از اسباب حقوق بشر شامل شرطهای وظیفوی میباشد که مسئولیت یک شهروند و دیگران را در جامعه ایشان تعیین میکند. مثلاً فقرة 1 ماده 29 اعلامیه جهانی حقوق بشر. هر حقوق بشر یک وظیفه لازم و ملزوم را بطور صریح و تلویحی دارد. مثلاً: حق داشتن خانواده (داشتن اطفال) وظیفه حمایت از آنها را در قبال دارد. موجودیت و عدم موجودیت اصلی اوضاع واقعی که در قانون بین المللی پیش بینی گردیده است در نفس خود شامل عواقب حقوقی میباشد یا امکان دارد یک حالت لازمی برای بوجود آمدن آنها باشد.

وابسته گی متقابل- Interdependence

اصل حقوق بشر به معنای وابسته گی تمام حقوق بشر نوعی و فردی به همدیگر یعنی حقوق بشر از هر نسلی که باشد نسل دوم، نسل سوم یا اول به نسل دیگر وابسته بوده و قابل تفکیک نمی باشد. طوری که اگر وجود نسلی از حقوق بشر در معرض خطر قرار بگیرد نسل دیگر نیز در معرض خطر قرار می گیرد. حقوق بشر را می توان به خانه پر از اجناس تشبیه کرد که این اجناس طوری روی هم چیده شده باشد که برداشتن یکی از آنها به سقوط و واژه گون شدن همه اجناس منجر می شود. این اصطلاح همراه با دواصطلاح مترادف دیگر یعنی interrelatedness (به هم گره خورده گی) و Indivisibility (قابل تجزیه نبودن) برای باطل کردن نظریه نسبیت فرهنگی حقوق بشر به کار می رود. نظریه نسبیت فرهنگی می کوشد تا بین اصول و نسل های اصول حقوق بشر تفکیک قایل شود و آن ها را از هم جدا و با هم بی ربط نشان دهد.

وحدت گرایی – Monism

یک سیستم وحدت گرایی حقوقی آنست که در آن هیچ تفاوتی بین قانون داخلی و بین المللی وجود ندارد. هر دوی آن یک سیستم واحد را شکل میدهند. این سیستم با سیستم دوگانه نگر متباین میباشد که بین قوانین داخلی و بین المللی منحصی دو سیستم جداگانه حقوقی وجه تمایز قائل میشود. در این سیستم، قانون داخلی و بین المللی هر دو مساوی هستند و در یک سطح قرار دارند. هر دو قوانین بالای موضوعات داخلی/ملی قابل تطبیق میباشد.

همه سوزی (قتل عام یهودی ها توسط نازی ها)

Holocaust (World War II)

نابودی سازمان یافته 12 میلیون یهودی توسط حزب نازی آلمان در جنگ جهانی دوم بر اساس تعصب نژادی، مذهبی نسبت به آن ها (یهودی ها) و بر اساس ویژه گی های دیگر آن ها (یهودی ها). این اصطلاح به آن عده از یهودی های که قربانی

این حادثه گردیدند نیز استعمال می شود. البته تنها یهودی ها نبودند که قربانی این پدیده به یادماندنی گردیدند. بسیاری از کاتولیک ها، کشیش ها، کولی ها و همجنسگرایان نیز قربانی این حادثه گردیدند.

همکاری های فنی (وخدمات مشورتی) Technical Cooperation (and advisory services)

میکانیزم سازمان بین المللی چون ملل متحد که با طرح پروژه های اساسی برای مستحکم کردن زیربنای حقوق بشر ملی کشورها، سعی می کند تا انسان ها به طور موثر از حقوق بشر شان بهره مند شوند. این همکاری ها، مستحکم کردن حقوق داخلی و اقدامات حکومت را نیز شامل می شود. سازمان بین المللی که این خدمات را فراهم می کند افراد خبره را برای بررسی وضعیت حقوق بشر و کمک به میکانیزم داخلی حقوق بشر به کشورهای دیگر می فرستد و این افراد، معاهده های حقوق بشر را برای مردم ترجمه می کند و از طریق انعقاد سیمینار، اعطای شهریه به محصلین حقوق، تربیه قضات و شخصیت های حقوقی و برگزاری کورس های آموزشی، به سیستم حقوقی آن کشورها کمک می کنند. سازمان جهانی این خدمات را صرف به کشورهای ارایه می کند که چنین تقاضا را از این سازمان کرده باشد و یا به خاطر نقض حقوق بشر مورد توجه جامعه جهانی واقع شده باشد.

هیات نظارتی پیمان Treaty(Monitoring/Supervising) Body

عبارت است از ارگان قضایی(از قبیل محکمه) یا شبه قضایی(از قبیل کمیسیون یا کمیته) که در یک معاهده برای بررسی و نظارت بر اطاعت کشورها از اصول معاهده، که سازمان بین المللی و بین الدولی، آن را تاسیس می کند. این هیات نظارتی کارهای کشورهای عضو معاهده را برای تضمین پیروی از معاهده تحت نظر دارد و موارد تخطی از معاهده را نشان دهی می کند و به کشورهای عضو در اقدام های تطبیقی آن ها کمک می کند. کمیته حقوق بشر ملل متحد که در ماده 28 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی تصویب شده است یکی از این هیات های نظارتی است که کارهای کشورهای عضو این معاهده را بررسی و نظارت می کند.

هدف مشروع – Legitimate Aim

هدف صحیح از اندازه یک تحدید که در ماده تحدید/محدودیت در نورمهای معین پیمان وجود دارد، هدف مشروع آن میباشد که صریحا در یک چنین ماده برشمرده شده است مثلاً حمایت از صحت عامه، امنیت، اخلاقیات، نظم عامه، رفاه، امنیت ملی و غیره. یک مداخله با عملی کردن نورمهای بسیار مشهود حقوق بشر تنها وقتی میتواند ذیحق باشد اگر، در میان چیزهای دیگر، آن دارای یک هدف مشروع حکومتی باشد چنانکه در پیمان برشمرده شده است.

هنجار/ معیار؛ میزان – Norm

عبارت است از معیار معتبر و مشخص رفتار که از لحاظ حقوقی به عنوان ماده و موضوع حقوق داخلی یا بین المللی بالای یک کشور لازم الاجرا است. معیار رفتار درست که از لحاظ قانونی بالای کشورهای عضو معاهده لازم الاجرا است یا اصل لازم الاجرا در قانون عرفی جهانی که عمل درست و قابل قبول انسان را ترتیب و تنظیم می کند. معاهده های حقوق بشر هم اصول واقعی و ماهوی حقوق بشر را دربردارد یعنی اعمال مجاز و غیرمجاز را و هم میکانیزم و طرز العمل اجرایی حقوق واقعی را.

هنجاری؛ معیاری – Normative

چیزی که مربوط به اصول و معیارهای حقوقی باشد و معمولاً چیزی که اصول و معیارهای لازم الاجرای رفتار را تعیین می کند. وقتی معاهده به مرحله نیرو و نفوذ می رسد به آن سند اصولی یا قانونی نیز گفته می شود.

هدف و مقصد (پیمان) – Object and Purpose (of Treaty)

این اصطلاح برای بیان دوامی که بررسی آن در تفسیر معاهده ضروری است استعمال می شود. کسی که می خواهد معاهده ای را تفسیر کند اول باید زبان معاهده را به طور کامل مطالعه کند و معنای آن را با هدف و مقصد معاهده مقایسه و ارزیابی کند.

هدف پیمان حقوق بشر تاسیس اصول حقوق بشر است و پاسداری از حقوق بشر کودکان یا مهاجرین و پایان دادن به شکنجه را می توان از مقاصد حقوق بشر برشمرد.

این اصطلاح در ماده 31 معاهده وینا (1969) دیده می شود و راجع به تفسیر پیمان های حقوق بشر، اصل عمومی قانون بین المللی به حساب می آید.

یادداشت غیر رسمی – Memorial

یک یادداشت مختصر قانون یک طرف در یک قضیه متنازع فیه بین المللی. در این یادداشت، طرف شرح ویژه حقایق مربوط و قانون، متنازع فیه نظر به مزیت داشتن و دیگر ارجاعات مربوط در ارتباط به دعوی را قرار میدهد.

ضمیمه (I)

اعلامیه جهانی حقوق بشر

مصوبه 10 دسامبر 1948 میلادی (مطابق 1327/9/19 شمسی)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد

مقدمه:

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد، از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است، از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد، از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین الملل را مورد تشویق قرار داد، از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده اند و تصمیم راسخ گرفته اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری به وجود آورند، از آنجا که دولتهای عضو متعهد شده اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند، از آنجا که حسن تفاهم مشترک نسبت به این حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد، مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می کند تا جمیع افراد و کلیه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادی ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین

المللي، شناسايي و اجراي واقعي و حياتي آنها، چه در ميان خود ملل عضو و چه در بين مردم کشورهايي که در قلمرو آنها مي باشند، تأمين گردد.

ماده اول :

تمام افراد بشر آزاد به دنيا مي آيند و از لحاظ حيثيت و حقوق با هم برابرند. همه داراي عقل و وجدان مي باشند و بايد با يکديگر با روح برادري رفتار کنند.

ماده دوم :

1) هر کس ميتواند بدون هيچ تمايز - خصوصاً از حيث رنگ، جنس، نژاد، مذهب، عقیده سياسي يا هر عقیده ي ديگر و همچنين مليت و وضع اجتماعي، ثروت، ولادت يا هر موقعيت ديگر، از تمام حقوق و کليه ي آزادي هايي که در اعلاميه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد.

2) به علاوه هيچ تبعيضي به عمل نخواهد آمد که مبتني بر وضع سياسي، اداري و قضايي يا بين المللي کشور يا سرزميني که شخص به آن تعلق دارد. خواه اين کشور مستقل، تحت قيوميت يا خود مختار بوده و يا حاکميت آن به شکلي محدود شده باشد.

ماده سوم : هر کس حق زندگي، آزادي و امنيت شخصي دارد.

ماده چهارم :

احدي را نمي توان در بردگي نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلي که باشد ممنوع است.

ماده پنجم :

احدي را نمي توان تحت شکنجه يا مجازات يا رفتاري قرار داد که ظالمانه يا خلاف انسانيت و شئون انساني يا موهن باشد.

ماده ششم :

هر کس حق دارد که شخصيت حقوقي او در همه جا به عنوان يك انسان در مقابل قانون شناخته شود.

ماده هفتم :

همه در برابر قانون مساوي هستند و حق دارند بدون تبعيض و باالسيويه از حمايت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعيضي که ناقض اعلاميه حاضر باشد و هر تحريكي که براي اعمال چنين تبعيضي انجام شود از حمايت قانون برخوردار شوند.

ماده هشتم :

در برابر اعالمي که حقوق اساسي فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسيله ي قانون اساسي و يا قانون ديگري براي او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع موثر به محاکم ملي صالحه را دارد.

ماده نهم :

احدي را نمي توان خودسرانه توقيف، حبس يا تبعيد نمود.

ماده دهم :

هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش بوسيله ي دادگاه مستقل و بي طرف، منصفانه و علناً رسيدگي شود و چنين دادگاهي درباره ي حقوق و الزامات او و يا هر اتهام جزائي که به او وارد شده باشد تصميم بگيرد.

ماده يازدهم :

1) هر کس که به بز هکاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که کلیه تضمین های لازم جهت دفاع او تامین شده باشد ، تقصیر او قانوناً محرز گردد .

2) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب ، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است محکوم نخواهد شد . به همین طریق هیچ مجازاتی شدید تر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می گرفت در باره ی احدی اجرا نخواهد شد .

ماده دوازدهم :

احدی در زندگی خصوصی ، امور خانوادگی ، اقامتگاه یا مکاتبات خود ، نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد . هر کس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد .

ماده سیزدهم :

1) هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند .

2) هر کس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند یا به آن بازگردد .

ماده چهاردهم :

1) هر کس حق دارد در مقابل شکنجه ، آزار و تعقیب پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه گزیند .

2) در مواردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مغایر با اصول و مقاصد ملل متحد باشد نمیتوان از این حق استفاده کرد .

ماده پانزدهم :

1) هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد .

2) احدی را نمی توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد .

ماده شانزدهم :

1) هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد ، ملیت ، تابعیت یا مذهب با یکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند . در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن ، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می باشند .

2) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود .

ماده هفدهم :

1) هر کس منفرداً یا بطور دسته جمعی حق مالکیت دارد .

2) احدی را نمی توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود .

ماده هیجدهم :

هر کس حق دارد که از آزادی فکر ، وجدان و مذهب بهره مند شود . این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و نیز متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان میباشد و همچنین شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است . هر کس میتواند از این حقوق منفرداً یا اجتماعاً و به طور خصوصی یا عمومی برخوردار شود .

ماده نوزدهم :

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشت عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد .

ماده بیستم :

1) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد .

2) هیچکس را نمیتوان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد .

ماده بیست و یکم :

1) هر کس حق دارد در اداره ی امور عمومی کشور خود ، خواه مستقیماً و خواه از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید .

2) هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید .

3) اساس و منشاء قدرت حکومت اراده ی مردم است . این اراده باید به وسیله ی انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد . انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تضمین نماید .

ماده بیست و دوم :

هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است بوسیله ی مساعی ملی و همکاری بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه ی مقام و نمو آزادانه ی شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد .

ماده بیست و سوم :

1) هر کس حق دارد کار کند ، کار خود را آزادانه انتخاب نماید ، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خود خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد .

2) همه حق دارند بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت کنند .

3) هر کس که کار می کند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق میشود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تامین کند و آنرا در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید .

4) هر کس حق دارد برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد یا در اتحادیه ها شرکت کند .

ماده بیست و چهارم :

هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی های ادواری با اخذ حقوق ذیحق میباشد .

ماده بیست و پنجم :

1) هر کس حق دارد که سطح زندگانی او ، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری ، بیماری ، نقص اعضاء ، بیوگی ، پیری یا تمام موارد دیگری که به عللی خارج از اراده ی انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد ، از شرایط ابرومندانة ی زندگی برخوردار شود .

2) مادران و کودکان حق دارند از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند . کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند ، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند .

ماده بیست و ششم :

1) هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود . آموزش و پرورش لافل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد . آموزش ابتدایی اجباری است . آموزش حرفه ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره گیرند .

2) آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر فرد را به حد کمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی های بشر را تقویت کند . آموزش و پرورش باید حس تفاهم ، گذشت و احترام به عقیده ی مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه ی فعالیت های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید .

3) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند .

ماده بیست و هفتم :

1) هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند ، از فنون و هنر ها بهره گیرد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد .

2) هر کس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی آثار علمی ، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود .

ماده بیست و هشتم :

هر کس حق دارد برقراري نظمي را بخواهد که از لحاظ اجتماعي و بين المللي ، حقوق و آزادي هايي را که در اين اعلاميه ذکر گرديده است تأمين کند و آنها را به مورد اجرا گذارد .

ماده بيست و نهم :

- (1) هر کس در مقابل آن جامعه اي وظيفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصيت او را ميسر کند .
- (2) هر کس در اجراي حقوق و استفاده از آزادي هاي خود فقط تابع محدوديت هايي است که به وسيله قانون و منحصرأ به منظور تأمين ، شناسايي و مراعات حقوق و آزادي هاي ديگران و براي رعايت صحيح مقتضيات اخلاقي و نظم عمومي و رفاه همگاني در شرايط يك جامعه ي دمکراتيک وضع گرديده است .

ماده سي ام :

هيچ يك از مقررات اعلاميه حاضر نبايد طوري تفسير شود که متضمن حقي براي دولت ، جمعيت يا فردي باشد که به موجب آن بتوانند هر يك از حقوق و آزاديهاي مندرج در اين اعلاميه را از بين ببرند يا در راه آن فعاليتي نمايند

ضميمه (II)

ميثاق بين المللي حقوق مدني و سياسي

کنوانسيون بين المللي حقوق مدني و سياسي سازمان ملل متحد
مصوبه 26 دسامبر 1966 / قطعنامه 2200A قدرت اجرائي بنا بر ماده 49، 23 مارس 1976

ترجمه: ن. نوريزاده

ديباچه:

دولتهای عضو این میثاق:

با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، نظر به اینکه، حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است، با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهایی از ترس میباشد و دستیابی به این شرایط فقط بوسیله بهره مندی هر کس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است، با توجه به منشور ملل متحد، دولتها متعهد بر رعایت و احترام به حقوق و آزادیهای انسان و ترویج آنها در سراسر جهان میباشند، با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای مسئولیت در جهت اعتلا و ترویج رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق میباشند، (دولتهای عضو این میثاق) با مواد زیر موافقت میکنند:

بخش یکم

ماده اول:

- 1- تمام ملتها حق خودمختاری دارند. بواسطه این حق، آنها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین میکنند.
- 2- تمام ملتها میتوانند برای اهداف خود، بدون لطمه زدن به تعهدات ناشی از همکاریهای اقتصادی بین المللی که بر مبنای اصول سود متقابل و حقوق بین المللی، آزادانه (منعقد شده است) ثروتها و منابع طبیعی شان را مصرف نمایند. در هیچ موردی نمی توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم نمود.
- 3- دولتهای عضو این میثاق، از جمله دولتهای مسئول اداره کشورهای مستعمره و تحت قیمومیت، باید در تحقق حق خودمختاری و احترام به این حق، طبق مقررات منشور ملل متحد، سرعت بخشند.

بخش دوم

ماده دوم:

- 1- هر دولت عضو این میثاق متعهد میشود که نسبت به افراد ساکن قلمرو و تبعه حوزه قانونی خود، حقوق شناخته شده این میثاق را صرفنظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا عقیده ای دیگر، و همچنین اصل و منشأ اجتماعی یا ملی، دارائی، نسب و یا وضعیت های دیگر، محترم شمرد و تضمین نماید.
- 2- هر دولت عضو این میثاق در جائیکه قوانین و تدابیری پیش بینی نشده است، متعهد میباشد که اقدامات لازم را بنابر روند قانونگذاری خود و مقررات این میثاق بعمل آورد. اتخاذ چنین قوانین و تدابیری بمنظور اجرای حقوق شناخته شده این میثاق میباشد.
- 3- هر یک از اعضای عضو این میثاق متعهد است که:
الف: تضمین نماید، فردی که حقوق و آزادیهایش که در این میثاق برسمیت شناخته شده است، نقض گردد، باید وسیله ای جهت جبران خسارت موثر داشته باشد، هر چند این نقض بوسیله افرادی انجام گرفته باشد که در سمت رسمی خود قرار داشته اند.
ب: تضمین نماید، فردی که درخواست جبران خسارت میکند، باید بوسیله مقامات صالح قضائی، اداری و قانونگذاری و یا بوسیله هر مقام دیگری که بواسطه نظام قانونی کشور مقرر میگردد (مورد رسیدگی قرار گیرد) و همچنین امکانات جبران خسارت قضائی و حقوقی (تظلم خواهی) توسعه یابد.

ج: تضمین نماید که مقامات صالحه در صورت محرز شدن چنین خساراتی وادار به جبران شوند.
ماده سوم:

دولتهای عضو این میثاق تعهد مینمایند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره مند شدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی که در این میثاق بیان شده است، تضمین شود.

ماده چهارم:

1- کشورهای عضو این میثاق در زمان پیشامدهای اضطراری عمومی که حیات ملتی را تهدید میکند و وجود آن پیشامد بطور رسمی اعلام گردیده است، میتوانند اقدامات لازم را خارج از مواد این پیمان و تعهدات خود نسبت به آنرا بنا بر وضعیت و مقتضیات بعمل آورند، مشروط بر اینکه این اقدامات متناقض با دیگر تعهدات حقوق بین الملل خود نباشد (و نیز) تبعیض انحصاری بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، منشاء مذهبی یا اجتماعی در بر نداشته باشد.

2- (این اقدامات) نباید خارج از مواد 6-7-8 (بند 1 و 2) 11-15-16 و 18 این قانون (میثاق) انجام گیرد.
3- هر یک از کشورهای عضو این میثاق که از (حق) پیشامدهای اضطراری این پیمان استفاده میکند، باید بلافاصله موارد پیشامد اضطراری و دلایلی که موجب این اضطرار شده است را توسط دبیر کل سازمان ملل متحد به دیگر کشورهای عضو پیمان اطلاع دهد. (همچنین این کشور) اطلاعیه ای (مبنی بر ذکر) تاریخی که این پیشامد اضطراری پایان می پذیرد را صادر نماید و از طریق همان واسطه (دبیر کل) به اطلاع دیگر کشورهای عضو برساند.

ماده پنجم:

1- هیچیک (از مواد) این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که بموجب آن حقی برای کشوری یا گروهی و یا فردی در جهت فعالیت و یا انجام هر عملی که باعث از بین رفتن هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق میگردد و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنچه که در این میثاق پیش بینی شده است، ایجاد نماید.

2- هیچ نوع محدودیت و یا تخلف از حقوق اساسی بشر که در قوانین، پیمان نامه ها، آئین نامه ها و یا عرف هر یک از کشورهای عضو این پیمان شناخته شده است و یا وجود دارد، به بهانه اینکه در این میثاق (آن حقوق) به رسمیت شناخته نشده است و یا به میزان کمتری به رسمیت شناخته شده است، پذیرفته نخواهد بود.

بخش سوم

ماده ششم:

1- هر انسانی بطور ذاتی حق زندگی دارد. این حق باید بوسیله قانون محافظت گردد. هیچکس را نمیتوان بطور دلخواه و خودسرانه از حق زندگی محروم نمود.

2- در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، حکم مرگ فقط باید برای مهمترین جنایات، آنهم بنا بر قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جرم صادر شود و (نیز این حکم) نباید با مقررات این میثاق و میثاق منع و مجازات جرم کشتار دستجمعی Genocide منافات داشته باشد.

3- هنگامیکه سلب زندگی (صدور حکم مرگ) جرم کشتار جمعی باشد، (در این صورت) بدیهی است که هیچ چیزی در این ماده مجاز نمی شمارد که کشور عضو این پیمان از تعهداتی که به قوانین میثاق منع و مجازات جرم کشتار جمعی سپرده است، تخلف ورزد.

4- هر فرد محکوم به مرگ، حق دارد که درخواست عفو و یا تخفیف جرم نماید. امکان اعطاء بخشش عمومی، بخشش فردی یا تخفیف مجازات مرگ در تمام موارد وجود دارد.

5- حکم مجازات مرگ نباید برای جرمهایی که افراد زیر 18 سال مرتکب شده اند صادر شود و (نیز این حکم) نباید در مورد زنان باردار اجرا گردد.

6- هیچ چیز در این ماده جهت به تاخیر انداختن و یا منع الغای مجازات اعدام از طرف کشور عضو این میثاق، قابل استناد نمی باشد.

ماده هفتم:

هیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیر انسانی و وحشیانه قرار گیرد. بویژه کسی را نباید بدون رضایت آزادانه اش در معرض آزمایشات پزشکی و علمی قرار داد.

ماده هشتم:

1- هیچکس نباید در بردگی نگاه داشته شود. بردگی و تجارت برده با تمام اشکال آن ممنوع می‌باشد.
2- کسی نباید در خدمت اجباری نگاه داشته شود.

3- الف: هیچکس را نباید به کار اجباری و انجام عمل تحمیلی وادار نمود.
ب: بند سوم (الف) نباید برای کشورهایی که اعمال شاقه را بمثابه مجازات جرم در نظر می‌گیرند، مانعی ایجاد کند، بدیهی است حکم چنین مجازاتی (مجازات مجرم با اعمال شاقه) باید بوسیله دادگاه صالحه صادر گردد.

ج: برای (روشن شدن) مفاد این بند، واژه کار تحمیلی و اجباری شامل موارد زیر نمی باشد:
- I هر کار یا خدمتی که به زیر بند (ب) عطف نشده است که معمولاً به فردی که در نتیجه حکم دادگاه تحت بازداشت است و یا به فردی که در حین برخورداری مشروط از این نوع بازداشت، تکلیف می‌گردد.
- II هر نوع خدمت شخصی نظامی در کشورهایی که موضوع خدمت وظیفه برسمیت شناخته نشده است، هر نوع خدمت ملی مقرر شده که بوسیله قانون خدمت وظیفه پذیرفته نشده است
- III هر نوع خدمتی که در موارد اضطراری یا بلایائی که زندگی و رفاه جامعه را تهدید می‌کند، مقتضی می باشد.

- III هر کار یا خدمتی که قسمتی از تعهدات (اجتماعی) مدنی را تشکیل دهد.
ماده نهم:

1- هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچکس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند.
2- هر کسی که دستگیر می‌شود باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و (نیز) باید بدون درنگ هر اتهامی که علیه او وجود دارد، به اطلاعش رساند.

3- هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت می‌گردد، باید بی درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که بوسیله قانون، قدرت قضائی را اعمال می‌کند، آورده شود و شایسته است که در مدت معقولی دادرسی شود و یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد بصورت قاعده عمومی و کلی درآید، ولی در هر مرحله از رسیدگی قضائی، (متهم) ممکن است با تضمین آزادی (موقت) جهت حضور در دادگاه و به اقتضای حکم دادگاه موکول گردد.

4- هر کسی که بموجب دستگیری و یا بازداشت، از آزادی اش محروم می‌گردد، حق دارد روند دادخواهی را بدین منظور که دادگاه بدون تاخیر در مورد غیر قانونی بودن بازداشتش تصمیم گیرد، دنبال نماید تا اگر بازداشت او غیر قانونی است (قاضی) دستور به آزادی او دهد.

5- هر کس که قربانی دستگیری و یا بازداشت غیر قانونی شده است، حق جبران خسارت دارد.
ماده دهم:

1- تمام افرادی که آزادی آنها سلب می‌گردد (زندانیان) باید با آنها با انسانیت و احترام که حقیقت ذاتی شخص انسان است، رفتار شود.

2- الف- به جزء موارد استثنائی، افراد متهم باید از محکومین جدا نگاه داشته شوند و میبایست مشمول رفتار جداگانه ای، متناسب با وضعیت افراد غیر محکوم شوند.

ب - افراد جوان متهم باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و باید در اسرع وقت در مورد آنها قضاوت گردد.
3- نظام ندامتگاه باید متضمن رفتار با افرادی باشد که هدف اساسی آن اصلاح آنان و اعاده حیثیت اجتماعی شان باشد. جوانان بزهکار باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و (با آنها) متناسب سن و وضعیت قانونی شان رفتار گردد.

ماده یازدهم:
هیچکس را نباید فقط بعنوان اینکه (او) قادر به انجام تعهد قراردادی خود نیست، زندانی کرد.

ماده دوازدهم:
1- هر کس بطور قانونی باید در قلمرو کشور، حق رفت و آمد آزاد و انتخاب آزادانه محل اقامت خود را داشته باشد.

2- هر کس باید برای ترک هر کشوری که شامل کشور خود (نیز) است، آزاد باشد.
3- حقوق یاد شده بالا نباید مشمول هیچ محدودیتی گردد، مگر آنکه آن (محدودیتها) برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی یا (رعایت) حقوق و آزادیهای دیگران، ضروری بوده و بوسیله قانون مقرر گشته است و با دیگر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.

4- هیچکس نباید از حق ورود به کشور خود، خودسرانه (بدون مجوز) محروم گردد.
ماده سیزدهم:

هر بیگانه ای که بطور قانونی در قلمرو کشور عضو این میثاق باشد، فقط در صورتی از آن (کشور) اخراج می‌گردد که (این اخراج) پیرو تصمیمی مطابق قانون باشد، در غیر اینصورت و در جایی که دلایل حتمی امنیت ملی ایجاب نکند، باید این اجازه به او داده شود که دلایل مخالفت خود را نسبت به (این اخراج) ارائه دهد. بدین منظور پرونده او با حضور نماینده

ای که قبلاً تعیین کرده است و بوسیله مرجع صلاحیت دار و یا فرد یا افراد بخصوصی که از طرف مرجع صلاحیت دار تعیین شده اند، دوباره خوانی و رسیدگی می‌گردد.

ماده چهاردهم:

1- همه افراد در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری (از حقوق) برابر برخوردارند. در امور تصمیم‌گیری هر اتهامی علیه فرد و یا (علیه) حقوق و تعهدات مدنی او، هر کس باید حق داشته باشد که (اتهامات او) بوسیله یک دادگاه قانونی، صلاحیت دار، مستقل و بیطرف، بطور منصفانه و علنی، رسیدگی شود. مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام و یا قسمتی از دادگاه بدلیل اخلاقی، نظم عمومی و یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار منع شوند. وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند و یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن (جلسات) را زیان آور به مصالح دادگستری بداند، (محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام و یا قسمتی از دادرسی) امکان دارد، اما حکم صادره در امور کیفری و یا مدنی باید علنی باشد مگر آنکه مصلحت افراد جوان ایجاب نماید و یا روند دادرسی، مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی اطفال باشد.

2- هر کس که به ارتکاب جرمی متهم شده است این حق را دارد که بیگناه فرض شود تا مگر جرم او برطبق قانون ثابت شود.

3- در مورد قطعی شدن جرم علیه فرد، هر کس حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد.

الف- بیدرنگ و به تفصیل با زبانی که او بفهمد، (باید) از نوع و علت اتهامی که به او نسبت داده شده است، آگاه گردد.

ب- وقت و تسهیلات کافی جهت تهیه دفاعیه خود و گفتگو با وکیل که خود انتخاب کرده است، داشته باشد.

ج- بدون تاخیر موجه، دادگاهی شود.

د- در حضور خودش محاکمه شود. شخصاً از خود دفاع نماید و یا از طریق وکیل که خود انتخاب کرده است (از خود دفاع کند). او باید از حقوق خود مطلع گردد که اگر وکیل ندارد، در صورتیکه مصالح دادگستری اقتضا می‌نماید و (نیاز) در صورتیکه او توانایی کافی برای پرداخت (دستمزد وکیل) را نداشته باشد، بدون پرداخت هزینه ای، وکیل برای او تعیین می‌گردد.

ه- از شهودی که علیه او (شهادت داده اند) بازپرسی کنند و یا بخواهند که از آنها بازپرسی شوند و تحت شرایط مشابهی که علیه او شهادت داده اند، شاهدانی جهت شهادت برفع او حاضر شوند. و- اگر از زبانی که در دادگاه بکار می‌رود را نمی‌تواند بفهمد و یا صحبت کند (باید) بطور رایگان مترجمی جهت کمک در اختیار او گذاشته شود.

ز- اجباری در شهادت دادن علیه خود و یا اقرار به مجرمیتش وجود نداشته باشد.

4- آئین دادرسی در مورد افراد جوان باید مطابق سن آنها، مصلحت و اعاده حیثیت آنان در نظر گرفته شود.

5- هر کس که مجرم شناخته میشود مطابق قانون (باید) حق داشته باشد که مجرمیت و محکومیت او بوسیله یک دادگاه عالیتر مورد تجدید نظر قرار گیرد.

6- هر گاه شخصی حکم نهائی محکومیت جزائی گرفته است و بعداً در نتیجه یک کشف جدید با وجود شواهد قطعی معلوم گردد که محکومیت او در نتیجه یک اشتباه قضائی بوده است و حکم او نقض شود و یا مورد عفو قرار گیرد، او یعنی شخصی که در نتیجه این محکومیت و مجازات متحمل رنج و عذاب شده است، حق دارد طبق قانون اعاده جبران خسارت نماید، مگر ثابت شود که عدم افشای بموقع و چگونگی امر نامعلوم بطور کلی و یا جزئی منتسب به خود او بوده است.

7- هیچکس را نباید بوسیله قانون دادرسی کیفری کشور، به جرمی که محکوم و یا تبرئه شده است، دوباره دادگاهی، محکوم و مجازات نمود.

ماده پانزدهم:

1- هیچکس را نباید بواسطه انجام عملی و یا ترک آن که بنا بر قوانین ملی و یا بین المللی جرم نبوده است در آن واحد محکوم نمود. همچنین نباید هیچ مجازات شدیدی را از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده است، تعیین نمود. اگر پس از ارتکاب جرم مقررات قانونی دیگری وضع شود که مجازات ملایمتری را در بر داشته باشد، مجرم باید از آن مقررات استفاده نماید.

2- هیچیک از مقررات این ماده نباید با دادرسی و مجازات شخصی که در هنگام انجام عملی یا ترک آن، بنا بر اصول کلی قوانین شناخته شده جامعه ملل، جرم نیست، منافات داشته باشد.

ماده شانزدهم:

هر کس حق دارد در هر کجا در مقابل قانون، بمثابه یک شخص (حقوقی) شناخته شود.

ماده هفدهم:

1-هیچکس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه و یا مکاتبات، مورد دخالت خودسرانه (بدون مجوز قانونی) یا خلاف قانون قرار گیرد. همچنین نباید شرافت و حیثیت او مورد تعرض غیر قانونی واقع گردد.
2-هر کس حق دارد که در مقابل این تعرضات و دخالتها از حمایت قانون برخوردار شود.

ماده هیجدهم:

1-هر کس حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب دارد. این حق شامل اختیار و آزادی در پذیرش یک مذهب و یا عقیده ای، به انتخاب خود است. همچنین هر کسی، در بیان آشکار مذهب یا عقیده خود بطور فردی یا گروهی آشکارا یا در نهان و نیز انجام تعلیمات مذهبی خود اختیار و آزادی دارد.
2-در این موارد، هیچکس نباید با زور و اجبار (روبرو گردد) و نیز نباید به آزادی او در پذیرش یک مذهب یا عقیده ای که بر اساس انتخاب خودش انجام گرفته است، آسیب رساند.
3-در صورتی ممکن است آزادی بیان، مذهب یا اعتقادات کسی محدود گردد که بموجب قانون آنهم در جهت حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامتی اخلاق یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران، پیش بینی شده باشد.
4-کشورهای عضو این میثاق، متعهد میگردند که آزادی والدین و سرپرستان قانونی را در مورد آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان و مطابق با عقایدشان محترم شمارند.

ماده نوزدهم:

1-هر کس حق دارد که نظرات خود را بدون دخالت و مانع (دیگران) بیان دارد.(حفظ کند)
2-هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و هر نوع عقایدی، بدون توجه به چگونگی ارائه آن (آرایش) بطور زبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا بهر وسیله دیگری که خود انتخاب میکند، میباشد.

3-اعمال حقوق ارائه شده در بند 2 این ماده که همراه با وظائف ویژه و مسئولیت ها می باشد، ممکن است که تابع محدودیتهای معینی قرار گیرد. این (محدودیتها)، فقط باید بنا به ضرورتهای ذیل و بوسیله قانون انجام گیرد:
الف) برای احترام حقوق یا حیثیت دیگران
ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی

ماده بیستم:

1- هرگونه تبلیغ برای جنگ بموجب قانون ممنوع است.
2- هرگونه ترغیب به تفرق ملی یا نژادی یا مذهبی که باعث تحریک به تبعیض و یا دشمنی و خشونت گردد، بموجب قانون ممنوع می باشد.

ماده بیست و یکم:

حق تشکیل مسالمت آمیز مجامع به رسمیت شناخته میشود. هیچ محدودیتی در مورد اعمال این حق صورت نمی گیرد مگر مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری در جهت نفع (مصلحت) امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد.

ماده بیست و دوم:

1-هر کس حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه ها و برای حفاظت علاقه مندیها و منافع خود می باشد.
2-اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نیست مگر اینکه این محدودیتها مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری جهت نفع (مصلحت)، امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد. (همچنین) این ماده مانع از آن نمی شود که اعضاء نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق، تابع محدودیتهای قانونی باشند.
3-هیچیک از مقررات این ماده، کشورهای عضو مقابله نامه سازمان بین المللی کار، مورخ 1948 که مربوط به آزادی (تشکیل) اتحادیه و حمایت از حق متشکل شدن است، مجاز نمی شمارد که با اقدامات قانونگذاری و یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین های ارائه شده در این مقابله نامه مخالفت کنند و به آن لطمه وارد آورند.

ماده بیست و سوم:

1-خانواده یک واحد گروهی و (جزء عنصر) بنیادین و طبیعی جامعه است و شایسته می باشد که بوسیله جامعه و حکومت حفاظت گردد.

2- حق ازدواج و تشکیل خانواده برای مردان و زنانی که به این سن رسیده اند، برسمیت شناخته میشود.
3- هیچ ازدواجی بدون رضایت آزادانه و کامل زوجین منعقد نمی گردد.

4- کشورهای عضو این میثاق، باید اقدامات مناسب را بمنظور تامین تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در خلال انعقاد و فسخ ازدواج بعمل آورند. در مورد فسخ ازدواج باید برای حفاظت کودکان پیش بینی های لازم انجام گیرد.

ماده بیست و چهارم:

1- هر کودکی بدون هیچگونه تبعیض (از قبیل) نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت یا منشاء اجتماعی، دارائی یا تولد (نسب) که به اقتضای وضعیت صغارت (خردسالی) ایجاد شده است، حق دارد از اقدامات حفاظتی (حمایتی) خانواده، جامعه و دولت برخوردار گردد.

2- هر کودکی باید بیدرنگ پس از تولد دارای نام گردد و به ثبت رسد.

3- هر کودکی حق کسب تابعیت دارد.

ماده بیست و پنجم:

هر شهروندی باید از فرصتها (امکانات)، بدون در نظر گرفتن محدودیتهایی که در بند 2 آمده است و (نیز) بدون محدودیتهای نامعقول، حق داشته باشد که:

(الف) در اداره امور عمومی، مستقیماً یا بوسیله انتخاب آزاد نمایندگان، شرکت کند.

(ب) در انتخابات دوره ای صحیح که با آراء عمومی مساوی و مخفی انجام میگردد و تضمین کننده بیان آزادانه خواسته انتخاب کنندگان است، (حق) رای دادن و انتخاب شدن دارد.

(ج) (هر شهروندی) بنا بر شرایط کلی حق مساوی ورود به مشاغل عمومی در کشور خود را دارد.

ماده بیست و ششم:

تمام افراد در مقابل قانون برابر هستند و بدون تبعیض، مستحق حفاظت (حمایت) مساوی در مقابل قانون می باشند. از این لحاظ قانون باید هر نوع تبعیض را مانع شود و برای تمام افراد حفاظتهای (حمایتهای) موثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض و در هر مرحله ای مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا دیگر عقاید، منشاء ملی یا اجتماعی، دارائی، تولد (نسب) و یا هر وضعیت دیگری تضمین نماید.

ماده بیست و هفتم:

در کشورهایی که اقلیت های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارد، افرادی که متعلق به این اقلیتها هستند را نباید از حق (تشکیل) اجتماعات با اعضای گروه خود و (نیز) بهره مندی از فرهنگ و اظهار و انجام (فرايض) مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان، محروم نمود.

بخش چهارم

ماده بیست و هشتم:

1- یک کمیته حقوق بشر (از این بعد در این میثاق کمیته نامیده خواهد شد) تاسیس میگردد. این کمیته شامل 18 عضو است و وظائفی که در بندهای بعدی (2و3) ارائه گردد را انجام میدهد.

2- اعضای این کمیته از اتباع کشورهای عضو این پیمان تشکیل میگردد، (یعنی) کسانی که دارای نشانه های عالی اخلاقی بوده و صلاحیت آنان در زمینه حقوق بشر شناخته شده است. شرکت بعضی از افراد که در امور قضائی دارای تجربه هستند، مورد توجه (کمیته) می باشد.

3- اعضای کمیته، انتخابی هستند و بنا بر صلاحیت شخصی خود (در این کمیته) خدمت میکنند. (نمایندگان رسمی دولت متبوع خود نمی باشند).

ماده بیست و نهم:

- 1- اعضای کمیته باید با رای مخفی و از فهرست افراد واجد شرایطی که در ماده 28 آمده است و بدان منظور از طرف کشورهای عضو این پیمان نامزد شده اند، انتخاب گردند.
- 2- هر کشور عضو این پیمان نمی تواند بیش از 2 نفر را نامزد کند. این افراد باید تابعیت کشور نامزد کننده را دارا باشند.
- 3- تجدید نامزدی برای یک فرد مجاز می باشد.

ماده سی ام:

- 1- اولین انتخابات دیرتر از 6 ماه بعد از تاریخ به قدرت اجرائی در آمدن این میثاق انجام نخواهد گرفت.
- 2- حداقل چهار ماه قبل از تاریخ هر انتخاباتی در کمیته، به استثنای انتخاباتی که بنا بر ماده 34 برای پرکردن محل خالی انجام میگردد، دبیر کل سازمان ملل متحد می بایست از کشورهای عضو این پیمان جهت معرفی عضویت نامزدهای شان، ظرف سه ماه دعوت کتبی بعمل آورد.

3- دبیر کل سازمان ملل متحد می بایست فهرستی به ترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که به این ترتیب نامزد (عضویت در کمیته) میشوند با نام کشورهایی که آنها را (جهت عضویت) نامزد کرده اند، تهیه نماید و آنرا به کشورهای عضو این پیمان، حداکثر یکماه قبل از تاریخ انتخابات ارائه دهد. انتخاب اعضاء کمیته می بایست در نشست که دبیر کل سازمان ملل متحد از کشورهای عضو این پیمان بعمل آورده است، انجام گیرد. حد نصاب این جلسات دوسوم کشورهای عضو این پیمان می باشد و افرادی که برای (عضویت) کمیته انتخاب میشوند باید نامزدهائی باشند که بیشترین تعداد آراء را بدست آورده و حائز مطلق اکثریت آراء نمایندگان کشورهای حاضر و رای دهنده باشند.

ماده سی و یکم:

- 1- کمیته نمی تواند بیش از یک تبعه از هر کشوری (عضو) داشته باشد.
- 2- در انتخابات (اعضاء) کمیته می بایست توجه به رعایت تقسیمات منصفانه جغرافیائی اعضاء و نمایندگان اشکال مختلف تمدنها و نظامهای عمده حقوقی (قانونی) نماید.

ماده سی و دوم:

- 1- اعضاء کمیته می بایست برای مدت 4 سال انتخاب شوند. آنها برای انتخاب مجدد مجاز هستند که نامزد شوند. اما مدت عضویت 9 نفر از اعضاء انتخاب شده در اولین انتخابات می بایست در پایان 2 سال منقضی گردد. نام این 9 عضو می بایست بیدرنگ بعد از اولین انتخابات به قید قرعه و بوسیله رئیس جلسه و بنابر ماده 30 بند 4 معین شوند.
- 2- انتخابات در پایان دوره خدمت، بنا بر مواد پیشین این قسمت از میثاق حاضر بعمل خواهد آمد.

ماده سی و سوم:

- 1- هرگاه اگر یک عضو کمیته انجام وظائف خود را به هر علتی به جزء غیبت موقت، قطع نماید (و این عمل) به اتفاق آراء (مورد تصدیق) سایر اعضاء کمیته باشد، رئیس کمیته می بایست دبیر کل سازمان ملل متحد، کسیکه می باید اعلام نماید که صندلی این عضو خالی است (بلامتصدی) را (از این موضوع) مطلع نماید.
- 2- در صورت فوت یا استعفای یک عضو کمیته، رئیس (کمیته) می باید بیدرنگ دبیر کل سازمان ملل متحد کسی که می بایست خالی بودن (بلامتصدی) صندلی را از تاریخ فوت یا تاریخ موثر استعفا اعلام نماید، مطلع گرداند.

ماده سی و چهارم:

- 1- هرگاه خالی بودن صندلی (بلا متصدی بودن) طبق ماده 33 اعلام گردد و مدت زمان تصدی عضو جایگزین، ظرف 6 ماه از تاریخ اعلام بلا متصدی بودن، منقضی نشده است دبیر کل سازمان ملل متحد به کشورهای عضو این پیمان اعلام خواهد نمود که (میتوانند) ظرف 2 ماه بنا به ماده 29 برای پرکردن صندلی خالی، نامزدهای خود را معرفی نمایند.
- 2- دبیر کل سازمان ملل متحد فهرستی بترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که نامزد (عضویت در کمیته) میشوند، تهیه خواهد کرد و آنرا به کشورهای عضو این پیمان ارائه خواهد داد. انتخاب برای پرکردن صندلی خالی (بلامتصدی) بنا بر مقررات مربوطه این قسمت از میثاق حاضر، انجام خواهد گرفت.
- 3- هر عضو کمیته ای که برای پرکردن صندلی خالی اعلام شده بنا بر ماده 33 انتخاب شود، باید برای بقیه دوره عضویت که صندلی او بنا به مقررات آن ماده (33) خالی بوده است، عضو کمیته گردد.

ماده سی و پنجم:

اعضاء کمیته با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بنا به شرایطی که مجمع عمومی تعیین میکند و با توجه به مسئولیتهای مهم کمیته، از منابع (مالی) سازمان ملل متحد حقوق دریافت خواهند داشت.

ماده سی و ششم:

دبیر کل سازمان ملل متحد کارمندان و تسهیلات لازم را برای اجرای موثر وظائفی که کمیته بموجب این پیمان بعهده دارد، در اختیار (کمیته) خواهد گذاشت.

ماده سی و هفتم:

- 1- دبیر کل سازمان ملل متحد اعضاء اولین نشست کمیته را به مرکز سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد.
- 2- بعد از نخستین نشست، کمیته در زمانهایی که در آئین نامه داخلی خود، پیش بینی میکند، تشکیل جلسه خواهد داد.
- 3- کمیته بطور معمول در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو نشست خواهد داشت.

ماده سی و هشتم:

هر عضو کمیته قبل از تصدی وظایف خود، می باید طی اعلام رسمی در جلسه علنی کمیته (تعهد کند) که او وظائف خود را در کمال بیطرفی و از روی وجدان انجام خواهد داد.

ماده سی و نهم:

- 1- کمیته می بایست (اعضاء) هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب نماید، آنها ممکن است دوباره انتخاب شوند.
- 2- کمیته قوانین داخلی خود را، خود تنظیم خواهد نمود اما این قوانین می باید مشتمل بر مقررات زیر باشد:
(الف) حد نصاب (رسمیت) جلسات 12 نفر باشد.
(ب) تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضاء حاضر، گرفته شود.

ماده چهلم:

- 1- کشورهای عضو این پیمان متعهد میشوند از اقداماتی که برای ترتیب اثر دادن حقوق شناخته شده (در این میثاق) جهت پیشرفت در بهره مندی از این حقوق انجام داده اند، گزارشهایی ارائه دهند:
(الف) ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن میثاق حاضر برای کشورهای عضو مربوطه.
(ب) بعد از آن هر زمان که کمیته درخواست نماید.

- 2- تمام گزارشها باید به دبیر کل سازمان ملل ارائه گردد و او آنها را برای رسیدگی به کمیته ارجاع خواهد داد. گزارشها می بایست به عوامل و مشکلاتی که در اجرای (مقررات) این میثاق اثر دارند، دلالت کند.
- 3- دبیر کل سازمان ملل ممکن است بعد از مشورت با کمیته، رونوشت قسمتهایی از گزارشها (که به امور تخصصی مربوط میشود) را به موسسات تخصصی که صلاحیت آنها دارند، ارجاع دهد.
- 4- کمیته گزارشهایی را که بوسیله کشورهای عضو این میثاق ارائه گردیده است مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد داد. (سپس) گزارشهای خود و نیز پیشنهاد های کلی که ممکن است مورد توجه و مناسب باشند را به کشورهای عضو این پیمان ارسال خواهد داشت. همچنین کمیته ممکن است این پیشنهادات همراه با رونوشت گزارشهای رسیده از کشورهای عضو این پیمان را به شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه دهد.
- 5- کشورهای عضو این پیمان میتوانند بنا بر بند 4 این ماده نظریاتی در مورد پیشنهادات اظهار شده را به کمیته ارسال دارد.

ماده چهل و یکم:

- 1- هر کشور عضو این میثاق میتواند بنا بر این ماده در هر زمان (اعلام کند) که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی شکایتهایی دایر بر ادعای یک کشور عضو این میثاق، مبنی بر اینکه کشور دیگری (عضو) تعهدات خود را انجام نمی دهد، برسمیت بشناسد. بموجب این ماده شکایاتی دریافت و مورد رسیدگی قرار میگیرد که بوسیله کشور عضو این میثاق، شناسائی صلاحیت کمیته را نسبت بخود اعلام کرده باشد. هیچ شکایاتی را که مربوط به یک کشور عضو میثاق حاضر باشد و چنین اعلام شناسائی را بعمل نیاورده است، قابل پذیرش نخواهد بود. شکایاتی که بموجب این ماده دریافت میگردند بترتیب زیر نسبت به آنها اقدام خواهد شد:

(الف) اگر یک کشور عضو این میثاق تشخیص دهد که کشور دیگر عضو به مقررات میثاق حاضر ترتیب اثر نمی دهد، (آن کشور) میتواند با شکایت کتبی و آوردن (طرح) موضوع، توجه کشور عضو را جلب نماید. در ظرف 3 ماه پس از دریافت شکایت (کتبی)، کشور دریافت کننده (آن) توضیح یا هرگونه اظهار کتبی دیگری جهت روشن شدن موضوع در اختیار کشور (فرستنده شکایت) خواهد گذاشت. (این توضیحات و اظهارات) تا حد امکان و بطور مناسب باید شامل اطلاعاتی عطف به قواعد دادرسی داخلی (آن کشور) و جهت جبران و اصلاح آن یا در جریان (رسیدگی به آن) یا آنچه که قابل استفاده در این موضوع است، باشند.

(ب) اگر موضوع در جهت تعدیل و رضایت دو کشور عضو قرار نگیرد، در ظرف شش ماه پس از دریافت اولین شکایت، هر یک از (دو) کشور، حق خواهند داشت که موضوع را بوسیله یادداشتی به کمیته و کشور (مزبور) ارجاع نمایند.

ج) کمیته به موضوع ارجاع شده، فقط در صورتی اقدام خواهد کرد که محقق شده باشد که تمام چاره جوئی های داخلی مناسب در مورد موضوع و بنا بر اصول قوانین بین المللی شناخته شده بطور کلی انجام گرفته و به نتیجه نرسیده است. این قاعده در مواردی که شکایت بطور نامعقولی طولانی گردد، اجرا نخواهد شد.

د) کمیته بنا بر این ماده، در موقع رسیدگی به شکایتهای، نشست های رسیدگی تشکیل خواهد داد. ه) پیرو مقررات زیر بند ج، کمیته اقدامات مناسب و توجهات خود، بمنظور حل دوستانه موضوع (مورد اختلاف) بر پایه احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی شناخته شده در این میثاق را در اختیار کشورهای عضو قرار خواهد گذاشت. و) کمیته در هر موضوع ارجاع شده به خود میتواند با توجه به زیر بند ب، از کشورهای مربوطه اطلاعات مربوط را درخواست نماید.

ز) کشورهای مربوطه عضو این میثاق، بنا بر زیر بند (ب) حق خواهند داشت که در هنگام رسیدگی موضوع در کمیته، نماینده داشته باشند و نظریات و اظهارات شفاهی و یا کتبی خود را ارائه دهند. ح) کمیته ظرف 12 ماه بعد از تاریخ دریافت یادداشت بنا بر زیر بند (ب) خواهد پذیرفت که گزارش دهد که: 1) اگر راه حلی بنا بر زیر بند (ه) بدست آید، کمیته بطور خلاصه گزارش خود را در مورد قضایا و راه حل بدست آمده، منحصر خواهد کرد.

2) اگر راه حلی بنا بر زیر بند (ه) بدست نیامده باشد، کمیته بطور خلاصه گزارش خود را در مورد قضایا منحصر خواهد کرد. نظریات کتبی و شفاهی که بوسیله کشورهای مربوطه انجام گرفته است ضبط خواهد شد و به گزارش، ضمیمه میگردد. برای هر موضوعی گزارشی به کشورهای مربوط و عضو میثاق ابلاغ خواهد شد.

2- مقررات این ماده زمانی قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد که 10 کشور عضو این میثاق، بنا بر بند 1 این ماده، (آنها) اعلام کرده باشند. اعلامیه کشورهای عضو این میثاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده میشود و او رونوشت آنها را به دیگر کشورهای عضو خواهد فرستاد. یک اعلامیه در هر زمان ممکن است بوسیله یادداشتی (خطاب) به دبیر کل مسترد گردد. استرداد، شکایتی که قبلا بنا بر این ماده ارسال شده است را خدشه دار نخواهد ساخت. هیچ شکایت دیگری پس از دریافت یادداشت استرداد اعلامیه به دبیر کل، پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه کشور مربوطه اعلامیه جدیدی صادر کند.

ماده چهل و دوم:

1- (الف) اگر موضوعی بنا به ماده 41 به کمیته ارجاع شده باشد و (آن موضوع) با رضایت کشورهای عضو مربوطه حل نگردیده است، کمیته میتواند با رضایت قبلی کشورهای عضو مربوطه، یک کمیسیون ویژه توافق تعیین نماید (که از این پس کمیسیون نامیده خواهد شد). کمیسیون توجهات کافی (کمکهای مفید) را بمنظور یک راه حل مسالمت آمیز در مورد (موضوع مورد اختلاف) بر اساس احترام به میثاق حاضر، بعمل خواهد آورد.

ب) کمیسیون شامل پنج عضو است که مورد پذیرش کشورهای عضو مربوطه می باشند. اگر کشورهای عضو مربوطه برای ترکیب تمام یا قسمتی از (اعضاء) کمیسیون در مدت 3 ماه به توافق نرسیدند، آن عده از اعضاء کمیسیون که در مورد آنها توافق حاصل نشده است با رای مخفی و با اکثریت 2 سوم اعضاء کمیته از بین اعضاء انتخاب خواهند شد.

2- اعضاء کمیسیون بنا به صلاحیتهای شخصی خود، انجام وظیفه می نمایند (سمت نمایندگی از طرف کشور خود در کمیسیون را ندارند). آنها نباید تابعیت کشورهای عضو مربوطه و یا یک کشوری که عضو این پیمان نیست و یا کشوری که بنا به ماده 41 اعلامیه را صادر نکرده است، باشند.

3- کمیسیون رئیس خود را انتخاب خواهد کرد و آئین نامه داخلی خود را بتصویب خواهد رساند.

4- نشستهای کمیسیون بطور معمول می باید در مرکز سازمان ملل متحد و یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل گردد. اما آنها می توانند با مشورت دبیر کل سازمان ملل متحد و کشورهای عضو مربوطه نشستها را در مکانهای مناسب دیگری تشکیل دهند.

5- بنا بر ماده 36 دبیرخانه پیش بینی شده، خدمات (دفتری) کمیسیونهایی که تحت این ماده تعیین شده اند را انجام خواهد داد.

6- اطلاعاتی که بوسیله کمیته دریافت و بررسی میگردد می باید در اختیار و در دسترس کمیسیون قرار گیرد. کمیسیون میتواند از کشورهای عضو مربوط تهیه دیگر اطلاعات وابسته (تکمیلی) را بخواهد.

7- وقتی که کمیسیون رسیدگی کامل به موضوع نمود، در هر صورت، حداکثر در مدت 12 ماه بعد از رسیدگی کردن موضوع یک گزارش برای به اطلاع رساندن کشورهای عضو مربوط از طرف رئیس کمیته ارائه خواهد شد.

الف) اگر کمیسیون به اتمام رسیدگی به موضوع در مدت 12 ماه قادر نیست، در گزارش خود اکتفا به بیان مختصر موقعیت رسیدگی موضوع خواهد کرد.

ب) اگر یک راه حل مسالمت آمیز بمنظور ملزم نمودن و براساس احترام به حقوق بشر که (قوانین آن) در این میثاق شناخته شده است، حاصل شود، کمیسیون گزارش خود را به ذکر کوتاه قضایا و راه حلی که به آن دست یافته است، منحصر میکند.

(ج) اگر یک راه حل مسالمت آمیز مطابق زیربند ب حاصل نگردد کمیسیون تمام راه حل هائی که مربوط به موضوع مابین دولت‌های عضو است و نظرات (پیشنهادی) خود را در مورد امکان حل مسالمت آمیز موضوع، ارائه میدهد. این گزارش همچنین شامل صورت مجلس ملاحظاتی کتبی و ملاحظاتی شفاهی که بوسیله دولت‌های عضو انجام گرفته است، می باشد.

(د) اگر گزارش کمیسیون بنا بر زیربند (ج) ارائه گردد، دولت‌های عضو در مدت 3 ماه پس از دریافت گزارش، (می بایست) به رئیس کمیته اعلام دارند که آیا مندرجات گزارش کمیسیون را خواهند پذیرفت یا خیر.

8- بنا به ماده 41، مقررات این ماده به مسئولیتهای کمیته خلی وارد نمیکند.

9- دولت‌های عضو، کلیه هزینه های اعضاء کمیسیون را طبق برآوردی که دبیر کل سازمان ملل متحد بعمل می آورد، بطور مساوی به عهده خواهند گرفت.

10- دبیر کل سازمان ملل متحد این اختیار را دارد که در صورت لزوم هزینه های اعضاء را قبل از آنکه دولت عضو پرداخت کند، بنا بر بند 9 این ماده، بعهده گیرد.

ماده چهل و سوم:

اعضای کمیته و (اعضای) کمیسیونهای ویژه حل اختلاف که طبق ماده 42 تعیین شده اند، محق می باشند که از تسهیلات، امتیازات و مصونیهای کارشناسان مامور سازمان ملل متحد همانگونه که در قسمتهای (مربوط) به مقوله نامه امتیازات و مصونیت ها وضع شده است، استفاده کنند.

ماده چهل و چهارم:

مقررات اجرائی این میثاق، به آئین نامه های دادرسی مقرر شده در زمینه حقوق بشر و اسناد تشکیل دهنده میثاقهای سازمان ملل و موسسات تخصصی خلی وارد نمی سازد و (نیز این مقررات) مانع از آن نخواهد شد که دولت‌های عضو این میثاق، برای حل اختلافات (خود) طبق موافقت نامه های بین المللی عمومی یا اختصاصی (که بین آنها وجود دارد) به دیگر آئین نامه های دادرسی متوسل شوند.

ماده چهل و پنجم:

کمیته گزارش سالانه از فعالیت های خود را بوسیله شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد داد.

بخش پنجم

ماده چهل و ششم:

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه ای تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه های موسسات تخصصی که معین کننده مسئولیتهای گوناگون ویژه سازمان ملل هستند و (نیز) موسسات تخصصی مربوط به موضوعهای این میثاق، لطمه وارد آورد.

ماده چهل و هفتم:

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه ای تفسیر گردد که به حق ذاتی تمام مردم جهت بهره مندی و استفاده کامل و آزادانه از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان، لطمه ای وارد آورد.

بخش ششم

ماده چهل و هشتم:

- 1- این میثاق برای امضای هر دولت عضو سازمان ملل و یا عضو هر یک از موسسات تخصصی آن و یا هر دولت عضو (متعهد به) اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر دولتی که (از طرف) مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شود تا عضو این میثاق گردد، گشوده میباید.
- 2- این میثاق تابع به تصویب (قانون اساسی هر کشور) است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.
- 3- این میثاق بنا بر بند اول این ماده برای پیوستن (وارد شدن) هر دولتی، گشوده شده است.
- 4- پیوستن بوسیله سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.
- 5- دبیر کل سازمان ملل متحد تمام دولتهائی که این میثاق را امضاء کرده اند و یا به آن پیوسته اند را از سپرده شدن هر سند تصویبی یا الحاقی آگاه خواهد کرد.

ماده چهل و نهم:

- 1- این میثاق سه ماه پس از تاریخ سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.
- 2- برای هر دولتی که این میثاق را پس از سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی، تصویب کند یا به آن بپیوندد، این میثاق 3 ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویبی یا الحاقی برای آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

ماده پنجاهم:

مقررات این میثاق تمام واحدهای دولتهای فدرال (کشورهای هم عهد) را بدون محدودیت و یا استثنائی، شامل خواهد بود.

ماده پنجاه و یکم:

- 1- هر دولت عضو این میثاق میتواند اصلاحیه ای (برای این میثاق) پیشنهاد کند و متن آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل متحد بسپارد. دبیر کل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاحی پیشنهاد شده ای را به دولتهای عضو ارسال میدارد و از آنها درخواست میکند که به او اعلام دارند، آیا مایلند کنفرانسی از دولتهای عضو بمنظور بررسی و تصمیم گیری (اخذ رای) در باره طرحهای پیشنهادی، تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک سوم دولتهای عضو موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل، کنفرانسی را زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد پذیرش اکثریت دولتهای حاضر و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، (آن اصلاح) برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد شد.
- 2- اصلاحات زمانی قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دوسوم دولتهای عضو، آنرا بنا به روند قانونگذاری خود (قانون اساسی) پذیرفته باشند.
- 3- وقتیکه اصلاحات، قدرت اجرایی پیدا میکنند، برای آن دسته از دولتهائی که آنرا پذیرفته اند (اجرای) آن الزامی خواهد شد و سایر دولتهای عضو به مقررات این میثاق و هر گونه اصلاحیه ای که قبلا آنرا پذیرفته اند، موظف می باشند.

ماده پنجاه و دوم:

صرف نظر از اطلاعیه های صادر شده در بند 5 ماده 48، دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب ویژه زیر را به تمام دولتهای مذکور در بند 1 همان ماده، اطلاع خواهد داد:

الف) امضاء ها، مصوبه ها و پیوستها بنا به ماده 48

ب) تاریخ قدرت اجرایی این میثاق بنا بر ماده 49 و تاریخ قدرت اجرایی اصلاحات بنا به ماده 51

ماده پنجاه و سوم:

- 1- متن های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیائی این میثاق دارای اعتباری برابر است و در بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.
- 2- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت تائید شده این میثاق را برای کلیه دولتهای مذکور در ماده 48 ارسال خواهد کرد.

ضمیمه (III)

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
مصوب 16 دسامبر 1966 (1954/9/25)
مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

کشورهای طرف این میثاق:

با توجه به این که برطبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر بر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است. با اذعان به این که برطبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهایی یافته و از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل میشود که شرایط تمتع هر کس از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود و همچنین از حقوق مدنی و سیاسی او ایجاد شود.

با توجه به این که کشورها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و موثر حقوق و آزادیهای بشر ملزم هستند. با در نظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده دار وظایفی است و مکلف است به این که در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید با مواد زیر موافقت دارند:

ماده یک:

1. کلیه ملل دارای حق خود مختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین میکنند.
2. کلیه ملل میتوانند برای نیل به هدف های خود در منابع و ثروتهای طبیعی خود بدون اخلاص به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین الملل آزادانه هرگونه تصرفی بنمایند. در هیچ مورد نمی توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد.
3. کشور های طرف این میثاق از جمله کشورهای مسوول اداره سرزمین های غیر خود مختار تحت قیمومیت مکلف اند، تحقق حق خود مختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.

ماده دوم:

1. هر کشور طرف این میثاق متعهد میگردد به سعی و اهتمام خود و از طریق همکاری و تعاون بین المللی بویژه در طرح های اقتصادی و فنی، با استفاده از حد اکثر منابع موجود خود به منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسایل مقتضی به خصوص با اقدامات قانون گذاری اقدام نمایند.

2. کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند.

3. کشورهای در حال رشد با توجه لازم به حقوق بشر و وضع اقتصاد ملی خود میتوانند تعیین کنند که تا چه اندازه حقوق اقتصادی شناخته شده در این میثاق را درباره اتباع بیگانه تضمین خواهند کرد.

ماده سوم:

کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تامین نمایند.

ماده چهارم:

کشورهای طرف این میثاق معترفند که در تمتع از حقوقی که مطابق این میثاق در هر کشوری مقرر میشود آن کشور نمیتواند حقوق مزبور را تابع محدودیت هایی جز به موجب قانون بنماید و آنها فقط تا حدودی که با ماهیت این حقوق سازگار بوده و منظور آن منحصرأ توسعه رفاه عامه در یک جامعه دموکراتیک باشد.

ماده پنجم:

1. هیچ یک از مقررات این میثاق را نمی توان به نحوی تفسیر نمود که متضمن ایجاد حقی برای کشور یا گروهی یا فردی گردد که به استناد آن به منظور تضییع هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن پیش از آنچه در این میثاق پیش بینی شده است مبادرت و فعالیتی بکند و یا اقدامی بعمل آورد.

2. هیچ گونه محدودیت یا انحراف از هر یک از حقوق بشر که به موجب قوانین، مقاوله نامه ها، لوایح یا عرف و عادات در هر کشور طرف این میثاق برسمیت شناخته شده یا نافذ و جاری است بعذر این که این میثاق چنین حقوقی را برسمیت نشناخته یا این که به میزان کمتری برسمیت شناخته، قابل قبول نخواهد بود.

ماده ششم:

1. کشورهای طرف این میثاق حق کار کردن را که شامل حق هر کس است به این که فرصت یابد بوسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول مینماید معاش خود را تامین کند، برسمیت میشناسند و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.

اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تامین اعمال کامل این حق بعمل خواهند آورد باید شامل رهنمایی و تربیت فنی و حرفه یی و طرح برنامه ها و خط مشی ها و تدابیر فنی باشد، که از لوازم تامین توسعه مداوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادیهای اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ نماید.

ماده هفتم:

کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از شرایط عادلانه و مساعد کار که بویژه متضمن مراتب زیر باشد به رسمیت میشناسند:

الف) اجرتیکه دراصل، امور ذیل را برای کلیه کارگران تامین نماید.

1. مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار، با ارزش مساوی و بدون هیچ نوع تمایز. بویژه این که زنان تضمین داشته باشند که شرایط کار آنان پایین تر از شرایط مورد استفاده مردان نباشد و برای کار مساوی مزد مساوی بامردان دریافت دارند.

2. مزایای کافی برای آنان و خانواده شان طبق مقررات این میثاق.

ب: ایمنی و بهداشت کار.

ج: تساوی فرصت برای هر کس که بتواند در خدمت خود به مدارج مناسب عالیتری ارتقاء یابد، بدون در نظر گرفتن هیچ گونه ملاحظات دیگری جز طول مدت خدمت و لیاقت.

د: استراحت، فراغت و محدودیت معقول ساعت کار و مرخصی ادواری با استفاده از حقوق و همچنین مزد ایام تعطیل رسمی.

ماده هشتم:

1. کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند که مراتب زیر را تضمین کنند:

الف: حق هر کس به این که به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیه مورد انتخاب خود ملحق شود. اعمال این حق را نمیتواند تابع هیچ محدودیتی نمود مگر آنچه که به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد.

ب: حق اتحادیه ها. (سندیکاها) که به تشکیل فدراسیونهای کنفدراسیونهای ملی و حق کنفدراسیونها به تشکیل سازمان های سندیکایی بین المللی یا الحاق به آنها.

ج: حق اتحادیه ها (سندیکاها) که آزادانه به فعالیت خود مبادرت نمایند، بدون هیچ محدودیتی جز آنچه به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا برای حفظ حقوق آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد.

د: حق اعتصاب مشروط بر این که با رعایت مقررات کشور مربوط اعمال شود.

2. این ماده مانع از آن نخواهد بود که افراد نیرو های مسلح یا پولیس یا مقامات اداری دولت در اعمال این حقوق تابع محدودیتهای قانونی شوند.

هیچ یک از مقررات این ماده کشور های طرف مقاله نامه 1948 سازمان بین المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی را مجاز نمیدارد که با اتخاذ تدابیر قانونگذاری یا نحوه اجرای قوانین به تضمینات مقرر در مقاله نامه مزبور لطمه یی وارد آورند.

ماده 9:

کشور های طرف این میثاق هر شخص را به تامین اجتماعی از جمله بیمه های اجتماعی به رسمیت می شناسد.

ماده 10:

کشور های طرف این میثاق اذعان (قبول) دارند که:

1. خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است باید از حمایت و مساعدت بحد اعلائی ممکن بر خوردار گردد، بویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادامی که مسوولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را بعهده دارد. ازدواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آن را دارند واقع شود.
2. مادران در مدت معقولی پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت خاص برخوردار گردند، در آن مدت مادران کارگر باید از مرخصی با استفاده از حقوق ویا مرخصی با مزایای تامین اجتماعی کافی برخوردار گردند.
3. تدابیر خاص در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال غیر ممیز و ممیز بدون هیچ گونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر باید اتخاذ شود. اطفال غیر ممیز و ممیز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند. واداشتن اطفال به کار هایی که برای جهات اخلاقی یا سلامت آنها زیان آور است ویا زنده گی آنها را به مخاطره میاندازد یا مانع رشد طبیعی آن میگردد باید به موجب قانون قابل مجازات باشد.

ماده 11:

1. کشور های طرف این میثاق حق هرکس را به داشتن سطح زنده گی کافی برای خود و خانواده اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زنده گی به رسمیت می شناسند. کشور های طرف این میثاق به منظور تامین تحقق این حق تدابیر مقتضی اتخاذ خواهند کرد و از این لحاظ اهمیت اساسی همکاری بین المللی بر اساس رضایت آزاد را اذعان (قبول) دارند.

2. کشور های طرف این میثاق با اذعان به حق اساسی هرکس به این که از گرسنه گی فارغ باشد، منفرداً و از طریق همکاری بین المللی تدابیر لازم از جمله برنامه های مشخصی به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد:

الف) بهبود روشهای تولید و حفظ و توزیع خوار بار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام زراعتی بنحوی که حد اکثر توسعه موثر و استفاده از منابع طبیعی را تامین نمایند.

ب) تامین توزیع منصفانه ذخایر (منابع) خواربار جهان برحسب حوایج با توجه به مسایل (مبتلابه) کشور های صادر کننده و وارد کننده خواربار (غذا).

ماده 12:

1. کشور های طرف این میثاق حق هرکس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می شناسند.

2. تدابیری که کشور های طرف این میثاق برای تامین استیقای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدامات لازم برای تامین امور ذیل خواهد بود:

الف) تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان، مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان.

ب) بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات.

ج) پیشگیری و معالجه بیماریهای همه گیر، بومی، حرفه یی و سایر بیماریها و همچنین پیکار علیه این بیماریها.

د) ایجاد شرایط مناسب برای تامین مراجع پزشکی و کمکهای پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری.

ماده 13:

1- کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسد کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نموی کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادیهای اساسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید.

2- کشورهای طرف این میثاق اذعان دارند که به منظور استیفای این حق:

الف) آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری باشد و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد.

ب) آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌یی متوسطه باید تعمیم یابد و به کلیه وسایل مقتضی بویژه وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عمومی قرار گیرد.

ج) آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی بویژه بوسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل براساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد.

د) آموزش و پرورش پایه (اساس) باید حتی الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی بوده یا آنرا تکمیل نکرده باشند تشویق و تشدید شود.

ه) توسعه شبکه مدارس در کلیه مدارج باید فعالانه دنبال شود و نیز باید یک ترتیب کافی اعطای بورسها (هزینه تحصیلی) برقرار گردد و شرایط مادی معلمان باید پیوسته بهبود یابد.

3- کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند که آزادی والدین یا سرپرست قانونی کودکان را بر حسب مورد در انتخاب مدرسه برای کودکانش سواي مدارس دولتی محترم بشمارند مشروط به این که مدارس مزبور با حداقل موازین (قواعد) آموزش و پرورش، که ممکن است دولت تجویز یا تصویب کرده باشد، مطابقت کنند و آموزش و پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات شخصی والدین یا سرپرستان آنان تأمین گردد.

4- هیچ یک از اعضای این ماده نباید به نحوی تفسیر گردد که با آزادی افراد و اشخاص حقوقی به ایجاد و اداره موسسات آموزشی اخلال نماید. مشروط بر این که اصول مقرر در بند اول این ماده رعایت شود و تعلیماتی که در چنین موسساتی آموزش داده میشود باموازی حداقل که ممکن است دولت تجویز کرده باشد مطابقت کند.

ماده 14:

هر کشور طرف این میثاق که در زمان امضای آن هنوز نتوانسته است در قلمرو اصلی خود یا دیگر سرزمینهای تحت حاکمیت خود آموزش و پرورش ابتدایی اجباری، مجانی تأمین نماید، متعهد میشود ظرف مدت دو سال یک طرح تفصیلی تدابیر لازم برای تحقق بخشیدن تدریجی اجرای کامل اصل آموزش و پرورش اجباری مجانی برای عموم در ظرف چند سالی که در خود طرح تصریح شود تنظیم و تصویب کند.

ماده 15:

1- کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می‌شناسند:

الف) شرکت در زنده گی فرهنگی.

ب) بهره مند شدن از پیشرفتهای علمی و مجاری آن.

ج) بهره مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هر گونه اثر علمی، ادبی یا هنری که مصنف (یا مخترع) آن است.

2- تدابیری که برای تأمین اعمال کامل این حق توسط کشورهای طرف این میثاق اتخاذ خواهد شد شامل تدابیر لازم برای تأمین حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ باشد.

3- کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیت‌های خلاقه را محترم بشمارند.

کشورهای طرف این میثاق به فواید حاصل از تشویق و توسعه، همکاری و تماس‌های بین المللی در زمینه علم و فرهنگ اعتراف مینمایند.

ماده 16:

1- کشورهای طرف این میثاق متعهد میشوند بر طبق مقررات این بخش از میثاق در باره تدابیری که به منظور تأمین و رعایت حقوق شناخته شده در این میثاق اتخاذ کرده باشند و از پیشرفتهایی که در این زمینه حاصل شده است گزارشهایی تقدیم بدارند.

2- **الف)** کلیه گزارشها به عنوان سرمنشی سازمان ملل متحد تقدیم میشود. مشارالیه رونوشت گزارشها را برای بررسی، طبق مقررات این میثاق به شورای اقتصادی و اجتماعی ارسال میدارد.

ب) سرمنشی سازمان ملل متحد همچنین رونوشت تمام یا قسمتهای مربوط گزارشهای و اصل از کشورهای طرف این میثاق و نیز عضو موسسات تخصصی را تا جایی که این گزارشها با قسمتهای مربوط آنها راجع به مسایلی باشد که بر طبق اساسنامه موسسات تخصصی مذکور در صلاحیت آنها قرار میگیرد برای آن موسسات ارسال میدارد.

ماده 17:

1- کشورهای طرف این میثاق گزارشهای خود را مرحله به مرحله بر طبق برنامه یی که شورای اقتصادی و اجتماعی ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجراء شدن این میثاق پس از مشاوره با کشورهای طرف میثاق و موسسات تخصصی مربوط تنظیم خواهد کرد، تقدیم خواهند داشت.

2- گزارشها ممکن است حاکی از عوامل و مشکلاتی باشد که مانع دولتها در اجرای کامل تعهدات مقرر در این میثاق شده است.

3- در مواردی که اطلاعات مربوط توسط هر کشور طرف این میثاق قبلاً به سازمان ملل متحد یا هر یک از موسسات تخصصی فرستاده شده باشد تهیه مجدد اطلاعات مزبور ضرورت نخواهد داشت بلکه اشاره صریح به اطلاعات ارسال شده قبلی کفایت خواهد کرد.

ماده 18:

شورای اقتصادی و اجتماعی به موجب مسئولیتهایی که طبق منشور ملل متحد در زمینه حقوق بشر و آزادیهای اساسی به آن محول شده است میتواند به منظور تقدیم گزارشهایی از طرف موسسات تخصصی به شورا در حدود فعالیتهای مربوط به خود شان در باره پیشرفتهای حاصل در تأمین رعایت مقررات این میثاق با موسسات مزبور قرار هایی بگذراند. این گزارشها ممکن است متضمن اطلاعاتی باشند در خصوص تصمیمات و توصیه هایی که ارکان ذیصلاحیت موسسات مزبور راجع به عملیات اجرایی تصویب کرده اند.

ماده 19:

شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند گزارشهای مربوط به حقوق بشر را که کشورها بر طبق مواد 16 و 17 و موسسات تخصصی بر طبق ماده 18 تقدیم میدارند برای مطالعه و توصیه کلی یا در صورت اقتضاء برای اطلاع به کمیسیون حقوق بشر احاله نماید.

ماده 20:

کشورهای طرف این میثاق و موسسات تخصصی مربوط میتوانند در باره هر توصیه کلی که به موجب ماده 19 شده باشد یا در باره هر گونه ذکری که از یک توصیه کلی در یک گزارش کمیسیون حقوق بشر یا در هر سند مذکور در آن گزارش شده باشد ملاحظات خود را به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم دارند.

ماده 21:

شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند گاه گاه گزارشهای متضمن توصیه های کلی و خلاصه اطلاعات و اصل از کشورهای طرف این میثاق و عضو موسسات تخصصی در باره تدابیر متخذه و پیشرفتهای حاصله در رعایت کلی حقوق شناخته شده در این میثاق را به مجمع عمومی تقدیم بدارد.

ماده 22:

شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند توجه سایر ارکان سازمان ملل متحد و ارکان فرعی و موسسات تخصصی مربوط را که عهده دار کمک فنی هستند به مسایلی معطوف بدارد که در گزارشهای مذکور در این بخش این میثاق عنوان شده و ممکن است به این موسسات کمک کند که هر یک در حدود صلاحیتشان راجع به مقتضی بودن اتخاذ تدابیر بین المللی مفید به اجرای موثر و تدریجی این میثاق اظهار نظر کند.

ماده 23:

کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که تدابیر بین المللی به منظور تأمین و تحقق حقوق شناخته شده در این میثاق بالاخص شامل انعقاد مقاوله نامه ها، تصویب نامه ها، دادن کمک فنی و تشکیل کنفرانسهای منطقه یی و کنفرانسهای فنی با شرکت دولتهای مربوط به منظور مشاوره و بررسی میباشند.

ماده 24:

هیچ یک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه های موسسات تخصصی دایر به تعریف مسوولیتهای مربوط به هر یک از ارکان مختلف سازمان ملل متحد و موسسات تخصصی نسبت به مسایل موضوع این میثاق لطمه یی وارد نماید.

ماده 25:

هیچ یک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که به حق ذاتی کلیه ملل و تمتع و استفاده کامل و آزادانه آنان از منابع و ثروتهای طبیعی خود شان لطمه وارد آورد.

ماده 26:

1. این میثاق برای امضای هرکشور عضو سازمان ملل متحد یا عضو هر یک از موسسات تخصصی ملل متحد یا هرکشور طرف متعاقد اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری یا هرکشور دیگری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت کند که طرف این میثاق شود مفتوح است.
 2. این میثاق موکول به تصویب است. اسناد تصویب باید نزد سرمنشی سازمان ملل متحد تودیع شود.
 3. این میثاق برای الحاق هر یک از کشور های مذکور در بند اول این ماده مفتوح خواهد بود.
 4. الحاق بوسیله تودیع سند الحاق نزد سرمنشی سازمان ملل متحد صورت میگیرد.
- سرمنشی سازمان ملل متحد کلیه کشورهایی را که این میثاق را امضا کرده اند یا به آن ملحق شده اند از تودیع هر سند تصویب یا الحاق مطلع خواهد کرد.

ماده 27:

1. این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق نزد سرمنشی سازمان ملل متحد لازم الاجرا میشود.
- درباره هرکشور ی که پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق این میثاق را تصویب کند یا به آن ملحق شود، این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

ماده 28:

مقررات این میثاق بدون هیچ گونه محدودیت یا استثنا درباره کلیه واحد های تشکیل دهنده کشور های متحد (فدرال) شمول خواهد داشت.

ماده 29:

1. هرکشور طرف این میثاق میتواند اصلاح (این میثاقرا) پیشنهاد و متن آن را نزد سرمنشی سازمان ملل متحد تودیع کند در این صورت سرمنشی هر طرح اصلاح پیشنهادی را برای کشور های طرف این میثاق ارسال میدارد و از آنها درخواست مینماید به او اعلام دارند که آیا مایلند کنفرانسی از کشور های طرف میثاق به منظور بررسی و اخذ رای درباره طرحهای پیشنهادی تشکیل گردد. در صورتیکه حد اقل یک ثلث کشور های طرف میثاق موافق چنین کنفرانسی باشند، سرمنشی کنفرانس را زیر لوای سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت کشور های حاضر و رای دهنده در کنفرانس واقع شود برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.
 2. اصلاحات موقعی لازم الاجرا میشود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دوثلث کشور های طرف این میثاق برطبق قواعد اساسی خود شان آن را قبول کرده باشند.
- موقعی که اصلاحات لازم الاجرا میشود برای آندسته از کشور های طرف میثاق که آن را قبول کرده اند الزام آور خواهد بود. سایر کشور های طرف میثاق کماکان به مقررات این میثاق و هرگونه اصلاح آن که قبلاً قبول کرده اند ملزم خواهند بود.

ماده 30:

قطع نظر از اعلامیه های مقرر در بند 5 ماده 26، سرمنشی سازمان ملل متحد مراتب زیر را به کلیه کشور های مذکور در بند اول آن ماده اطلاع خواهد داد:

الف) امضا های این میثاق و اسناد تصویب و الحاق تودیع شده طبق ماده 26.

ب) تاریخ لازم الاجرا شدن این میثاق طبق ماده 27 و تاریخ لازم الاجرا شدن اصلاحات طبق ماده 29.

ماده 31:

1. این میثاق که متنهای چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی (آرشیف) سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.
- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این میثاق را برای کلیه کشور های مذکور در ماده 26 ارسال خواهد داشت.

ضمیمه (VI)

کنوانسیون منع شکنجه
وسایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه،
غیر انسانی یا تحقیر آمیز

کنوانسیون منع شکنجه و رفتار با مجازات‌خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده مصوب 10 دسامبر 1984/ قطعنامه شماره 39/46 مجمع عمومی سازمان ملل متحد قدرت اجرایی کنوانسیون، 26 ژوئن 1987.

کشورهای طرف این کنوانسیون (میثاق)

- با توجه به اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد که شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیرقابل انتقال تمام اعضاء خانواده بشری را مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان اعلام داشته است.
- با توجه به این که حقوق مذکور از شان و منزلت ذاتی انسان سرچشمه گرفته است.
- با توجه به تعهدات دولتهای امضاء کننده منشور، به ویژه ماده 55 آن که اعتلای رعایت و حرمت حقوق بشر و آزادیهای اساسی را متذکر می‌شود.
- با در نظر گرفتن ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده هفتم کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که مقرر داشته است: هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه و یا مجازات و رفتارهای ظالمانه و غیر انسانی قرار داد که سلب کننده حقوق مدنی و اجتماعی فرد است.
- با توجه به اعلامیه مجمع عمومی 9 دسامبر 1975 مبنی بر حمایت از انسانهایی که مورد شکنجه و اعمال ظالمانه، غیر انسانی و رفتارهایی که باعث سلب حقوق مدنی و اجتماعی آنها می‌شود.
- با آرزو و تلاش و تاثیرگذاری بیشتر علیه شکنجه و دیگر اعمال وحشیانه و غیر انسانی و مجازات و رفتارهایی که حقوق انسانها را در سراسر جهان به مخاطره می‌اندازد. ما امضاء کنندگان این کنوانسیون، اصول زیر را می‌پذیریم:

قسمت اول

ماده اول:

- از نظر این کنوانسیون شکنجه چنین تعریف می‌گردد: هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال می‌شود، شکنجه نام دارد. (همچنین) مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می‌رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامی که وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می‌شود.
- 2- این ماده خللی نسبت به اسناد بین المللی و یا (مصوبات) قوانین داخلی کشورها که مفهوم وسیعتری برای شکنجه در نظر گرفته اند، وارد نمی‌کند. (باید بر اساس همان مفهوم وسیعی که آن سند بین المللی و یا قانون داخلی در نظر گرفته است، عمل نمود).

ماده دوم:

- 1- هر دولت عضو این کنوانسیون، موظف است اقدامات لازم و موثر قانونی، اجرایی، قضائی و دیگر امکانات را جهت ممانعت از اعمال شکنجه در قلمرو حکومت خود، به عمل آورد.
- 2- هیچ وضعیت استثنائی کشوری، مانند جنگ و یا تهدید به جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی و یا هرگونه وضعیت اضطراری دیگر، مجوز و توجیه کننده اعمال شکنجه نمی‌باشد.
- 3- دستور و حکم مقام مافوق (حکومتی) و یا مرجع دولتی، نمی‌تواند توجیه کننده عمل شکنجه باشد.

ماده سوم:

- 1- هیچ دولت عضو، فردی را که جان او در خطر است و مورد شکنجه واقع خواهد شده، به دولتی که زمینه واقعی (چنین اعمالی را) دارد، مسترد نخواهد کرد.
- 2- به منظور پایان دادن به ایجاد زمینه‌های عمل شکنجه، مراجع شایسته و صلاحیت داری باید در نظر گرفت تا بتوان بدینوسیله دولتی که وجود نمونه‌های فاحش و آشکار و عملی شکنجه و نقض مداوم حقوق بشر در آن مشاهده می‌شود را بررسی کنند.

ماده چهارم:

- 1- هر دولت عضو، مراقب و مطمئن خواهد شد که تمام انواع شکنجه تحت قوانین جنائی، جرم محسوب گردد و برای کسی که مبادرت به انجام شکنجه می کند و یا کسی که در انجام این عمل با او مشارکت و همکاری می نماید، جرم شناخته شود
- 2- هر دولت عضو برای این جرایم و با در نظر گرفتن نوع و اهمیت آنها، کیفری مناسب تعیین خواهد کرد.

ماده پنجم:

- 1- هر دولت عضو، اقدامات لازم و ضروری و اختیارات قانونی برای جرم های که راجع به ماده چهارم است را (در دستگاه قضائی) خود به قرار زیر انجام خواهد داد:
الف: هنگامی که جرمی در قلمرو قضائی و یا مرز دریایی و هوائی شناخته شده (آن کشور)، انجام گرفته است.
ب: هنگامی که متهم شهروند آن کشور باشد.
ج: هنگامی که قربانی (شکنجه) شهروند آن کشور باشد و آن دولت آن را تأیید نماید.
- 2- هر دولت عضو همچنین، اقدامات لازم را در جهت کسب اختیارات قانونی در نظام قضائی خود، به عمل خواهد آورد. این اقدامات در مواردی است که جرم های در قلمرو قضائی آن کشور صورت گرفته است و فرد متهم به کشور متبوعش تسلیم نشده است. طبق ماده هشتم بند اول، متهم به دولت های که نامشان ذکر شده است، مسترد خواهد شد.
- 3- این کنوانسیون از جرائم جنائی که در ارتباط با قوانین داخلی است، مستثنی نمی باشد.

ماده ششم:

- 1- هر دولت عضو، فرد متهمی را که جرمی مطابق ماده 4 (این کنوانسیون) مرتکب شده است، بازداشت خواهد نمود و یا اقدامات دیگری جهت اطمینان از حضور متهم به عمل خواهد آورد. (این دولت) برای اطمینان از وضعیت متهم، اطلاعات موجود و قابل استفاده را مورد بررسی قرار خواهد داد و سپس حکم بازداشت و یا هر اقدام دیگری را مطابق قوانین خود انجام خواهد داد. این بازداشت متهم بر حسب ضرورت، ممکن است برای مدتی ادامه داشته باشد تا روند جرم و استرداد مجرم، طی گردد.
- 2- دولت (مذکور) مقدمات تحقیق و رسیدگی (دوسیه متهم) را فراهم خواهد کرد.
- 3- فردی که در بازداشت بسر می برد، حق خواهد داشت که طبق بند 1 این ماده، بی درنگ با نزدیکترین نمایندگان دولت متبوعش تماس حاصل نماید. اگر فرد بازداشتی تابعیتی نداشته باشد، او حق خواهد داشت که با نمایندگان کشوری که او در آنجا معمولاً اقامت داشته است، تماس گیرد.
- 4- هنگامی که دولتی فردی را طبق این ماده بازداشت می کند، مراتب امر را به دولت های که در ماده 5 بند 1 به آنها اشاره شده است، بی درنگ اطلاع خواهد داد و شرایط و موقعیت بازداشتی فرد متهم را بازگو خواهد نمود.

ماده هفتم:

- 1- دولت عضوی که تحت قلمرو قضائی خود، فرد متهم در مطابقت با ماده 4 مرتکب جرمی شده است، با در نظر گرفتن ماده 5 عمل خواهد نمود. اگر (آن دولت) فرد متهم را به (دولت متبوعش) مسترد ننماید، می باید دوسیه متهم را به مراجع صلاحیت دار و شایسته به منظور تعقیب قضائی واگذار نماید.
- 2- مراجع (صلاحیت دار) مذکور، مانند هر جرم عادی و در یک جریان طبیعی و جدی، تحت قوانین دولتی، نظر و تصمیم خود را خواهند گرفت. مدارک قانونی و معتبر بنا به ماده 5 بند 2 برای پیگرد و تعقیب قانونی و محکومیت ضروری است. این مدارک در تطابق با ماده 5 بند 1 می بایست مستدل و محکم باشد؟ به طوری که تعقیب قضائی را قابل اجرا گرداند.
- 3- هر فردی با توجه به اقامه دعوی جرمی که علیه او و در ارتباط با ماده 4 صورت گرفته است، می بایست در تمام مراحل قضائی رفتار مناسب با او، تضمین گردد.

ماده هشتم:

- 1- دولتهای عضو جرائم مربوط به ماده چهارم که شامل استرداد مجرمین به کشور متبوع شان است و یا هر نوع اخراج و استرداد که آنها به وسیله قراردادهای دوجانبه پذیرفته اند، تضمین خواهند کرد.
- 2- اگر دولت عضوی در خواست استرداد (متهمی) را از دولت عضو دیگر که معاهده ای را برای استرداد با این دولت امضاء نکرده است، دریافت دارد، این کنوانسیون به مثابه معاهده ای قانونی برای استرداد مجرمین به شمار می رود.
- 3- دولتهای عضوی که شرط استرداد را بنابر معاهده ای نپذیرفته اند، جرائم (مربوط به شکنجه) را به مثابه جرایم قابل استرداد در قراردادهای دوجانبه ملحوظ خواهند داشت و آن را (جرم شکنجه) همانند یک جرم قابل استرداد و قانونی از دولت عضو خواستار میشوند.
- 4- این نوع جرائم (شکنجه) با هدف استرداد ضرورت دارد که به وسیله قرارداد دوجانبه ای بین کشورهای عضو، انجام گردد. چنان که قرارداد دوجانبه ای بین (آنها) امضاء شده است، لازم است بنابه ماده 5 بند 1 و براساس اختیارات قضائی دولتها، نه فقط برای مکانی که جرم در آن به وقوع پیوسته است، باشد، بلکه شامل قلمرو دولتها نیز گردد.

ماده نهم:

1- دولتهای عضو در فراهم کردن امکاناتی که در ارتباط با روند پیگیری جرائم و مجرمینی که مشمول ماده چهار می باشند، اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد و نیز یکدیگر را با ارائه شواهد و اسنادی که در اختیار دارند، جهت پیگیری روند جرایم یاری خواهند رساند.

2- دولتهای عضو، تعهدات خویش را بنابر بند 1 این ماده مبنی بر مساعدت های قضائی متقابل در بین خود عمل خواهند کرد.

ماده دهم:

1- هر دولت عضو، با توجه به ممنوعیت شکنجه به مجریان قانون، پولیس و نظامی، کارکنان خدمات صحی، کارمندان و دیگر افرادی که به نحوی در بازداشت، بازجویی و بازرسی (افراد دخالت دارند) و نیز هر رفتاری که موجب دستگیری، بازداشت و زندانی افراد می شود، آموزشها و اطلاعات لازم را به آنها بدهند و مطمئن شوند که آنها از این آموزشها و اطلاعات برخوردار خواهند شد.

2- هر دولت عضو، در قوانین و دستورها به فرآخور وظایف و مسوولیتهای افراد، ممنوعیت شکنجه را ملحوظ خواهد کرد.

ماده یازدهم:

هر دولت عضو، موظف است به طور مرتب و منظم قواعد و روشهای مربوط به بازجویی (بازپرسی) و ترتیبات راجع به نگهداری افراد را (در بازداشتگاه ها) انجام دهد. این بازنگری و مراقبت شامل هر نوع دستگیری، زندان و در هر قلمروی که حوزه قضائی آن دولت است، با در نظر گرفتن اصل ممنوعیت شکنجه می باشد.

ماده دوازدهم:

هر دولت عضو، موظف است ترتیب اطمینان بخشی بدهد تا اگر قراین معقولی برانجام عمل شکنجه در مکان و یا در قلمرو قضائی آن دولت وجود داشت، مقامات صلاحیت دار بی درنگ و بی طرفانه به آنها رسیدگی نمایند.

ماده سیزدهم:

هر دولت عضو، موظف است حق شکایت فردی را که عنوان می کند او در قلمرو قضائی آن دولت مورد شکنجه قرار گرفته است را محفوظ بدارد و شکایت او را بی درنگ و بی طرفانه به مقامات صلاحیت دار جهت رسیدگی ارجاع دهد و نیز مطمئن گردد که شکایت کننده و شاهدان از تهدیدهای که نتیجه عمل آنهاست در امان خواهند بود.

ماده چهاردهم:

1- هر دولت عضو، موظف است از طریق نظام قانونی خود ترتیب اطمینان بخشی بدهد که قربانی شکنجه حق گرفتن خسارت و جبران غرامت مناسب (عادلانه) و کافی داشته باشد. این جبران شامل اعاده وضع اولیه قربانی شکنجه تا حد امکان نیز هست. هرگاه فردی بر اثر شکنجه بمیرد، جبران خسارات شامل بستگان او می گردد.

2- هیچ موردی از اجرای این ماده مبنی بر اعاده حقوق قربانی شکنجه و افراد دیگری که بنابر قوانین کشوری غرامت به آنها تعلق می گیرد، جلوگیری نخواهد کرد.

ماده پانزدهم:

هر دولت عضو، موظف است به نحوی اطمینان حاصل نماید که اقرار در اثر شکنجه به هیچ وجه مدرک محسوب نخواهد شد و نمی توان آن مدارک را به جز در مورد شخص شکنجه گر و درجهت پیگرد او به لحاظ ارتکاب جرم، مورد استناد قرار داد.

ماده شانزدهم:

1- هر دولت عضو، متعهد است که در قلمرو قضائی خود اعمال وحشیانه، غیرانسانی و رفتارهای تحقیرکننده و مجازات هائی را که مشمول تعریف شکنجه و ماده یک این کنوانسیون نیست و این اعمال به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام می گیرد، جلوگیری به عمل آورد. این تعهدات به ویژه، تعهداتی است که در مواد 10-11-12-13 مبنی بر تعویض و جایگزینی افرادی که در عمل شکنجه و یا دیگر اعمال وحشیانه غیرانسانی و رفتارهای تحقیرآمیز و مجازاتهای خشن آمده است.

2- مقررات این کنوانسیون نسبت به مقررات، اسناد بین المللی و قوانین ملی که اعمال وحشیانه و غیر انسانی و رفتارهای تحقیرآمیز که مربوط به استرداد یا اخراج می باشد و ممنوع اعلام کرده اند، خللی وارد نخواهد کرد.

قسمت دوم

ماده هفدهم:

1- یک کمیته ضد شکنجه تاسیس خواهد شد (از این پس در این کنوانسیون کمیته نامیده می شود) و وظائفی که در مواد بعدی به آنها اشاره خواهد شد را عهده دار است. این کمیته از 10 کارشناس عالیرتبه که برخوردار از صلاحیت اخلاقی و شایستگی در زمینه حقوق بشر می باشند، تشکیل خواهد شد. آنها با صلاحیت شخصی خود انجام وظیفه می نمایند (نه به عنوان نماینده دولت متبوع خویش) همچنین این کارشناسان به وسیله دولتهای عضو و با رعایت تقسیمات عادلانه جغرافیایی و نیز همکاریهای سودمندانه و تجربیات حقوقی آنها انتخاب خواهند شد.

2- اعضاء کمیته به وسیله رای مخفی و از فهرست نامزدهائی که دولتهای عضو تعیین کرده اند، انتخاب می گردند. دولتهای عضو در نظر خواهند داشت که افراد سودمند و کسانی از اعضاء کمیته حقوق بشر تحت نظارت پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز افرادی که مایل به خدمت در کمیته ضد شکنجه باشند را نامزد نمایند.

3- انتخابات اعضاء کمیته با دعوت به گردهمائی سرمنشی سازمان ملل متحد از دولتهای عضو و در هر دو سال یکبار انجام خواهد گرفت. حد نصاب در این گردهمائی، شرکت دوسوم کشورهای عضو می باشد. افرادی که حائز اکثریت آراء از طرف نمایندگان حاضر دولتهای عضو باشند، انتخاب خواهند شد.

4- اولین انتخابات نباید بیشتر از 6 ماه پس از لازم الاجرا شدن این کنوانسیون به درازا بکشد. برای انتخابات حداقل 4 ماه پیش از تاریخ انجام آن، سرمنشی سازمان ملل متحد، از دولتهای عضو، به وسیله نامه دعوت خواهد نمود که نامزدهای خود را برای عضویت در کمیته ظرف 3 ماه معرفی کنند. سرمنشی سازمان ملل فهرستی به ترتیب حروف الفباء از افرادی که نامزد شده اند، با ذکر نام کشورهای آنها که آنان را معرفی کرده اند، تهیه و به دولتهای عضو ارسال خواهد داشت.

5- اعضاء کمیته برای مدت 4 سال انتخاب می شوند و در صورتی که مجددا نامزد شوند، تجدید انتخاب آنها مجاز خواهد بود. لیکن مدت زمان پنج عضو کمیته منتخب در اولین انتخابات در پایان 2 سال منقضی می شود. نام این 5 عضو پس از اولین دوره انتخابات با قید قرعه و به وسیله رئیس جلسه مذکور، بنابر بند 3 این ماده معین می گردد.

6- اگر عضوی از اعضاء کمیته فوت کند و یا استعفا دهد و یا به هر دلیل دیگری نتواند انجام وظیفه کند، دولت عضوی که این فرد را نامزد کرده بود، شخص کارشناس دیگری که تبعه آن کشور باشد را جهت جایگزینی و خدمت تعیین می کند و تصویب او را با اکثریت آراء از دولتهای عضو خواستار می گردد. دولتهای عضو تصویب (عضو جدید) را مورد بررسی قرار خواهند داد، اگر نصف یا بیشتر آنها رای منفی به این تصویب دهند، مراتب امر به اطلاع سرمنشی سازمان ملل خواهد رسید تا در خلال 6 هفته فرد دیگری معرفی و تعیین گردد.

7- دولتهای عضو، مسوولیت هزینه های اعضاء کمیته را در هنگام انجام وظیفه متقبل خواهند شد. (اصلاحیه - به تصمیم عمومی 47/111، 16 دسامبر 1992 شرایط تصویب رجوع شود).

ماده هیجدهم:

1- کمیته، هیأت رئیسه خود را برای مدت 2 سال انتخاب خواهد کرد، آنها می توانند مجددا انتخاب شوند.

2- کمیته آئین نامه داخلی اش را خود تنظیم می کند. مقررات این آئین نامه به قرار زیر خواهد بود:

الف- حد نصاب رسمیت جلسات حضور 6 عضو است.

ب- تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضاء حاضر اتخاذ می گردد.

3- سرمنشی سازمان ملل متحد، کارمندان و امکانات لازم و مورد احتیاج را جهت اجرای موثر وظائفی که کمیته به موجب این کنوانسیون به عهده دارد، در اختیار کمیته خواهد گذاشت.

4- سرمنشی سازمان ملل متحد اعضاء کمیته را برای تشکیل نخستین جلسه دعوت می کند. پس از آن، کمیته در اوقاتی که در آئین نامه داخلی آن پیش بینی شده است، تشکیل جلسه خواهد داد.

5- دولتهای عضو مسوولیت (پرداخت) هزینه هائی که در ارتباط با گردهمائی های دولتهای عضو کمیته و هزینه های که به وسیله سازمان ملل در این مورد پرداخت می شود، مانند هزینه کارمندان و تهیه امکانات بنابر بند 3 این ماده را بعهده خواهند داشت.

(اصلاحیه - به تصمیم مجمع عمومی 47/111، 16 دسامبر 1992، شرایط تصویب رجوع شود).

ماده نوزدهم:

1- دولتهای عضو به واسطه سرمنشی سازمان ملل، اقداماتی که در جهت اجرای تعهداتشان طبق این کنوانسیون انجام داده اند را به کمیته تقدیم می نمایند. (نخستین گزارش) یکسال پس از لازم الاجرا شدن کنوانسیون برای دولت عضو باید به

کمیته ارائه گردد و از آن پس دولتهای عضو گزارشات تکمیلی و اقدامات جدید خود در این زمینه را هر چهار سال یکبار تقدیم می‌دارند.

2- سرمنشی سازمان ملل این گزارشهای را به دولتهای عضو ارسال خواهد داشت.
3- هر گزارشی مورد بررسی و رسیدگی کمیته قرار خواهد گرفت و کمیته نظرها و پیشنهادهای عمومی خود را نسبت به گزارش به دولتهای مربوط اعلام می‌دارد. دولت عضو مزبور می‌تواند پاسخها و نظرات خود را به کمیته اعلام نماید.
4- کمیته بنابر صلاحیت خود ممکن است نظرات و پیشنهادهایی که در ارتباط با بند 3 این ماده و مربوط به دولت عضو مذکور است و ملاحظات خود و نظر دولتها را در گزارش سالانه خود و بر طبق ماده 24 به مجمع عمومی ارائه دهد. اگر دولت عضو مزبور در خواست یک رونوشت از این گزارش را نماید، کمیته طبق بند 1 این ماده این درخواست را اجابت می‌نماید.

ماده بیستم:

1- اگر کمیته، اطلاعات موثق و قابل اعتمادی دریافت نماید که به‌وضوح نشان دهد، در قلمرو یکی از دولتهای عضو به طور منظم شکنجه وجود دارد، کمیته، دولت مربوط را دعوت می‌کند که برای رسیدگی و بررسی این موضوع همکاری نماید و در پایان نظرهای خود را با توجه بر اطلاعات مزبور، ارائه خواهد داد.
2- با توجه به نظراتی که دولت عضو ممکن است به کمیته ارائه دهد و نیز اطلاعات قابل استناد دیگر که کمیته را به معتبر بودن این اطلاعات متقاعد کرده است، کمیته ممکن است یک یا چند عضو خود را برای رسیدگی و تحقیق به‌طور محرمانه مامور کند تا بی‌درنگ گزارشی برای کمیته تهیه نمایند.
3- با انجام این تحقیقات، بنابر بند 2 این ماده، کمیته از دولت عضو مربوط خواهد خواست که در این مورد همکاری نماید. با توجه به تحقیقات انجام شده و توافق با دولت عضو ذیربط، بازدید (ومسافرت) از قلمرو آن دولت به‌عمل خواهد آمد.
4- کمیته بعد از رسیدگی و تشخیص نظرات عضو و یا اعضاء و با توجه به بند 2 این ماده، نظرات و تشخیص آنها را همراه با پیشنهادات و ارزیابی خود و با در نظر گرفتن موقعیت به دولت عضو مربوط، منتقل خواهد کرد.
5- تمام مراحل (تحقیق و بررسی) که از طرف کمیته انجام می‌گیرد، بنابر بند 1 تا 4 این ماده، محرمانه خواهد بود. همچنین در تمام مراحل تحقیق و رسیدگی، دولت عضو ذیربط به همکاری خواسته می‌شود. پس از تکمیل روند تحقیقات و با توجه به بند 2، کمیته با مشورت دولت عضو مربوط، ممکن است تصمیم بگیرد که خلاصه‌ای از نتایج تحقیقات را با توجه به ماده 24، در گزارش سالانه خود (به مجمع عمومی) منعکس نماید.

ماده بیست و یکم:

1- هر دولت عضو این کنوانسیون، به موجب این ماده هر زمان اعلام نماید که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به شکایات دائر بر ادعای هر دولت عضو که دولت عضو دیگر کنوانسیون تعهدات خود را طبق مواد این میثاق انجام نمی‌دهد، به رسمیت بشناسد. به موجب اقدامات عملی که در این ماده قرار دارد، شکایاتی قابل دریافت و رسیدگی خواهد بود که توسط دولت عضو صلاحیت کمیته را نسبت به خود شناسائی و اعلام کند. هیچ شکایتی مربوط به یک دولت عضو این کنوانسیون که چنین اعلامی نکرده باشد بنابر این ماده از طرف کمیته پذیرفته نخواهد شد. نسبت به شکایات که به موجب این ماده دریافت می‌شود، به ترتیب زیر اقدام خواهد شد:

الف - اگر یک دولت عضوی تشخیص دهد که دولت عضو دیگری به مقررات این کنوانسیون ترتیب اثر نمی‌دهد، می‌تواند به وسیله نامه، توجه آن دولت عضو را جهت رسیدگی به موضوع جلب کند. در ظرف 3 ماه پس از دریافت اطلاعیه، دولت دریافت کننده، توضیح یا هر گونه اظهار کتبی دیگر دائر بر روشن کردن موضوع را در اختیار دولت فرستنده اطلاعیه خواهد گذارد. توضیحات و اظهارات مزبور تا حد امکان شامل اطلاعاتی در مورد آئین دادرسی طبق قوانین داخلی آن کشور و آنچه که برای بهبودی آن بعمل آمده یا در جریان رسیدگی است یا آنچه در این مورد قابل اصلاح است، خواهد بود.

ب - اگر موضوعات به ترتیبی باشد که رضایت هر دو دولت عضو پس از دریافت اولین اطلاعیه و در ظرف 6 ماه جلب نماید، هر یک از طرفین حق خواهد داشت با ارسال اخطاریه ای به کمیته و به دولت مقابل، موضوع را پیگیری نماید.

ج - کمیته با توجه به این ماده فقط پس از اینکه برایش محقق شد که اقدامات چاره جویانه و قابل اصلاح طبق قوانین داخلی دو کشور، به نتیجه ای نرسیده است و دو دولت از حل موضوع بر طبق اصول متفق حقوق بین المللی عاجز می‌باشند، آنگاه بموضوع مرجوعه رسیدگی خواهد کرد. این قاعده در مواردی که رسیدگی به شکایات بنحوی از راه های قانونی غیر معقول و طولانی باشد و یا کمک موثر به فردی که طبق این میثاق قربانی خشونت محسوب می‌شود، غیر محتمل و بعید بنظر رسد، اجرا نخواهد شد.

د - کمیته در مواقع رسیدگی به شکایات های دریافتی، بنابر این ماده جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

هـ - با رعایت مقررات بند (ج)، کمیته بمنظور حل دوستانه موضوع مورد اختلاف و بر اساس احترام به تعهداتی که در این کنوانسیون ارائه شده است، کمک‌هایی قابل اجرای خود را در اختیار دولتهای عضو مربوط خواهد گذارد. بدین منظور، در زمان مقتضی، کمیته یک کمیسیون حل اختلاف تخصصی تعیین خواهد کرد.

و- کمیته بنا بر این ماده، در کلیه اموری که به آن ارجاع شود میتواند از دولتهای طرف اختلاف موضوع زیر بند (ب) هر گونه اطلاعات مربوط را خواستار گردد.

ز- دولتهای عضو مربوط موضوع زیر بند (ب) حق خواهند داشت هنگام رسیدگی بموضوع در کمیته، نماینده ای داشته باشند و ملاحظات خود را بطورشفاهی و یا کتبی اظهار دارند.

ح- کمیته موظف است در مدت 12 ماه پس از تاریخ دریافت اخطاریه بنا به زیر بند (ب) گزارش بدهد:

1) اگر راه حلی بنا به مقررات زیر بند (ه) حاصل شده باشد، کمیته گزارش خود را به یک خلاصه گزارش منحصر خواهد کرد.

2) اگر راه حلی بنابر مقررات زیر بند (ه) حاصل نشود کمیته در گزارش خود بشرح قضایا مختصرا اکتفا خواهد کرد. (همچنین) متن صورت مجلس ملاحظات کتبی و شفاهی دولتهای عضو، ضمیمه گزارش خواهد شد. در هر مورد گزارشی به دولتهای عضو مربوط ابلاغ خواهد شد.

2- مقررات این ماده هنگامی قابل اجرا خواهد بود که پنج دولت عضو کنوانسیون، بنا بر بند 1 این ماده اعلامیه های پیش بینی شده را داده باشند. اعلامیه های مذکور نزد سرمنشی سازمان ملل سپرده خواهد شد و رونوشت آن برای سایر کشورهای عضو کنوانسیون ارسال خواهد شد. اعلامیه ممکن است در هر زمان بوسیله اخطاریه سرمنشی سازمان ملل بازپس گرفته شود. این استرداد به رسیدگی مسئله، موضوع یک شکایت که قبلا بموجب این ماده ارسال شده باشد، خللی وارد نمیکند. هیچ شکایت دیگری پس از دریافت اخطاریه استرداد اعلامیه به سرمنشی پذیرفته نمی شود مگر آنکه دولت عضو مربوط اعلامیه جدیدی داده باشد.

ماده بیست و دوم:

1- یک دولت عضو این کنوانسیون می تواند بموجب این ماده در هر زمان صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی شکایات افرادی که مدعی قربانی خشونت توسط یک دولت عضو این میثاق هستند، به رسمیت شناسد و آنرا اعلام دارد. هیچ شکایتی از دولت عضوی که چنین اعلامی نسبت به آن صورت نگرفته است از جانب کمیته قابل پذیرش نخواهد بود.

2- کمیته شکایات بدون نام و یا ناسازگار با مقررات کنوانسیون را بنا بر این ماده و یا شکایاتی که در مقام سوء استفاده از این حق مطرح شده است را نخواهد پذیرفت.

3- با رعایت مقررات بند 2، کمیته بنا بر این ماده ضمن رسیدگی کردن به شکایات دولت عضوی که متهم به تخلف از مفاد این کنوانسیون است، توجه آنرا نیز طبق بند 1 به این شکایات جلب میکند. در ظرف 6 ماه پس از وصول شکایات دولت متهم به تخلف، توضیحات کتبی و اظهاراتی مبنی بر روشن نمودن موضوع و یا بهبودهایی که توسط آن کشور انجام گرفته است را به کمیته ارائه خواهد داد.

4- کمیته شکایات را بنا بر این ماده و طبق اطلاعات روشن موجود که به نیابت فرد یا بوسیله عضو مربوط دریافت میکند، مورد بررسی و رسیدگی قرار خواهد داد.

5- کمیته به شکایاتی که از طرف فرد و بنا بر این ماده دریافت میکند، مورد رسیدگی قرار نخواهد داد مگر اینکه برای کمیته محقق شود که:

الف - موضوع شکایت در ارگانهای بین المللی دیگر مطرح و مورد رسیدگی قرار نگرفته است.

ب - فرد (شکایت کننده) از تمام اقدامات چاره جویانه در مراجع ذیصلاح داخلی نتیجه ای نگرفته است. همچنین در مواردی که طی طریق شکایت بنحو غیر معقول طولانی گشته است و با کمک موثر بر فردی که طبق این میثاق قربانی خشونت شناخته می شود، غیر محتمل و بعید بنظر رسد.

6- کمیته در مواقع رسیدگی به شکایات دریافتی، بنابر این ماده جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

7- کمیته نظرات خود را به دولت عضو مربوط و فرد (شکایت کننده) منعکس خواهد نمود.

8- مقررات این ماده هنگامی قابل اجرا خواهد بود که پنج دولت عضو کنوانسیون اعلامیه های پیش بینی شده در بند اول این ماده را داده باشند. اعلامیه های مذکور توسط دولت عضو، نزد سرمنشی سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد. سرمنشی سازمان ملل، رونوشت آنرا برای سایر دولتهای طرف میثاق ارسال خواهد داشت. اعلامیه ممکن است در هر زمان، بوسیله اخطاریه به سرمنشی مسترد گردد، این استرداد به رسیدگی هر مسئله، موضوع شکایتی که قبلا بموجب این ماده ارسال شده بود، خللی وارد نمی کند.

ماده بیست و سوم:

اعضاء کمیته و کمیسیونهای مشاورین متخصص که بنا به ماده 21 بند 1 (ه) انتصاب میشوند، سزاوار برخورداري از امتیازات و مصونیت های در مأموریت های سازمان ملل، خواهند بود. این موارد در قسمتهای مربوط به کنوانسیون و بر اساس امتیازات و مصونیتهای سازمان ملل قرار خواهد گرفت.

ماده بیست و چهارم:

کمیته بموجب این کنوانسیون، فعالیتهای خود را در یک گزارش سالانه تقدیم دولتهای عضو و مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواهد نمود.

قسمت سوم

ماده بیست و پنجم:

1- این کنوانسیون برای امضاء تمام دولتها مفتوح است.
2- این کنوانسیون موقوف به تصویب دولتها است (اصلاح "تصویب" در پیمان نامه ها و پروتکل های بین المللی، به این معنی است که تصویب باید طبق قانون اساسی و یا مراجع صلاحیت دار مثل مجلس شورا و در داخل کشور، انجام شود) اسناد تصویب یا الحاق، نزد سرمنشی سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد.

ماده بیست و ششم:

این کنوانسیون برای الحاق تمام کشورها مفتوح خواهد بود. الحاق دولتها بوسیله سند الحاق که نزد سرمنشی سازمان ملل سپرده خواهد شد، صورت میگیرد.

ماده بیست و هفتم:

1- این کنوانسیون 30 روز پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد سرمنشی سازمان ملل متحد، قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.
2- برای هر دولتی که پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق، این کنوانسیون را تصویب کند و به آن بپیوندد، کنوانسیون 30 روز بعد از تاریخ سپرده شدن سند تصویب یا الحاق آن دولت، قدرت اجرایی (برای آن دولت) پیدا خواهد کرد.

ماده بیست و هشتم:

1- هر دولتی ممکن است در زمان امضاء یا تصویب این کنوانسیون یا الحاق، اعلام دارد که صلاحیت کمیته را برای (وظائفی که) در ماده 20 ارائه شده است، به رسمیت نمی شناسد.
2- هر دولت عضوی که شرط و حق محفوظی را در ارتباط با بند 1 این ماده قائل شده است، در هر زمان میتواند آنرا بوسیله نوشتن یادداشت به سرمنشی سازمان ملل متحد، استرداد کند.

ماده بیست و نهم:

1- هر دولت عضو این کنوانسیون میتواند اصلاحیه ای به آن، پیشنهاد کند و متن آنرا نزد سرمنشی سازمان ملل بسپارد. سرمنشی هر طرح اصلاحی پیشنهادی را برای دولتهای عضو این میثاق ارسال خواهد داشت و از آنها درخواست خواهد کرد که به او اعلام دارند آیا با تشکیل کنفرانسی از دولتهای عضو بمنظور رسیدگی و گرفتن رای در باره طرحهای پیشنهادی موافق هستند؟ در صورتی که حداقل یک سوم دولتهای عضو خواهان تشکیل چنین کنفرانسی باشند، سرمنشی کنفرانس را تحت نظر و توجه سازمان ملل تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت دولتهای حاضر عضو و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، بوسیله سرمنشی به تمام کشورهای عضو برای پذیرفتن، ارسال خواهد شد.
2- اصلاحیه پذیرفته شده با توجه به بند 1 این ماده، هنگامی قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد که دو سوم دولتهای عضو این کنوانسیون، به سرمنشی سازمان ملل متحد اطلاع دهند که آنها بر طبق قانون اساسی خودشان آنرا پذیرفته اند.
3- وقتی مفاد اصلاحی قدرت اجرایی پیدا کردند، برای دولتهای عضو که آنرا پذیرفته اند، لازم الاجرا میگردد. دیگر کشورهای عضو به مقررات این کنوانسیون و هرگونه اصلاحاتی که پذیرفته اند، ملزم خواهند شد.

ماده سی ام:

1- هر مشاجره و اختلافی که بین دو دولت عضو و یا بیشتر در مورد تفسیر یا کاربرد این کنوانسیون بوجود آید و آنها نتوانند این اختلاف را طی مذاکرات بین خود حل نمایند، با درخواست یکی از آنها این اختلاف به (هیئت) داور و حکمیت واگذار خواهد شد. اگر پس از 6 ماه یعنی از زمانی که درخواست به هیئت واگذار شده است، دولتها قادر به پذیرفتن رای هیئت حکمیت نیستند، هر کدام از طرفین موضوع میتوانند این اختلاف را به دادگاه دادگستری بین المللی ارجاع دهند.
2- هر دولتی میتواند در زمان امضاء این کنوانسیون یا الحاق آن اعلام دارد که خود را موظف به اجرای بند 1 این ماده نمی داند. دولتهای عضو دیگر با احترام به هر کشوری که این حق و شرط را برای خود محفوظ داشته اند، خود را موظف به اجرای بند 1 این ماده، در مورد آن کشور نمی دانند.

3- هر دولت عضوي که شرط و حق محفوظي را در ارتباط با بند 2 اين ماده قائل شده است، در هر زمان مي‌تواند آنرا به وسيله يادداشت به سرمنشي سازمان ملل متحد، مسترد کند.

ماده سي و يکم:

- 1- يک دولت عضو مي‌تواند در هر زمان اين کنوانسيون را از طريق يادداشت کتبي به سرمنشي سازمان ملل، فسخ نمايد و خروج خود را از اين کنوانسيون (که در واقع عدم تعهد خود به آن است) را اعلام دارد. يکسال پس از دريافت اين يادداشت به سرمنشي انصراف و خروج قطعي و لازم الاجرا خواهد شد.
- 2- اين فسخ و انصراف، تاثيري بر تعهدات دولت عضو نسبت به اعمايي که قبل از تاريخ لازم الاجرا شدن خروج انجام داده است، نخواهد داشت و مانع ادامه رسيدگي کميته که قبل از آن تاريخ شروع شده، نمي‌شود.
- 3- پس از تاريخ لازم الاجرا شدن خروج از کنوانسيون، کميته ديگر نسبت به دولت خارج شده، رسيدگي اي را انجام نخواهد داد.

ماده سي و دوم:

- 1- سرمنشي سازمان ملل متحد تمام دولتهاي عضو سازمان ملل و دولتهائي که اين کنوانسيون را امضاء کرده اند و يا به آن پيوسته اند را مطلع خواهد کرد که:

الف: امضاء ها، مصوبات (اسناد تصويب) و الحاق ها را بنا بر ماده 25 و 26

ب: تاريخ به اجرا در آمدن اين کنوانسيون طبق ماده 27 و تاريخ لازم الاجراي اصلاحات طبق ماده 29

ج: انصراف و فسخ دولتها طبق ماده 31

ماده سي و سوم:

- 1- متنهائي عربي، چيني، انگليسي، فرانسه، روسي و اسپانيائي اين کنوانسيون، داراي اعتباري يکسان مي‌باشند و آنها نزد سرمنشي سازمان ملل متحد به امانت سپرده خواهند شد.
- 2- سرمنشي سازمان ملل متحد رونوشت گواهي شده اين کنوانسيون را براي تمام کشورها ارسال خواهد داشت.

ضميمه (V)

کنوانسيون بين المللي حقوق اطفال

از طرف مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ بیستم نوامبر سال ۱۹۸۹ میلادی تصویب شد

نویسنده ترجمه: دکتر الف. آبشار

مقدمه:

بر اساس اصول پایه ای سازمان ملل متحد که از طرف تمامی نمایندگان جامعه بشری عضو آن پذیرفته شده است، احترام به ارزش ذاتی و برابری خدشه ناپذیر حقوقی انسانها ترسیم گر آزادی، عدالت و صلح در جهان است. ملت‌های دنیا بر مبنای همین اعتقاد به مقام و منزلت انسانی، خواهان سعادت عموم بشری در قالب پیشرفتهای اجتماعی، بهبود وضعیت زندگی همراه آزادیهای هر چه بیشتر هستند.

با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره مندی تک تک افراد بشری از حقوق مندرج در آن بدور از وابستگیهای نژادی، جنسی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری. و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژه ی کودکان و حمایت آنها تاکید کرده است.

و با آگاهی به اینکه خانواده، واحد ساختاری جامعه و مکان رشد و پرورش تمام اعضای آن و به ویژه شکل دهنده ی شخصیت کودکان است.

و اینکه کودکان برای شکوفایی خود نیازمند داشتن خانواده ای هستند سرشار از محبت، عشق، تفاهم و احترام .

و با این یادآوری که باید کودک را برای فردای جامعه آماده و او را مطابق ایده آل های اعلام شده از طرف سازمان ملل یعنی آزادیخواه، باشخصیت، صلح جو با روحیه ای دارای تفاهم و همبستگی تربیت نمود و با توجه به ضرورت حمایت ویژه کودکان مطابق مصوبات بین المللی مختلف و از آن جمله:

قرارداد ژنو در سال ۱۹۲۴ میلادی در باره حقوق کودکان، قرارداد رعایت حقوق کودکان از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر ۱۹۵۹ میلادی، اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، پیمان بین المللی در باره حقوق سیاسی و شهروندی (بخصوص در ماده ۲۳ و ۲۴ آن)، پیمان جهانی برای حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (بخصوص در ماده ۴۰)، اسناد و اساسنامه های دیگر تشکل های بین المللی که بنفع کودکان فعالیت میکنند.

و بدنبال آنچه در اسناد حقوق کودک ذکر شده است، مبنی بر اینکه: کودک بخاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد میباشد.

و بر اساس مصوبات و قراردادهای مربوط به حمایت کودکان و بخشنامه های سازمان ملل در باره تعیین حداقل سن و شرایط مجازات قانونی برای نوجوانان و حمایت از زنان و کودکان در زمان جنگ و درگیریهای مسلحانه.

و بر پایه این واقعیت که در بسیاری از کشورهای دنیا، کودکان در موقعیت بد و نابسامانی زندگی میکنند و نیاز به توجه فوری و ویژه دارند.

و با درک اهمیت و ارزش همکاری های بین المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همه ی دنیا و بویژه در کشورهای در حال رشد.

پیمان نامه ای برای حفظ و رعایت حقوق کودکان جهان به قرار زیر تصویب میشود :

ماده ۱ (تعریف)

مطابق این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشور های مربوطه زودتر تعیین شده باشد .

ماده ۲ (ممنوعیت تبعیض)

۱ (حکومت‌های عضو این پیمان، برای هر کودکی که در قلمرو آنهاست، بدون تبعیض و یا فرق گذاری و بدور از هرگونه وابستگی به نژاد، رنگ پوست، منشاء اجتماعی و قومی و یا ملی، میزان دارایی، معلولیت، وضعیت سرپرست و یا والدین و هر موقعیت دیگری که کودک در آن است، اجرای حقوق مندرج در این پیمان نامه را تضمین میکنند .

۲ (حکومتهای عضو این پیمان، تمام اقدامات لازم را انجام میدهند تا این اطمینان کامل را بوجود آورند که هر کودکی از همه اشکال تبعیض و فرق گذاری در امان است و بخاطر ابراز عقیده و جهان بینی و فعالیت های والدین یا سرپرست یا اقوام خودش مجازات نمی شود .

ماده ۳ (نفع کودک)

۱ (در انجام هر اقدامی که به نوعی به کودک مربوط میشود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری، غیر اداری و یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تامین سلامت کودک بر سایر مسائل تقدم دارد.

۲ (حکومتهای عضو پیمان موظف اند با رعایت حقوق والدین و یا سرپرست، از کودکان حمایت نموده و اقدامات لازم حقوقی و قانونی را بعمل آورند.

۳ (حکومتهای عضو پیمان، اطمینان میدهند که ارگانها و نهادهای مسئول حمایت کودک، دارای استانداردهای تعیین شده مربوط به تعداد و تخصص نیروی شاغل و تکنیک موجود در موسسات هستند و به ویژه در زمینه ایمنی و بهداشت کنترل کافی وجود دارد .

ماده ۴ (وظایف دولتها)

حکومتهای عضو پیمان، اقدامهای ضروری و مناسب قانونی، اداری و غیره را بعمل می آورند تا حقوق پذیرفته شده در این عهدنامه را اجرا نمایند. حکومتها برای تحقق مفاد این عهدنامه با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تا آخرین حد ممکن از تمامی منابع موجود ملی خود و در صورت نیاز بین المللی استفاده میکنند .

ماده ۵ (حقوق والدین)

حکومتهای عضو این پیمان به وظایف، حقوق و مسئولیتهای والدین و یا سرپرست قانونی کودک توجه لازم را می نمایند تا نسبت به کودک در رابطه با حقوق مندرج در این پیمان نامه کوتاهی نشود .

ماده ۶ (حق زندگی)

۱ (هر کودکی حق زندگی دارد و این حق مادرزادی اوست که از طرف همه حکومتهای عضو پیمان به رسمیت شناخته میشود.

۲ (ادامه حیات و رشد کودک از طرف حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه بطور کامل تضمین میشود .

ماده ۷ (حقوق مربوط به تولد)

۱ (هر کودکی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید والدین خود را شناخته و از سوی آنها نگهداری شود.

۲ (حکومتهای عضو پیمان، حقوق عنوان شده در این پیمان نامه را در رابطه با حقوق و قوانین داخلی خود و وظایف بین المللی، بخصوص در مورد کودک بدون تابعیت، تضمین نموده و اجرا می نمایند .

ماده ۸ (حفظ هویت شخصی)

۱ (حکومتهای عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند.

۲ (در صورتی که تمام یا بخشی از هویت شخصی بطور غیرقانونی خدشه دار شود، حکومتها سریعاً درصدد ترمیم این خسارت برمی آیند .

ماده ۹ (جدایی از پدر و مادر)

۱ (حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه اطمینان میدهند که یک کودک برخلاف میل والدینش از آنها جدا نمیشود مگر اینکه بر طبق قوانین موجود ثابت شود که آن جدایی به نفع کودک و لازم است. مثلاً وقتی کودک مورد سوء استفاده قرار گرفته و جدایی از هم زندگی کنند و تکلیف اقامت کودک باید روشن شود.

(2در موقع اجرای بند یک این ماده، باید امکان شرکت همه ی افراد مربوطه در آن تصمیم گیری را فراهم آورد.

3) حکومتها توجه دارند که حق کودک مبنی بر تماس شخصی و مستقیم با پدر و مادر را در هنگامی که آنها از هم جدا شده اند، فراهم کنند مگر اینکه این عمل با منافع کودک در تضاد باشد.

4) هرگاه جدایی نتیجه اقدام حکومت باشد، مثلا زندان، تبعید و یا مرگ یکی از والدین یا هر دو آنها و یا مرگ کودک (مرگ به هر علتی که باشد، تعیین کننده آن است که شخص در آن هنگام به نوعی در "اسارت" قانون بوده است)، حکومت امضاکننده این پیمان نامه موظف است برپایه درخواست والدین یا کودک و یا سرپرست قانونی او، اطلاعات لازم را در مورد محل شخص غایب در اختیار این افراد قرار دهد، مگر اینکه این عمل به نفع کودک نباشد و به او زیان برساند. حکومتها اطمینان میدهند که افراد با تقاضای چنین درخواستی، از طرف حکومت در خطر قرار نمی گیرند.

ماده ۱۰ (رساندن اعضای خانواده به هم)

۱ (بدنبال ماده ۹ بند ۱ مندرج در این پیمان نامه، هرگاه کودک یا والدین او درخواست خروج از کشور و یا ورود به کشور دیگری را برای پیوستن به اعضای خانواده خودشان دارند، ترتیب این امر بطور انسانی و سریع از طرف حکومت داده میشود و چنین درخواستی دارای هیچگونه خطری از سوی حکومت برای متقاضی و یا وابستگان او نیست.

۲ (کودکی که والدین او در کشورهای متفاوت بسر میبرند، حق دارد با هر دوی آنها بطور شخصی، منظم و مستقیم تماس داشته باشد، مگر در صورت وجود شرایط استثنایی مثلا بخاطر حفظ امنیت ملی یا نظم و اخلاق عمومی، لطمه به آزادی و حقوق دیگری و یا نقض حقوق مندرج در این پیمان نامه.

حکومتها بر پایه ماده ۹ بند ۱ این پیمان نامه مکلف به رعایت حق کودک و والدین مبنی بر با هم بودن آنها هستند.

ماده ۱۱ (کودک ربایی)

۱ (حکومتها عضو پیمان، جهت مبارزه با انتقال و اقامت غیرقانونی کودکان به خارج از کشور، اقدام لازم را می نمایند.

۲ (حکومتها برای این منظور، خواهان قبول توافق نامه های موجود از طرف یکدیگر و یا تصویب توافق نامه های جدید دو یا چند جانبه هستند.

ماده ۱۲ (آزادی عقیده)

۱ (از سوی حکومتها امضاکننده این پیمان نامه، حق کودک که که توانایی ساختن نظر شخصی خودش را دارد، به رسمیت شناخته میشود. کودک در تمامی امور مربوط به خود، آزادی بیان و اظهار عقیده شخصی را که مطابق سن و رشد اوست، دارد.

۲ (برای این منظور، به کودک امکان داده میشود که در دادگاهها و در تمام مراحل قانونی، مستقیم یا با کمک وکیل و یا نهاد مسوول و مناسب دیگر، مطابق قوانین موجود، محاکمه شود.

ماده ۱۳ (آزادی آگهانش)

۱ (کودک حق آزادی بیان دارد و این حق در پیوند با آزادی آگهانش است که کودک بدون ترس از محدودیتهای حکومتی، دانستیها و افکار متنوع خود را در قالب کلمات، دست نویس یا چاپ، کارهای هنری یا هر طریق و یا هر وسیله ای انتخابی دیگر، بیان کرده، دریافت نموده و یا به دیگران بدهد.

۲ (اجرای این حق میتواند از طرف قوانین دیگری که لازم هستند، محدود شود:

الف) بخاطر حفظ حقوق یا شهرت فردی دیگر.

ب) بخاطر حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق و عفت عمومی و یا سلامتی جامعه.

ماده ۱۴ (آزادی مذهب، وجدان و افکار)

۱ (حکومتها به حق کودک برای آزادی افکار، وجدان و مذهب توجه میکنند.

۲ (حکومتها توجه به حقوق و وظایف والدین یا سرپرست کودک دارند که نقش راهنمایی خود را در رابطه با اجرای این حق در مراحل مختلف سنی کودک، ایفا کنند.

۳ (آزادی مذهب و جهان بینی تنها در شرایط قانونی تعیین شده قابل تحدید است که آنهم بخاطر حفظ امنیت ملی، نگهداری نظم اجتماعی، حفظ سلامتی و یا عفت عمومی و یا وقتی منافی حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد.

ماده ۱۵ (آزادی تشکیل انجمن و گروه)

- ۱ (حکومتها حق کودک برای شرکت در اجتماعات را به رسمیت می شناسند).
- ۲ (اجرای این حق نباید با امنیت ملی و نظم عمومی مبادرت داشته و منافای اخلاق عمومی و یا برخلاف حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد).

ماده ۱۶ (حفظ محدوده خصوصی)

- ۱ (محدوده شخصی و خصوصی هیچ کودکی قابل تعرض نیست. این محدوده که شامل همه جوانب مربوط به امور خانوادگی، مسکونی، حیثیتی و مکاتبات شخصی است، نباید بطور عمد یا غیرقانونی آسیب ببیند).
- ۲ (برخورداری از حمایت قانونی در مقابل چنین آسیب هایی، حق کودک است).

ماده ۱۷ (استفاده از وسایل ارتباط گروهی)

- حکومتها با آگاهی از نقش مهم وسایل ارتباط جمعی، خاطرنشان میکنند که کودک باید به همه منابع گوناگون ملی و بین المللی آگاهی رسانی، به ویژه آنهایی که برای سلامت جسمی- روانی او مفیدند، دسترسی یابد. برای این منظور، حکومتهای عضو این پیمان:
- الف) وسایل ارتباط جمعی را تشویق میکنند تا آگهانش، کاربرد اجتماعی- فرهنگی داشته و با محتوای ماده ۲۹ همخوان باشد.
 - ب) خواهان همکاری بین المللی در زمینه تولید، مبادله و توزیع این آگهانش با مراجعه به منابع رنگارنگ ملی و بین المللی هستند.
 - ج) تولید و پخش کتابهای کودکان را حمایت نموده و گسترش میدهند.
 - د) وسایل ارتباط جمعی را تشویق میکنند تا به نیازهای زبانی و گفتاری کودکی که از اقلیتهای فرهنگی- قومی است، پاسخگو باشند.
 - ه) قوانینی را که حافظ کودک در مقابل آسیب های احتمالی ناشی از این وسایل ارتباطی است، بررسی میکنند بطوریکه ماده های ۱۳ و ۱۸ رعایت شوند.

ماده ۱۸ (نگهداری کودک توسط والدین)

- ۱ (حکومت ها تاکید و تضمین میکنند که پدر و مادر هر دو با هم مسوول تربیت و رشد کودک هستند).
- ۲ (حکومتها عضو این پیمان، جهت اجرای حقوق مندرج در اینجا، از والدین در انجام وظایف خود در رابطه با تربیت و رشد کودک، پشتیبانی میکنند).
- ۳ (حکومتها تمام اقدامهای لازم را انجام میدهند تا برای نگهداری از کودکانی که والدین شاغل دارند، امکانات مناسب فراهم نمایند).

ماده ۱۹ (حمایت کودکان در برابر سوء استفاده)

- ۱ (حکومتها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، کودک را در مقابل هر شکل از رفتار سهل انگارانه با آنها، سوء استفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت میکنند).
- ۲ (اقدامات حمایتی حکومتها همراه اجرای روشها و برنامه های اجتماعی است که برای کشف و پیشگیری این جرایم نسبت به کودک موثر باشند. همچنین درمان آسیب وارده بر کودک و کمک به والدین و یا سرپرست در رابطه با سوء استفاده های ذکر شده در بند ۱ این ماده بر عهده ی حکومتها است).

ماده ۲۰ (حمایت کودک در دوران جدایی از والدین)

- ۱ (یک کودک که بطور موقت یا دایم از آغوش خانواده محروم شده و یا بدلیل نفع خودش باید خانواده را ترک کند، حق استفاده از کمکها و حمایت ویژه حکومتی را دارد).
- ۲ (حکومتها برپایه حقوق جاری و قوانین داخلی خود، اشکال مختلف کمک به چنین کودکی را بکار میگیرند).

۳ (قبول کفالت و یا فرزندخواندگی کودک از طرف اشخاص دارای صلاحیت، شکلی از سرپرستی و مواظبت از کودک است. در این رابطه باید به ریشه ها و نیازهای فرهنگی، مذهبی و قومی کودک توجه کرده و تربیت و پرورش بدون انقطاع کودک را تامین نمود.

ماده ۲۱ (ضمانت های قانونی فرزندخواندگی)

آن دسته از حکومت‌های عضو پیمان که سیستم کفالت و فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته یا مجاز می دانند، با اطمینان خاطر نشان میکنند که در تمام این مراحل، منافع کودک و آسایش او تامین میشود. این حکومتها:

(الف) تضمین میکنند که امور مربوط به فرزندخواندگی فقط از طرف مسئولین و ارگانهای تعیین شده و مجاز صورت گرفته و در چهارچوب حقوق جاری و قوانین داخلی اجرا و کنترل میشود.

(ب) شکل بین المللی فرزندخواندگی را هم به رسمیت شناخته و این امکان را در اختیار کودکانی که داخل کشور از این نظر تامین نیستند، می گذارند.

(ج) تضمین میدهند که کودک در صورت استفاده از امکان بین المللی فرزندخواندگی، همچنان تحت پوشش کامل حمایت‌های حکومتی و ملی قرار دارد.

(د) تمام اقدام‌های مناسب را انجام میدهند تا از سودجویی های مالی در رابطه با فرزندخواندگی بین المللی جلوگیری کنند.
(ه) در این چهارچوب، خواهان عقد قراردادهای دو یا چند جانبه با کشورهای دیگر هستند تا بتوانند از جریان مثبت و موفق فرزندخواندگی بین المللی اطمینان حاصل کنند.

ماده ۲۲ (حقوق پناهنده)

۱ (حکومت‌های امضاکننده این پیمان نامه، با انجام اقدام‌های مناسب، حقوق کودکی را که از نظر قوانین داخلی و یا بین المللی پناهنده شناخته شده است، تضمین میکنند. این حقوق شامل کمک‌های انسانی و در جهت احقاق همه حقوق مندرج در این پیمان نامه و همینطور دیگر پیمان های منطقه ای و بین المللی است که بر پایه تامین حقوق بشر و حقوق کودک استوار هستند، صرف نظر از اینکه کودک تنها با والدین و یا همراه دیگری باشد.

۲ (برای این منظور، حکومت‌های امضاکننده این پیمان نامه، نهایت تلاش خود را میکنند تا از طریق همکاری با سازمان ملل متحد و یا تشکیلات وابسته به آن و همچنین با کمک دیگر سازمان‌های مسئول منطقه ای و یا فرمانطقه ای که در زمینه حمایت کودک در ارتباط با سازمان ملل هستند، با تمام نیرو کودک پناهنده را نگهداری کرده و یاری رسانند تا والدین یا افراد فامیل خود را پیدا نموده و به آنها ملحق شود. در صورتیکه افراد مزبور پیدا نشوند، آن کودک مانند بقیه کودکان شامل قانون مربوطه به محرومیت موقت یا دایم از آغوش خانواده میشود. (ماده ۲۰ بند ۱)

ماده ۲۳ (حقوق کودکان معلول)

۱ (حکومت‌ها اعلام میدارند که اگر یک کودک دارای نقص بدنی یا عقلی است، باید در عین معلولیت خودش، یک زندگی شایسته انسانی داشته باشد. زندگی که در آن، حیثیت او محفوظ باشد و شرکت فعال و مستقل او در زندگی جمعی تسهیل گردد.

۲ (حکومت‌ها اعلام میکنند که کودک معلول، دارای حق حمایت ویژه حکومتی است و باید تا حد ممکن، برای آن کودک و والدین و یا سرپرست او امکانات مناسب را فراهم نمود.

۳ (با توجه به نیازهای اختصاصی کودک معلول، باید حمایت‌های مندرج در بند ۲ این ماده را در صورت امکان چنان سازمان داد که وضعیت مالی والدین و یا سرپرست در نظر گرفته شود و خدمات ارائه شده در جهت آموزش و پرورش و شکوفایی هر چه بیشتر کودک باشند.

۴ (حکومت‌ها، با تکیه بر همکاری بین المللی، خواهان تبادل نظرها و تجربه های مختلف اداری، فنی، پزشکی و تربیتی در زمینه کودکان معلول هستند تا به ویژه کشورهای در حال رشد با آشنایی با امکانات و پیشرفتهای لازم بتوانند به آن دسته از کودکان کمک‌ها و خدمات مفیدتری را ارائه دهند.

ماده ۲۴ (مراقت‌های بهداشتی)

۱ (حکومت‌ها، حق کودک برای داشتن سلامتی و استفاده از همه ی امکانات برای سلامت ماندن، بهبودی و درمان بیماری را به رسمیت می شناسند و تضمین میکنند که هیچ کودکی از این حق محروم نخواهد ماند.

۲ (حکومت‌ها برای تامین این حق کودک، اقدام‌های مناسب را انجام میدهند:

الف) تعداد مرگ و میر نوزادان و کودکان را کاهش میدهند.

ب) خدمات درمانی سراسری برای کودکان را سازمان میدهند و از تامین نیازهای اولیه بهداشتی، اطمینان حاصل میکنند. حکومتها به سلامتی مادر قبل و بعد از زایمان توجه کرده و با بیماریها و کمبود یا بدی تغذیه مبارزه میکنند و در این رابطه امکان تهیه مواد غذایی و آب آشامیدنی سالم را با رعایت حفظ محیط زیست، فراهم می نمایند.

ج) به امر آموزش همه مردم و به ویژه کودکان و والدین توجه نموده و تلاش میکنند تا اهالی اصول اولیه بهداشتی و بهداشتی را فرگیرند. آنها مثلا با فواید از سینه شیردادن، بهداشت شخصی و تمیز نگهداشتن محیط زیست و چگونگی پیشگیری از سوانح آشنا میشوند و در عمل هم از پشتیبانی حکومتها برخوردارند.

د) مراکز مشاوره برای والدین و روشنگری در زمینه تنظیم خانواده را سازماندهی میکنند.

۳) حکومتها جهت مبارزه با خرافات و عاداتهایی که برای سلامتی کودک زیان بخش هستند، اقدامات لازم و مناسب را انجام میدهند.

۴) حکومتها خود را موظف می دانند که از همکاری های بین المللی پشتیبانی نموده و آن را تقویت نمایند تا مفاد این ماده بدون کم و کاست جامه عمل بخود بپوشاند و در این باره باید به نیازهای کشورهای در حال رشد توجه ویژه نمود.

ماده ۲۵ (کنترل و رسیدگی منظم به مکان نگهداری)

کودکی که از طرف مسوولین امر جهت نگهداری و پرستاری و یا درمان ناراحتی جسمی یا روانی بستری میشود، از حق کنترل و رسیدگی منظم تمام امور به نفع خودش برخوردار است و این حق از طرف حکومتهای عضو پیمان به رسمیت شناخته میشود.

ماده ۲۶ (بیمه و خدمات اجتماعی)

۱) حکومتها حق کودک مبنی بر استفاده از خدمات و بیمه امور اجتماعی را به رسمیت می شناسند و اقدامهای ضروری برای نیل به این مقصود را در هماهنگی با حقوق جاری و قوانین داخلی انجام میدهند.

۲) در ارائه این خدمات و برای کمک به کودک، باید شرایط عمومی و اقتصادی کودک و والدین یا سرپرست قانونی در نظر گرفته شود.

ماده ۲۷ (استاندارد و سطح زندگی)

۱) حکومت حق کودک را برای داشتن سطحی از زندگی که متناسب با موقعیت و رشد روحی، جسمی، قومی و اجتماعی اوست، به رسمیت می شناسد.

۲) تامین شرایط مطلوب برای کودک، در مرتبه نخست، وظیفه والدین و یا سرپرست اوست.

۳) حکومتها بر پایه امکانات و قوانین داخلی خود، تلاش می کنند تا به والدین و یا سرپرست قانونی کودک کمک های لازم را نموده و در صورت نیازمندی، برای آنها خوراک، مسکن و تن پوش فراهم کنند.

۴) حکومتها برای تامین خواست های مالی کودک در برابر والدین و یا سرپرست، چه در داخل و یا خارج از کشور، اقدامات مقتضی را انجام می دهند.

ماده ۲۸ (حق آموزش و پرورش)

۱) حکومتها حق آموزش و پرورش را برای کودک به رسمیت می شناسند و بویژه برای تحقق آن:

الف) تحصیل دوره ابتدایی را برای همه اجباری و رایگان می کنند.

ب) مدارس گوناگون آموزشی و حرفه ای را بوجود می آورند و آنها را بطور ارزان یا رایگان در اختیار افراد کم درآمد قرار می دهند.

ج) امکان ورود به مدارس عالی را در دسترس همه گذاشته و از آن حمایت می کنند.

د) مشاوره شغلی و حرفه ای را برای همه کودکان ممکن و قابل دسترسی می نمایند.

ه) برای کاهش تعداد کودکانی که مدرسه را رها می کنند، تلاش نموده و اقدامات مناسب را برای حضور منظم کودکان در مدرسه انجام می دهند.

۲) حکومتهای عضو پیمان کوشش خود را می کنند تا روند آموزش و پرورش در مدارس درخور منزلت انسانی بوده و با محتوای این عهدنامه هم خوان باشد.

۳ (حکومت ها از همکاری های بین المللی در امور آموزشی و پرورشی استقبال کرده و بخصوص هدف ریشه کنی بیسوادی و گسترش فن و دانش را دنبال می کنند و در این مورد هم به نیازهای کشورهای در حال رشد بیشتر توجه می شود .

ماده ۲۹ (اهداف تربیتی)

۱ (حکومت های عضو پیمان تایید می کنند که تربیت باید:
الف) شخصیت، استعداد و توانایی های روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید.
ب) احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی های پایه ای مصوب سازمان ملل متحد را، در کودک پرورش دهد.
ج) نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزش های ملی سرزمین پدری ایجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمین ها را تقویت کند.
د) کودک را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان و دیگرباشان، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلق ها و گروه های قومی یا ملی_ مذهبی، آماده کند.
ه) علاقه و توجه به کودک را نسبت به محیط زیست و طبیعت بیشتر کند.
۲ (این ماده و ماده ۲۸ اجازه ندارند چنان تفسیر شوند که موجب اخلال یا خدشه در آزادی شخص حقیقی و یا شخص حقوقی دیگری شوند. در تاسیس مدارس آموزشی هم با توجه به رعایت بند 1، باید حداقل استانداردهای تعیین شده حکومتی موجود باشند .

ماده ۳۰ (حمایت از اقلیت ها)

کودکان متعلق به اقلیت های مذهبی، قومی و یا زبانی در کشورهایی که این اقلیت ها وجود دارند، دارای این حق هستند که همراه دیگر آشنایان بطور جمعی یا فردی از زبان فرهنگ و مذهب خود برخوردار بوده و از آنها استفاده کنند .
ماده ۳۱ (حق بازی و اوقات فراغت)

۱ (حکومت ها حق کودک را برای داشتن بازی، سرگرمی، وقت آسایش و استراحت به رسمیت می شناسند. کودک می تواند بطور فعال و آزادانه در امور فرهنگی و هنری در خور سنی خودش، شرکت جوید.
۲ (حکومت ها به حق کودک برای فعالیت های هنری و فرهنگی توجه داشته و با اقدام های خود، آنرا پشتیبانی می کنند و امکانات مناسب را برای انجام فعالیت های فرهنگی_ هنری و همچنین اوقات فراغت و سرگرمی کودک فراهم می نمایند .

ماده ۳۲ (ممنوعیت استثمار)

۱ (حکومت ها این حق را به رسمیت می شناسند که کودک استثمار اقتصادی نگرديده و به کاری که برای سلامتی جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان بخش است، گمارده نشود.
۲ (حکومت ها برای تضمین و اجرای این حق، امکانات مختلف قانونی، اجتماعی، اداری و آموزشی را بکار می برند. حکومت ها برای این منظور و در هماهنگی با پیمان ها و توافق نامه های بین المللی دیگر، ضمن تعیین سن آغاز اشتغال و تنظیم مدت و شرایط کار کودک، مجازات مختلف همراه محاصره اقتصادی دولت خاطی را بررسی می نمایند .

ماده ۳۳ (حمایت در برابر مواد مخدر)

حکومت ها تمامی اقدامات مناسب همراه استفاده از امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی را بعمل می آورند تا کودک را بر علیه موادی که مطابق اسناد بین المللی بعنوان مواد اعتیادآور و مخدر شناخته شده اند، حمایت نمایند و از بکارگیری غیرمجاز کودکان در تولید و یا توزیع این مواد جلوگیری می کنند .

ماده ۳۴ (حمایت در برابر سوء استفاده جنسی)

حکومت های عضو پیمان، خود را موظف می دانند که کودک را در مقابل هرگونه استثمار سکسی و سوء استفاده جنسی حمایت کنند. حکومت ها برای این منظور دست به اقداماتی در سطح داخل و خارج از کشور می زنند تا:
الف) کودکان به روابط جنسی غیر قانونی و یا اجباری کشانده نشوند.
ب) کودکان در زمینه فاحشه گری مورد استفاده قرار نگیرند.
ج) از کودکان در پورنوگرافی و نمایش های سکسی استفاده نشود .

ماده ۳۵ (خرید و فروش انسان)

حکومت های عضو پیمان با بکارگیری تمامی امکانات موجود داخلی و خارجی، منطقه ای و فرامنطقه از سرقت و خرید و فروش کودکان به هر منظوری که باشد، جلوگیری می کنند .

ماده ۳۶ (حمایت در برابر انواع دیگر استثمار)

حکومت های عضو پیمان، کودکان را در مقابل انواع استثمار که به شکلی به زیان آنهاست، حمایت می کنند .

ماده ۳۷ (ممنوعیت شکنجه، تضمین قانونی در اجرای مجازات)

حکومت ها تضمین می کنند که:

الف) هیچ کودکی مورد شکنجه قرار نگیرد و رفتار غیر انسانی و توهین آمیز با او نشود. اجرای مجازات اعدام و حبس های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است.

ب) توقیف و حبس های غیرقانونی و بر پایه ی تصمیم های شخصی، ممنوع است. حکم زندانی شدن برای کودکان مطابق قانونی و بعنوان آخرین امکان و آنها برای مدتی بسیار کوتاه، صادر می شود.

ج) با هر کودکی که در حبس بسر می برد باید رفتاری انسانی و بدون تحقیر و توهین و متناسب با سن او داشت. این کودکان را باید در زندان از بزرگسالان جدا نمود مگر اینکه این عمل به نفع کودک نباشد. هر کودکی حق دارد با خانواده خود بصورت ملاقات و یا نامه ارتباط داشته باشد، مگر در شرایط فوق العاده استثنایی.

د) هر کودک زندانی حق استفاده از وکیل را برای دفاع از خود دارد و باید در دادگاه قانونی و ناوابسته که جانبدار دولت، حزب، فرقه یا آیینی نباشد، محاکمه شود. کودک حق دارد به دیگر مراجع صلاحیت دار قانونی در مورد حکم خود شکایت کند و به کار او سریع رسیدگی شود .

ماده ۳۸ (حمایت در انجام خدمت وظیفه)

۱) (حکومت ها وظیفه قانونی دارند که حتی در شرایط جنگی، قوانین انسانی و مربوط به کودکان را رعایت کنند و بر اجرای آنها نظارت داشته باشند. حکومت ها تضمین می کنند و برای اجرای این تضمین همه اقدامات ضروری را انجام می دهند که هیچ کودکی تا قبل از پایان سن پانزده سالگی خود، در جنگ شرکت داده نشود.

۲) (حکومت های عضو پیمان، افرادی را که هنوز سن پانزده سالگی خود را تمام نکرده اند، به جنگ نمی فرستند و در شرایط اضطراری تنها از افراد نسبتاً مسن تر استفاده می کنند.

۳) (حکومت های عضو پیمان در شرایط جنگی هم تمام اقدامات را برای حمایت کودکان آسیب دیده از جنگ، انجام می دهند .

ماده ۳۹ (بازسازی اجتماعی کودکان آسیب دیده)

برای سلامتی روحی، جسمی و اجتماعی کودکی که قربانی نوعی از بدرفتاری، شکنجه، استثمار یا هر عمل غیرانسانی شده است، حکومت های عضو پیمان همه اقدامات مناسب را انجام می دهند. بازسازی جسمی و روانی باید در محیط و شرایط مناسب، سلامتی و منزلت کودک را تأمین کند .

ماده ۴۰ (بازسازی اجتماعی کودکان مجرم)

۱) (حکومت ها به هر کودکی که بدنبال دوره حبس یا اتهام وارده آسیب دیده است، کمک و اقدامات لازم را جهت درمان او می نمایند. بطوریکه منزلت او خدشه دار نشده و احترام به حقوق بشر و توانایی او در ایفای نقش مثبت در جامعه با رعایت سنی که دارد، تقویت شود.

۲) (همصدا با دیگر پیمان های بین المللی، حکومت ها تضمین می کنند که هیچ کودکی با انجام عملی که در زمان ارتکاب، مطابق قوانین جرم نموده است، مجازات نمی شود و هر کودکی که بنوعی در مقابل قانون گناه کار شناخته شده و متهم یا مجازات می شود، این حداقل حقوق را دارد:

الف) تا قبل از اثبات جرم بطور قانونی، بی گناه است.

ب) بلافاصله والدین و یا سرپرست کودک باید به موضوع اتهام واقف شده و بتوانند از ابزار حقوقی و داشتن وکیل برای دفاع از کودک برخوردار باشند.

ج) دادگاه یا نهاد حقوقی مربوطه بلافاصله به مورد کودک رسیدگی نماید و در صورتیکه سن و شرایط کودک اجازه دهند و نفع و آسایش کودک مختل نشود، والدین یا سرپرست کودک هم در دادگاه شرکت می کنند.

د) كودك را نبايد مجبور كرد كه شهادت داده و يا خود را گناهكار بداند و يا از طريق تماس با شاهدان بر آنها تاثير بگذارد.
ه) هرگاه حكم دادگاه اوليه مبني بر مجرم شناختن و مجازات كودك بود، بايد دادگاه يا مرجع بالاتري كه جانبدار حكومت، حزب، فرقه يا آييني نبوده و كاملا ناوابسته باشد، حكم صادره قبلي را بررسي و به شكايست رسيدگي كند.
و) اگر كودك زبان بازجو را نمي داند، بايد بطور رايگان مترجم در اختيار او گذاشت.
ز) هيچگاه نبايد محدوده خصوصي كودك و شخصيت او دچار آسيب شود.
۳ (دولت ها تلاش مي كنند با استفاده از همه امكانات مختلف در جهت بهتر كردن روند دادگاه ها بكوشند و به كودكان در اين مراكز كمك نمايند؛ بخصوص:
الف) تعيين حداقل سن براي يك كودك كه در صورت ارتكاب جرم، بتوان او را مجرم شناخت.
ب) كوشش براي حل مسايل بدون دخالت دادگاه ولي اكيدا بر پايه رعايت حقوق بشر و قوانين مدني.
۴ (براي اطمينان از سلامتي جريان حقوقي و اينكه به كودك اجحافي نشود، بايد تداركات زنجيره اي گوناگوني انجام شده يا در دست اجرا باشد مانند: تعيين سرپرست، نظارت و مشاوره آزادي مشروط و مسايل مربوط به قيم، آموزش و پرورش و بسياري نكات روانشناسي و اجتماعي ديگر .

ماده ۴۱ (برتري حقوقي برخي از كشورهاي دنيا)
اين پيمان نامه تبائيني با حقوق كودكان در كشورهاي از اين نظر پيشرفته تر ندارد و در اجراي بهتر احقاق حقوق كودكان دخالتي نمي كند. حقوقي كه براي كودكان مناسب تر هستند و:
الف) جزو قوانين يك حكومت عضو اين پيمان محسوب مي شوند.
ب) جزو حقوق ملي و مدني آن كشور هستند .

بخش دوم عهدنامه

ماده ۴۲ (معرفي عهدنامه)
حكومت هاي عضو پيمان خود را موظف مي دانند كه مفاد و مصوبات اين پيمان نامه را از راههاي گوناگون و موثر در اختيار بزرگسالان و همچنين كودكان قرار دهند تا آنها با اين پيمان نامه آشنا شوند .

ماده ۴۳ (کمیسیون حقوق کودکان)

- ۱ (کمیسیون حقوق کودکان، برای کنترل پیشرفت اموری که حکومت های عضو پیمان، تضمین آنرا داده اند، تشکیل می شود. این کمیسیون تکالیف و وظایف زیر را بر دوش می گیرد.
- ۲ (کمیسیون از ده نفر که از نظر حرفه ای و اخلاقی، کارشناسان بلندپایه هستند تشکیل شده است که از طرف حکومت های حاضر در این پیمان نامه و از میان افراد تابع همان حکومت ها انتخاب می شوند. در ترکیب افراد این کمیسیون به پراکندگی جغرافیایی و سیستم حقوقی کشورها توجه می شود.
- ۳ (اعضای کمیسیون به روش مخفی از لیست پیشنهادی حکومت های عضو پیمان انتخاب می شوند. هر حکومت می تواند فقط یک نفر از تابعین خودش را پیشنهاد کند.
- ۴ (اولین انتخابات کمیسیون حداکثر شش ماه بعد از تصویب این پیمان نامه برگزار می شود و انتخابات بعدی هر دو سال یکبار انجام می پذیرند. دبیرکل بطور کتبی و حداکثر چهارماه قبل از انتخابات، از حکومت های عضو پیمان درخواست می کند که پیشنهادات خودشان را ظرف دو ماه ارائه دهند. دبیرکل بر پایه این پیشنهادات همه اسامی را برطبق حروف الفبا و ذکر نام حکومت پیشنهاد دهنده تهیه کرده و به اطلاع همه حکومت ها می رساند.
- ۵ (جلسه برای انتخابات که از طرف دبیرکل سازمان ملل اعلام و تشکیل شده است در صورت حضور دوسوم حکومت های عضو پیمان، قدرت تصمیم گیری دارد. افراد پیشنهاد شده در لیست که اکثریت مطلق آرای حاضرین را کسب کنند بعنوان نماینده و کارشناس عضو کمیسیون شناخته می شوند.
- ۶ (اعضای کمیسیون برای مدت چهارسال انتخاب می شوند و در صورت پیشنهاد مجدد، می توانند دوباره انتخاب شوند. مدت عضویت پنج نفر از اعضای کمیسیون که در بار اول انتخاب شده اند، بعد از دو سال تمام می شود که نام آنها در قرعه تعیین و بلافاصله بعد از انتخابات اعلام می شود.
- ۷ (در صورت فوت یا استعفای یکی از اعضای کمیسیون و یا اگر یک عضو به هر دلیلی نتوانست انجام وظیفه کند، حکومتی که آن عضو را پیشنهاد کرده است از بین تابعین خود، یک کارشناس را معرفی می کند که با موافقت کمیسیون، برای مدت باقی مانده، به عضویت کمیسیون درمی آید.
- ۸ (کمیسیون، اصول کار و فعالیت های خود را برنامه ریزی می کند.
- ۹ (کمیسیون، هیات مدیره خود را برای مدت دو سال انتخاب می کند.
- ۱۰ (جلسات کمیسیون معمولاً سالی یکبار در محل سازمان ملل یا مکان مناسب دیگری که کمیسیون مشخص کند تشکیل می شود. مدت جلسه با توافق دبیرکل سازمان ملل تعیین می گردد.
- ۱۱ (مکان و نیروی انسانی که کمیسیون برای انجام وظایف خود نیاز دارد، از طرف دبیرکل سازمان ملل متحد تامین می شود.
- ۱۲ (به اعضای این کمیسیون با موافقت مجمع عمومی حکومت های عضو این پیمان نامه، درآمدی تعلق می گیرد که از محل صندوق سازمان ملل و طبق مقررات آن تامین می شود.

ماده ۴۴ (گزارش دهی و گزارش گیری)

- ۱ (حکومت های عضو پیمان موظف هستند که گزارشات خود را درباره فعالیت ها و اقدامات مربوط به تحقق و پیگیری تصمیمات این پیمان نامه تهیه و تنظیم نموده و ارائه دهند و آنهم:
(الف) ظرف دو سال بعد از تصویب این پیمان نامه برای حکومت های مربوطه.
(ب) سپس هر پنج سال یکبار.
- ۲ (در گزارشات باید مشکلات اصلی را که مانع اجرای مصوبات بوده اند، ذکر نموده و تصویر کامل و دقیقی از چگونگی اجرای مصوبات ارائه نمود.
- ۳ (محتوای گزارشات حکومتی عرضه شده به کمیسیون نباید در گزارشات بعدی که مطابق بند (ب) در اصل شماره (۶) این ماده ارائه می گردند، تکرار شوند.
- ۴ (کمیسیون می تواند از حکومت های مربوطه در مورد اجرای این پیمان نامه، تحقیق و پرس و جو کند.
- ۵ (کمیسیون، گزارش فعالیت های اقتصادی و اجتماعی خود را هر دو سال یکبار به مجمع عمومی تقدیم می کند.
- ۶ (حکومت های عضو پیمان، گزارشات ارائه شده را در سرزمین های خود منتشر و به اطلاع مردم می رسانند.

ماده ۴۵ (وظایف ارگان های ویژه سازمان ملل)

برای پیشبرد و اجرای قاطع این پیمان نامه و گسترش همکاری های بین المللی در این رابطه:

الف) "کارگاه کمک به کودکان" و دیگر سازمان ها و تشکیلات ویژه سازمان ملل، در مسایل مربوط به زمینه کاری خودشان، نماینده سازمان ملل متحد برای اجرای پیمان های بین المللی هستند.

کمیسیون اگر لازم بداند، می تواند از این ارگان های ویژه سازمان ملل متحد برای همکاری در زمینه های مربوطه دعوت نموده و یاری دریافت کند.

ب) کمیسیون حقوق کودکان در صورت لزوم با ارگان های سازمان ملل تماس گرفته و با درخواست کتبی همراه ارایه گزارش کشورهای طرف قرارداد، از مشاوره فنی و کارشناسی آن ارگان مربوطه کمک می گیرد.

ج) کمیسیون می تواند جهت اجرای مفاد مربوط به حقوق کودک، به مجمع عمومی پیشنهاد پرسش و درخواست از دبیرکل را بنماید.

د) کمیسیون می تواند بر پایه اطلاعاتی که طبق ماده 44 و ماده 45 کسب کرده است، پیشنهادات و توصیه های لازم را به حکومت مربوطه داده و مجمع عمومی را هم در جریان بگذارد.

بخش سوم عهدنامه

این پیمان نامه جهت امضا در اختیار همه حکومت های قرار دارد .
ماده ۴۷ (تایید رسمی)
این پیمان نامه در اختیار دبیرکل سازمان ملل متحد گذاشته شده است .

ماده ۴۸ (پذیرش این پیمان نامه)
این پیمان نامه جهت پذیرش در اختیار همه حکومت ها قرار گرفته و سند توافق هر حکومت بطور مثبت شده و تحت عنوان "پذیرش نامه" در نزد دبیرکل می باشد .

ماده ۴۹ (قدرت اجرایی)
۱) این پیمان نامه درست سی روز پس از دریافت بیستمین پذیرش نامه توسط دبیرکل سازمان ملل، قدرت اجرایی می یابد.

۲ (هرگاه حكومتي بعد از دريافت بيستمين پذيرش نامه به اين پيمان نامه پيوسته و پذيرش نامه را امضا كند، تاريخ قدرت اجرايي براي آن حكومت، سي روز پس از ورود و امضاي پذيرش نامه است.
(توضيح: آغاز اعتبار و قدرت اجرايي اين پيمان نامه مطابق اين مصوبه از تاريخ دوم سپتامبر ۱۹۹۰ ميلادي است-م)

ماده ۵۰ (تغييرات)

۱ (هر حكومت عضو پيمان مي تواند پيشنهاد يك تغيير در اين پيمان نامه را داده و آنرا به دبيركل تسليم كند. دبيركل اين پيشنهاد دريافتي را به اطلاع ساير حكومت هاي عضو پيمان رسانده و درباره آن نظرخواهي مي كند. اگر چهارماه پس از اظهار يك پيشنهاد، حداقل يك سوم حكومت ها با آن پيشنهاد موافق بودند، دبيركل، تشكيل جلسه عمومي را براي طرح آن پيشنهاد اعلام مي كند. هر تغييری كه توسط اكثريت حاضرین در جلسه پذيرفته شد، جهت تصويب به مجمع عمومي ابلاغ مي شود.

۲ (تغيير پذيرفته شده در پيمان نامه پس از تصويب مجمع عمومي و توافق دوسوم اكثريت حكومت ها، قدرت اجرايي دارد.
۳ (تغييری كه اعتبار و قدرت اجرايي يافته است، تنها براي حكومت هايي كه آنرا پذيرفته اند، مي تواند پيگرد قانوني داشته باشد .

ماده ۵۱ (قيد و شرط)

۱ (دبیركل سازمان ملل متحد با تاكيد اعلام مي كند؛ هر حكومتي كه هنگام ورود و پذيرش اين پيمان نامه قيد و شرطي بگذارد، با آغوش باز پذيرفته و آنرا به اطلاع ساير حكومت ها مي رساند.
۲ (قيود و شروطي كه با هدف و منظور اين پيمان نامه منافات دارند، پذيرفته نمي شوند.
۳ (قيد و شرط ها مي توانند از طريق يادداشت کوتاه و تاريخ دار به دبیركل، در هر زماني پس گرفته شوند. دبیركل، ساير حكومت ها را از آن يادداشت مطلع مي كند .

ماده ۵۲ (استعفا)

يك حكومت مي تواند استعفايي خود را از شركت و پذيرش اين پيمان نامه از طريق نامه كتبي به دبیركل اعلام كند. يكسال بعد از دريافت آن نامه توسط دبیركل، استعفا قدرت قانوني دارد .

ماده ۵۳ (نگهداري)

دبیركل سازمان ملل متحد به عنوان نگهدارنده و حافظ اين پيمان نامه تعيين مي شود .

ماده ۵۴ (امانت)

نوشته اصل اين پيمان نامه كه به زبان هاي عربي، چيني، انگليسي، فرانسوي، روسي و اسپانيايي است و همگي به يك اندازه اعتبار دارند، به رسم امانت، نزد دبیركل سازمان ملل متحد گذاشته شده است .

کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض از زنان

مجمع عمومی سازمان ملل متحد کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض از زنان را، در تاریخ 27 آذر 1358 (18 دسامبر 1979)، تصویب کرد. این کنوانسیون برای امضا، تصویب و الحاق کشورها مفتوح شد و، بر اساس بند 1 ماده 27، در تاریخ 12 شهریور 1360 (سوم سپتامبر 1981)، لازم‌الاجرا شد.

مقدمه

دولت‌های عضو این کنوانسیون، با عنایت به این‌که منشور ملل متحد بر پایبندی حقوق اساسی بشر، مقام و منزلت هر فرد انسانی و برابری حقوق زن و مرد تأکید دارد؛ با عنایت به این‌که اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل جایز نبودن تبعیض تأیید داشته، اعلام می‌دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق یکسان بوده و بدون هیچ‌گونه تمایزی، از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه بهره‌مند شوند؛ با عنایت به این‌که دول عضو میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر متعهد به تضمین حقوق برابر زنان و مردان در هر مندی از کلیه حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی می‌باشند؛ با در نظر گرفتن کنوانسیون‌های بین‌المللی که تحت نظر سازمان ملل متحد و کارگزاری‌های تخصصی به منظور پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان منعقد گردیده‌اند؛ با عنایت به قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌هایی که توسط ملل متحد و کارگزاری‌های تخصصی برای پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان تصویب شده است؛ با نگرانی از این‌که علی‌رغم این اسناد متعدد، تبعیضات علیه زنان همچنان به‌طور گسترده ادامه دارد؛ با یادآوری این‌که تبعیضات علیه زنان ناقض اصول برابری حقوق و احترام به شخصیت بشر می‌باشد و مانع شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و نیز گسترش سعادت جامعه و خانواده شده و شکوفایی کامل قابلیت‌ها و استعداد‌های زنان در خدمت به کشور و بشریت را دشوارتر می‌نماید، با نگرانی از این‌که زنان در شرایط فقر و تنگدستی حداقل امکان دسترسی را به مواد غذایی، بهداشت، تحصیلات، آموزش و امکانات اشتغال و سایر نیازها دارند؛ با اعتقاد بر این‌که تشکیل نظام نوین اقتصاد بین‌الملل بر اساس مساوات و عدالت در تحقق پیشبرد برابری بین مردان و زنان نقش مهمی را ایفا می‌نماید؛ با تأکید بر این‌که ریشه‌کن کردن آپارتاید، اشکال مختلف نژادپرستی، تبعیض نژادی، استعمار، استعمار نو، تجاوز، اشغال و سلطه و دخالت خارجی در امور دولت‌ها لازمه تحقق کامل حقوق مردان و زنان می‌باشد؛ با تأیید بر این‌که تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی، تشنج‌زدایی بین‌المللی، همکاری‌های متقابل دول، صرف‌نظر از نظام‌های اجتماعی و اقتصادی آنان، خلع سلاح کامل و به‌ویژه خلع سلاح اتمی تحت نظارت و کنترل دقیق و مؤثر بین‌المللی، تأکید بر اصول عدالت، مساوات و منافع متقابل در روابط بین کشورها و احقاق حق مردم تحت سلطه استعمار و بیگانه و اشغال خارجی به دستیابی به حق تعیین سرنوشت و استقلال و همچنین احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باعث توسعه و پیشرفت اجتماعی خواهد شد و در نتیجه به دستیابی به مساوات کامل بین مردان و زنان کمک خواهد کرد؛ با اعتقاد بر این‌که توسعه تمام و کمال یک کشور، رفاه جهانی و برقراری صلح مستلزم شرکت یکپارچه زنان در تمام زمینه‌ها در شرایط مساوی با مردان است؛ با در نظر گرفتن سهم عمده زنان در تحقق رفاه خانواده و پیشرفت جامعه، که تاکنون کاملاً شناسایی نشده است، اهمیت اجتماعی و مادری و نقش والدین در خانواده و در تربیت کودکان و با آگاهی از این‌که نقش زنان در تولیدمثل نباید اساس تبعیض باشد، بلکه تربیت کودکان یازمند تقسیم مسئولیت بین زن و مرد و جامعه به‌طور کلی می‌باشد؛ با اطلاع از این‌که تغییر در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دستیابی به مساوات کامل میان زنان و مردان ضروری است؛ با عزم بر اجرای اصول مندرج در اعلامیه محو تبعیض علیه زنان و در این راستا اتخاذ اقدامات ضروری برای از میان برداشتن این‌گونه تبعیض‌ها در کلیه اشکال و صور آن، به شرح ذیل توافق کرده‌اند:

بخش اول

ماده 1

عبارت «تبعیض علیه زنان» در این کنوانسیون به هرگونه تمایز، استثناء (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان، صرف‌نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان، اطلاق می‌گردد.

ماده 2

دول عضو هرگونه تبعیض علیه زنان را محکوم کرده، موافقت می‌نمایند که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض از زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال کنند و با این هدف موارد زیر را متعهد می‌شوند:
الف. گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوطه هر کشور، چنانچه تاکنون منظور نشده باشد، و تضمین تحقق عملی این اصل به وسیله وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر؛

ب. تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضا، به منظور رفع تبعیض از زنان؛

ج. برقراری حمایت قانون از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هرگونه اقدام تبعیض‌آمیز از طریق مراجع قضایی ذیصلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی؛
د. خودداری از انجام هرگونه عمل و حرکت تبعیض‌آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتی؛

هـ. اتخاذ کلیه اقدامات مناسب جهت رفع تبعیض از زنان توسط هر شخص، سازمان و یا شرکت‌های خصوصی؛

و. اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، عرف یا روش‌های موجود که نسبت به زنان تبعیض‌آمیزند؛

ز. فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان می‌شود.

ماده 3

دول عضو باید در تمام زمینه‌ها به‌ویژه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیه اقدامات مناسب از جمله وضع قوانین را برای تضمین توسعه و پیشرفت کامل زنان و نیز بهره‌مندی آنان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر مبنای مساوات با مردان به عمل آورند.

ماده 4

1. اتخاذ تدابیر ویژه و موقتی توسط دول عضو، که هدف آن تسریع در برقراری مساوات بین مردان و زنان است، نباید به عنوان «تبعیض» به صورتی که در این کنوانسیون تعریف شده است، تلقی گردد. و بدون این که این اقدامات منجر به حفظ معیارهای نابرابر و مجزا گردد، پس از تحقق رفتار و فرصت‌های برابر متوقف خواهد شد.

2. اتخاذ تدابیر ویژه توسط دول عضو از جمله اقداماتی که در این کنوانسیون برای حمایت از مادری منظور شده است تبعیض‌آمیز تلقی نخواهد شد.

ماده 5

دول عضو کلیه اقدامات مناسب در زمینه‌های زیر را به عمل می‌آورند:

الف. تعدیل الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتاری مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات و کلیه روش‌های سنتی و غیره که بر تفکر پست‌نگری یا برترنگری هر یک از دو جنس و یا تداوم نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان استوار باشد؛

ب. حصول اطمینان از این که آموزش خانواده شامل درک صحیح از وضعیت مادری به عنوان یک وظیفه اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک زنان و مردان در پرورش و تربیت کودکان خود باشد، با این استنباط که منافع کودکان در تمام موارد در اولویت قرار دارد.

ماده 6

دول عضو کلیه اقدامات مقتضی از جمله وضع قوانین را به منظور جلوگیری از حمل و نقل غیرقانونی و بهره‌بری از روسپی‌گری زنان به عمل خواهند آورد.

بخش دوم

ماده 7

دول عضو برای رفع تبعیض از زنان در حیات سیاسی و اجتماعی کشور کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد، به ویژه حقوق زیر را در شرایط مساوی با مردان برای زنان تضمین خواهند کرد:

الف. رأی دادن در کلیه انتخابات و همه‌پرسی‌های عمومی و داشتن شرایط نامزدی در همه اجتماعات منتخب عمومی؛

ب. مشارکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن و انتصاب به سمت‌های دولتی و انجام کلیه مسئولیت‌های دولتی در تمام سطوح دولت؛

ج. شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی مرتبط با حیات سیاسی و اجتماعی کشور.

ماده 8

دول عضو اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا بدون هیچ‌گونه تبعیض و در شرایط مساوی با مردان این فرصت به زنان داده شود که به عنوان نماینده دولت خود در سطح بین‌المللی عمل نموده و در فعالیت سازمان‌های بین‌المللی نقش داشته باشند.

ماده 9

1. دول عضو در مورد کسب، تغییر یا حفظ تابعیت، حقوقی مساوی با مردان به زنان اعطا خواهند کرد. دولت‌ها به‌ویژه تضمین می‌کنند که ازدواج با فرد خارجی یا تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج خود به خود باعث تغییر تابعیت زن، بی‌وطن شدن یا تحمیل تابعیت شوهر به وی نگردد.
2. دول عضو به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندانشان حقوق مساوی اعطا خواهند کرد.

بخش سوم

ماده 10

دول عضو به منظور تضمین حقوق مساوی زنان با مردان در زمینه آموزش و پرورش هرگونه اقدامی برای رفع تبعیض از زنان به عمل خواهند آورد. به‌ویژه بر اساس مساوات بین زنان و مردان موارد زیر را تضمین خواهند کرد:

الف. شرایط یکسان در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، و برای دسترسی به آموزش و دریافت دانشنامه در انواع مختلف مؤسسات آموزشی در مناطق شهری و روستایی، این تساوی باید در آموزش پیش‌مدرسه‌ای، آموزش عمومی، فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی فنی و نیز دوره‌های حرفه‌ای مختلف تضمین شود؛

ب. دسترسی به برنامه درسی یکسان، امتحانات یکسان، معلمان دارای مهارت‌ها و صلاحیت‌های هم‌تراز و محل‌ها و امکانات آموزشی با کیفیت برابر؛

ج. از بین بردن هرگونه مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در کلیه سطوح و در اشکال مختلف آموزشی از طریق تشویق به آموزش مختلط و سایر انواع روش‌های آموزشی که نیل به این هدف را ممکن می‌سازد و به‌ویژه از طریق تجدیدنظر در کتب درسی و برنامه‌های آموزشی مدارس و تطبیق دادن روش‌های آموزشی؛

د. ایجاد فرصت‌های یکسان جهت بهره‌مندی از بورس‌ها و سایر مزایای تحصیلی؛ ه. امکانات مشابه جهت دستیابی به برنامه‌های مربوط به ادامه تحصیلات، از جمله برنامه‌های عملی سوادآموزی بزرگسالان به‌ویژه برنامه‌هایی که با هدف کاهش هرچه سریع‌تر شکاف آموزشی موجود بین زنان و مردان تدوین یافته‌اند؛

و. کاهش درصد دانش‌آموزان دختر که ترک تحصیل می‌کنند، و تنظیم برنامه‌هایی برای دختران و زنانی که ترک تحصیل زودرس داشته‌اند؛

ز. امکانات یکسان برای شرکت فعال زنان در ورزش و تربیت بدنی؛

ج. دسترسی به اطلاعات آموزشی مشخص که سلامتی و تندرستی خانواده را تضمین می‌نمایند، از جمله اطلاعات و راهنمایی در مورد تنظیم خانواده.

ماده 11

1. دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا هرگونه تبعیض علیه زنان در اشتغال از بین برود و بر اساس اصل تساوی زنان و مردان، حقوق مشابه برای آنها تضمین شود، به‌ویژه در موارد زیر:

الف. حق اشتغال به کار به‌عنوان حق لاینفک تمام افراد بشر؛

ب. حق استفاده از فرصت‌های استخدامی یکسان، از جمله اعمال ضوابط یکسان برای استخدام؛ ج. حق انتخاب آزادانه حرفه و پیشه، حق برخورداری از ارتقای مقام، حق برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط شغلی و حق استفاده از دوره‌های آموزش حرفه‌ای و بازآموزی از جمله کارآموزی و شرکت در دوره‌های

آموزش حرفه‌ای پیشرفته و آموزش مرحله‌ای؛
د. حق دریافت دستمزد برابر و نیز استفاده از مزایا و حق برخورداری از رفتار یکسان در مشاغلی که دارای ارزش برابر است و همچنین قضاوت یکسان در ارزیابی کیفیت کار مشابه؛
ه. حق استفاده از بیمه‌های اجتماعی به‌ویژه در دوران بزنشستگی، دوران بیکاری، هنگام بیماری و ناتوانی و دوران پیری و در سایر موارد از کارافتادگی و نیز حق استفاده از مرخصی استحقاقی؛
و. حق حفظ سلامتی و رعایت ایمنی در محیط کار، از جمله حمایت از وظیفه تولیدمثل؛
2. به منظور جلوگیری از اعمال تبعیضات علیه زنان بر پایه ازدواج یا مادری (بارداری) و تضمین حق مؤثر آنان جهت کار، دول عضو اقدامات زیر را به عمل خواهند آورد:
الف. ممنوعیت اخراج به دلیل بارداری یا مرخصی زایمان و تبعیض در اخراج بر اساس وضعیت زناشویی و اعمال مجازات‌های قانونی بدین منظور؛

ب. صدور اجازه مرخصی زایمان با حقوق یا مزایای اجتماعی مشابه بدون از دست دادن شغل قبلی، ارشدیت یا مزایای اجتماعی؛

ج. تشویق به ارائه خدمات حمایتی اجتماعی لازم به نحوی که والدین را قادر نماید تعهدات خانوادگی را با مسئولیت‌های شغلی و مشارکت در زندگی اجتماعی هماهنگ سازد، بخصوص از طریق ایجاد و توسعه شبکه تسهیلاتی برای مراقبت کودکان؛
د. برقراری حمایت خاص از زنان هنگام بارداری در انواع مشاغلی که برای آنان زیان‌آور محسوب می‌گردد؛
3. قوانین حمایت‌کننده ذکرشده در این ماده به‌طور متناوب همگام با پیشرفت اطلاعات و دانش‌های علمی و تکنولوژیکی باید مورد بررسی قرار گیرد و در صورت لزوم بازنگری، لغو یا تمدید شوند.

ماده 12

1. دول عضو برای رفع تبعیض از زنان در زمینه مراقبت بهداشتی آنان کلیه اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدماتی که به تنظیم خانواده مربوط می‌شود بر اساس رعایت مساوات بین مردان و زنان تضمین شود.

2. دول عضو، صرف‌نظر از مفاد بند 1 این ماده، ارائه خدمات مناسب در ارتباط با بارداری، بستری برای زایمان و دوران پس از زایمان را تضمین خواهند کرد و در موارد لازم خدمات رایگان و نیز تغذیه کافی در دوران بارداری و دوران شیردهی در اختیار آنان قرار خواهند داد.

ماده 13

دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به منظور رفع تبعیض از زنان در سایر زمینه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی به عمل خواهند آورد تا حقوق یکسان به‌ویژه در زمینه‌های زیر بر اساس برابری مردان و زنان تضمین شود:

الف. حق استفاده از مزایای خانوادگی؛

ب. حق استفاده از وام‌های بانکی، رهن و سایر اشکال اعتبارات مالی؛

ج. حق شرکت در فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و کلیه زمینه‌های حیات فرهنگی.

ماده 14

1. دول عضو مشکلات خاص زنان روستايي را مدنظر قرار داده و به نقش مهمي که اين زنان در جهت حيات اقتصادي خانواده‌هاي خود، از جمله کار در بخش‌هاي غيرمالي اقتصاد به عهده دارند، توجه خاص مبذول خواهند داشت و کليات اقدامات مقتضي را به عمل خواهند آورد تا مفاد اين کنوانسيون نسبت به زنان در مناطق روستايي اجرا گردد.

2. دول عضو کليات اقدامات مقتضي را جهت رفع تبعيض از زنان در مناطق روستايي به عمل خواهند آورد تا اين زنان بر اساس تساوي مردان و زنان در برنامه‌هاي عمراني و روستايي شرکت نموده و از آن بهره‌مند گردند و بخصوص از حقوق زير برخوردار شوند:
الف. شرکت در تدوين و اجراي برنامه‌هاي عمراني در کليات سطوح؛

ب. دسترسي به تسهيلات بهداشتي کافي از جمله اطلاعات، مشاوره و خدمات تنظيم خانواده؛
ج. استفاده مستقيم از برنامه‌هاي تأمين اجتماعي؛

د. استفاده از انواع دوره‌ها و برنامه‌هاي آموزشي رسمي و غيررسمي، از جمله سوادآموزي عملي و نيز بهره‌مندي از خدمات محلي و فوق‌العاده به منظور بالا بردن کارآيي فني آنان؛

هـ. تشکيل گروه‌ها و تعاوني‌هاي خودياري به منظور به‌دست آوردن امکان دستيابي مساوي به فرصت‌هاي اقتصادي از طريق اشتغال يا خوداشتغالي؛

و. شرکت در کليات فعاليت‌هاي محلي؛

ز. دسترسي به وام‌ها و اعتبارات کشاورزي، تسهيلات بازرگاني، تکنولوژي مناسب و استفاده يکسان از زمين و برخورداري از رفتار مساوي در چارچوب اصلاحات ارضي و روستايي و نيز در برنامه‌هاي جايزگزيني زمين؛

ح. بهره‌مندي از شرايط زندگي مناسب، به‌ويژه مسکن، بهداشت، آب و برق، ارتباطات، و حمل و نقل.

بخش چهارم

ماده 15

1. دول عضو به زنان حقوق مساوي با مردان در برابر قانون اعطا مي‌کنند.

2. دول عضو در امور مدني به زنان اختيارات و امکانات قانوني دقيقاً يکسان با مردان و نيز شرايط مساوي براي بهره‌برداري از اين اختيارات و امکانات اعطا خواهند کرد. دول عضو براي انعقاد قرارداد و اداره املاک براي زنان حقوقي برابر با مردان قائل شده و با ايشان در کليات مراحل دادرسي در دادگاه‌ها و مراجع قضايي به صورت يکسان رفتار خواهند کرد.

3. دول عضو موافقت مي‌نمايند که کليات قراردادها و ساير اسناد خصوصي از هر نوع که داراي اثر قانوني بوده و در جهت محدود کردن امکانات قانوني زنان باشد، کان لم يکن تلقي گردد.
4. دول عضو به زنان و مردان حقوقي يکسان در برابر قانون مربوط به تردد افراد و آزادي و انتخاب مسکن و اقامتگاه اعطا خواهند کرد.

ماده 16

1. دول عضو به منظور رفع تبعيض از زنان در کليات امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگي کليات اقدامات مقتضي به عمل خواهند آورد و به‌ويژه بر اساس تساوي مردان و زنان موارد ذيل را تضمين خواهند کرد:

الف. حق یکسان برای ورود به ازدواج؛

ب. حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج تنها با رضایت کامل و آزادانه دو طرف ازدواج؛

ج. حقوق و مسئولیت‌های یکسان در طی دوران زناشویی و به هنگام جدایی؛
د. حقوق و مسئولیت‌های یکسان به‌عنوان والدین، صرف‌نظر از وضع روابط زناشویی، در مسائلی که به فرزندان آنان مربوط می‌شود؛ در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار خواهد بود؛
هـ. حقوق یکسان در مورد تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دسترسی به اطلاعات، آموزش و ابزار لازم که قدرت بهره‌مندی از این حقوق را به ایشان می‌دهد؛
و. حقوق و مسئولیت‌های یکسان در مورد قیمومیت، حضانت، سرپرستی و به فرزند گرفتن کودکان و یا موارد مشابه با این مفاهیم در حقوق ملی، در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار خواهد بود؛

ز. حقوق فردی یکسان به‌عنوان شوهر و زن منجمله حق انتخاب نام خانوادگی، شغل و حرفه؛
ح. حقوق یکسان برای زوجین نسبت به مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره‌مندی و انتقال ملک اعم از این‌که رایگان باشد و یا هزینه‌ای در بر داشته باشد.

2. نامزدی و ازدواج کودک هیچ اثر قانونی ندارد و کلیه اقدامات ضروری منجمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازدواج در دفاتر رسمی می‌بایست به عمل آید.

بخش پنجم

ماده 17

1. به منظور بررسی پیشرفت حاصله در اجرای مفاد این کنوانسیون، کمیته محو تبعیض علیه زنان (که من بعد از آن به‌عنوان کمیته یاد خواهد شد) شامل هجده نفر در زمان لازم‌الاجرا شدن و پس از تصویب یا پیوستن سی و پنجمین کشور عضو، بیست و سه نفر از خبرگان دارای شهرت اخلاقی والا و صلاحیت در زمینه‌های مربوط به کنوانسیون تشکیل می‌شود. این خبرگان توسط دول عضو از میان اتباع کشور هایشان انتخاب می‌شوند و در صلاحیت شخصی خود خدمت می‌کنند. در انتخاب این اشخاص به توزیع عادلانه جغرافیایی و به حضور اشکال مختلف تمدن و نظام‌های عمده حقوقی توجه می‌شود.

2. اعضای کمیته با رأی مخفی و از فهرست افرادی که توسط دول عضو نامزد شده‌اند انتخاب می‌شوند؛ هر دولت عضو می‌تواند یک نفر از اتباع خود را نامزد نماید.
3. نخستین انتخابات شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون برگزار خواهد شد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر انتخابات، دبیرکل ملل متحد طی نامه‌ای از دول عضو می‌خواهد تا ظرف دو ماه نامزدهای خود را معرفی کنند. دبیرکل، فهرست اسامی نامزدها را به ترتیب حروف الفبا و با ذکر کشور نامزدکننده هر یک تهیه و برای دول عضو ارسال خواهد داشت.

4. انتخاب اعضای کمیته در جلسه دول عضو که توسط دبیرکل در مقر ملل متحد برگزار خواهد شد، انجام می‌شود. در این جلسه، که حد نصاب تشکیل آن حضور دو سوم دول عضو می‌باشد، اشخاص انتخاب‌شده برای عضویت در کمیته آن دسته از نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد آرا و همزمان اکثریت مطلق آرای نمایندگان دول عضو حاضر و رأی‌دهنده در جلسه را به‌دست آورند.

5. اعضای کمیته برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند. لکن دوره عضویت نه نفر از اعضای منتخب در اولین انتخابات در پایان دو سال به اتمام می‌رسد. بلافاصله پس از اولین انتخابات، اسامی این نه عضو به قید قرعه توسط

رئیس کمیته انتخاب خواهد شد.

6. انتخاب پنج عضو دیگر کمیته مطابق با بندهای 2، 3 و 4 این ماده و به دنبال سی و پنجمین تصویب یا الحاق صورت خواهد گرفت. دوره عضویت دو نفر از اعضای فوق در پایان دو سال خاتمه خواهد یافت و اسامی این دو نفر به قید قرعه توسط رئیس کمیته انتخاب خواهد شد.

7. به منظور اشغال پست‌های خالی احتمالی، دولتی که فعالیت خبره‌اش به‌عنوان عضو کمیته متوقف شده است، خبره دیگری را از بین اتباع خود برای عضویت در کمیته مشروط به تأیید کمیته انتخاب خواهد کرد.

8. اعضای کمیته با تأیید مجمع عمومی و بر طبق ضوابط و شرایطی که آن مجمع مقرر می‌دارد و با در نظر گرفتن اهمیت مسئولیت‌های کمیته از سازمان ملل متحد مقرری دریافت خواهند کرد.

9. دبیرکل ملل متحد تسهیلات و کارمندان لازم را به منظور تحقق و انجام مؤثر وظایف کمیته در چارچوب این کنوانسیون تأمین خواهد نمود.

ماده 18

1. دول عضو متعهد می‌شوند گزارشی برای بررسی کمیته در مورد اقدامات تقنینی، قضایی و اجرایی و سایر اقدامات متخذ در راستای اجرای مفاد این کنوانسیون و پیشرفت‌های حاصله در این رابطه به دبیرکل ملل متحد ارائه کنند:

الف. يك سال پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون برای آن دولت؛

ب. پس از آن حداقل هر چهار سال یکبار و علاوه بر آن هر زمانی که کمیته درخواست کند.

2. این گزارشات می‌تواند مبین عوامل و مشکلاتی که بر میزان اجرای تعهدات تحت این کنوانسیون اثر می‌گذارد باشد.

ماده 19

1. کمیته آیین‌نامه اجرایی خود را تصویب خواهد نمود.

2. کمیته مسئولان خود را برای يك دوره دو ساله انتخاب خواهد کرد.

ماده 20

1. کمیته به منظور بررسی گزارشاتی که مطابق با ماده 18 این کنوانسیون ارائه شده هر ساله به مدتی که از دو هفته تجاوز نکند تشکیل جلسه می‌دهد.

2. جلسات کمیته معمولاً در مقر سازمان ملل متحد یا در هر محل مناسب دیگری که به تصمیم کمیته تعیین می‌شود برگزار خواهد شد.

ماده 21

1. کمیته همه ساله از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی گزارشی در مورد فعالیت‌های خود به مجمع عمومی تسلیم می‌نماید و می‌تواند بر اساس گزارشات و اطلاعات واصله از دول عضو پیشنهادات و توصیه‌های کلی ارائه دهد. این پیشنهادات و توصیه‌های کلی همراه با نظرات احتمالی دول عضو در گزارش کمیته درج می‌گردد.

2. دبیرکل ملل متحد گزارشات کمیته را جهت اطلاع به کمیسیون مقام زن ارسال می‌نماید.

ماده 22

مؤسسات تخصصي مجاز خواهند بود که از طريق نمايندگانشان اجرائي موادي از پيمان نامه حاضر را که در حوزه فعاليت هاي آنها جاي مي گيرند مورد بررسي قرار دهند. کميته ممکن است از مؤسسات تخصصي دعوت کند تا گزارش هايي درباره نحوه اجرائي پيمان نامه در زمينه هايي که به حوزه فعاليت آنها مربوط مي شود ارائه نمايند.

بخش ششم

ماده 23

هيچ چيز در اين کنوانسيون بر مقرراتي که براي دستيابي زنان و مردان به برابري مفيدتر و مؤثرتر وجود دارد تأثير نخواهد گذاشت؛ اين مقررات مي تواند شامل موارد زير باشد:
(الف) قوانين يك دولت عضو؛ يا

(ب) هر کنوانسيون پيمان يا موافقت نامه بين المللي ديگري که براي آن دولت لازم الاجراست.

ماده 24

دول عضو متعهد مي گردند کليه اقدامات لازم در سطح ملي را که هدف از آن تحقق کامل حقوق به رسميت شناخته شده در اين کنوانسيون مي باشد، به عمل آورند.

ماده 25

1. اين کنوانسيون براي امضاي کليه دول مفتوح مي باشد.
2. دبیرکل ملل متحد به عنوان امين اين کنوانسيون تعيين مي شود.
3. تصويب اين کنوانسيون منوط به طي مراحل تصويب قانوني است. اسناد تصويب نزد دبیرکل ملل متحد به امانت گذارده خواهند شد.
4. اين کنوانسيون جهت الحاق کليه دول مفتوح مي باشد. الحاق با سپردن سند الحاق به دبیرکل ملل متحد محقق مي شود.

ماده 26

1. دول عضو مي توانند در هر زمان طي نامه اي خطاب به دبیرکل ملل متحد درخواست تجديد نظر در اين کنوانسيون را نمايند.
2. مجمع عمومي ملل متحد در مورد اقدامات احتمالي بعدي در مورد چنين درخواستي تصميم خواهد گرفت.

ماده 27

1. اين کنوانسيون سي روز پس از تاريخ که بيستمين سند تصويب يا الحاق آن نزد دبیرکل ملل متحد به امانت گذارده شد، لازم الاجرا مي گردد.
2. پس از وديعه سپردن بيستمين سند تصويب يا الحاق، براي هر دولتي که اين کنوانسيون را تصويب مي کند يا به آن ملحق مي گردد، کنوانسيون مذکور از سي امين روز تاريخي که سند تصويب يا الحاق آن دولت به امانت گذارده شده لازم الاجرا مي گردد.

ماده 28

1. دبیرکل متحد متن تحفظ کشورها در هنگام تصویب یا الحاق را دریافت نموده و آن را میان کلیه دول توزیع می‌نماید.
2. تحفظاتی که با هدف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد پذیرفته نخواهد شد.
3. تحفظات از طریق تسلیم یادداشتی به دبیرکل متحد در هر زمان قابل پس گرفتن است. نامبرده همه دولت‌ها را از این موضوع مطلع خواهد کرد. لغو تحفظ از روزی که یادداشت دریافت شود معتبر است.

ماده 29

1. هرگونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این کنوانسیون بین دو یا چند دولت عضو که از طریق مذاکره حل نگردد بنا به تقاضای یکی از طرفین به داور یا ارجاع می‌گردد. چنانچه ظرف شش ماه از تاریخ درخواست داور یا طرفین در مورد نحوه و تشکیلات داور یا به توافق نرسند، یکی از طرفین می‌تواند خواستار ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق با اساسنامه دیوان گردد.
2. هر دولت عضو می‌تواند به هنگام امضا یا تصویب این کنوانسیون یا الحاق به آن اعلام کند که خود را موظف به اجرای بند یک این ماده نمی‌داند. دول عضو دیگر در قبال دولتی که به بند یک این ماده اعلام تحفظ نموده است ملزم به اجرای بند اجرای بند اجرای بند اجرای بند اجرای بند اجرای بند اجرای بند اجرای بند اجرای بند اجرای بند اجرای بند نمی‌باشند.
3. هر دولت عضوی که بر طبق بند 2 این ماده اعلام تحفظ نموده باشد می‌تواند در هر زمان از تحفظ خود از طریق اعلام رسمی به دبیرکل متحد طرف‌نظر نماید.

ماده 30

این کنوانسیون که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیولی آن دارای اعتبار یکسان می‌باشند، نزد دبیرکل ملل متحد به امانت گذارده می‌شود.

مأخذ

راهنمای عفو بین الملل، چاپ هفتم نیویورک، 1992، صفحه 127 تا 139.

فرهنگ حقوق سیاه، چاپ ششم، اثر پاول

فرهنگ حقوق بین الملل، نوشته سانتا باربارا، 1987

دایرة المعارف حقوق بشر، نوشته لاسن، محل چاپ: نیویورک.

دایرت المعارف حقوق بین الملل عمومی، نوشته برنهارد، محل چاپ: هالند شمالی.

مرد آزاد، فرهنگ اصطلاحات مربوط به دیپلوماسی، محل چاپ: واشنگتن، طبع مطبعه نهاد صلح ایالات متحده
فرهنگ حقوق بین الملل و دیپلوماسی، اثر دوبرس فیری، محل چاپ: نیویورک.

فرهنگ استعمال جدید حقوقی، چاپ دوم، محل اشاعت: نیویورک، طبع مطبعه آکسیفورد.
فرهنگ اصطلاحات حقوق بشر بین الملل، نوشته لاهام.

فرهنگ لغات اولیه حقوق بشر در سندهای جهانی و بین المللی، محل چاپ: پاریس

فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل، چاپ چهارم، اثر سانتا باربرا.

فرهنگ اصطلاحات حقوق بشر، محل اشاعت: لندن، سال چاپ: 1997.

اصطلاحات حقوق بشر در قانون بین الملل

متن های اسناد حقوق بشر

شورای اروپا. حقوق بشر در قانون بین الملل: متن های ابتدایی، چاپ دوم، طبع مطبعه شورای اروپا. مدیریت حقوق
بشر، 1992.

مرکز سازمان ملل برای حقوق بشر، تالیف سندهای بین المللی، محل اشاعت: نیویورک، سازمان ملل متحد.
دانشگاه مینیسوتا، مرکز حقوق بشر، کتابخانه حقوق بشر (www.umn.edu)

کتاب درسی

خلاصه حقوق بشر بین الملل، چاپ دوم، اثر پاول

معاهده ها، قضیه ها و قانون حقوق بشر بین المللی، قانون بین المللی شهر هاگ، 1997

قانون بین المللی حقوق بشر، سیاست و روند، چاپ دوم، اثر اندیرسن.

حقوق بشر بین المللی، قانون، سیاست و اخلاقیات. طبع مطبعه آکسیفورد.

قوانین برخورد های مسلحانه

کمیته بین المللی صلیب سرخ، کنوانسیون ژینو، 12 اگوست سال 1949.

کمیته بین المللی صلیب سرخ، پروتوکول های ضمیمه شده کنوانسیون های ژینو.

اسناد درباره قوانین جنگ، چاپ دوم، طبع مطبعه کیلیروندون، سال چاپ 1989